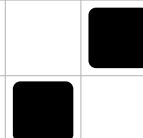




فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس



سال ششم □ شماره بیست و پنجم □ تابستان ۱۳۸۷

صاحب امتیاز	مرکز اسناد دفاع مقدس سپاه (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ)
مدیر مسئول	سرلشکر پاسدار محمدعلی جعفری
معاون مدیر مسئول	دکتر حسین اردستانی
سر دبیر	دکتر فرهاد درویشی
هیأت تحریریه	دکتر غلامعلی رشید (دانشگاه امام حسین ^(ع) ؛ دکتر حسین علایی (دانشگاه امام حسین ^(ع) ؛ دکتر حسین اردستانی (دانشگاه امام حسین ^(ع) ؛ دکتر فرهاد درویشی (دانشگاه بین المللی امام خمینی ^(ع) ؛ حسن رحیم پور ازغدی (عضو شورای انقلاب فرهنگی)؛ دکتر محمود یزدان فام (پژوهشگر مطالعات راهبردی)
مدیر اجرایی	سید مسعود موسوی
ویراستار	فرحناز نعیمی
طرح جلد و صفحه آرایی	سیدعباس امجدزنجانی
حروفچینی	زهرا طالعی
ناظر چاپ	محمد بهروزی
مدیر پشتیبانی	محمد شریعتی
نشانی	تهران، میدان هفت تیر، خیابان مفتاح جنوبی، خیابان شهید ورکش، نبش کوچه برومند، پلاک ۸/۱، تلفن و دورنگار: ۸۸۳۰۷۲۸۲
پست الکترونیکی	neginiran@gmail.com
مرکز فروش	تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، مجتمع ناشران فخر رازی، انتشارات مرکز اسناد دفاع مقدس، تلفن: ۶۶۴۹۷۲۲۷ - ۶۶۴۹۵۵۷۲
قیمت	۱۲۰۰ تومان

مشاوران علمی

- دکتر محسن رضایی (دانشگاه امام حسین^(ع))
- دکتر رحیم صفوی (دانشگاه امام حسین^(ع))
- امیر دریابان علی شمشخانی (مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی)
- دکتر غلامرضا چگینی زاده (دانشگاه علامه طباطبائی)
- دکتر امیر محمد حاجی یوسفی (دانشگاه شهید بهشتی)
- دکتر مصطفی زهرانی (دانشکده روابط بین الملل)
- دکتر کیوان حسینی (دانشگاه فردوسی مشهد)
- دکتر هادی نخعی (دانشگاه امیر کبیر)
- دکتر علی اکبر کجباف (دانشگاه اصفهان)
- سردار سرتیپ پاسدار محمد جعفر اسدی (فرمانده نیروی زمینی سپاه)
- سردار سرتیپ پاسدار قاسم سلیمانی (فرمانده نیروی قدس سپاه)
- سردار سرتیپ پاسدار مرتضی صفار (فرمانده نیروی دریایی سپاه)
- سردار سرتیپ پاسدار حسین سلامی (فرمانده نیروی هوایی سپاه)
- حجة الاسلام تائب (فرمانده نیروی مقاومت سپاه)
- سردار سرتیپ پاسدار جمال آبرومند (رئیس ستاد فرماندهی سپاه)
- سردار سرتیپ پاسدار ایوب سلیمانی (معاونت طرح و برنامه ستاد فرماندهی سپاه)
- سردار سرتیپ پاسدار یعقوب زهدی (معاونت نیروی انسانی و آموزش ستاد فرماندهی سپاه)
- محمد درودیان
- مجید مختاری
- بهاء الدین شیخ الاسلامی
- محسن رخصت طلب

مقاله ها و مطالب درج شده در فصلنامه نگین ایران بیانگر دیدگاه نویسندگان آنهاست.

استفاده از مطالب این فصلنامه با ذکر مأخذ آزاد است.



مرکز اسناد دفاع مقدس

سرمقاله

کچ دکتر فرهاد درویشی

۵

آینده‌نگری و بازدارندگی

مقاله‌ها

کچ دکتر صالح رضایی

۹

رابطه ضرورت‌های نظامی و اصول بشردوستانه در حقوق مخاصمات مسلحانه؛ توازن یا تحدید

کچ فالح جبار
(ترجمه: عسکر قهرمان پور)

۱۵

نسل جنگ در عراق؛ موردی از ملی‌گرایی پدرسالارانه شکست خورده

کچ دکتر حیدرعلی بلوچی

۳۳

کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و پیامدهای استراتژیک آن؛ یک مطالعه تطبیقی

کچ رقیه محمدی

۴۵

تحلیل محتوای اخبار مطبوعات جهان در رابطه با زمینه‌سازی جنگ ایران و عراق

میزگرد

۶۳

بازخوانی عملیات رمضان؛ در گفت‌وگوی اختصاصی فصلنامه نگین ایران با دکتر محسن رضایی

نوآوری و ابتکارات در جنگ

۷۵

جرقه اولیه عملیات در هور؛ ماحصل توقف و بن‌بست در عملیات رمضان

۸۱

انهدام زرهی عراق در شرق بصره؛ تشکیل تیم‌های شکار تانک

اسناد و گزارش‌ها

(ویژه عملیات رمضان)

۸۳

عملیات رمضان؛ شکست تداوم روش‌های شناخته‌شده و طلیعه‌بخش اتخاذ رویکردهای ابتکاری و نوآورانه

کچ علیرضا لطف‌الله زادگان

۸۷

دلایل ورود به خاک عراق؛ پس از آزادسازی خرمشهر

کچ هادی نخعی

۹۵

توجیه نیروهای عمل‌کننده در عملیات رمضان؛ دغدغه اساسی فرمانده سپاه پس از عملیات

۱۰۷

گزیده گزارش نظارتی بر تیپ عاشورا در عملیات رمضان

۱۱۷

مثلی‌ها؛ تاکتیک دفاعی عراق در عملیات رمضان

۱۱۹

عملیات رمضان در آئینه آمار

۱۲۱

عملیات رمضان از نگاه عراق؛ تحلیل نبردهای شرق بصره

۱۳۱

تحلیل درون‌گروهی سازمان منافقین از عملیات رمضان و آینده جنگ

۱۳۳

چگونگی درک ارتش عراق از سپاه و بسیج



باراوایان

شهید محمد گرکانی

۱۳۵

گزارش عملکرد قرارگاه فجر در عملیات رمضان



فصل شمار جنگ

نعمت الله سلیمانی خواه

۱۴۳

تابستان ۱۳۵۹ (مقطع زمینه سازی شروع جنگ)



معرفی و نقد کتاب

دکتر حیدر علی بلوچی

۱۵۳

رابطه مسموم: روابط امریکا - عراق و بمباران شیمیایی حلبچه



اطلاع رسانی

زهرا ابوعلی

۱۵۷

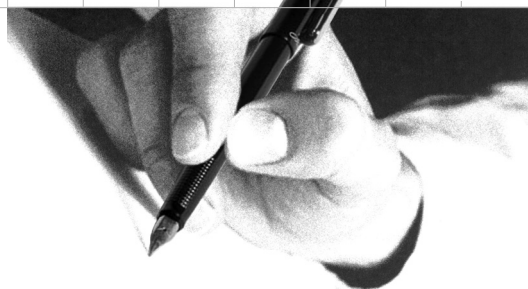
گزارش نشست نقد و بررسی کتاب خرمشهر در جنگ طولانی



جنگ به روایت تصویر

۱۶۷





آینده نگری و بازدارندگی

دکتر فرهاد درویشی

۱. در جهانی که نظم و نظام بین المللی خاصی بر آن حاکم نیست و هر کشوری خودخواهانه به دنبال منافع خویش است، یکی از مسائلی که همواره بایستی ذهن دولتمردان و سیاستگذاران ما را به خود مشغول سازد، طراحی استراتژی آینده کشور است. گرچه آینده را نمی توان کاملاً پیش بینی کرد اما در عین حال، تلاش برای مطالعه و بررسی مسائل آینده، بسیار بهتر از منتظر وقوع آینده نامعلوم ماندن است. بر همین اساس است که اکثر نظام های سیاسی سعی می کنند تا با طراحی یک استراتژی بلندمدت (۲۰ ساله، ۳۰ ساله و ...) دورنمای منافع و اهداف خود را ترسیم نموده و تمامی برنامه ریزی ها و اقدامات بعدی خویش را، در جهت رسیدن به آنها تنظیم کنند.

در جمهوری اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۸۳ سند چشم انداز ۲۰ ساله از سوی مراجع ذیصلاح تهیه، تدوین و به تصویب مقام معظم رهبری رسید. تصویب این سند که حاکی از عزم رهبری و سیاستگذاران کشور به آینده نگری و نظام مند نگریستن به مسائل در عرصه های مختلف بود، امیدواری فراوانی را در آحاد جامعه و خصوصاً مراکز آکادمیک و علمی کشور به وجود آورد. امیدواری به اینکه از این پس، همه استراتژی ها، برنامه ها، سیاست ها و طرح ها، به گونه ای تعریف و طراحی شده و به مرحله اجرا درآیند که ایران را سال به سال به اهداف مندرج در سند چشم انداز، نزدیک و نزدیک تر سازند.

ارزیابی درباره اینکه امیدواری مذکور تا چه اندازه در سطح نظام سیاستگذاری در عرصه های مختلف کشور عملیاتی شده، در حوصله این مقاله نیست اما در عرصه نظامی و دفاعی، از آنجا که به نظر می رسد که شاه بیت استراتژی ها، برنامه ها، سیاست ها و طرح ها در چهارچوب و قالب بازدارندگی تعریف شده است، پرداختن به مقوله بازدارندگی و الزامات آن خالی از فایده نخواهد بود.

۲. روزهای پایانی تابستان هر سال یادآور آغاز جنگ عراق علیه ایران در سال ۱۳۵۹ است. جنگ هشت ساله مذکور هر چند خالق حماسه ها و از خودگذشتگی هایی بود که در تاریخ ملت ایران بی نظیر و یا حداقل کم نظیر بود اما نباید فراموش کرد که علاوه بر آن، خسارات و لطمات فراوانی را اعم از منابع انسانی و مادی نیز بر جامعه ایران وارد کرد که علیرغم گذشت ۲۰ سال از پایان جنگ، زخم های ناشی از آن هنوز التیام نیافته است.

یکی از مهمترین درس هایی که می توان از جنگ ها به طور اعم و جنگ رژیم بعثی عراق علیه ایران بطور اخص فرا گرفت، این نکته اساسی است که چگونه می توان از وقوع یک جنگ ناخواسته جلوگیری به عمل آورد. اینکه نیروهای مسلح کشور همواره باید با پیش بینی بدترین وضعیت، خود را برای مقابله دشمن و یا دشمنان احتمالی آماده سازند و از حداکثر آمادگی برای مقابله با تهدیدات احتمالی برخوردار باشند، امری کاملاً منطقی و عقلایی است و ملت بزرگ

ایران و نیروهای مسلح آن نیز نشان داده اند آنگاه که چاره ای جز جنگیدن ندارند، از هیچ کوششی برای دفاع از خاک و حیثیت خویش فروگذار نمی کنند.

با این وجود، التفات به این دو نکته ضروری است که اولاً چگونه می توان از عملی شدن تهدید دشمن ممانعت به عمل آورد و ثانیاً در صورت ناتوانی در برحذر داشتن دشمن از آغاز حمله به ایران، چگونه می توان از وارد شدن خسارات فراوان به کشور کاسته و هزینه های دشمن را نسبت به دستاوردهایش افزایش داد. پاسخ به هر دو پرسش فوق، البته دارای ماهیتی سیاسی - نظامی است با این تفاوت که در اولی سیاست و در دومی نظامی گری غلبه دارد. کشوری که حاکمیت صلح و آرامش در سطح بین المللی و منطقه ای را بیش از جنگ و ناآرامی تأمین کننده منافع خود می داند، لزوماً به اتخاذ استراتژی ای مبادرت می ورزد که هدف اساسی آن منتفی ساختن و یا حداقل کاهش احتمال وقوع جنگ علیه خود است. در ادبیات استراتژیک و نظامی، این استراتژی، بازدارندگی^۱ نامیده می شود. متأسفانه به میزان رواج این مفهوم در سطح جامعه، به نظر می رسد که درک درستی از معنا و مفهوم واقعی این مفهوم و ابعاد آن، حتی در میان نخبگان تحصیل کرده کشور نیز وجود ندارد.

اگر مراد از مفهوم بازدارندگی، جلوگیری از وقوع تجاوز و جنگ باشد، زمانی می توان بهتر درباره آن اندیشید و به طراحی آن مبادرت ورزید که درک و تحلیل صحیحی از جنگ و علل وقوع آن وجود داشته باشد زیرا وقوع جنگ و جلوگیری از وقوع آن، دو روی یک سکه هستند. به عبارت دیگر، اگر وقوع جنگ را معلول عواملی معین و یا ترکیبی از عوامل و متغیرهای مشخص بدانیم، هر گونه تلاش برای جلوگیری از آن نیز، بایستی دقیقاً به همان عوامل و متغیرها معطوف باشد.

بر این اساس، سیاستگذاران ارشد نظام اگر در شرایط کنونی، استراتژی بازدارندگی را مناسب ترین گزینه برای کشور می دانند، برای توفیق این استراتژی، لاجرم باید صورتبندی دقیقی از عوامل و متغیرهای موثر در وقوع یک جنگ احتمالی علیه کشور داشته باشند. به عبارت دیگر، بایستی برای خود دقیقاً روشن سازند که از دیدگاه آنان، در چه شرایطی و بر اساس چه عواملی، احتمال می دهند که جنگی علیه ایران به وقوع بپیوندد زیرا تنها از طریق جلوگیری از شکل گیری آن عوامل و یا ممانعت به عمل آوردن از ترکیب آن عوامل است که می توان از وقوع جنگ جلوگیری کرد. پذیرش گزاره های فوق به این معناست که به تعداد نظریات موجود در باره علل وقوع جنگ احتمالی در آینده علیه ایران، می توان استراتژی های بازدارندگی را، با مکانیزم های مختلف، طراحی کرده و به مرحله اجرا درآورد. بدیهی است که هر چقدر در بین سیاستگذاران و تصمیم سازان اصلی کشور در این زمینه اتفاق و اجماع نظر بیشتری وجود داشته باشد، طراحی و اجرای استراتژی بازدارندگی با سهولت بیشتری امکانپذیر خواهد بود و این ممکن نیست مگر اینکه سیاستگذاران مذکور بیش از اینکه متکی به برداشت ها و ذهنیات فردی خویش باشند، به تجزیه و تحلیل های کارشناسانه مبتنی بر اطلاعات واقعی، باور داشته و آنها را مبنای تصمیم سازی خویش قرار دهند.

یادداشت حاضر در این شماره کوشید تا به اختصار، نکاتی را درباره ضرورت و اهمیت تأمل درباره مفهوم بازدارندگی، بیان نماید. شرح و تفصیل مطلب را انشاءالله در شماره آتی فصلنامه پی خواهیم گرفت.

نگین ۲۵ در یک نگاه

در این شماره فصلنامه نگین ایران، بخش های قبلی مجله مطالب خاص خودشان را دارند. در بخش مقالات چهار مقاله درج شده است که مقاله نخست به ابعاد حقوقی جنگ ها می پردازد و می کوشد مسأله تعارض اجرای حقوق بشردوستانه در منازعات مسلحانه و ضرورت های نظامی را از ابعاد گوناگون بشکافد. پیشگیری و یا به حداقل ممکن رساندن ضایعات و تلفات انسانی و مالی جنگ ها مهمترین و اصلی ترین هدف حقوق مخاصمات مسلحانه است. در حالی که ضرورت های نظامی پایان یافتن زودتر جنگ ها را توجیه و اصول بشردوستانه شیوه های نبرد و جنگیدن متخاصمین را محدود می کند. سه مقاله بعد به مسایل مربوط به جنگ ایران و عراق می پردازند. مقاله دوم که حاصل

1. Deterrence

تحقیقات میدانی گسترده در مورد نسل عراقی درگیر در جنگ های این کشور با ایران، کویت و آمریکا است، علاوه بر بررسی عوامل انگیزشی مردم عراق برای شرکت در این جنگ ها به آسیب شناسی استراتژی رژیم بعث برای در صحنه نگه داشتن نیروهای درگیر در جنگ و موقعیت این نیروها پس از پایان جنگ پرداخته است. استفاده از سلاح های شیمیایی در جنگ های جهانی اول و دوم و بکارگیری گسترده این سلاح از سوی عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران و خود مردم عراق در مقاله سوم مورد بحث قرار گرفته است. آخرین مقاله به بازتاب وقایع دوره زمینه سازی جنگ ایران و عراق در مطبوعات جهان می پردازد و با بهره گیری از روش تحلیل محتوا و تجزیه و تحلیل آماری داده های بدست آمده، واکنش آنها را در قبال وقایع و رویدادهای این دوره ترسیم می کند.

پرونده ویژه این شماره فصلنامه نگین ایران به عملیات رمضان اختصاص دارد. عملیات رمضان یکی از مهمترین عملیات های دوران جنگ و جداکننده دو مقطع تاریخی در راهبردهای نظامی دو کشور ایران و عراق بود. به همین دلیل این عملیات مورد توجه مورخین و تحلیل گران جنگ ایران و عراق بوده و هست. در مورد این عملیات مطالب زیادی تاکنون به رشته تحریر در آمده و منتشر شده است. با وجود این، ناگفته های زیادی در خصوص این عملیات وجود دارد. بخشی از ناگفته های این عملیات در گفتگوی اختصاصی فصلنامه با فرمانده سپاه پاسداران در آن زمان، دکتر محسن رضایی، تشریح شده است.

در بخش نوآوری و ابتکارات، دو موضوع مورد توجه قرار گرفته است؛ مورد اول در ارتباط با پرونده ویژه این شماره است و به عملیات رمضان و درس های استراتژیک آن در نبرد نیروهای نظامی ایران می پردازد. بن بست در این عملیات به دنبال موفقیت های اولیه آن نقش اساسی در گرایش فرماندهان سپاه به اجرای عملیات های بعدی در منطقه هور داشت. آنها با مشاهده وضعیت به وجود آمده در این عملیات کوشیدند از آن درس لازم را گرفته و به اجرای موفقیت آمیز عملیات دیگر در این منطقه اقدام کنند. اجرای عملیات خیبر و بدر در منطقه جزایر مجنون از نتایج عملیات رمضان بود. اگر بن بست در عملیات رمضان در شرق بصره در سطح عملیاتی به طرح ریزی دو عملیات مهم ایران در منطقه هور منجر شد، در سطح تاکتیکی به نوآوری جدیدی انجامید که در عملیات های بعدی در انهدام نیروهای زرهی دشمن نقش قابل ملاحظه ای ایفا کرد. نوآوری تاکتیکی ایران تشکیل تیم های شکار تانک بود که سند مزبور چگونگی آن را توضیح می دهد.

در بخش اسناد که به طور کامل به عملیات رمضان اختصاص یافته است، ده سند ارائه شده است. در این بخش تلاش شده است که مراحل مختلف عملیات رمضان با استفاده از اسناد و گزارش های موجود تشریح شود. مطلب نخست با اشاره به مراحل گوناگون عملیات، تصویری اجمالی از کلیت عملیات در اختیار خواننده قرار داده و یادآور می شود که ایران برای تأمین اهداف نظامی خود باید در روش های نظامی تغییر ایجاد کند. عملیات رمضان آغاز ورود ایران به خاک عراق بود و عملاً مرحله ای جدید در جنگ ایران و عراق محسوب می شد. دلایل انجام عملیات و ورود ایران به خاک عراق در مقاله آقای لطف الله زادگان تشریح شده است. عملیات رمضان در مراحل پنجگانه خود موفق به تأمین اهداف نشد و این موضوع می توانست در روحیه نیروهای رزومنده تأثیر منفی بگذارد. محسن رضایی در یک آسیب شناسانه در جمع فرماندهان و نیروهای رزومنده سعی دارد از بروز ناامیدی در میان رزمندگان جلوگیری کرده و آنها را به شناخت بهتر و انجام اقدامات موفقیت آمیز تشویق نماید.

عملیات رمضان همانند همه عملیات های دیگر از منظر نیروهای دشمن نیز قابل بررسی و ارزیابی است. اقدامات عراق در این عملیات نقش اساسی در جلوگیری از موفقیت رزمندگان ایران داشت. دو سند بعدی به تحلیل عراق از عملیات رمضان و اقدامات تاکتیکی آن در جلوگیری از پیشروی نیروهای ایرانی اختصاص دارد. سند نخست به درس های عراق از عملیات رمضان می پردازد که توسط ارتش عراق تهیه شده و برای استفاده از نکات آموزنده آن در اختیار یگان های ارتش عراق قرار گرفته است. سند دوم گزارش معاونت اطلاعات عملیات قرارگاه نصر از تاکتیک عراق در ایجاد موانع و مثلی ها در منطقه عملیاتی رمضان است که در عمل نقش مهمی در عدم موفقیت نیروهای ایرانی

داشت. در کنار عراق سازمان منافقین نیز در گزارشی درون گروهی به تحلیل عملیات رمضان می پردازد که نوشته بعدی این مجموعه است.

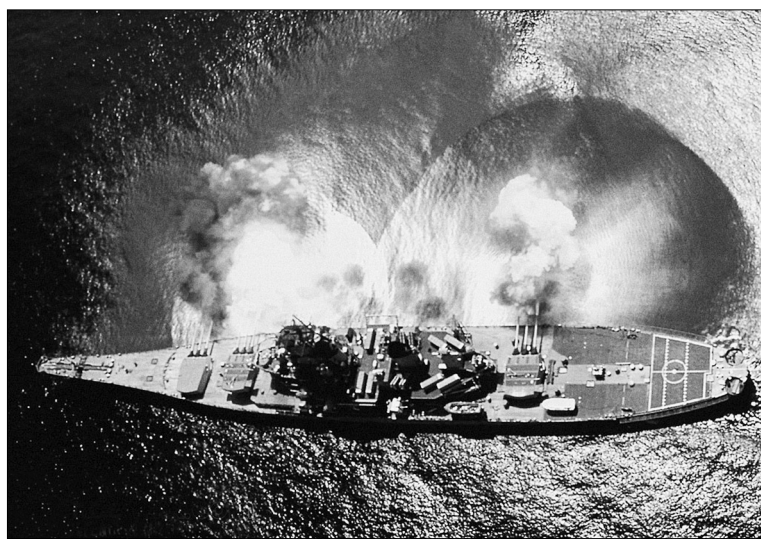
دفتر برنامه ریزی، نظارت و ارزشیابی ستاد مرکزی سپاه در طول جنگ وظیفه بررسی عملکرد یگان های رزمی سپاه را بر عهده داشت. گزارش نظارتی این واحد از عملکرد تیپ ۳۱ عاشورا در عملیات رمضان سند دیگری است که می تواند بخش دیگر از این عملیات را برای خواننده روشن سازد. عملیات رمضان به شیوه آماری نیز قابل ارزیابی است که در سند بعد به آن پرداخته شده است. و بالاخره آخرین سند این بخش به یک سند عراقی اختصاص دارد که میزان شناخت عراق از نیروهای رزمنده بسیجی و سپاهی ایران را در آستانه عملیات رمضان نشان می دهد.

در بخش با راویان مرکز اسناد دفاع مقدس، گزارشی از عملکرد قرارگاه فجر در عملیات رمضان آمده است که بلافاصله بعد از عملیات توسط شهید محمد گرکانی تهیه شده است.

طبق رویه سابق در بخش روزشمار مواضع کشورها و حوادث و رویدادهای مهم جنگ در حوزه های مختلف نظامی و سیاسی در سطوح مختلف داخلی، منطقه ای و بین المللی مورد توجه قرار گرفته و به اطلاع می رسد. در این شماره وقایع مقطع زمینه سازی شروع جنگ تابستان ۱۳۵۹ ارائه شده است.

بخش نقد و معرفی کتاب به بررسی آثار منتشر شده در حوزه جنگ ایران و عراق می پردازد. در این شماره کتابی با عنوان "رابطه مسموم" مورد بررسی قرار گرفته است که کمک های آمریکا به عراق در زمینه سلاح های شیمیایی و بمباران شهر حلبچه را مورد ارزیابی قرار می دهد.

در بخش اطلاع رسانی نیز گزارش نشست نقد و بررسی کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" به خوانندگان ارائه می شود. کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" که یکی از کتاب های مهم منتشر شده از سوی مرکز اسناد دفاع مقدس است، به وقایع خرمشهر در آغاز حمله عراق به ایران در سال ۱۳۵۹ و مقاومت مردم و زرمندگان این شهر در برابر ارتش عراق می پردازد.



قدیمی هند است، ضرورت را به عنوان عذر گناه تصدیق می نماید. در حقوق رم، ضرب المثل «ضرورت، قانون نمی شناسد»^(۱)، بیان کننده پذیرش ضرورت به عنوان عذر گناه در آن سرزمین بوده است. دین اسلام، به عنوان آخرین دین الهی، نیز ضرورت به عنوان عذر گناه را مورد تأیید قرار داده و قاعده فقهی الضرورات تبیح المحذورات^(۲) در نتیجه چنین تأییدی شکل گرفته است.^(۳)

تأسیس حقوقی ضرورت به عرصه حقوق بین الملل و به

روابط بین دولت ها نیز توسعه یافته است.^(۴) حقوق بین الملل مسئولیت دولت ها، تحت شرایطی، حالت ضرورت را رافع عمل خلاف ارتكابی دولت ها دانسته است.^(۵) همین طور، حقوق بین الملل معاهدات در مواردی، استناد به وضعیت های استثنایی و فوق العاده را به عنوان توجیه نقض مقررات معاهدات اجازه داده است.^(۶) ضرورت به عنوان رافع مسئولیت ناشی از عمل خلاف در جنگ ها و درگیری های مسلحانه نیز مورد توجه و پیش بینی قرار گرفته است و حقوق مخاصمات مسلحانه تحت شرایطی ضرورت های نظامی را به عنوان توجیه نقض مقررات، مجاز دانسته است.^(۷) اما اینکه مفهوم ضرورت نظامی چیست و منزلت فعلی آن در حقوق بین الملل مسلحانه چگونه است، موضوعی است که این نوشتار در ادامه به بررسی و تحلیل آنها می پردازد.

گفتار اول) مفهوم ضرورت نظامی و سیر تحول آن در حقوق مخاصمات مسلحانه

جنگ میان ملت ها و گروه ها به عنوان یک واقعیت، قابل انکار نیست. از ۳۴۰۰ سال تاریخ شناخته شده، جهان فقط حدود ۲۵۰ سال را در صلح عمومی به سر برده است.^(۸) حتی بعد از تأسیس سازمان ملل متحد، که رسالت آن پیشگیری از جنگ و برقراری صلح و امنیت در جهان است، ۱۵۰ جنگ

داخلی یا بین المللی به وقوع پیوسته است. اما وجود این واقعیت مانع از آن نشده است که متفکران، دانشمندان و حقوقدانان از اندیشه و تلاش برای محدود کردن حق (اختیار) دولت ها در توسل به مخاصمه و قانونمند و انسانی کردن جنگ ها بازمانده، در صدد تدوین و به اجرا درآوردن قواعد و مقرراتی (حقوق مخاصمات مسلحانه) برای محدود نمودن حق جنگ و انسانی کردن آن بر نیایند.^(۹) از همان ابتدا حقوق جنگ به طور همزمان دو کوشش اساسی را به کار بسته است. این حقوق، از یک طرف سعی نموده است حق دولت ها و ملت ها در توسل به زور و جنگ^۱ را محدود نماید و از طرف دیگر، تلاش کرده است آثار و پیامدهای زیانبار نبردهای مسلحانه را به حداقل ممکن رسانده و شیوه های تخاصم را قانون مند^۲ و انسانی سازد. نظریه ضرورت نظامی و گنجاندن آن در حقوق مخاصمات مسلحانه در راستا و چهارچوب چنین تلاش هایی صورت گرفته است. اساس این نظریه بر این توجیه استوار شده است که جنگ بعد از آغاز باید پایان یابد و این پایان هر اندازه زودتر اتفاق افتد آثار زیانبار آن کمتر و محدودتر خواهد بود. پایان جنگ ها، در نتیجه تحلیل توان نظامی طرفین یا یکی از آنها، در گرو تصدیق و روا داشتن واقعیت ها و ضرورت های نظامی جنگ است.^(۱۰) ضرورت نظامی حق تضعیف و شکست دادن توان نظامی طرفین تخاصم را

1. Necessities non Habet legem

3. Jus ad bellum

4. Jus in Bello

تعریف صریحی از ضرورت نظامی ارائه نداد، لیکن هدف ضرورت نظامی را تأیید نموده و اشعار داشت که: «تنها هدف مشروعی که دولت‌ها باید در جریان جنگ به آن متوسل شوند تضعیف نیروهای نظامی دشمن است». بنابراین «بکارگیری تسلیحاتی که به طور بی‌فایده‌ای موجب تشدید آلام معلولین یا موجب مرگ آنها شده ممنوع می‌باشد. استفاده از این تسلیحات مغایر با حقوق بشریت است.»^(۸۵) در سال ۱۹۰۷، کنوانسیون‌های لاهه عذر ضرورت نظامی را در حد گسترده تری مورد تأیید قرار دادند. در این زمینه، کنوانسیون چهارم اعلام کرد که «تخریب یا ضبط اموال دشمن، به غیر از مواردی که

ضرورت‌های جنگ

ایجاب کند، ممنوع می‌باشد.»^(۸۶)

کنوانسیون یازده لاهه نیز اشعار داشت: «بازرسی کشتی بی‌طرف به استثنای موارد ضرورت مطلق، مجاز نمی‌باشد.»^(۸۷)

اسناد بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم نیز عذر ضرورت نظامی را تأیید کردند.

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) در

موارد متعددی استناد به ضرورت نظامی به عنوان توجیه نادیده گرفتن قواعد و مقررات خود را مورد تصریح قرار دادند. به همین منوال، پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های یاد شده، در مقررات متعدد خود، استناد به توجیه ضرورت نظامی را تصدیق نمودند.^(۸۸) تمام این اسناد توسل به توجیه ضرورت نظامی را در چهارچوب حقوق مخاصمات مسلحانه پذیرفته‌اند و همانند کدلیبر انجام اقدامات و اعمال در پرتو ضرورت نظامی را در صورتی مجاز دانسته‌اند که حقوق مخاصمات آنها را قانونی قلمداد نموده باشد. اما اینکه در تجویز توسل به ضرورت نظامی، حقوق مخاصمات مسلحانه تا چه میزان

توجیه می‌کند و نفی این حق، اطاله جنگ‌ها و گسترده شدن پیامدهای زیانبار آنها را در پی خواهد داشت. برخلاف تصور برخی دولتمردان و حقوقدانان که ضرورت‌های نظامی را پایان اعمال حقوق جنگ و توجیه مطلق تمامی قواعد و مقررات آن توصیف می‌کردند،^(۸۹) حقوق مخاصمات، ضرورت نظامی را مافوق یا جایگزین مقررات خود قلمداد ننموده و اعمال آن را صرفاً در چهارچوب و موارد مشخصی مجاز می‌داند. حقوق مخاصمات مسلحانه ضرورت نظامی را در پی تحولات اواسط قرن نوزدهم مورد توجه قرار داد. نخستین بار در سال ۱۸۶۳، دستورالعمل‌های دولت ایالات متحده برای ارتش‌ها در میدان رزم، معروف به کدلیبر^۲ ضرورت نظامی را مقرر و تعریفی از آن ارائه داد. کدلیبر ضرورت نظامی را اینطور تعریف کرد: «ضرورت نظامی، به نحوی که ملل متحد آن را استنباط می‌کنند، بر ضرورت انجام آن اقداماتی استوار است که لازمه تأمین اهداف جنگ بوده و بر اساس حقوق و رسوم جنگ مدرن قانونی باشد.»^(۹۰)

در این تعریف، که برخی از حقوقدانان منشاء آن را دستورات جنگی پرزیدنت آبراهام لینکلن بر اساس اختیارات قانون اساسی او می‌دانند، توسل به ضرورت نظامی تابع دو محدودیت شده است. نخست آنکه غلبه بر توان نظامی دشمن و شکست آن توسل به یک سلسله اقدامات جنگی و نظامی را اجتناب‌ناپذیر سازد، به نحوی که آن اقدامات تنها راه تضعیف نیروهای نظامی دشمن و پیروزی بر آنها باشد. و دوم اینکه، اقداماتی که لازمه شکست نظامی دشمن است، شامل اعمالی نباشد که انجام آنها منع شده باشد. مقررات بعدی کدلیبر صراحتاً بر این نکته تأکید کرده‌اند که «ضرورت نظامی توسل به ستمگری، تحمیل رنج برای رنج یا انتقام یا اعمال شکنجه برای گرفتن اقرار را تأیید نمی‌کند. ضرورت نظامی استفاده از سم در جنگ‌ها یا تخریب و نابودی خودسرانه را توجیه نمی‌کند و به طور کلی ضرورت نظامی شامل رفتار خصمانه‌ای نمی‌شود که به طور غیرضروری بازگشت به صلح را مشکل می‌سازد.»^(۹۱)

در سال ۱۸۶۸، هرچند که اعلامیه سن پترزبورگ راجع به تقبیح استفاده از سلاح‌های انفجاری در زمان جنگ،

1. Instructions for Governmen of Armies of the United States in the Field

2. Lieber code

مقررات استناد به آن را صراحتاً پیش بینی نموده باشند. وجود این شرایط موجب تحدید اعمال ضرورت نظامی به وسیله اصول و ملاحظات انسانی می شود. اصول و ملاحظاتی که امروزه بخش قابل ملاحظه ای از مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه را تشکیل می دهد. حقوق مخاصمات مسلحانه به دو صورت ضرورت نظامی را به وسیله مقررات انسانی محدود کرده است. در مواردی، این حقوق اجرای مقررات بشر دوستانه خود را تحت هر شرایطی لازم دانسته و ورود هر گونه استثناء، از جمله ضرورت نظامی، را رد نموده است.^(۳۲) به عبارت دیگر، تحت هیچ شرایطی استناد به ضرورت نظامی را اجازه نداده است. در مواردی دیگر، استناد به ضرورت نظامی به عنوان استثنای قاعده مجاز دانسته، اما در عین حال بر رعایت اصول انسان دوستانه تأکید نموده است.^(۳۳) حقوق مخاصمات مسلحانه اصل را بر اجرای مقررات بشر دوستانه مشخص کرده و مورد تصریح واقع شده و در صورت عدم تصریح، قاعده حاکم خواهد بود. حقوق مخاصمات مسلحانه نیز از این حکم تبعیت کرده و اصل را اجرای مقررات انسان دوستانه قرار داده و موارد استثنای ضرورت نظامی را تصریح کرده است. به عنوان مثال، ماده ۱۵ کنوانسیون چهارم لاهه^۲ (۱۹۰۷) اصل را بر حق دریافت تسهیلات از سوی نهادهای امدادی و انسان دوستانه برای انجام مسئولیت هایشان قرار داده و عدم اجرای این حق در موارد ضرورت نظامی را تصریح نموده است. همین طور، کنوانسیون اول ژنو راجع به بهبود سرنوشت مجروحین و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردو کشی، اصل را بر ممنوعیت قتل، شکنجه یا رفتار خلاف انسانی افراد گذاشته و ضرورت نظامی را به عنوان توجیه عدول از این اصل مقرر نموده است.^(۳۴) این اصل استناد به ضرورت نظامی را استثنای اجرای این مقررات پیش بینی نموده است. ضرورت نظامی باید مسلم باشد و در موارد تردید بین وجود و عدم وجود ضرورت نظامی، اصل بر عدم وجود ضرورت نظامی است.^(۳۵) استناد به ضرورت نظامی در چهار چوب چنین قواعد و مقرراتی توجیه پیدامی کند و این بخوبی تأثیر محدود کننده ملاحظات انسانی بر ضرورت نظامی را نشان می دهد.

ملاحظات و اصول انسان دوستانه را رعایت کرده و به بیان دیگر، تعادل و توازن بین ضرورت نظامی و اصول انسانی را برقرار نموده، موضوعی است که گفتار بعد به بررسی آن می پردازد.

گفتار دوم) ضرورت نظامی و اصول انسان دوستانه

تاکنون اشاره شد که اساس حقوق مخاصمات مسلحانه بر ایجاد توازن بین ضرورت های نظامی و ملاحظات انسان دوستانه^۱ استوار شده است.^(۳۶) اما آیا چنین ادعایی صحیح می باشد و آیا می توان رابطه بین ضرورت نظامی و اصول انسان دوستانه را رابطه توازن دانست و مدعی شد که هیچ یک از آنها بر دیگری تقدم و برتری پیدا نمی کند؟ قواعد و مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه موجود چنین ادعا و رابطه ای را تأیید نمی کند. در حقوق مخاصمات مسلحانه رابطه بین ملاحظات انسانی و ضرورات نظامی از یک جهت دیگر رابطه قانون و استثنای

تازمانی که جنگ و پایان جنگ وجود دارد، برتری و تقدم نهایی ضرورت جنگ بر ملاحظات بشر دوستانه نیز وجود خواهد داشت

اجرای قانون است.

۱) رابطه ضرورت نظامی و اصول انسانی رابطه تحدیدی است^۱

ضرورت نظامی، مافوق حقوق مخاصمات مسلحانه نیست بلکه بخشی از این حقوق و جزء عناصر و اجزاء تشکیل دهنده آن محسوب می شود.^(۳۷) همان طور که تاکنون نیز اشاره شد، حقوق مخاصمات مسلحانه استناد یا توسل به ضرورت نظامی به عنوان یک توجیه را به شرطی مجاز دانسته است که اولاً چنین توسلی با هدف شکست توان نظامی دشمن بوده باشد و ثانیاً قانونی بوده و قواعد و

1. Balancing between Military Necessity and Humanitarian Considerations

2. Convention on Laws and Customs of War on Land



۲) رابطه اصول انسانی و ضرورت نظامی، رابطه بین اجرای قانون و استثنای اجرای آن می باشد

مطابق قواعد کلی حقوق، استثنای یک قاعده باید در پروتکل های الحاقی به کنوانسیون های چهارگانه ژنو نیز پیش بینی شده باشد.^(۲۵) علیرغم اینکه حقوق مخاصمات مسلحانه اصل را بر رعایت و اجرای اصول انسان دوستانه قرار داده و ضرورت نظامی را استثنای آن فرض نموده است، با این

وجود، موارد این استثنائات به نسبت بیشتر بوده^(۲۶) و به قول علمای حقوق تخصیص اکثر خورده است. همین طور، با اینکه این حقوق در ملاحظه و یا برقراری توازن بین اصول انسان دوستانه و ضرورت نظامی، اصل را بر رعایت و اجرای این اصول گذاشته، اما در نهایت در موارد تقابل بین این دو، ضرورت نظامی را بر اصول انسانی برتری و تقدم داده است.^(۲۷) چنین تقدم و برتری ای تلاش های چندین ساله حقوق مخاصمات مسلحانه برای انسانی کردن جنگ ها و به حداقل ممکن رساندن آثار زیان بار آن را انکار نمی کند. اما این واقعیت را نیز نفی نمی کند که هنوز ضروریات نظامی جنگ بر هر قانون و ضرورت دیگری، از جمله ضروریات انسان دوستانه برتری می یابد. البته این برتری اجتناب ناپذیر بوده و از واقعیت وجودی جنگ ناشی می شود. پایان جنگ ها چنین برتری ای را توجیه می کند و تا زمانی که جنگ و پایان جنگ وجود دارد، برتری و تقدم نهایی ضرورات جنگ بر ملاحظات بشردوستانه نیز وجود خواهد داشت. همان گونه که جنگ بدون توجه به اصول انسان دوستانه، بربریت و وحشیگری کامل را در پی می آورد، جنگ بدون ضرورت نظامی نیز اصل جنگ را منتفی می سازد.^(۲۸) نوشتار حاضر را با این سخن آقای لوئیس مورنو او کامپو، دادستان فعلی دیوان بین المللی

کیفری لاهه، به پایان می رسانیم:

«حقوق بشردوستانه بین المللی و اساسنامه دیوان بین المللی کیفری، مرگ غیرنظامیان، صرف نظر از میزان و شدت آن را فی نفسه جرم جنگی محسوب نمی کند. حقوق بشردوستانه بین المللی و اساسنامه دیوان به متخاصمین، انجام حملات متناسب علیه اهداف نظامی را اجازه می دهد، حتی اگر مسلم باشد که در نتیجه این حملات تلفات و آسیب هایی نیز بر غیرنظامیان وارد خواهد آمد. ارتکاب یک جرم در صورتی اتفاق می افتد که هدف عملیات به طور مستقیم حمله عامدانه علیه غیرنظامیان باشد. یا حمله صورت گرفته علیه هدف نظامی با آگاهی از این واقعیت باشد که تلفات جانبی وارده بر غیرنظامیان آشکارا نسبت به مزیت نظامی پیش بینی شده بیشتر باشد.»^(۲۹)

یادداشت ها

۱. لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۰، گزینه ۳۲۳۰.
۲. تاجمیری، میرتیمور، فرهنگ عبارات و اشارات حقوقی، تهران: چاپ رویداد، ۱۳۷۷، ص ۱۲۳.
۳. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، بخش جزایی، قم، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۰، ص ۱۲۳.

1. Luis Moreno Ocampo

13. Forrest, Craig Opcit, p. 184
14. Lieber Code, Article 16.
15. Declaration Renouncing the use, in Time of War, of Explosive Projectile Under 400 Grames Weight.
این اعلامیه در ۱۱ دسامبر ۱۸۶۸ تدوین و در همان تاریخ توسط ۲۰ دولت امضاء شد.
16. The Convention, Article 23.
17. The Convention, Article 2.
18. Military Necessity in Conventions and Study Literature, in <http://Horstrand.Net/kandidatuppsatser/Military-Necessity.pdf>.
19. The Handbook of Humanitarian Law in Armed Conflicts, Edited by Dieter Fleck, Oxford University press, 1996, p. 133.
20. Dinstein, Yoram, The Conduct of Hostalities under the Law of International Armed Conflicts, Cambridge university press, 2004, pp. 16 - 17.
21. Second Geneva Convention for Amelioration of The Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea, Article 12.
22. Protocol I Additional (to 1949 Geneva Convention), 1977, Article, 5, (3).
23. Ibid, Article 52 (3).
24. First Geneva Convention For Amelioration of Condition of The Wounded and Sick in Armed Forces in the Field, 1949, Article 50.
25. Protocol I, Article 54 (3); Protocol II, Article, 17(1).
۲۶. در کنوانسیون های چهارگانه ژنو و پروتکل های الحاقی آن نزدیک به ۷۰ مورد استثنایی ضرورت نظامی پیش بینی شده است. ن ک به منبع مندرج در زیرنویس شماره ۱۸.
27. Forrest, Graig, Opcit, p. 219.
28. Dinstein, Yoram, Opcit, pp. 16 - 17.
29. Moreno, Luis, Ocampo, Letter: Public Reply with His Conclusions Allegations of War Crimes During Invasion of Iraq in March 2003.
۴. ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی ایران که از این قاعده فقهی تاثیر پذیرفته است مقرر می دارد: «هر کس هنگام بروز خطر شدید از قبیل آتش سوزی، سیل و طوفان به منظور حفظ جان یا مال خود یا دیگری مرتکب جرمی شود، مجازات نخواهد شد مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکرده و عمل ارتكابی نیز با خطر موجود متناسب بوده و برای رفع آن ضرورت داشته باشد».
5. Bledsoe Robert L. and Boleslaw A. Boczek, The International law Dictionary, Oxford, 1987, pp. 379 - 80.
6. Draft Articles on State Responsibility for Internationally Wrongful Acts International Law Commission, 2001, Art, 25.
7. Vienna Convention on Law of Treaties, 1969, Arts, pp. 61-62.
- این کنوانسیون به طور مشخص ضرورت را به عنوان توجیه نقض مقررات معاهدات مورد تصریح قرار نداده است. با این وجود، مقررات مواد ۶۱ و ۶۲ آن کلیت داشته و می تواند ضرورت را نیز شامل شود. در این زمینه ن ک به:
- Simma, B. "The Work of International Law Commission at its Fifty - First Session", Nordic Journal of International Law, N. 68, 1999 pp. 293 - 361.
8. Dinstein, Yoram, "Military Necessity", Encyclopedia of Public International Law, Vol. 3, 1981, pp. 278 - 9.
۹. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق جنگ، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۰، پیشگفتار، ص ۴.
۱۰. همان، ص ۷۷.
11. Forrest, Craig, "The Doctrine of Military Necessity and Protection of Cultural Property during Armed Conflits", Calicornia Western International Law Journal, Vol. 37, N. 3, Spring 2007 pp. 182 - 186.
۱۲. دکترین نظامی آلمان در قرن نوزدهم بر این باور بود که ضرورت نظامی بر حقوق جنگ مقدم است (geht vor krigsmanier) در جریان محاکمات نورنبرگ پس از جنگ جهانی دوم، دادگاه در موارد متعدد دکترین یاد شده را رد کرده و غیر قابل اعمال دانست. در این زمینه ن ک به:
- Jentry, Bernard "The Difficult Balance between Military Necessity and Unnecessary Suffering", in <http://Pforum.isn.Ethz.Ch>.

موردی از ملی گرایي پدرسالارانه شکست خورده*

مترجم: عسکر قهرمانپور**

چکیده

در این مقاله وضعیت نسل درگیر جنگ عراق در جنگ با جمهوری اسلامی ایران و نیز دو جنگ عراق با آمریکا به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. فالح جبار برای انجام این تحقیق، تحقیقات دامنه دار میدانی را در بین اسرای عراقی حاضر در ایران و همچنین نظامیان عراقی پناهنده به دیگر کشورها انجام داده که حاصل آن مستند کردن تحلیل های ارائه شده به داده های آماری است که در جای جای مقاله مورد استفاده قرار گرفته است. وی در این تحقیق علاوه بر بررسی عوامل انگیزشی مردم عراق برای شرکت در این جنگ ها به آسیب شناسی استراتژی رژیم بعث برای در صحنه نگه داشتن نیروهای درگیر در جنگ و موقعیت این نیروها پس از پایان جنگ پرداخته است.

واژه های کلیدی: تبلیغات، نظامیان، جنگ ایران و عراق، گروه های قومی، گروه های مذهبی.

مقاله حاضر عواملی را بررسی می کند که اهداف سیاسی و اجتماعی و نگرش نسل جنگ را در عراق طی دوران ۹۱-۱۳۸۰ (۷۰-۱۳۵۹ ش) شکل و جهت بخشید. اگرچه عوامل متعدد منطقه ای و بین المللی و نیز عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی داخلی همواره در این شکل دهی دخیل بوده اند، با این حال این عوامل را باید در چهارچوب ملت سازی درک کرد. موضوع مهم اما نه مانع الجمع در این تحقیق، نقشی است که ملی گرایی هم در مقام یک باور رسمی و هم به عنوان

یک احساس عمومی ایفاء می‌کند. منطق اصلی جنگ نیازمند احیای تمام عیار ملی‌گرایی است، ملی‌گرایی‌ای که به مثابه فضای متحدالشکل کردن گروه‌های اجتماعی و منافع و اگرچه در یک اجتماع ملی تک‌لختی عمل می‌کند. این منطق از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا ما در حال بررسی یک جامعه چند قومی، چند مذهبی و چند فرهنگی هستیم که در آن عراق دولتی بوده است که در جستجوی ملیت^۱ بوده تا ملتی که در جستجوی دولت‌مندی^۲ باشد. جنگ ایران و عراق در سپتامبر ۱۳۵۹/۹۸۰ ش بیشتر به عنوان بخشی از

* Faleh A. Jabar, "The War Generation in Iraq: A Case of Failed Etatist Nationalism", in Lawrence G. Potter and G. Sick, ed.; *Iran, Iraq and the Legacies of War*. Macmillan: Palgrave. 2004. p. 101-120.



تلاش‌های ملت‌سازی و نیز با هدف افزایش و تقویت امنیت رژیم آغاز شد. جنگ به مثابه ابزاری برای تقویت و تکوین بیشتر ملی‌گرایی پدرسالار دنبال شد و این تلاش هرچند چالش برانگیز بود، اما در طول جنگ ایران و عراق نسبتاً از موفقیت برخوردار شد.

آنچه در این تحلیل حائز اهمیت است، ماهیت پیچیده خود ملی‌گرایی است که مبتنی بر تمایز مهم میان ملی‌گرایی پدرسالار^۱ و میهن دوستی^۲ عمومی می‌باشد.

مفهوم نسل جنگ؟

مطرح کردن این پرسش که «یک نسل چیست؟» چندان هم بی‌ربط با بحث حاضر نمی‌باشد. واژه «نسل» به عنوان یک مفهوم، دارای ابهام تجربی و مفهومی است. به لحاظ تجربی، این مشکلات از مطالعات ناکافی در حوزه انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی در جامعه عراق ناشی می‌شود.^(۱) در نتیجه، مقوله‌های جامعه‌شناختی نظیر طبقه، لایه، گروه یا اجتماع چندان هم نسبت به مقوله «نسل» عاری از ابهام نیستند. بی‌تردید، این اصطلاحات یا به‌طور تجربی و تقریبی استفاده می‌شوند و یا به‌طور دقیق‌تر در هر تحقیق در معناهای متفاوت به کار می‌روند. برای مثال، یک طبقه چه بسا بر اساس معیارهای اقتصادی در معنای وبری^۳ به عنوان «وضعیت در بازار» و یا در معنای مارکسی به عنوان «روابط مالکیت (داراها و نادارها)» و یا حتی بر اساس صرف درآمد یا هر معیار مالی دیگر تعریف شود. به این ترتیب، مفهوم لایه نیز می‌تواند در معنای اقتصادی یا فرا اقتصادی مشابه به کار رود و مفهوم اجتماع نیز می‌تواند در معناهای فرهنگی درون مرزبندی‌های زمانی - مکانی مشخص تعریف شود. به نظر می‌رسد واژه «نسل» در مقام یک گروه اجتماعی غیررسمی به‌طور کلی اما نه به صورت مانعة‌الجمع، یک مقوله مرزبندی شده زمانی است.

ملی‌گرایی پدرسالار یک ایدئولوژی رسمی عربی است که در خصوص رژیم بعث، شکل اقتدارگرا به خود گرفته بود (لیبرال یا اقتدارگرا بودن خارج از این بحث است). در مقابل، میهن دوستی عمومی، احساس تعلق به یک اجتماع ملی (در اینجا عراق) است که برخاسته از ساز و کارهای ممکن الجمع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌باشد.

ملی‌گرایی پدرسالار چه بسا منتهی به یک همزیستی صلح‌آمیز با میهن دوستی عمومی گردد و چه بسا در برخورد و تقابل با آن قرار گیرد.

در مورد عراق، میهن دوستی عمومی به تدریج از ملی‌گرایی پدرسالار فاصله گرفت و به گرایش‌های متفاوت و کشمکش برانگیزی تبدیل شد. بذره‌های این جدایی در فاصله‌میان دو جنگ شکل بالقوه داشت، اما قبل از پایان و طی جنگ اول خلیج فارس به سال ۱۹۹۱، ۱۳۷۰ ش. به صورت بالفعل درآمد. در واقع این جدایی، بدنه اصلی نسل جنگ را از بین برد و اشکال متعدد بی‌تفاوتی، امتناع یا سازشگری را آشکار ساخت. در نهایت، اکثر آنها در مارس ۱۳۷۰/۱۹۹۱ ش. علیه حکومت خودشان دست به اسلحه بردند و قیام کردند. بخش عمده داستان نسل جنگ که احساس هویت و تعلق خود را از دست داد، از همین جا نشأت می‌گیرد.

1. Etatist Nationalism

2. Popular patriotism

3. Weber

گروهی شان حفظ کند. ساکنان روستایی با روستاهایشان، بادیه نشینان با قبایل خود و ساکنان شهر با همسایگان و به این ترتیب اعضای تعلیم دیده نیز اولویت های ایدئولوژیکی متفاوت و مجزای خود را حفظ می کنند. با این پیش فرض هاست که واژه نسل را به کار می بریم.

چه مرزهایی نسل جنگ در عراق را مشخص می کنند؟ کدام گروه های سنی شامل نسل جنگ می شود و چرا؟

برخلاف ایران، نسلی که در عراق هشت سال با ایران جنگید، مجبور بود با دو جنگ ویران کننده در سال ۱۹۹۱/۱۳۷۰ ش و ۲۰۰۳ ش نیز بجنگد. در

۱۳۸۲ ش نیز بجنگد. در این تحقیق آن گروه های سنی را در نظر گرفته ایم که خدمت نظام وظیفه شان را قبل از آغاز تحصیلات تکمیلی و زندگی پربار، فعال، زناشویی و جدیدشان شروع کردند. طی سال های جنگ، چندین گروه سنی به منطقه جنگی کشیده شدند. آنهایی که در سال ۱۹۷۷/۱۳۵۶ ش چهار سال داشتند، در سال ۱۳۷۰/۱۹۹۱ ش آماده اعزام به خدمت بودند. سن اجباری خدمت نظام وظیفه در عراق ۱۸ سال است؛ تنها دانشجویان هستند که به طور موقت تا زمان پایان تحصیلات دبیرستان یا تحصیلات دانشگاهی شان از خدمت نظام وظیفه معاف می باشند؛ البته به شرط آنکه دو سال متوالی مردود نشوند. برخلاف دانشجویان، کارگران، دهقانان، صنعتگران و پیشه وران (معمولاً نیمه شاغل یا بیکار) باید در سن ۱۸ سالگی به ارتش ملحق می شدند. فارغ التحصیلان نیز هر چه زودتر عازم خدمت می شدند. از همین روی، اصطلاح «نسل جنگ» را در دو معنای زمانی به کار می بریم:

ملی گرایی پدرسالار
یک ایدئولوژی رسمی
عربی است که در
خصوص رژیم بعث،
شکل اقتدارگرا
به خود گرفته بود

به بیانی دیگر، محدودیت های زمانی خاص به دو روش مرزهای نسلی را ترسیم می کنند: از یک سو، زمان فیزیکی، عینی، همگن و تهی که تقویم یا گاهنامه آن را به صورت جهانی سازماندهی می کند و از دیگر سو، در مفهوم دوره بیولوژیکی خود سوژه تعریف می شود. با این وجود، هر دو محدوده زمانی چه بسا به لحاظ مکانی با اجتماعات مدرن مشخص مرزبندی شوند، ملت ها نیز به گونه ای دیگر جهانی شده اند.

بنا به قاعده، به نظر می رسد گروه های اجتماعی کوچک تر از لایه یا طبقه و نیز کمتر رسمی، بسیار متغیر و متنوع باشند. اگر صریح تر بیان کنیم، تراکم این گروه های اجتماعی از عوامل منسجمی نشأت می گیرد که این عوامل برای آنها بیرونی تلقی می شوند؛ به عبارت دیگر، انسجام آنها به عنوان یک گروه حاشیه ای، سست و موقتی است نه ذاتی. همان طوری که همچون نسل ها، گروه های اجتماعی شامل فرولایه، یا فروطبقه یا حتی فرواجتماع می شوند، سطوح نیز گروه های فرا لایه یا فرا طبقه را در بر می گیرند.

زمانی که عوامل تمایزکننده طبقه، قومیت، فرهنگ، جنسیت و آموزش را بررسی می کنیم، ماهیت مبهم هر نسل فرضی نیز خود را به وضوح نشان می دهد و زمانی که مفهوم نسل را در تمام نظام های ملی مدرن بررسی نماییم، تراکم چنین گروه های بزرگی بیشتر نمایان و برجسته می شوند. نظام های آموزشی، دیوان سالاری ها، نیروهای مسلح و رسانه های الکترونیکی، فضاها و ذهنیت های مشترک گروهی را خلق می کنند که بخش های گوناگون گروه های سنی مشخص را گرد هم می آورد. رسانه های جمعی به منزله ابزارهای فضاهای فرهنگی، ذهنیت های گروهی را ایجاد می نمایند.

برخی از این نظام ها، سازمان هایی رسمی هستند که قدرت انضباطی و مراقبتی بر اعضای خود دارند. چنین نظام هایی تمایل دارند همچون کارگزاران قهری جامعه پذیر عمل کنند. سربازان نیز همانند دانش آموزان، طرفداران فوتبال یا موسیقی یا گروه های کوچک کارمندان دولتی، انسجام گروهی خود را شکل می دهند. با این حال، هر نسلی که از هر کدام از این قشرها تشکیل شده باشد چه بسا پیوندهای دیگری را با گروه های قومی یا اجتماعات

جدول ۵.۱) میزان نیروهای مسلح، نیروی کار و نسبت آنها به جمعیت (میلیون)، در ۸۸-۱۹۷۰^(۱)

سال	نیروی کار	نیروهای مسلح	نسبت نیروی کار به نیروی مسلح	جمعیت	نسبت نیروهای مسلح به هر ۱۰۰۰ نفر
۱۹۷۰	۲/۴	۰/۰۶۲	۲/۹	۹/۴	۶/۶
۱۹۷۵	۲/۸	۰/۰۸۲	۲/۹	۱۱/۱	۷/۴
۱۹۸۰	۳/۲	۰/۴۳۰	۱۳/۴	۱۳/۲	۳۲/۶
۱۹۸۵	۴/۲	۰/۷۸۸	۱۸	۱۵/۵	۵۱
۱۹۸۸	۴/۷	۰/۰۰۰	۲۱/۳	۱۷/۶	۵۷

جدول ۵.۲) چهار گروه سنی نسل جنگ بر اساس جنسیت و ریشه های روستایی - شهری برای سال ۱۹۷۷ تقسیم شده است^(۳)

گروه سنی	الف - شهری		ب - روستایی		مجموع
	مردان	زنان	مردان	زنان	الف + ب
۵-۹	۶۳۵۹۱۵	۶۰۰۳۵۰	۴۲۷۶۵۷	۱۸۱۰۳۷	۱۸۴۴۹۵۹
۱۰-۱۴	۵۲۴۸۳۹	۴۷۴۲۴۲	۲۸۹۳۶۵	۳۵۱۵۱۳	۱۵۳۹۹۵۹
۱۵-۱۹	۳۶۸۳۳۸	۳۵۳۲۷۰	۱۱۹۹۶۵	۱۶۸۶۸۵	۱۰۱۰۲۶۱
۲۰-۲۴	۴۱۰۵۹۳	۳۳۳۱۸۲	۱۹۱۷۶۹	۱۸۰۸۳۲	۱۱۱۶۳۷۶
جمع کل	۱۹۳۹۶۸۵	۱۷۶۱۰۴۴	۱۰۲۸۷۵۹	۷۸۲۰۶۷	۵۵۱۱۵۵۵

بنابراین، نسل جنگ تعریف شده می تواند طبق آمار رسمی ۱۳۵۶/۱۹۷۷ ش شامل ۵/۵ میلیون مرد و زن در محیط های شهری و روستایی شود. (به جداول ۵.۲ و ۵.۳ نگاه کنید)

بر اساس آمار رسمی، آنهایی که سن شان میان ۷ و ۲۴ سال بود به چهار گروه سنی طبقه بندی شدند که عبارت بودند:

۱. گروه A، سنین ۵-۹؛

۲. گروه B، سنین ۱۰-۱۴؛

۳. گروه C، سنین ۱۵-۱۹؛ و

۴. گروه D، سنین ۲۰-۲۴.

میزان این گروه های سنی که به عنوان نسل جنگ محسوب می شوند حدود ۵/۵ میلیون از یک ملت ۱۲ میلیونی است. این میزان تقریباً نصف جمعیت دوران قبل از جنگ می باشد. نسبت قشر مرد نسل جنگ به کل جمعیت ۲۵ درصد است.^(۵) این شاخص ها، گستردگی و عمقی را نشان می دهند که نقش این گروه نسلی را در

۱) گروه های سنی جوان که ورای فضای ملی تحت تأثیر جنگ ایران و عراق رشد کردند؛ و
۲) گروه های سنی که قبل از آنکه بتوانند میوه های زندگی جوانی خود را در بزرگسالی بچینند، عازم خدمت نظام وظیفه می شدند.

این دو گروه شامل گروه های سنی متعدد و متوالی است که در زیر به طور مفصل تعریف خواهیم کرد. در حالی که برخی دیگر از گروه های سنی در این تجربه سهمینند، نسل جنگ در مواجهه با این تجربه با بداقبالی روبه رو شد، حال آنکه دیگر گروه های سنی از همان ابتدا آن را به دست

آوردند: خود تحقق بخشی، آموزش، ایجاد اشتغال و تشکیل خانواده و غیره. فضای متفاوتی که این نسل خاص را از دیگر گروه ها جدا می کند، این است که جنگ به مانعی برای رشد طبیعی حرفه ها (مشاغل) در آغاز زندگی فعال و روزمره تبدیل شد.

مرزهای نسل جنگ

همان طور که خاطر نشان شد، آنهایی که بین سال های ۱۳۱۸/۱۹۴۹ ش و ۱۳۴۷/۱۹۶۸ ش به دنیا آمدند، به صورت متوالی وارد خدمت نظام وظیفه شدند تا ستون فقرات نیروهای مسلحی را شکل دهند که به نحو چشمگیری تبدیل به یک ارتش یک میلیونی شد. (نگاه کنید به جدول ۵.۱) همه گروه های سنی بالای ۲۴ سال از خدمت در نظام وظیفه معاف شدند. شاید این امر به نظر اختیاری است اما ملاک و معیار تمایز اوضاع و احوال، چنین معافیتی را اقتضاء می کرد.

جدول ۵.۳) نسبت نسل جوان مذکر به کل جمعیت شهری روستایی در ۱۹۷۷^(۴)

است که به لحاظ آماری به شکل تصادفی انجام گرفته است.

در ایران، یک سری گفت وگوهای ویدئویی با اسرای جنگی عراقی صورت گرفت، اسرایی که مسیحی و از فرقه های مختلف (آشوری، کلدانی) بودند و در یک اردوگاه نظامی در تهران به سر می بردند. گفت وگوهایی نیز با فراریان جوان به طور عمده شیعی صورت گرفت که از عراق فرار کرده بودند تا به خانواده های در تبعیدشان در

مقوله	میزان	درصد (تقریبی)
الف. نسل جوان شهری مذکر	۱۰۹۳۹-۶۸۵	الف و ب = ۴۸۷
ب. کل جمعیت شهری مذکر	۳۹۷۹۵۴۹	الف و ج = ۲۵/۳
ج. کل جمعیت شهری	۷۶۴۶۰۵۴	
الف. نسل جوان روستایی مذکر	۱۰۲۸۷۵۹	الف و ب = ۴۶/۴
ب. کل جمعیت روستایی مذکر	۲۲۰۳۳۴۹	الف و ج = ۲۳/۴
ج. کل جمعیت روستایی	۵۳۵۴۴۴۳	
الف. کل نسل جنگ مذکر	۲۹۶۸۴۴۴	الف و ج = ۲۵
ب. کل نسل جنگ	۵۵۱۱۵۵۵	ب و ج = ۴۸/۴
ج. کل جمعیت	۱۲۰۰۰۴۹۷	

تهران و کرج ملحق شوند.^(۵) طولانی ترین گفت وگوها در سال های ۹۱-۱۹۹۰/۷۰-۱۳۶۹.ش درباره تحلیل شورش های ۹۱-۱۹۹۰/۱۳۷۰.ش و نقش نسل جنگ در این شورش ها بود.^(۶) این گفت وگوها با یک گروه متنوع به لحاظ قومی، دینی، منطقه ای، فرهنگی، آموزشی و جهت گیری سیاسی انجام شد. گفت وگوهای متفرقه در سال های بعد در اروپای غربی، ایالات متحده و اردن با عراقی های در تبعید یا مهاجر را نیز می توان به فهرست بالا اضافه کرد. همان طوری که بیشتر بحث شد، بیشتر گفت وگوها به نسل جنگ اختصاص داشت.

نمونه های تصادفی افراد نظامی و غیرنظامی بین سنین ۲۴ و ۴۲ سال بود (سال ۱۹۹۱/۱۳۷۰.ش سال پایه است). برخی افراد به طور کامل و دقیق و برخی ناقص گفت وگو می کردند. در حالی که برخی نیز چندان به طور دقیق مصاحبه نمی کردند. مصاحبه های خاص به لحاظ دامنه و ماهیت محدود بودند و چه بسا در حد «محاورة یا مکالمه» قرار داشتند. هدف از این تحقیق، مشخص کردن رویکرد به جنگ، کشف عوامل و رای چنین رویکردی و ایجاد یک تصویر جامعه شناختی می باشد.

به طور کلی، محدودیت دیگر این بود که مصاحبه کنندگان، مردان تحصیل کرده ای بودند که

جنگ مشخص می کند. البته رشد و میزان نیروهای مسلح قبل، طی و بعد از جنگ را نیز باید به این شاخص ها افزود. (به جدول ۵.۱ نگاه کنید)

سه میلیون قشر مرد نسل جنگ مورد بحث، نیروی اصلی جنگی محسوب می شد که بالا جبار تلفات جنگ را بر دوش می کشید. با بسیج همگانی، گروه های سنی پیر نیز به میدان نبرد فراخوانده شدند، اما این گروه سنی در مقایسه با نسل جنگی که تعریف کردیم، بخش کوچتری را تشکیل می داد. البته، تجربه جنگ به طور مساوی میان قشرهای متعدد یکسان نبود: دهقانان روستایی در مقایسه با ساکنان شهری تحصیل کرده یا کردها که در مقایسه با عرب ها بخش اعظم آنها از خدمات نظام وظیفه معاف بودند. دیگر شکاف های قومی، قبیله ای یا حتی ایدئولوژیک نیز در چنین متغیرهایی مهم بود.

محدودیت های تجربی و مشکلات مفهومی

تحلیل حاضر به طور عمده مبتنی بر گفت وگوی طولانی با گروه های سربازان عراقی جوان، سربازان فراری، اسرای جنگی و کهنه کاران جنگی در نقاط مختلف از سال ۱۳۶۱/۱۹۸۲.ش (در ایران) تا ۹۱-۱۹۹۰/۷۰-۱۳۶۹.ش در اروپای غربی و نیز طی سال های ۹۸-۱۹۹۴/۷۸-۱۳۷۳.ش

جدول (۵.۴) تولید ناخالص ملی کلی و تولید ناخالص ملی سرانه در
قیمت های ثابت ۱۹۸۰؛ ۹۳-۱۹۷۰^(۸)

سال	تولید ناخالص ملی (میلیارد دلار)	تولید ناخالص ملی سرانه (دلار)
۱۹۵۰	۳/۴	۶۵۴
۱۹۶۰	۸/۷	۱۰۸۵
۱۹۷۰	۱۶/۴	۱۷۵۴
۱۹۷۵	۳۰/۰	۲۷۰۳
۱۹۸۰	۵۳/۹	۴۰۸۳
۱۹۸۲	۴۲/۸	۳۰۳۵
۱۹۸۴	۳۵/۱	۲۲۷۹
۱۹۸۶	۲۹/۱	۱۷۶۴
۱۹۸۸	۳۰/۹	۱۷۵۶
۱۹۹۰	۱۶/۴	۸۶۸
۱۹۹۲	۱۱/۱	۵۵۵
۱۹۹۳	۱۰/۰	۴۸۵

جنگی

در طول یک دهه، عراق درگیر دو جنگ بزرگ شد که در آن یک نسل به طور کامل گرفتار بدبختی و مصیبت گردید. هر دو جنگ و شورش هایی که بعد از سال ۱۳۷۰/۱۹۹۱ ش به وجود آمدند، باعث ایجاد وحشت بی سابقه ای شد و عراق را به یک کشور منزوی، پاره پاره و فقیر تبدیل کرد. نسل جنگ هزینه سنگینی را پرداخت. این نسل فشار اصلی تلفات را در جبهه جنگ متحمل شد و از مخاطرات شورش و قیام رنج برد و گرفتار خشونت شورش در هر دو طرف شکاف ملی شد.

مطرح کردن این پرسش که چرا این جنگ ها به راه انداخته شدند در خور بحث و تأمل زیادی است. فرضیه کلی این است که این جنگ ها به دلیل جاه طلبی های منطقه ای نخبگان حاکم عراق آغاز شد. به طور کلی جنگ نخست با انگیزه نابودی یک تهدید منطقه ای (انقلاب اسلامی ایران) صورت گرفت و در نتیجه عراق چونان قهرمان جهان عرب ظهور کرد تا خلا ایجاد شده بر اثر سرنگونی جمال عبدالناصر مصر را پر کند.^(۹) هدف جنگ دوم، جبران کردن تأثیرات منفی ناشی از جنگ نخست بود. عراق به وجود آمده از جنگ ایران-عراق، یک قدرت نظامی سرسخت و چهارمین ارتش بزرگ دنیا به لحاظ میزان ماشین نظامی اش و حجم سخت افزارهای نظامی (نه به لحاظ کیفی) بود. در مقابل، کویت به دنبال ایجاد یک قدرت اقتصادی بود تا خود را با قدرت نظامی عراق تطبیق دهد.

دو جنگی که توسط عراق صورت گرفت حاصل ترکیبی از پدیده های بین المللی، منطقه ای و داخلی بود که مهمترین آن به پویایی های داخلی خود عراق برمی گردد.^(۱۰) به رغم عوامل منطقه ای، پویایی های داخلی عراق سرچشمه ای بود که چنین جاه طلبی های

لایه های متوسط شهری و متوسط به پایین را تشکیل می دادند، محدودیتی که شاید مانع بازنمایی دقیق تر مناطق روستایی شود. آنهایی که ریشه های روستایی داشتند، کم بودند و تک تک این اعضا، اهمیت واقعی خود را در نسل جنگ یا در نیروهای مسلح پیدا نکردند. (به جدول ۵.۲ نگاه کنید) این گروه، شامل شماری از ستیزه جویان متعهد، چپ گرایان، کردهای ملی گرا، اسلام گرایان و تا حد زیادی اعضای حزب حاکم بعث بودند، اما شمار افراد غیرمتعهد عملاً کم بود. زمانی که واقعیت های دهه هفتاد در عراق مورد بررسی دقیق قرار می گیرد، اهمیت چنین شمار اندک افراد «غیرمتعهد» روشن می شود. مبارزه برای بعثی کردن در اوج خود قرار داشت و حزب بعث جایگاه خود را در گام های بلند، به طور عمده میان جوانان و تحصیل کرده ها که بسیج اجتماعی آنها به حزب وابسته بود، گسترش داد. (به جدول ۵.۵ نگاه کنید) متأسفانه، مصاحبه کنندگان، یک گروه منحصرأ مذكر بودند. از این روی، اشاره به نسل جنگ در این مقاله اشاره به یک نیروی جنگی مذكر در یک امر مذكر محور و در یک جامعه مذكر محور است.^(۹)

جدول ۵.۵) رشد لایه متوسط حقوق بگیر و مالک شهری، ۱۹۵۸-۸۷

سال	درصد لایه متوسط نسبت به جمعیت شهری
۱۹۵۸	۲۸
۱۹۶۸	۳۴
۱۹۸۷	۴۸

منطقه ای و بزرگ از آنجا برمی خاست. جنگ نه تنها ابزاری برای توسعه و گسترش بیرونی بلکه ابزاری منسجم برای ملت سازی و امنیت رژیم بعث بود.^(۱۲) هیچ پدیده ای نمی تواند به اندازه جنگ مشروعیت دولت را در هم بریزد یا مشروعیتش را بسازد. جنگ به عنوان یک نظام حاکم و نماینده یک اجتماع ملی می تواند شور ملی گرایی را به مثابه ایدئولوژی و همینطور جنبش اجتماعی تقویت کرده و یا از بین ببرد.

حزب حاکم بعث یک الگوی اقتدارگرای منحصر به فرد را انتخاب کرد و یک حکومت تمامیت خواه تلقی می شد. این حزب خود را در یک شکل دولتی - مردمی، سوسیالیسم ملی گرایی با اقتصاد دستوری، رانتیر دولتی و نظام تک حزبی تثبیت نمود. از یک طرف چنین نظام هژمونیکی با پشتوانه درآمدهای روزافزون نفت توانست رضایت بخش اعظم مردم را از طریق گسترش خدمات اجتماعی آزاد (نظیر آموزش و مراقبت بهداشت ملی) یا بازتوزیع درآمد ملی به نفع بسیج بزرگترین طبقه اجتماعی، لایه های متوسط و متوسط به پایین را جلب کند. از طرف دیگر، چنین نظام هژمونیکی می توانست از طریق دستگاههای امنیتی رعب انگیز، کنترل را بر جامعه بیشتر نماید. تمامیت خواهی «جدید» و نظام تک حزبی در ارتقای بخش صنعتی دولت محور، مدرنیزه کردن و توسعه خدمات اجتماعی، کاهش بیکاری و ارائه فرصت های بهتر برای افزایش طبقات متوسط موفق شد، طوری که طبقات متوسط در سال ۱۳۴۷/۱۹۶۸.ش از ۳۴ درصد جمعیت شهری به بیش از ۵۰ درصد در سال ۱۳۵۹/۱۹۸۰.ش رسید.^(۱۳) رفاه عمومی و پیشرفت در توسعه اقتصادی و اجتماعی در عمل محسوس بود.

رژیم تمامیت خواه بر اساس ماهیتی که دارد به انحصاری کردن حوزه سیاسی و اعمال یک ایدئولوژی یگانه متمایل است که با یک جامعه چندفرهنگی، چندقومی در تضاد و مغایرت است. چنین یگانگی ای موجب محرومیت سیاسی، مشارکت اقتصادی نامتوازن مناطق و بخش های اجتماعی، همگونی قومی، سلطه فرهنگی و اقدامات اجباری دولتی به منظور هژمون کردن هر فضای خودمختار کنش اجتماعی و فرهنگی شد. این اجبار هژمونیک فرایندهای همگرایی ملی و روندهای مخالف را آشفته نمود.^(۱۴)

پیش از آغاز جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۵۹/۱۹۸۰.ش، عراق به لحاظ اقتصادی با ثبات و به لحاظ نظامی قدرتمند به نظر می رسید و از سوی دیگر، به لحاظ ثبات سیاسی ناامن و سست بود.

واقعیت این است که بین سال های ۱۳۵۴/۱۹۷۵.ش و ۱۳۵۸/۱۹۷۹.ش، سرویس های امنیتی تلاش کردند، کردهای ملی گرای فعال یا شبکه ها و سازمان های کمونیست را حذف کنند؛ اما اکنون با چالش جدیدی روبه رو بودند: اسلام سیاسی شیعی که از سال ۱۳۴۹/۱۹۷۰.ش خیلی فعال بود، با بازگشت پیروزمندان امام خمینی (ره) به تهران در فوریه ۱۹۷۹/۱۳۵۸.ش، همانند یک جنبش شیعی و ضد بعث بزرگ ظهور کرد. در این برهه از مقطع زمانی، حزب بعث گرفتار یک دودستگی شدید رهبری شد. تغییراتی در کابینه دولت صورت گرفت؛ احمد حسن البکر، رئیس جمهور مریض احوال، جای خود را به صدام، رئیس جمهور جدید، داد و به این ترتیب صدام با تصفیه کردن ۲۱ شخصیت اصلی حزب، پایگاه قدرت خود را تثبیت نمود. عراق در این زمان از تجدید رابطه با سوریه به سمت ستیزه جویی با ایران حرکت کرد.^(۱۵) او با یک یورش گسترده بر ضد فعالان شیعی، شبکه های گروه های شیعی و الدعوة را از بین برد. آیت الله محمدباقر صدر اعدام شد و جنگ با ایران در شرف وقوع بود. ایران که گرفتار آشوب های داخلی بود طعمه راحتی به نظر می رسید و جنگ، نمونه کلاسیک دیگری از یک جنگ برق آسای موفق بود.

عراق، جنگ را با اهداف کلی آغاز کرد، اهدافی که ادعاهای سیاسی و سرزمینی اعراب و عراق را به هم پیوند می داد: در واقع هدف عراق کنترل بر شط العرب و دیگر

منطقه‌ای در قبال عراق تغییر یافت. هم ایالات متحده و هم اتحاد جماهیر شوروی هر دو حامی عراق بودند حتی اروپای غربی، کشورهای حومه خلیج فارس، کشورهای عرب افراطی به استثنای سوریه از عراق حمایت کردند.

مشروعیت جنگ در چشم سربازان تقویت شد، سربازانی که در عقب‌نشینی از خاک ایران احساس آرامش بیشتری می‌کردند و صلح برای آنها یک امید واقع‌بینانه‌ای به نظر می‌رسید، هرچند قریب‌الوقوع نبود. بی‌وقفه اما به تدریج جنگ بر ضد ایران در اذهان همه سربازان عراقی به منزله یک تهاجم ایرانی نقش بست، جنگی که محرک آن تعصب دینی و هدف آن برقراری یک حکومت دین‌سالار در عراق بر اساس الگوی ایرانی بود (در گفت‌وگو با اسرا). ماهیت تهاجم ایران، نیت آشکار ایران برای صادر کردن تفسیری از اسلام افراطی شیعی و روند داخلی درون ایران در قبال یک روحانی سالاری اقتدارگرا، همدردی عمومی با انقلاب ایران، به عنوان پادزهری برای رژیم حامی غرب و مستبد شاه‌راه از بین برد. هر [قدر این تهدید بزرگ‌تر می‌شد، حس وطن‌دوستی عراقی‌ها به ملی‌گرایی پدرسالاری نزدیک‌تر می‌گشت. روند گذشته تسلیم، اکنون در میان سربازان کم‌رنگ شده و شکاف‌های درونی گروه‌های اپوزیسیون بیشتر شده بود. یک احساس مشابه از تهدید ملی نیز ظاهراً باعث اختلاف میان گروه‌های مخالف در تبعید و در کوه‌ها شد.^(۸)

البته، توصیف احساسات نسل جنگ در حرکت از شور اولیه به سمت ناامیدی و بازگشت به وطن‌دوستی شدید، تصویری بسیار ساده خواهد بود. در همه مراحل یک جریان ثابتی از آنتی‌تز وجود داشت. برای مثال، جریان فرار از خدمت هرگز در هیچ مرحله‌ای متوقف نشد و با جنگ نیز مخالفت فعال یا منفعلی نشد. حتی احساسات مختلط میان برخی شیفتگان عاشق جنگ هرگز نتوانست ذهن و روح سربازان را آشفته سازد.

چند مورد مثال نقل می‌کنم: شماری از فراریان در لجن‌زارها یا مناطق روستایی دور مخفی شده بودند که تعداد آنها بر اساس تخمین‌ها ۴۰ الی ۵۰ هزار نفر بود؛ بخش دیگری (به‌طور کلی مسیحیان، کردها، شیعیان و چپ‌ها) بالغ بر ده‌ها هزار نفر تلاش کردند به کشوری فرار کنند و در تبعید زندگی نمایند؛ شمار فراریان شیعی مبارز در سپاه بدر که ایران از آن

سرزمین‌ها و نیز کوتاه کردن دست ایران از سه جزیره خلیج فارس (تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی) بود.^(۹) جنگ برق‌آسا هشت سال طول کشید. در اولین مرحله، عراق در اشغال بخش‌هایی از سرزمین ایران موفق شد و توانست بر نیروهای مسلح ایران تفوق یابد. به‌درازا کشیدن جنگ باعث شد بسیج بخش‌های گسترده نسل جوان و نیروهای ذخیره ضروری گردد. تعداد زیادی از کسانی که خود را به دست رژیم بعث و ایدئولوژی آن سپرده بودند، توأم با بخش اعظم اعراب، باعث حمایت تردیدناپذیر و غرور در قدرت نظامی عراق شده بودند.

زمانی که جنگ علیه سرزمین ایران بی‌وقفه ادامه داشت، اشتیاق نسل جنگ

تضعیف شد و احساس ناامیدی به تدریج جای آن را گرفت. تسلیم داوطلبانه به دشمن به طرز هشدار دهنده‌ای افزایش یافت. اسرای جنگی عراقی در گفت‌وگوهای در سال ۱۳۶۱/۱۹۸۲، ش. تأیید کردند که این روند تسلیم داوطلبانه در طی دومین سال جنگ هر روز در حال افزایش بود و بر اساس گزارش‌های کمیساریای

سیاسی، حکام عراق به این روند نام «دسیسه و توطئه خائنانه» اطلاق می‌کردند، واژه‌ای که معمولاً کنایه از نفوذ کمونیستی و اسلامگرایی شیعی بود (گفت‌وگوها). در ۲۰ ژوئن ۱۹۸۲/۱۳۶۱، ش. عراق رسماً عقب‌نشینی از سرزمین‌های ایرانی را اعلام کرد.^(۱۰)

طی دومین مرحله جنگ که بیش از شش سال طول کشید (از مه ۱۳۶۱/۱۹۸۲، ش. تا جولای ۱۳۶۷/۱۹۸۸، ش.) تلاش‌های جنگ عراق یا به‌طور عمده شکل تدافعی داشت؛ یا به شکل جنگ زمینی در بصره، اماره و جبهه‌های مارش، جنگ نفتکش‌ها و یا به اصطلاح صورت جنگ شهری داشت. این تغییر جهت، ماهیت جنگ را عوض کرد؛ طوری که حداقل به لحاظ رسمی رویکردهای بین‌المللی و

نسل جنگ هزینه سنگینی را

پرداخت، این نسل فشار

اصلی تلفات را در جنگ

متحمل شد و از مخاطرات

شورش و قیام رنج برد و

گرفتار خشونت شورش در

هر دو طرف شکاف ملی شد

جدول ۵.۶) نسبت تخمینی طبقات و لایه های متوسط، کارگر و حاشیه ای به جمعیت شهری (۱۹۸۷)

طبقات	؟؟؟
متوسط	۴۸
کارگر	۳۳
حاشیه ای	۸۴

برای تزریق و القای این ایده ها از نمایش نامه ها، رمان ها، نقاشی ها و مجسمه سازی ها استفاده می کردند. تغییر از عربیسم محض به میهن دوستی عراقی با این ادبیات و مصنوعات هنری ترسیم می شد. گام های عراق برای حرکت به جلو اکنون چیزی جز شعار نبود.^(۳۳)

آهنگ های فولکوریک و شعرهای ملی عرب برای طبقه دهقان روستایی طراحی و سروده شد، طبقه ای که بیسوادی و بی رغبتی برای تولیدات مدرن، آنها را از دیگر اشکال فرهیخته هنر و ادبیات که اکنون در خدمت جنگ قرار گرفته بود، بیگانه کرده بود. جوایز سالانه با سخاوتمندی زیاد به آثار هنری تعلق می گرفت و جشنواره های زیادی برای داستان های جنگ و شعر جنگ برگزار می شد. شعرای ملی که زمانی از به کار بردن لهجه های محلی بیزار بودند و اصطلاحات فاخر عربی را ترجیح می دادند، اکنون برای شرکت در جشنواره ها مدام دعوت می شدند و اشعار فولکوریک یا به اصطلاح زبان عربی، اشعار هوزا (گریه قبیله ای جنگ) را می سرودند و آثاری در این زمینه چاپ می کردند. حتی خود رئیس جمهور شخصاً بسیاری از آنها را با نشان های افتخار زینت می داد. شورای ملی علاوه بر اعطای جوایز نقدی، تفنگ سبک نیز به عنوان نماد افتخار نظامی مدرن و مرد قبیله ای سنتی اهداء می کرد.^(۳۴)

شیعی گری مدتهاست که بخش لایفک خود آگاهی ملی ایرانیان شده بود و تبلیغات جنگ ایران با نمادهای اسلام شیعی نشان داده می شده است. از این روی استفاده از نمادهای شیعی و ملی گرایی موضوع اصلی بود. این تبلیغات، رژیم بعث را با زبان دینی توصیف می کرد و به عبارتی، صدام را به عنوان یزید یعنی قاتل امام حسین (ع) یا به عنوان حکومت سکولار ضد دین و دشمن اسلام معرفی می نمود. تصویر امام حسین (ع) به عنوان یک شیعه و نماد مشروع یک حقیقت بود که از جانب خدا

حمایت می کرد، به بیش از ۱۰ هزار نفر رسید و نیروهای چریکی کمونیست که در کوهها می جنگیدند، بیش از ۴ هزار مبارز بود، در حالی که مبارزان ملی گرای کرد حتی زیاد بودند و به ۲۰ الی ۳۰ هزار نفر می رسید.^(۳۵) و اینها به طور عمده از همان نسل جوان مبارز در جبهه بودند. روند مشابهی نیز در ایران قابل مشاهده بود: مجاهدین خلق در سمت دیگر خط جبهه می جنگیدند و دهها هزار جوان ایرانی با هر گرایش ایدئولوژیک و اجتماعی به دنبال پناهندگی در غرب بودند.

اگر به دقت بنگریم، وفاداری های تقسیم شده در همه زمان ها معمول بود، اما خط ظریفی که این شکاف ها را از هم جدا می کند، تغییر می یافت و گاهی هم پوشانی داشتند. تنها نتیجه ای که می توان اضافه کرد این است که روند وطن دوستی در میان نسل جنگ طی مرحله اول و نیز طی دومین مرحله جنگ ایران و عراق غالب بود؛ ولو اینکه با ترکیبی از انتظارات بزرگ برای صلح و رفاه و نگرانی و ترس از آسیب آکنده باشد.

هنر، ادبیات و جنگ

در طول جنگ، روند تلاش برای ایجاد یک فضای فرهنگی متحد برای گروه های فرهنگی، دینی و قومی دوچندان شد. توأم با مفهوم ملت عرب، یک نوع ملی گرایی با شکل عراقی در اواسط سال های هفتاد شکل گرفت تا با واقعیت های عراقی بهتر تطبیق یابد. ملی گرایی جدید عراقی از مولفه های مدرن، اسلامی و پیشااسلامی متفاوت ساخته شده بود. اسطوره ها و نمادهای تاریخی از سومریان، آشوریان و بابلیان باستان در کنار این ملی گرایی جدید قرار گرفت.^(۳۶) نمادهای اسلامی همچون امامان شیعی یا رهبران کرد مسلمان برای مثال صلاح الدین ایوبی در دل ساخت ملی گرایی عراقی قرار گرفتند. هدف از همه اینها انتقال یک حس وحدت ملی و اعطای احساس عمیق تاریخی به دولت - ملت عراقی مدرنی بود که شکاف دینی و قومی را نادیده می گرفت. نیاز برای به کارگیری کردها در جبهه جنگ یا جلوگیری از هر اتحاد قومی متصور یا ممکن میان شیعیان عراق و ایران، این محرکه را بیشتر تقویت کرد.

جنگ لقب قادسیه گرفت، نامی که بعد از اولین حمله مسلمانان به ساسانیان به وجود آمد؛ یعنی امپراتور پارس در قرن هفتم در خاکی که در قرن بیستم نام عراق را به خود گرفت.^(۳۷)

جدول ۵.۷) افزایش عضویت در حزب بعث، ۸۰-۱۹۶۸

سال	عضویت کامل	نامزدها و مردم عادی
۱۹۶۸	۱۰۰-۲۰۰	
۱۹۷۶	۱۰۰۰۰	۵۰۰/۰۰۰
۱۹۸۱	۲۵۰۰۰	۱۵۰۰/۰۰۰
۱۹۸۸		۱۸۰۰/۰۰۰

- این مقوله به سه مقوله تقسیم می‌شود: مبارزان اول، مبارزان دوم و نامزد عضویت، در واقع این سه مقوله رami توان اعضای جدید اطلاق کرد، درست همانند دیگر سازمان‌های سیاسی.

- برخی تخمین‌ها اعضای کامل و نامزدها را شاخص ۵۰۰-۴۰۰ اعلام می‌کنند.

- این میزان شاخص کلی هر دو مقوله حزب است که در سال ۱۹۸۸ طاهایاسین رمضان آن را نقل کرد.

دستور داشت بازید بجنگد. در مقابل، تبلیغات جنگ در عراق نیز متمرکز بر عراقیسم در جنبه‌های مدرن، اسلامی و پیشااسلامی مختلفش بود، زیرا هدف آن افترازدن به ایرانیان به دلایل دینی-قومی بود و از این رو از واژه‌های فارسی محسوس یعنی فارس‌های غیرمسلمان استفاده می‌کردند. در حالی که هدف تبلیغات ایران پیروزی بر هم‌دینان خود یعنی شیعیان در عراق بود، تلاش‌های رسانه‌های عراقی بر جدا کردن هر گونه پیوند و رابطه ممکن بین شیعیان و ایجاد یک فضای فرهنگی بزرگ که گروه‌های دینی و قومی متعدد را متحد کند، متمرکز بود. یک شکاف قومی میان شیعیان ایران و عراق وجود داشت؛^(۳۳) شکافی که اکنون مورد تأکید بود، موضوعی کهنه بود، و چیز جدیدی نبود.

شکاف بزرگ

ماهیت دقیق و شکننده وطن‌دوستی عمومی عراق در تمایز فاحش با ماهیت تقریباً تک‌لختی ملی‌گرایی پدرسالارانه یک رژیم اقتدارگرا قرار دارد. ملی‌گرایی، را صرفاً ساخت فکری یک ایدئولوژی با حرکت اجتماعی صرف نیست، بلکه یک فضای فرهنگی است که در آن تاریخ، دین، فرهنگ و جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی، بخش مهم این فضا را تشکیل می‌دهند. جدا از محرز بودن این مسأله، این فضا یک فضای پیچیده‌ای است که سیال و بی‌ثبات است.^(۳۵)

اگر اتحاد قوی بین ملی‌گرایی پدرسالار و وطن‌دوستی عمومی در طی جنگ ایران و عراق بدیهی و روشن بود، بر خورد آنها در طی و بعد از جنگ خلیج فارس نیز در ۹۱-۱۹۹۰ (۷۰-۱۳۶۹ ش.) بارز بود. اما در نهایت آنها چگونه و چرا از هم فاصله گرفتند و برخورد کردند؟ نسل جوان جنگ که بر اساس ایدئولوژی سوسیالیسم ملی‌گرا شکل یافته بودند و چشم‌انداز سریع به سمت بسیج اجتماعی آنان را برانگیخت، دل به امید رونق و شکوفایی نفتی در اواسط دهه ۱۹۷۰/۱۳۵۰ ش. بستند و به دنبال تضمین سهم‌شان در مشاغل دولتی و خدمات آزاد بودند. بخش اعظم این نسل عضو مقامات حزب بعث شدند که در سال ۱۳۴۸/۱۹۶۸ ش. به سرعت از یکصد عضو به ۱/۸ میلیون عضو و نامزد عضویت در دهه ۱۹۸۰/۱۳۶۰ ش. افزایش یافت. (به جدول ۵.۷ نگاه کنید) تجارب تلخ آنها در جبهه‌های جنگ، زخم‌های عمیقی در روح و روان نسل جنگ بر جای گذاشته بود. در سال آخر جنگ، فشارهای

منفی نشأت گرفته از طولانی شدن خصومت‌ها، به نظر می‌رسید حداقل تاحدی از معنای تهدید ملی که به نسل جوان انگیزه می‌بخشید، پیشی گرفته بود. اگر جنگ به مدت زیادی ادامه یافته بود، پیامدهای وحشتناکی به بار می‌آورد و انگیزه نیروها و روحیه نبرد را از بین می‌برد. به محض آنکه آیت‌الله خمینی (ره)، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل را پذیرفت، شور و شغف عمومی در عراق عمق احساسات صلح و بی‌علاقگی به جنگ را نه تنها در میان سربازان جوان بلکه در سطح ملی گسترده نیز فاش ساخت. به رغم توصیه‌های شدید از سوی مقامات بلندپایه برای حفظ نظم، حتی سربازان و غیرنظامیان مسلح نیز برای ابراز شادی‌شان برای صلح، به تیراندازی هوایی اقدام می‌کردند. در ۲۰ آگوست ۱۳۶۷/۱۹۸۸ ش.، یعنی تاریخی که آتش‌بس اعلام شده بود، عراق وارد دوره‌ای جدید و ناامن شد. هشت سال جنگ خسته‌کننده منجر به مخالفت‌های فراوانی شده بود که نشان از ویران‌گری آن می‌داد. عراق یک قدرت نظامی قدرتمندی را تشکیل داده بود (چهارمین ارتش دنیا به لحاظ میزان تجهیزات و نیروی انسانی)، اما به لحاظ اقتصادی و اجتماعی به شدت تحت فشار قرار داشتند. هزینه‌های جنگ که طبق برآوردها ۱۲۰ میلیارد دلار بود، بسیار بیشتر از تولید ناخالص ملی در طول سال‌های جنگ محاسبه می‌شد. خسارت اقتصادی جنگ بسیار بیشتر از آن بود که جبران شود. جنگ نه تنها ۳۸ تا ۴۰ میلیارد دلار از ذخایر قبل از جنگ را به

بودند که یا در ایران بستگانی داشتند یا با گروه‌های اسلام‌گرای شیعی مستقر در تهران رابطه داشتند. اسرای عفو شده «توابین» نام گرفتند؛ یعنی کسی از گناهی که مرتکب شده است، طلب مغفرت بکند. کسانی که محروم از چنین عفو‌هایی بودند، مجبور شدند ۲ الی ۱۸ سال در اردوگاه‌های اسرای جنگی به سر ببرند. زمانی که جنگ خاتمه یافت، تصور اسرای بدشانس تغییر یافت. اکنون هم سنگرانشان آنها را «فراموش شدگان» اطلاق می‌کردند و یا با صفت «مرگ تدریجی» یا «اسرای ابدی» آنها را توصیف می‌کردند.

مقوله دیگری را نیز باید به این بحث افزود: بسیاری از نظامیان به هنگام بازگشت، فرار، نافرمانی، ترک خدمت یا عدم سرسپردگی اعدام شدند. شمار آنها معلوم نیست؛ آنها همچنان بخشی از تجربه وحشتناک کهنه کاران جنگ را تشکیل می‌دهند که هم سنگران یا خویشاوندان خود را از دست دادند و خودشان زیر تهدید دائمی به همدستی، نافرمانی یا خیانت متهم شدند. چنین اتهاماتی حتی در مواردی نظیر نقص موتور تانک‌ها یا تجهیزات نظامی پدیدار می‌شد. بدتر از همه کسی که نافرمانی می‌کرد نه تنها محکوم به مجازات مرگ می‌شد، بلکه بر روی تابوت چوبی او نیز واژه‌های «خائن» یا «بزدل» را می‌نوشتند و پیش چشمان هم سنگرانشان و مردم محلی که قربانی در آنجا زندگی می‌کرد آن‌را به نمایش می‌گذاشتند. در چنین مواردی، مقرری آنها نیز قطع و به نام «خائنان» اموالشان مصادره می‌شد.

تکوین اجتماعی یک ملت در حال تشکیل، تحت تأثیر سیاست‌های دیگری نیز قرار داشت؛ برای مثال، بین ۵۰ الی ۱۰۰ هزار شیعی به زور به ایران تبعید شدند.^(۲۹) حداقل نیم میلیون کرد مستقیماً زیر فشار اخراج اجباری، اسکان دوباره و حملات گاز شیمیایی یا قتل عام قرار داشتند. قربانیان فاجعه حلبچه در سال ۱۳۶۷/۱۹۸۸، ش. با حملات گازهای شیمیایی و قربانیان جنگ انفال که در آن حدود ۱۵۰ الی ۱۸۰ هزار انسان در بیابان جنوبی عراق قتل عام شدند،^(۳۰) بخشی از واقعیت‌های تلخی هستند که ملت یک کشور و به طور گسترده نسل جنگ را متأثر ساخت. هر چند جریان اطلاعات و زبان ارتباطات تحت کنترل بود، اما حکایت تبعیدیان، اسکان مجدد، یا قتل عام گروه‌های قومی، دینی یا سیاسی از سوی برخی سربازان با ترس و وحشت انتقال می‌یافت و نگرش آنها را تحت تأثیر قرار می‌داد.

هذر داد، بلکه اکنون اقتصاد عراق به شدت گرفتار بدهی‌های سنگین شده بود و بر اساس آمار، بین ۵۰ الی ۸۰ میلیارد دلار یعنی تقریباً به اندازه نیمی از درآمد کشور‌های حومه خلیج فارس بدهی داشت.^(۳۱) اکنون عراق مجبور بود ۶۳ میلیارد دلار دیگر برای پروژه‌های بازسازی اختصاص بدهد. کاهش تولیدات صنعتی و کشاورزی تأثیر منفی تورم را افزایش داد. با درآمدهای نفتی رو به کاهش، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه به شدت کاهش پیدا کرده و به پایین‌ترین سطح قبل از جنگ رسید.^(۳۲)

در سال ۱۳۵۹/۱۹۸۰ ش. سربازان برای سفر از بصره تا بغداد برای مرخصی کوتاهشان (۳ روز در هر ۱۰ هفته) مجبور بودند ۵ دینار عراقی پرداخت کنند (تقریباً ۱۵ دلار و ۵۰ سنت آمریکا، هر دینار عراق برابر با ۳ دلار و ۱۰ سنت بود). این میزان در سال ۱۳۶۰/۱۹۸۱ ش. به ۱۰ دینار عراقی (۳۱ دلار) و در سال ۱۳۶۱/۱۹۸۲ ش. به ۱۵ دینار عراقی (۴۶ دلار و پنجاه سنت) افزایش یافت. قیمت سیگار، گوشت و دیگر مایحتاج زندگی از قدرت خرید سربازان بالاتر بود. پرداخت خسارت از سوی دولت برای نیروها در صورت مجروح شدن، یا به خانواده‌هایشان در صورت مفقودالاثر شدن در جنگ، در سال ۱۳۶۱/۱۹۸۲ ش. متوقف شد. این در حالی بود که پیشتر یک سرباز مجروح ۳۰۰ دینار (۹۳۰ دلار) و افسران ۵۰۰ دینار (۱۵۵۰ دلار) دریافت می‌کردند. خانواده‌های کشته شدگان در جنگ پاداش‌های بیشتری دریافت می‌کردند: یک دستگاه خودرو و تویوتا و قطعه‌ای زمین برای سکونت؛ یک شورتل کانادایی و یک قطعه زمین بزرگ مسکونی.

ریشه دیگر نارضایتی و بی‌تفاوتی، سطح تلفات و خسارات بود: بیش از ۳۰۰ هزار سرباز، زندگی خود را در جبهه جنگ از دست دادند و شمار بیشتری معلول و یا مجروح شدند. حدود ۱۵ هزار نفر به اسارت درآمدند و مجبور شدند بین ۱۶ تا ۱۸ سال در اسارت زندگی کنند، به‌ویژه آنهایی که در ۱۳۵۹/۱۹۸۰ ش. به اسارت درآمدند و در ۱۳۷۵-۷۷/۱۹۹۶-۹۸ ش. آزاد شدند.^(۳۳) در طی دوران جنگ، آنهایی که در اسارت بودند به آنهایی که آزاد می‌شدند، غبطه می‌خوردند و هم سنگران خود را افرادی خوشبخت تلقی می‌کردند که در بازی بقای زندگی پیروز شده‌اند. در واقع، برخی اسرای جنگی عراقی در ایران با عفو ویژه‌ای آزاد شدند و به شهروندان آزاد تبدیل شدند. اسرای تبدیل شده به میهمان، سربازان شیعی و افسران فاقد درجه‌ای

در مرحله دوم، تنش‌ها در جامعه ترس و نگرانی ایجاد کرد. آنهایی که فشارها و وحشت‌های جنگ را بر دوش کشیده بودند، حق اخلاقی به دست آورده بودند تا ادعای مشاغل آبرومندانه کنند؛ آنهایی که به لحاظ فیزیکی مشکل داشتند و مجروحان و معلولانی که نیازمند مراقبت اجتماعی بودند، اما منابع برای پاسخگو بودن به چنین تقاضاهایی بسیار محدود بود. نسل جنگ که تشنه آسایش و امنیت برای زندگی غیرنظامی بود، انتظارات بیشتری برای مرخص شدن سریع از ارتش و بهره‌مند شدن از ثروت ملی داشت. هشت سال به آنها گفته شده بود که قهرمانان صدام و منجیان کشور هستند. آنهایی که زندگی خود را از دست داده بودند وعده شهادت با افتخار برایشان داده شده بود و همان‌طوری که یک شعار رسمی اعلام می‌کرد: «شهادت پاک‌تر از همه ماست». هرچند احساس آرامش ناشی از پایان هولناک فاجعه، کهنه‌کاران جنگ را غافلگیر کرد؛ اما وعده‌های ترخیص با تأخیر و رشد طبقه جدید ثروتمند که ثروت و قدرت خود را به رخ می‌کشیدند، ناامیدی آنها را تشدید نمود. حذف و برچیدن نسبی اقتصاد دستوری دولتی به خیزش طبقات ثروتمند و نگرانی سربازان بی‌تاب کمک کرد. برای آزمایش، ۵۰ هزار سرباز یا بیشتر (تقریباً ۵ درصد افراد زیر پرچم) را مرخص کردند، اما سربازان دیگر فرصتی برای بازگشت به زندگی پیشین خود نداشتند و بی‌صبری و رفتار خشونت‌آمیز آنها غیرقابل کنترل بود.

غیرنظامیان، رفتار سربازان را عنان‌گسیخته، خشن و حتی غیرقابل تحمل توصیف می‌کردند. اغلب امانه‌همیشه، سربازان رفتارهای متعصب‌آمیزی در میان خودشان داشتند. اگر سربازی حتی در گروه غیرنظامی رفتاری از سوی دیگر غیرنظامیان، مأموران دولتی یا پلیس مشاهده می‌کرد که آن را «بد» یا «ناشایست» تلقی می‌کرد، دعوای خیابانی آغاز می‌شد. تا حدی که این اعمال از سوی عموم به دیده تساهل، بخشش یا حتی همدردی نگریسته می‌شد. از این روی، سربازان جوان نه تنها در تقاضاهایشان ثابت قدم بلکه در شیوه رفتاریشان خشن بودند و فرماندهانی که از مرخص کردن سربازان حمایت می‌کردند، با ضربه سنگینی مواجه می‌شدند.^(۳۳) در طول فاصله میان دو جنگ، احساس بی‌تفاوتی اجتماعی و بیگانگی به تدریج گریبانگیر سربازان بی‌صبر شد و آنها را از امیدهای بزرگ محروم و تقاضاهای

بخشی از این حوادث ظالمانه نه تنها ملموس بود بلکه از طریق ارتباطات خانوادگی سربازان، علقه‌های اجتماعی یا شبکه‌های قبیله‌ای انعکاس پیدا می‌کرد. با این وجود، تجارب خاص محدود، نشان دهنده ماهیت دوگانه ترس برخاسته از تهدید دشمن بود.

دوره آتش‌بس یک دوره فی‌نفسه اقبال خوش‌آیند اما مسأله‌ساز بود. این دوره انتظارات بیشتری در میان سربازان ایجاد کرد که دغدغه بیشتر رژیم را به همراه داشت. بزرگترین مسأله برای امنیت رژیم در این دوره بدون جنگ، بحث اپوزیسیون یا مخالفت و نارضایتی نبود بلکه حمایت از خود ملت بود؛ در مورد ارتش یک میلیونی مذکور، مسأله این بود که چگونه تغذیه آنها فراهم شود و چگونه حفظ شوند.^(۳۴) شواهد و اسناد از وجود دو استدلال معتبر درون رده‌های بالاتر نخبگان نظامی و غیرنظامیان حاکم حکایت می‌کند: استدلال اول خطرات بسیج مداوم را مطرح می‌کرد در حالی که استدلال دیگر بر خطرات مرخص کردن نیروها تأکید می‌کرد.

در وهله نخست، تنش‌ها میان ارتش هراس

انداخت. یعنی کردن نیروهای مسلح که به معنای شستشوی مغزی ارتش و نگهداری آن تحت کنترل حزب حاکم است، در سال‌های دهه هفتاد موفقیت‌آمیز بود. برای اولین بار در تاریخ مدرن عراق، ارتش تحت کنترل غیرنظامیان به پادگان‌ها بازگردانده شدند.^(۳۵) اکنون با بسیج عمومی، ماهیت ارتش به لحاظ کنترل شدید حزبی کاهش یافت؛ استخدام‌های جدید اهمیت نسبی بعثیون را در نیروهای مسلح کاهش داد و تسلط و کنترل حزب بعث را تضعیف کرد. جنگ خودش چندین فرمانده نظامی را به سطح قهرمانان ملی ارتقاء داد، فرماندهانی که با رهبران غیرنظامی به لحاظ پرستیژ و محبوبیت در رقابت بودند. در چنین شرایطی، خطر از کنترل خارج شدن ارتش وجود داشت.^(۳۶)

**تلاش‌های رسانه‌های
عراقی بر جدا کردن هرگونه
پیوند و رابطه ممکن بین
شیعیان و ایجاد یک فضای
فرهنگی بزرگ که گروه‌های
دینی و قومی متعدد را
متحد کند، متمرکز بود**

تغییر و تحولات متوالی، بدنه کهنه کاران جنگ را آشفته و عصبانی و رشته سیاست گذاری، اعتقاد ملی گرایی و جریان اصلی را از هم گسست.

نخستین تغییر ناامیدکننده، چشم انداز جنگ دیگر بود، درست در حالی که عراق هنوز در پی التیام دادن به زخم های قبلی اش بود. وعده های سرخرمن سعدون حمادی، نخست وزیر عراق، درباره افزایش ثروت نفت عراق به ۴۰ میلیارد دلار با احساسات مختلط امید و ناامیدی و بدگمانی همراه شد. این اظهارات که چندین بار در نوامبر ۱۳۶۹/۱۹۹۰ ش از شبکه تلویزیونی عراق پخش شد و افزایش نیروهای متحدین به رهبری ایالات متحده در عربستان سعودی و خلیج فارس تأثیر آن را کاهش داد. با بسیج عمومی جدید، همه رویاهای ارتش متحدالاشکال بر باد رفت. منبع دیگر نگرانی، ماهیت ارتش بود. این بار در طرف مقابل، ایران جهان سومی با ماشین جنگی فرسوده اش قرار نداشت، بلکه کشوری پیشرفته به لحاظ تکنولوژیکی بود که آنها مجبور بودند با این کشور رو درو شوند. چرخش دیگر سیاست گذاری، موجب حیرت و سردرگمی شد. جدا از محاسبات عمل گرایانه، عراق یک نامه عذرخواهی به ایران فرستاد و حتی به دسیسه های آمریکا در پشت جنگ طولانی میان دو کشور اشاره کرد و این امر موجب ترس و نگرانی قهرمانان جنگ شد. اما نه حُسن نیت ایران و نه حمایت از سربازان، هیچ کدام به سرانجامی نرسید. آنچه این نشانه های سازشکارانه در قبال ایران برای بسیاری از آنها معنی داشت، این بود که فداکاری های آنها، خون دادن آنها، رنج آنها و قهرمان پروری شان همگی بی نتیجه بوده و این امر برخلاف منطق جنگ ایران و عراق بود، جنگی که به منزله مقاومت ملی گرایی علیه تجاوز بود.

در آستانه جنگ خلیج فارس احساس نگرانی و ترس، سرپای وجود اکثریت نسل جنگ را فراگرفت و اکنون کهنه کاران به معنای دقیق کهنه کار بودند. همه تلاش های نخبگان حاکم که این نسل را با شور جهان سومی حامی صدام و عرب لبریز کرده بودند، بی ثمر شده بود. چنین احساس هایی از نگرانی و ترس که در ادبیات نظامی به عنوان «روحیه ضعیف» نمایان می شود، به راحتی می تواند به بی ارادگی و به نوبه خود به بی اعتنائی و بی تفاوتی منجر شود. اگر شکست نهایی با یک شکل پدرسالارانه و

اساسی شان را انکار کردند. در همین دوره، شاید شکاف ها در اتحاد میهن دوستی عمومی و ملی گرایی پدرسالاری ۶۹-۱۳۶۷ ش عمیق تر شده است؟

ضربه ای کشنده و هولناک

طی دوره ۹۰-۱۳۶۷/۱۹۸۸-۶۹ ش، کشور در آستانه دو گزینه گام می گذاشت: اصلاحات و توان بخشی یا ماجرایی نظامی دیگر. انبوهی از تحولات منطقه ای و بین المللی جستجو برای راه برون رفت از معضل را ضروری ساخت. تحولات در اروپای شرقی، نخبگان حاکم را متحیر کرد و موجب دغدغه عمیقی در بین آنها شد. الگوی اقتدارگرایی شوروی که جزم اندیشی حزب بعث به طور عمده از آن نشأت می گرفت، فروپاشید و این فروپاشی ضربه هولناکی بر پیکره ایدئولوژیکی حکومت بعث بود. اقتصاد دستوری، سیستم تک حزبی و مشروعیت خودطراحی شده و شورش های خیابانی خونین در کشورهای اردن و الجزیره در سال ۱۹۸۹/۱۳۶۸ ش، اصلاحات دمکراتیک را روانه دو کشور عربی کرد. رئیس جمهور عراق بسته پیشنهادی اصلاحات مشابهی را ارائه داد که عبارت بود از: آزادسازی اقتصادی، قانون اساسی جدید (که تکثرگرایی سیاسی را پیشنهاد می کرد)، آزادی مطبوعات و دیگر آزادی های دمکراتیک. پیشنهاد صلح واقعی از سوی علی اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور وقت ایران، نیز مطرح شد. هر دو موضوع یعنی بسته اصلاحات و گام آشتی جویانه در قبال ایران تلاشی برای کاهش تنش های منطقه ای و داخلی و به عنوان پیش شرطی برای گسترش و بهره برداری از میادین نفتی جزیره مجنون (واقع در استان اماره جنوبی در مرز ایران) بود. گزینه دیگر دنبال کردن منابع راحت و سریع بود. بسته پیشنهادی اصلاحات هرگز مطرح نشد و تهاجم عراق به کویت همچنان دنبال شد. تهاجم والحق کویت جزو اهداف عراق قرار گرفت تا ثروت و نفت کافی را به منظور کاهش فشارهای اقتصادی تضمین کند، شعله های میهن پرستی مردمی را دوباره شعله ورت سازد تا جان و قلب این شعله ها با ملی گرایی پدرسالاری یکسان شود و در نهایت حداقل بیعت و وفاداری نسل جنگ را به دست آورد. همان طوری که روشن است، نتیجه این سیاست تهاجمی، چیزی جز آنتی تز مستقیم این محاسبه اشتباه نبود.

خدمت و فرار بدون اراده در شمال (کردستان)؛ و سوم، جنگ منظم و منسجم حامیان رژیم (در جبهه میانه).^(۳۵)

این تمایز در رویکرد قشرهای متعدد ارتش عراق از عوامل زیادی ناشی می‌شد که از جمله می‌توان به سطح نابودی صورت گرفته در برابر یکدیگر (با احساس متفاوتی از امنیت یا افتخار یا شکست تلخ)؛ وجود یا گسست زنجیره متمرکز فرماندهی و در نهایت، تراکم (بیشتر یا کمتر) حزب وفادار و شبکه‌های اخوت در این واحدها



اشاره کرد. در بخش جنوبی، همه عوامل منفی کارساز بودند، اما در بخش شمالی بخشی از این عوامل و در بخش میانی هیچ عاملی کارساز نبود. در واقع، هدایت نیروها به ویژه در جبهه کویت گواهی بر این مدعاست. آنها با خواست خود به پای صندوق‌های رأی رفتند، اما با میل خود به جنگ نرفتند. از دویست و پنجاه هزار سرباز در این جبهه، ۱۵۰ هزار نفرشان پرچم‌های سفید برافراشتند و در عرض چند ساعت آغاز جنگ زمینی در فوریه ۱۳۷۰/۱۹۹۱ ش. تسلیم شدند. باقی ماندگان علیه حکومت دست به اسلحه بردند. در واقع، این سربازان بازگشته از جبهه کویت بودند که شورش را در بصره تحریک کردند.^(۳۶)

غیرنظامیان سازمان‌یافته و خودانگیخته در بسیاری از شهرها و روستاها خشم و عصبانیت خود را نشان داده و شورش کردند. حتی در میان شورشیان، بسیاری از اعضای حزب بعث هم به چشم می‌خورد. آنها به زودی به اسلام‌گرایان در تبعید در ایران ملحق شدند. شورش، رفتار بخش افراطی نسل جنگ بود که یا در ارتش و یا در میان غیرنظامیان بودند. میانگین سنی شورشیان حدود ۲۴ سال بود که اکثر آنها به مناطق جنوبی تعلق داشتند که تحت کنترل حزب بعث بود که بعداً اسلام‌گرایان نیز به آنها پیوستند، حال آنکه در شمال، ملی‌گرایان کرد و کمونیست‌ها هسته اصلی جنبش را تشکیل می‌دادند.^(۳۷)

شوونیستی از ملی‌گرایی روی بدهد، این بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی می‌تواند به اقدامات ضدحکومتی منجر شود. چنین شکستی که در پایان به وجود آمد ناشی از تأثیر جمعی ناکامی، عقب‌نشینی سازماندهی نشده و اضمحلال در ژانویه و فوریه ۱۳۷۰/۱۹۹۱ ش. بود. جنگ هوایی و زمینی گسترده به رهبری آمریکا، برآوردهای اولیه تعداد تلفات انسانی را در سطح وحشتناکی قرار داد؛ شاید ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار نیروی نظامی و ۱۰ تا ۱۵ هزار نیروی غیرنظامی از بین رفتند. (برآوردهای دیگری که بعدها انجام شد بسیار پایین‌تر از این میزان بود). در آغاز شورش‌ها، بیش از ۲۰ هزار شورشی‌جان خود را از دست دادند و ۲۵ الی ۳۰ هزار شهروند عراقی در طول این شورش‌ها و بعد از آن کشته شدند. اگر تراکم این ارقام اندازه‌گیری شود، ماهیت وحشتناک این ارقام روشن می‌گردد. در هشت سال جنگ میان ایران و عراق به طور میانگین ۳۰۰ کشته در روز تخمین می‌شد؛ در جنگ خلیج فارس این میزان به ۴۰۰ کشته در روز افزایش یافت. ماهیت وسیع جنگ نخست بر ماهیت عمیق جنگ دوم پیشی گرفت. سه روند گذشته درون نسل جنگ، یعنی حمایت، بی‌تفاوتی و چالش، اکنون در میان عموم مردم اهمیت پیدا کرده بود. نیروهای مسلح عراقی در راستای این خطوط دچار گسست شدند. ارتش روندهای متفاوتی را نشان داد: نخست، شورش و تمرد در جنوب (جبهه کویت)؛ دوم، ترک

شرح کلی

جنگ نیازمند اتحاد ملت و شورش نشان دهنده عدم اتحاد (نفاق) ملت است. منطق جنگ هر چند غالب است، اما همه نفاق ها و دودستگی ها را زیر لایه ضخیم حتی تک لختی اتحاد هدف و عمل پنهان می کند و انرژی ها را به سمت بیرون هدایت می نماید. منطق شورش و طغیان، اصل نارضایتی را بالا می برد و خشم و عصبانیت را به درون هدایت می کند. احساس وفاداری و سرسپردگی نسل جنگ به دولت به تحلیل رفته بود، احساسی که در طبقه نخبگان آنها واضح بود و دست به اسلحه و شورش بردند. آنها آرزوی صلح داشتند، اما در نهایت در بن بست گرفتار آمدند.

در طول جنگ دوم خلیج فارس، ماهیت دشمن توأم با نمادهای بسیج و انجمن های گردهمایی تغییر یافت؛ ایدئولوژی رسمی از عربیسم به عراقیسم تبدیل شد؛ هنجارهای فرهنگی رایج از سکولاریسم به نمادهای مذهبی تغییر یافت؛ ایدئولوژی سیاسی از اندیشه های پیشرفت، تک حزبی و سوسیالیسم به سمت سنت و قبیله پیش رفت؛ سوسیالیسم ملی گرایی از اقتصاد دستوری، اشتغال دولتی و خدمات اجتماعی آزاد به سمت حذف نظارت دولت، تجاری کردن و بینوایی حرکت کرد. طبقات متوسط که نسل جوان بیشتر به آن تعلق داشتند یا در آرزوی ملحق شدن به آن بودند و پایه های رژیم بعث را تشکیل می دادند، اکنون گرفتار دودستگی و اختلاف شده بودند.^(۳۸)

از ویژگی های مهم نسلی می توان به میزان خشونت و بی تفاوتی اجتماعی اشاره کرد. در دوره قبل از سقوط صدام حسین، میزان جرم و خشونت در هر فصل دو برابر شده بود. ماهیت خشونت آمیز مخالفت ضد حکومتی از دیگر مشخصه ها بود. در هیچ جایی سطح توزیع سلاح میان غیرنظامیان یا سطح آموزش نظامی به چنین میزان گسترده ای نمی رسید. این روند خشونت آمیز که احیای هنجارهای قبیله ای از جمله انتقام و خوددآوری آن را حمایت کرد، تقریباً یک ویژگی کلی را نشان می داد. بدتر از همه، فروپاشی نظام قضایی فاسد پیشین و آژانس های اجرای قانون بود. در پرتو واقعیت یک نسل خشونت آمیز، چشم اندازهای یک تغییر صلح آمیز به نظر ضعیف و شکننده می رسید.

ویژگی دیگر، فروپاشی جهت گیری ایدئولوژیکی بود. انسجام و همبستگی های کل نگرانه مدرن که پیشتر

در میان این نسل جنگ مشاهده گردید از قبیله همبستگی طبقاتی یا ملت، توسط وفاداری های ازلی و جداشده طایفه ای - قبیله ای، خانواده یا اجتماع محلی جابه جاشد. در نتیجه، اکنون وضعیتی از جدایی وجود دارد که در تقابل با گروه ها و طبقات اجتماعی، اجتماعات و مناطق قرار دارد. بازسازی «ملت» عراق به نظر وظیفه ای بسیار سنگین و دشوار می رسد.

اشکال محلی سنت گرایی چه بسا فرصت های رشد روند اسلامگرایی سازمان یافته هم سنی و هم شیعی را افزایش دهد. وهابیسم به شیوه طالبان از سال ۱۹۹۲ در میان نسل جوان سنی به تدریج رو به افزایش بود، حال آنکه

روندهای بنیادگرایی یا فرقه ای نیز میان شیعیان رخنه کرده بود. اگر این روند تداوم یابد، ایدئولوژی های اسلام گرایی ممکن است به طرز عجیبی فرایند ایدئولوژی زدایی را بشکنند.

ارزش اخلاقی کار که زمانی میان نسل جوان شهره آفاق بود، به سطح اخلاق ارباب - رعیت تنزل پیدا کرد. اقتصاد

رانتیر و سیاست پشتیبانی دولت این وضعیت را تقویت نمود. با فروپاشی رانت نفتی، لایه متوسط حقوق بگیر جایگاه طبقه متوسطی خود را از دست داد، اما آرزوی از دست دادن این جایگاه را نمی کند. این طبقه فقیر و تحقیر شده یک «پرولتاریای به حاشیه رانده شده» تحصیل کرده و شورشی را تشکیل می دهند که از آن چه بسا نه همخوانی و سازگاری بلکه خشونت برخیزد. در نبود صلح و آرامش اجتماعی، تجارت خصوصی عقلانی شاید دشوار باشد. در نبود نهادهای قوی برای حمایت از مالکیت و حقوق قراردادها، تجارت به چهارچوب های قبلی بازخواهد گشت و سنت گرایی چنددستگی اجتماعی تقویت خواهد شد.

هدف از این تحقیق،

مشخص کردن رویکرد

عراق به جنگ، کشف

عوامل و رای چنین

رویکردی و ایجاد یک

تصویر جامعه شناختی

از جامعه عراق می باشد

ایدئولوژیهای مدرن و فرهنگ سنتی معروف است. این عوامل گروه های نسلی مختلفی را در بر می گیرد و بر هویت آنها، گزینه ها و پاسخ های آنها تأثیر می گذارد. مشکل دیگر از دو واقعیت نشأت می گیرد. از یک طرف، عراق کشوری است که در خاورمیانه کمترین تحقیق در مورد آن صورت گرفته است. فقر مطالعات انسان شناختی و جامعه شناختی نیز کاملاً در این کشور آشکار است. از دیگر سو، از جریان آزاد اطلاعات در دوران خفگان اقتدارگرایی رژیم سرکوب کننده هیچ خبری نبوده است. شاید تنها نیروی توازن، مهاجرت دسته جمعی بخش اعظم نسل جنگ توام با گروه هایی از نظامیان و مقامات سابق است که دارای اطلاعات و تجارب خاصی از جنگ بودند. آرشویی از حدود ۱۰ میلیون سند از آژانس های امنیتی و دیگر آژانس ها در کردستان توسط شورشیان در طول شورش های ۱۹۹۱ مصادره و به ایالات متحده انتقال پیدا کرد. یک شرکت خصوصی این اسناد را پردازش کرده و اکنون به صورت یک لوح فشرده در دسترس می باشد. کنعان مکی، نویسنده برجسته عراقی نقش مهمی در این پروژه ایفاء کرد. بنیاد عراقی در واشنگتن دی.سی این اسناد را مورد نظارت قرار داده و پژوهشگران زیادی در این خصوص فعالیت می کنند و تلاش می کنند الگوی جورچین را دوباره مرتب کنند. شاید تحقق این امر سال ها طول بکشد.

۱۰. ادبیات قابل دسترس در مورد جنگ ایران - عراق دلایل متفاوتی برای ریشه های این جنگ نشان می دهند. ادبیات رسمی بر تهدید امنیت ملی ایران متمرکز هستند، در حالی که ادبیات انتقادی پویایی های منطقه ای و داخلی را مورد توجه قرار می دهد...
۱۱. در مورد پویایی های داخلی نگاه کنید به جابر محسن، ...
۱۲. شاید بهترین تحلیل مسائل ملت سازی و امنیت رژیم را که شامل تلاش جنگ می شود بتوان در اثر محمد - محمود محمد پیدا کرد:
۱۳. در خصوص میزان رشد پایدار طبقات متوسط حقوق بگیر و مالک در عراق نگاه کنید به:

شاخص های باتاتو دوره ۶۸-۱۹۵۰ را در بر می گیرد.

Hanna Batatu, the Old Social Classes and the Revolutionary Movements of Iraq (Princeton university Press, 1978).

۱۴. در خصوص منازعه بعث سوریه و عراق نگاه کنید به:

Eberhard Kinle, Bath Vesus Bath: The Conflict Between Syria and Iraq, 1968-1989 (London: Kegan Paul International, 1987), p.135.

همه اینها، خشونت، ایدئولوژی زدایی و جدایی این نسل با بازگشت به اشکال مختلف باورهای فراطبیعی همراه هستند: پارسایی دینی یا بنیادگرایی، تصوف زهدگرایی، جادو و سحر. اینها تجلی های احساس بیگانگی از دولت به عنوان یک اجتماع ملی هستند. از میان رفتن این فضای ملی تبدیل به قوی ترین امیال شده است و به سخنی دیگر، میل به جستجوی پناهندگی در غرب تبدیل به آینده آرمانی شده است. جامعه شناسان خاطر نشان می سازند که مهاجرت به نوعی بیان یک اعتراض است و این گفته در هیچ جا همچون مورد نسل جنگ صدق نمی کند.

یادداشت ها

1. Marion Farouk-Sluglett and Peter Sluglett, "The Historiography of Modirag," in the American Historical Review, vol. 96, no. 5 (December 1991), pp. 1408-21.
2. Abbas Alnasrawi, The Economy of Iraq: Oil, Wars, Destruction of Development and Prospect, 1950- 2010 (Westport, Conn: Greenwood Press, 1994), p92.
۳. جمهوری عراق، وزارت برنامه ریزی، آمار سالانه ۱۹۹۲، صفحه ۹۲.
۴. جمهوری عراق، وزارت برنامه ریزی، آمار سالانه.
۵. همان.
۶. در بهار سال ۱۹۸۲، تحقیقی را در خصوص عراقی های تبعیدی در ایران از جمله در شهرهای تهران، کرج، قم و دیگر شهرها انجام دادم. در حالی که شیعیان و کردها به ترتیب نماینده اسلام گرایی و ملی گرایی کرد بودند، اسرای جنگی مسیحی در تهران نماینده بخشی از نسل جنگ بودند. دکتر حکمت داود، کارگردان عراقی، در تهیه گفتگوهای ویدئویی و اسناد کمک زیادی کرده است.
۷. رجوع کنید به مقاله: "Why the Intifada failed," in Iraq Since the Gulf War: Prospects for Democracy, ed. Fran Hazelton (London: Zed, 1994), pp.97-117.
8. Alnasrawi, The Economy of Iraq, p.152.
۹. یک مشکل خاصی که در هر تحقیق گسترده ای محدودیت ایجاد می کند، ماهیت پیچیده جامعه عراق است، جامعه ای که به خاطر تلافی همبستگی های افقی و عمودی و درهم تنیدگی

می کند، در حالی که اریک هابس باوم بر پیچیدگی های فرهنگی و سیاسی ملی گرایی تاکید می کند. در هر دو رهیافت، ملی گرایی به عنوان فضای پیچیده ای تلقی می شود که در آن فضا، تاریخ و زبان و نژاد هم پوشانی دارند. نگاه کنید به:

Anderson, Imagined Communities: Reflections on the Origin and Spread of Nationalism (London: Verso, 1983) and E.J. Hobsbawm, Nations and Nationalism Since 1780: Programme, Myth Reality (Cambridge: Cambridge University Press, 1992).

۲۵. تخمین ها تا حد قابل توجهی متفاوت هستند. نگاه کنید به: State and Civil Society in Iraq, Chapter 6, Para iii.

26. Abbas Alnasrawi, The Economy of Iraq: Oil, Wars, Destruction of Development and Prospects, 1950-2010 (Westport, Conn: Greenwood Press, 1994), p. 92 and Passim. On War Economic Losses, See also a Paper by Alnasrawi, "Economic Sanctions: Theory, Effectiveness and Application to Iraq" (Vermont, USA, n.d.)

27. State and Civil Society in Iraq, Chapter 7.

28. Ali Babakhan, The Deportation of Shi is During the Iran-Iraq War: Causes and Consequences, in Ayatollahs, Sufis and Ideologues: State, Religion and Social Movements in Iraq, ed. Faleh Abdul-Jabar (London: Saqi Books, 2002), pp.183-210.

29. On the Anfal Campaign See Kanan Makiya, Cruelty and Silence: War, Tyranny, Uprising and The Arab World (London: Jonathan Cape, 1993), pp. 24, 152, and 177-99.

۳۰. سعدالبزاز (یک شخصیت حزب بعث در جهان رسانه) در دو کتاب مشهورش در مورد جنگ ایران عراق و تهاجم به کویت واقعیت های تکان دهنده ای در مورد وضعیت متفاوتی از ارتش عراق را بیان می کند. کتاب هایی که به آنها اشاره شد عبارتند از:

Har Talidu Ukbra: Al-tarikh Al-Sirri Li- barb Al-Khalij (A War is Born from Another: The Secret History of the Gulf War) (Amman: al- Abliyab Li-I Nasbr wa al - Tawzi, 1993) and Al-Jiniralat Akbir man Yalam (The Generals Are the Last to Know) (London: Dar al-Hikmah, 1996).

15. CARDRI, Saddam's Iraq, p. 229 and Passim.

16. Dilip Hiro, The Longest War: The Iran - Iraq Military Conflict (New York: Routledge, 1991), p. 64.

17. Hazelton, Iraq Since the Culf War, p. 99 and Passim.

18. Faleh A. Jabar, The Shite Movement in Iraq (London: Saqi Books, 2003).

۱۹. در مورد بازسازی ملی گرایی عراقی در زمان بعث نگاه کنید به: Amatzia Baram, Culture, History, and Ideology in the Formation of Bathist Iraq, 19 (New York: St Martins Press, 1991); and Mesopotamian Identity in Bathi Iraq, in Middle Eastern Studies, vol. 19, no. 4 (October 1983), pp. 246-255.

۲۰. در مورد نقش اسلام در جنگ های اول و دوم خلیج فارس نگاه کنید به:

The Double Edged Sword of Islam, in The Gulf War and the New World Order, ed. Haim Bresheeth and Nina Yuval-Davis (London: ZED, 1991), pp. 211-18.

۲۱. نقش فرهنگ های بالا و پایین در تبلیغات جنگ و بسیج در طول این دوره موضوع پژوهش و تحقیق محدودی بوده است. با این حال در این حوزه محدود، دو نویسنده عراقی صاحب نظر هستند. منتقد ادبی یعنی دکتر فاطمه المحسن و نویسنده دیگر، زهیر الجزیری. این دو ادبیات جنگ را تحلیل و به اصطلاح «ادبیات جنگ» را در عراق به جریان انداختند. در ارزیابی های خود بیشتر به مشاهدات آنها تکیه کرده ام.

۲۲. در رابطه با شاعران فولکلوریک و نقشی که آنها ایفاء کردند و جوایزی که دریافت کردند مدیون دکتر هاشم اکاب هستم.

۲۳. در خصوص فهم تمایز فرهنگی میان شیعیان عراق و ایران عمدتاً مدیون علی الوردی، جامعه شناس عراقی هستم که در اثر هفت جلدی خود به این امر پرداخته است:

Lamabat ijtimaiya min tarikb al-Iraq al-badith (Social Aspects of Iraq's Modern History) (Baghdad: Matbaat al-Maarif, 1966-78). The Bedouin nature of Iraqi Shi'ism that al-Wardi emphasized was fruitfully reiterated by the historian, Yitzhak Nakash, in the Shiis of Iraq (Princeton: Princeton University Press, 1994).

۲۴. در مورد ماهیت ملی گرایی، دو رهیافت نظری متضاد مهم وجود دارد: بندیکت آندرسون بر همگنی فرهنگی ملی گرایی تاکید

۳۸. ژنرال جابر محسن، کهنه کار بعث و شیعی مذهب و اصالت روستایی در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۴ در روزنامه بابل چاپ بغداد در گفتگویی با عنوان «طبقات متوسطی که از دست داده ایم» اظهار تاسف کرد. وی مسئول بسیج عمومی در وزارت دفاع بود و عقیده اش نشانگر وضعیت اندیشه نخبگان حاکم، نظامی و غیر نظامی است.

His Firsthand Information is Vital for an Assessment of the State of Mind of The War Generation.

31. Majid Khadduri, Iraq: A Study in Iraqi Politics Since 1968 (Washington, D.C.: Middle East Institute, 1978); May Chartouni-Dubarry. The Development of Internal Politics in Iraq from 1958 to the Present Day, In Iraq: power and Society ed. Derek Hopwood et al. (Reading, U.K.: Ithaca Press for St Anthony's College, Oxford, 1993), pp. 30-33.

۳۲. بسیاری از استادان دانشگاه و اکثریت فرماندهان ارشد نظامی که در طول دهه ۱۹۹۰ به کشورهای غربی پناهنده شدند، همین دیدگاه را دارند.

۳۳. در خصوص این اطلاعات مدیون سعد بزاز هستم.

۳۴. باز هم تخمین ها متفاوت هستند. نگاه کنید به:

Eric Goldstein and Andrew Whitley, Endless Torment: The 1991 Uprising in Iraq And Its Aftermath (New York: Middle East Watch, 1992). See also Faleh abd al-Jabbar, Why the Uprisings Failed, in Middle East Report (MERIP), No. 176 (May-June 1992), pp. 2-14.

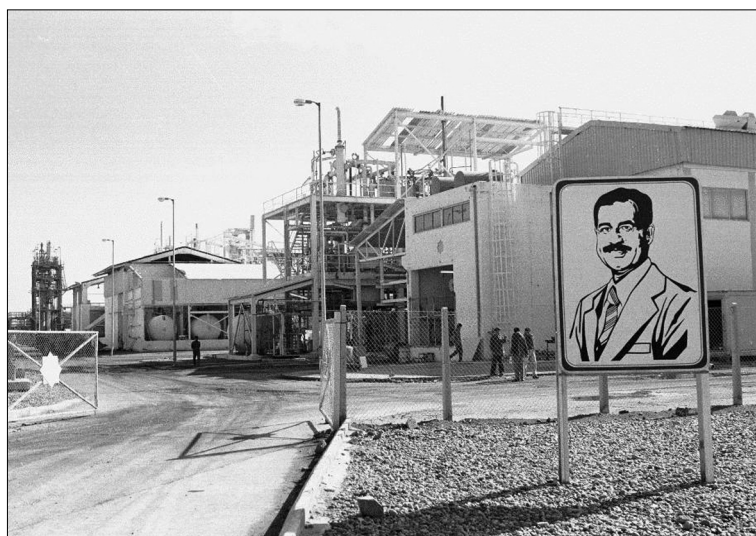
۳۵. در مورد واکنش های ارتش عراق در فوریه و مارس ۱۹۹۱، نگاه کنید به:

Le Monde Diplomatique, Mars 1998, pp. 14-15; see also my chapter, "State, Society, Clan Party and Army in Iraq, in IDE Sot Survey, from Storm to Thunder, The Unfinished Showdown Between Iraq and the Us (Tokyo: Institute of Developing Economics, March 1998), pp. 1-28.

۳۶. در خصوص اینکه شورش توسط سربازان بازگشته به بصره تحریک می شد، توافق کلی وجود دارد. افسران رده بالا نیز این امر را تایید کردند. برای مثال نگاه کنید به:

General Najib al - Salihi, Al-Zilzal: Madha hadatha Fi-Iraq bad al-insibab min al-Kuwayt? Khafaya al-ayya, al-damiyab (The Earthquake: What Happende in the Aftermath of Withdrawal from Kuwait) (London: Al-Rafid, 1998).

37. Abd al-Jabbar, Why the Uprisings Failed, in Middle East Report.



چشیده و در طول تاریخ بزرگترین و آخرین قربانی کاربرد وسیع و سازمان یافته سلاح‌های شیمیایی بوده است، اهمیت این مطالعه را دو چندان می‌سازد. زیرا، به هر تقدیر علاوه بر این که تجربه فوق، بخشی از تاریخ ما را تشکیل می‌دهد و واکاوی و ارائه آن، درس‌های برگرفته از آن را برای نسل‌های آینده و ملت‌های دیگر ماندگار خواهد ساخت؛ پیامدهای استراتژیک و نقش موثر کشورمان را در همکاری سازنده برای تأمین و تقویت صلح و امنیت بین‌المللی روشن کند.

بنابراین، در مقاله حاضر با نگاهی مقایسه‌ای به تاریخ کاربرد سلاح‌های شیمیایی، به خصوص با تمرکز بر کاربرد این سلاح‌ها در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، روند کاربرد، نتایج و پیامدهای آن را در رابطه با هر کشور درگیر و نیز در سطح نظام بین‌الملل پی می‌گیریم.

استفاده از سلاح‌های شیمیایی تا قرن ۱۹

تاریخ دقیق اولین کاربرد ماده شیمیایی به عنوان یک سلاح جنگی مشخص نیست. طبق اسناد و شواهد موجود از ابتدا به طور غیرمنظم، ناقص و محدود و به صورت ساده از عوامل شیمیایی در جنگ‌ها استفاده می‌شد. در زمان‌های گذشته، برای اولین بار بشر از نفت و قیر به عنوان عامل شیمیایی استفاده کرده است. استفاده از مواد شیمیایی دودزا در زمان‌های قدیم نیز رایج بود. در جنگ‌های ساسانیان و رومی‌ها به منظور تسخیر دژهای دشمن، سپاه ساسانی نقب‌هایی حفر می‌کرد و به هنگام برخورد با نقب دشمن «دو طرف می‌کوشیدند سربازان حریف را با سوزاندن گوگرد بیرون برانند»^(۱) همچنین در یونان قدیم با ترکیب قیر، گوگرد و مواد چسبنده، ماده‌ای می‌ساختند که هنگامی که در آب ریخته می‌شد، آتش می‌گرفت، این ماده را آتش یونانی می‌خواندند. در جنگ ترکان عثمانی برای فتح استانبول به سال ۱۴۵۳ م. «مدافعان شهر برای مقابله ... با

پخش دود حاصل از سوزاندن گوگرد که همان SO_2 می‌باشد ترک‌ها را دچار خفگی می‌نمودند».^(۲)

عصر نوین جنگ‌های شیمیایی

تاریخ جدید جنگ‌های شیمیایی به سال ۱۸۹۹ در جنگ انگلستان با بوئرها (مهاجرین هلندی ساکن آفریقای جنوبی) برمی‌گردد. «در آن جنگ ارتش انگلستان از توپ‌های حاوی اسید پیکریک استفاده کرد که اثر تهوع‌زا داشتند» و نیز بنا به نوشته شارل روسو حقوقدان معروف «در جنگ ترانسوال، انگلستان از گلوله‌های توپی استفاده می‌کرد که حاوی لیدیت بود و پس از انفجار گازی متصاعد می‌کرد که موجب خفگی می‌شد».^(۳)

از جمله پیامدهای مهم استفاده ارتش انگلستان از سلاح‌های شیمیایی این بود که دیگر قدرت‌های استعماری نیز به تولید و توسعه این گونه سلاح‌ها رو بیاورند. «این روند به قدری گسترش یافت که در آستانه جنگ جهانی اول طرفین متخاصم مقادیر بسیار زیادی از گازهای سمی را در انبارهای خویش ذخیره نموده بودند. عدم آگاهی نسبت به آثار زیانبار و وحشتناک این نوع از سلاح‌ها و عدم امکانات تدافعی نیروهای مسلح آن روز، سبب شد تا بکارگیری آنها تلفات و صدمات عظیمی را بار بیاورد».^(۴) در طول جنگ جهانی اول، آلمان‌ها به دفعات از

آمار رسمی در معرض خطر مواد شیمیایی قرار گرفتند، بیش از یک میلیون و سیصد هزار نفر بود که حدود صد هزار نفر آنها کشته شدند.

تا این زمان، مهمترین تاثیر اشاعه و کاربرد سلاح های شیمیایی، در سطح بین المللی به خصوص در سوق دادن کشورها برای انعقاد معاهده ای جهت منع کاربرد این سلاح بود. به عبارت دیگر، بازتاب آثار و حشتناک استفاده از سلاح های شیمیایی در جنگ جهانی اول، کشورها را به انعقاد معاهده ای جدید مبنی بر ممنوعیت استفاده از گازهای خفه کننده سمی و دیگر گازها و روش های بیولوژیک جنگ (پروتکل ۱۹۲۵ ژنو) رهنمون می کرد و در نتیجه، روند مذاکرات

خلع سلاح تسریع می شد. هرچند، کشورهای زیادی آن را امضا کردند ولی تصویب و الحاق به پروتکل بسیار کند بود.^(۹) پروتکل ژنو به دلیل نواقص موجود از ایفای نقش موثر در صحنه جهانی بازماند که نواقص آن عبارتند از:

پروتکل، تعهد عدم استفاده سلاح های شیمیایی را به تحقق

شرایط جنگ به معنای وسیع کلمه محدود دانسته و آن را به برخورد های مسلحانه منطقه ای و محدود توسعه نمی دهد. به علاوه، این ممنوعیت تنها اعضای پروتکل را متعهد می سازد و سایر دولت ها را شامل نمی شود.

ممنوعیت استفاده نیز مشروط شده است، زیرا بیش از ۴۰ کشور در موقع الحاق به این معاهده اعلام کردند تا زمانی به مفاد پروتکل پایبند خواهند بود که قوای مسلح سایر دولت ها به ممنوعیت های مربوطه احترام بگذارند. پروتکل ژنو مکانیسمی برای بررسی، نظارت بر حسن اجرا و ضمانت اجرای کافی به ویژه در مورد تحقیق در موارد نقض و یا مجازات کشور خاطی در صورت اثبات ندارد و نیز توسعه، تولید و انباشت سلاح های

جنگ افزارهای شیمیایی استفاده کردند. «در اکتبر ۱۹۱۴ در نوشایل گلوله های حاوی گاز اشک آور به سوی فرانسوی ها پرتاب کردند، اما به سبب پراکندگی سربازان و محدود بودن شمار گلوله ها این تاکتیک چندان کارساز نبود حتی فرانسوی ها متوجه آن نشدند.... در سوم فوریه نیز آلمانی ها با گلوله های بزرگتری در منطقه یوئسمف وارد کارزار شدند، ولی این بار نیز به خاطر سردی هوا گازهای متصاعد شده از این گلوله ها موثر واقع نگردید».^(۵) آلمانی ها برای اولین بار گاز کلر را در ۲۲ آوریل ۱۹۱۵ در ایپر بلژیک علیه سربازان مستعمراتی فرانسه و پیاده نظام کانادایی که هیچ ماسکی برای حفاظت نداشتند، به کار بردند. تلفات ناشی از کاربرد این گاز در حدود بیست تا بیست و پنج هزار نفر بود، ولی دو روز بعد که آلمانی ها قصد داشتند با کاربرد گاز خردل به پیشروی تازه ای دست بزنند، با سربازان ماسک داری که حوله های خیس داشتند و ملحفه های مرطوب به خود پیچیده بودند، روبه رو شدند. در نتیجه، گاز فقط ۲۵ درصد سپاهیان دشمن را از فعالیت جنگی بازداشت. در آغاز سال ۱۹۱۶ بار دیگر آلمانی ها در وردن طی شش روز جنگ دومیلیون و پانصد هزار گلوله که صدها هزار آنها گلوله گاز دار بود، شلیک کردند که منجر به خفگی و مرگ یا تشنج دهها هزار فرانسوی شد».^(۶) «علاوه بر آلمانی ها کشورهایی که در جنگ جهانی اول به کاربردن جنگ افزارهای شیمیایی مبادرت ورزیدند، عبارت بودند از: مجارستان، بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، روسیه و آمریکا. نیروهای ترکیه در این جنگ به جنگ افزارهای شیمیایی مجهز بودند ولی ظاهراً از آنها استفاده نکردند».^(۷) متفقین برای مقابله به مثل سلاح های شیمیایی به کار بردند، در LOOS (گینه) در ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۵، وردن و سوم (SOOM) در ۱۹۱۶ و سپس در ژوئیه ۱۹۱۸ گازهای فسژن، ایپریت و سنیت و آکرولین از همه بیشتر استفاده شد.

در مجموع در طول چهار سال جنگ جهانی اول حدود یکصد و بیست هزار تن از مواد شیمیایی استفاده کردند که شامل «۱۲ نوع گاز اشک آور، ۱۵ نوع گاز خفه کننده، ۳ نوع گاز خون، ۴ نوع گاز تهوع آور و تاول زا و دیگر گازهای سمی مورد استفاده قرار گرفت».^(۸)

آمار تلفات و مصدومین گازهای شیمیایی طی این جنگ چشمگیر بود و تعداد افرادی که براساس اطلاعات و

در جریان جنگ تحمیلی

بیش از ۲۵۲ مورد

حمله شیمیایی (عراق)

علیه ایران صورت گرفت

که در سازمان ملل متحد

ثبت شده است

سلاح‌های شیمیایی رو به پایان بود. شرط فوق را پس گرفتند. استرالیا در سال ۱۹۸۹، رومانی، چکسلواکی و مغولستان در سال ۱۹۹۰، بلغارستان و شیلی در سال ۱۹۹۱، اسپانیا در سال ۱۹۹۲ جزء این کشورها بودند. همچنین کانادا و انگلستان در سال ۱۹۹۱ حضور خود در این کنوانسیون را تنها در مورد سلاح‌های بیولوژیک پس گرفتند. کشور باریادوس به عنوان دولت جانشین بریتانیا و روسیه نیز در سال ۱۹۹۲ موضع مشابهی اتخاذ کردند.^(۱۲)

استفاده از سلاح‌های شیمیایی بین دو جنگ جهانی

در بین دو جنگ جهانی برغم امضای پروتکل ۱۹۲۵ ژنو مبنی بر منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی و تلاش‌های نافرجام جامعه ملل در زمینه خلع سلاح، کشورهایی چند از این تسلیحات استفاده کردند. «در نوامبر ۱۹۳۵، به هنگام حمله ایتالیا به اتیوپی سربازان موسولینی علیه مردم بی پناه اتیوپی از گاز سمی استفاده کردند که در این تهاجم شیمیایی ۱۵ هزار نفر قربانی شدند».^(۱۳) در طول جنگ‌های داخلی اسپانیا که از سال ۱۹۳۶ آغاز شد و روس‌ها جمهوری خواهان اسپانیا به رهبری فرانکو را در مقابل جبهه ناسیونالیست‌ها یاری می‌کردند، «به فرمان استالین در دو منطقه اسپانیا، گلوله‌های گاز سمی و خردل به کار برده شد که در نتیجه شمار زیادی از افراد غیرنظامی در روستاها و شهرها کشته شدند».^(۱۴) استفاده از سلاح‌های شیمیایی همچنان ادامه داشت. دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۳۷ «ژاپن در جنگ با چین به استفاده از سلاح‌های شیمیایی اقدام کرد و این امر تا سال ۱۹۴۵ ادامه داشت».^(۱۵)

عدم استفاده عمده تسلیحات شیمیایی در جنگ جهانی دوم

رقابت تسلیحاتی چند سال قبل از جنگ جهانی دوم بین قدرت‌های بزرگ آغاز شده بود، بخصوص در زمینه تحقیق و توسعه سلاح‌های شیمیایی که در این باره کشورها به نتایج جدیدی رسیدند. پیشرفت‌های به دست آمده در این دوره بسیار مهم بودند، به طوری که خردل‌های نیتروژنه و عوامل گاز تولید شدند و آلمان‌ها دو سال قبل از آغاز جنگ، گاز عصبی سارین و تابون را کشف کردند. با دسترسی کشورهای متخاصم به تسلیحات شیمیایی و

شیمیایی موضوعی مبهم است. در مورد سلاح‌های ترکیبی و دوگانه که دارای موادی هستند که هر کدام به تنهایی مضر نبوده و به هنگام شلیک مخلوط شده و به گاز کشنده‌ای تبدیل می‌شوند، مشکل بتوان با استناد به پروتکل، ترکیبات دوتایی را ممنوع ساخت یا تولید آنها را در صنایع غیرنظامی کنترل نمود. تفاسیر ارائه شده در تعریف سلاح‌ها و به تبع آن شمول این تعریف بر مواد، مشکلاتی به وجود می‌آورند. مثلاً بعضی از کشورها سلاح‌های آتش‌زا را مشمول منع استعمال می‌دانند و برخی برعکس؛ مجادلات دیگری نیز در مورد گازهای اشک‌آور و عوامل ضد گیاه وجود دارد.

با ارزیابی مفاد کنوانسیون لاهه^(۱۶) و پروتکل ۱۹۲۵ ژنو می‌توان نتیجه گرفت که این دو سند بین‌المللی، بیشتر مقررات بشردوستانه و نه قراردادهای کنترل تسلیحات تلقی می‌شوند؛ زیرا هیچ‌یک از آنها توسعه، ذخیره‌سازی و به خدمت گرفتن جنگ‌افزارهای شیمیایی را غیرقانونی اعلام نکرده‌اند».^(۱۷) در حالی که

منع سلاح‌های شیمیایی در این پروتکل و بسط آن به جنگ‌افزارهای میکربی در سطح جهانی پذیرفته شده است و با وجود عضویت اکثر کشورهای جهان در این پروتکل، مقررات آن زیر پا گذاشته شده و کشورهای مختلف از جنگ‌افزارهای شیمیایی استفاده کرده‌اند، مثلاً عراق عضو این پروتکل می‌باشد. مفرهای زیاد این پروتکل برای شانه خالی کردن از اجرای تعهدات، برغم منع سلاح‌های شیمیایی، با تفسیر قدرت‌های بزرگ، پروتکل را به قرارداد عدم استفاده اول تبدیل کرد.

در مورد شرط استفاده از عمل متقابل بعضی کشورها نسبت به پروتکل ژنو ذکر نکته‌ای دیگر قابل توجه است. تعدادی از کشورها در حالی که مذاکرات کنوانسیون

در افغانستان
نیروهای شوروی
در مقابله با چریک‌های
افغانی از عوامل شیمیایی
موسوم به «باران زرد»
استفاده کردند

مقابله با آنها، احتمال آسیب پذیری در مقابل عوامل ناشناخته را افزایش می داد. همچنین گفته شده است که «تأثیرات روانی به جا مانده از کاربرد این جنگ افزارها در جنگ جهانی اول و اینکه هیتلر خود از مصدومان ناشی از کاربرد این جنگ افزار در درگیری های جنگ اول بوده است»^(۲۰) در عدم تمایل آلمان ها به استفاده از سلاح های شیمیایی موثر افتاد.

سلاح های شیمیایی بعد از جنگ جهانی دوم

بعد از جنگ جهانی دوم، رقابت تسلیحاتی نه تنها فروکش نکرد، بلکه با دو قطبی شدن جهان، ظهور کشورهای تازه استقلال یافته و پیشرفت علم و تکنولوژی، این رقابت جان تازه ای به خود گرفت و سلاح های شیمیایی اشاعه بیشتری یافتند.

«در جنگ ویتنام (۱۹۶۵-۱۹۷۲) آمریکایی ها با پاشیدن مواد سمی بر کشتزارها و جنگل ها که چریک های ویتنام از آنها در استتار خود استفاده می کردند، حیات گیاهی و جانوری را از بین بردند و

در آخرین مراحل جنگ،
عراق حملاتی را با گاز سارین
به خطوط مقدم دفاعی ایران
در مناطق فاو، شلمچه و
جزایر مجنون انجام داد تا
مقاومت ایران را از بین برده و
به سهولت منطقه را تصرف کند

از بمب ناپالم نیز در حد وسیعی علیه ویت کنگ ها استفاده کردند»^(۲۱) در این جنگ «سلاح های شیمیایی نه به شکل گازهای سمی بلکه به صورت علف کش و گازهای اشک آور در حد زیاد، مخصوصاً بین سال های ۱۹۷۰-۱۹۶۵ مورد استفاده قرار گرفت که میزان این استفاده چیزی در حدود مقدار مذکور در جنگ جهانی اول بود»^(۲۲) در جنگ های یمن (۱۹۶۷-۱۹۶۳)، مصر از جنگ افزارهای شیمیایی استفاده کرد که به دلیل مسائل خاورمیانه و نیز مسائل وحدت اعراب موضوع مسکوت ماند. در افغانستان نیز نیروهای شوروی و دولتی در مقابله با چریک های افغانی از عوامل شیمیایی موسوم به «باران زرد» استفاده کرده اند.

انبارهای موجود از این سلاح ها، تردیدی نبود که این کشورها در مقابله با دشمن به توسل به سلاح های شیمیایی و سوسه شوند.

در جنگ جهانی دوم همه متخاصمان اصلی (انگلستان، فرانسه، آمریکا، شوروی، ژاپن، آلمان و ایتالیا) گازهای سمی مختلفی داشتند، «احتمالاً در این زمان میزان کل ذخایر جنگ افزارهای شیمیایی توسط قدرت های اصلی متخاصم به بیش از ۲۵ میلیون تن می رسید، دو برابر آنچه که در طول جنگ اول استفاده شد»^(۲۳) ولی در این جنگ، سلاح های شیمیایی به طور عمده مورد استفاده قرار نگرفت، «نیروهای آلمان فقط در چندین تک در مقابل پارتیزان های شوروی در اودسا و کریمه از جنگ افزارهای شیمیایی استفاده کردند»^(۲۴) انگلیسی ها و آمریکایی ها ماده ای تحت نام ناپالم (نفت ژله شده که ماده ای سوزان و خطرناک است) ساختند و از طریق بمباران های هوایی در آتش زدن شهرها و سربازان حریف استفاده کردند، «بر اثر بمباران هامبورگ توسط هواپیماهای متفقین در سال ۱۹۴۲، حدود ۲۰۰ هزار غیرنظامی سوختند... در ۱۹۴۵ نیز آمریکایی ها در سدان از ناپالم استفاده کردند که تلفات ناشی از آن را حدود ۴۰۰ هزار نفر گزارش کرده اند»^(۲۵) دلیل این خودداری وسیع از سلاح های شیمیایی چیزی نبود جز این که «هیچیک از دول متخاصم از قدرت و توانایی آنچنان بالایی که بتواند یک تهاجم شیمیایی وسیع و تمام کننده را سازماندهی کند، برخوردار نبود و همین امر دول متخاصم را در کاربرد سلاح های شیمیایی محتاط می نمود. دول قدرتمند متحد علیه آلمان در مواقعی که از جانب نیروهای آلمانی به شدت تحت فشار قرار داشتند حتی مسئله استفاده سلاح های شیمیایی علیه آن کشور را مورد بررسی قرار دادند اما از آنجا که از اقدام مقابله به مثل ارتش نیرومند آلمان وحشت داشتند از این اقدام خودداری نمودند»^(۲۶) کارشناسان نظامی معتقدند که یک کشور در شرایط جنگی تنها از عواملی ممکن است استفاده کند که فن مقابله و درمان مصدومین ناشی از آن عوامل را نیز داشته باشد. در جنگ جهانی دوم، زرادخانه های شیمیایی کشورهای متخاصم با هم فرق داشت. به طور عمده آلمان ها عوامل اعصاب و متفقین عوامل خون را در اختیار داشتند. در نتیجه استفاده از سلاح های شیمیایی بدون داشتن وسایل درمانی



کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه ایران

اما فاجعه‌آمیزترین کاربرد سلاح‌های شیمیایی در طول تاریخ، استفاده عراق از این جنگ افزارها در طول هشت سال جنگ تحمیلی بود. در این جنگ نیروهای عراقی پس از شکست‌های متعدد در مناطق مختلف جبهه جنگ به استفاده از انواع عوامل شیمیایی علیه افراد نظامی و غیرنظامی روی آوردند و در این مدت با استفاده از انواع مهمات شیمیایی از قبیل بمب، گلوله‌های توپ و خمپاره که

حاوی گازهای سمی و کشنده‌ای همچون عوامل عصبی، گازهای خردل، سیانور و عوامل خفه‌کننده بودند، به نقض آشکار تعهدات مربوطه خود در کنوانسیون‌های بین‌المللی پرداختند. «در طی این مدت بیش از ۲۵۲ مورد حمله شیمیایی (عراق) علیه ایران صورت گرفت که در سازمان ملل متحد ثبت شده است».^(۳۳)

در ادامه با استفاده از مهمترین منبع ثبت حملات شیمیایی عراق علیه ایران، روند این حملات را مورد بررسی قرار می‌دهیم.^(۳۴) این حملات را به سه بخش می‌توان تقسیم نمود: ۱. دی ماه ۱۳۵۹ تا تیرماه ۱۳۶۲ به صورت حملات و مانورهای آزمایشی؛ ۲. مردادماه ۱۳۶۲ تا بهمن ماه ۱۳۶۲ به صورت حملات محدود ولی متمرکز؛ و ۳. اسفندماه ۱۳۶۲ تا خاتمه جنگ به صورت حملات گسترده و سنگین. لذا در دوران جنگ تحمیلی کشور ما به مدت پنج سال از مردادماه ۱۳۶۲ تا تیرماه ۱۳۶۷ مورد تهاجم جدی شیمیایی عراق قرار گرفت. اگر وقایع گذشته را یک بار به سرعت مرور کنیم متوجه یک روند رو به رشد خواهیم شد که در ماه‌های آخر جنگ به اوج خود رسید.

روند رو به رشد حملات شیمیایی عراق

عراق از سال ۱۳۶۲ تا اوایل ۱۳۶۳ ابتدا از گاز خردل و سپس از گاز تابون استفاده کرد. در آن زمان اختلالی در وسایل

پخش گاز شیمیایی و ساختمان بمب‌ها وجود داشت و حملات شیمیایی به طور نسبتاً ناموفقی صورت می‌گرفت، لذا رقم مصدومین و شهدا کمتر از حدی بود که از به کارگیری آن حجم عظیم عامل شیمیایی محاسبه می‌شد. در طی این مرحله اغلب مصدومین دچار ضایعات خفیف و متوسط شده و تعداد کمتری آسیب شدید دیدند.

در اواخر سال ۱۳۶۳ و سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ نارسایی‌های گذشته به وضوح اصلاح شد و روش پخش عوامل شیمیایی به نحو موثری بهبود یافت. علاوه بر این احتمالاً از سیستم‌های پخش‌کننده عامل شیمیایی به روش اسپری نیز به میزان محدودی استفاده شد.

در اوایل سال ۱۳۶۶ نخستین حمله با گاز عصبی سارین در خرمشهر توسط موشک‌های کاتیوشا صورت گرفت. لازم به ذکر است که قدرت کشندگی سارین بسیار بیشتر از تابون است. در آخرین مراحل جنگ، عراق حملاتی را بخصوص با گاز سارین به خطوط مقدم دفاعی رزمندگان ایران به ترتیب در منطقه فاو، شلمچه و جزایر مجنون انجام داد تا مقاومت آنها را از بین برده و به سهولت منطقه را تصرف کند. در این حملات گلوله‌های گاز اعصاب توسط توپخانه، به تعداد زیاد و معمولاً در شب و به طور دقیق در مقدمه حمله عراقی‌ها استفاده می‌شد. با یک جمع‌بندی ساده سیر پیشرفت جنگ شیمیایی چنین مشخص می‌گردد:

کشور (والفجر ۲) و در پیرانشهر، روستاهای مجاور و حاج عمران صورت گرفت که در این حمله در دو مورد بمباران سنگینی که انجام شد افراد غیر نظامی نیز آسیب دیدند (حاج عمران: ۳۰: ۶ بعد از ظهر ۱۷ مرداد و ۷ صبح ۱۸ مرداد).

در آبان ماه ۱۳۶۲ منطقه وسیعی از غرب کشور، یعنی چند روز پس از عملیات والفجر ۴، با گاز خردل بمباران شیمیایی شد که بجز مناطق نظامی، شهرهایی چون مریوان، سردشت (۳ آبان)، بانه (۸ و ۹

آبان) و روستاهای مجاور را نیز شامل می شد. این حملات منجر به مصدوم شدن عده ای از رزمندگان و نیز گروهی از مردم غیر نظامی اعم از زنان و کودکان شد.

دولت جمهوری اسلامی ایران طی نامه های متعددی جزئیات حوادث فوق را به اطلاع شورای امنیت سازمان ملل متحد رسانیدند و درخواست نمودند تا در اسرع وقت هیأتی جهت بررسی شواهد به جای مانده از حادثه و معاینه بیماران به ایران اعزام شود، ولی متأسفانه هیچ اقدامی صورت نپذیرفت.

در ماه های آذر، دی و بهمن سال ۱۳۶۲ نیز به طور پراکنده و بسیار محدود حملات شیمیایی صورت گرفت. تا اینکه عملیات بزرگی در جنوب کشور در جزایر مجنون (عملیات خیبر) آغاز گشت که سومین مرحله جنگ شیمیایی محسوب می شد و تا آخر جنگ ادامه داشت. حملات بسیار گسترده ای که با گاز خردل صورت گرفت و نخستین تشکیلات درمانی ویژه مصدومین شیمیایی در جنوب کشور ایجاد شد.

حملات شیمیایی در عملیات خیبر

در تاریخ ۶۲/۱۲/۳ در جنوب کشور عملیات گسترده ای به نام خیبر آغاز شد، نخستین حمله گسترده و شدید با گاز خردل در این عملیات صورت گرفت. در ابتدا دانش کمی

سال های اول	سال های آخر	
ابتدایی بودن وسایل پخش عامل و اشکال در گلوله ها و بمب ها	رفع نواقص	کیفیت پخش عامل
بمب و توپ	بمب و توپ + موشک	نوع وسایل
محدود	گسترده و غلظت زیاد	حجم گاز در هر حمله
خردل + تابون	خردل + سارین + GF	نوع گاز
بیشتر در مناطق نظامی و مصدوم شدن غیر نظامیان به طور جانبی	علاوه بر اهداف نظامی حمله به نقاط کاملاً مسکونی و غیر نظامی	جسارت در بکارگیری

این روند رو به رشد استفاده از جنگ افزارهای شیمیایی، زیر دید ناظران بین المللی و به ویژه تیم های کارشناسی اعزامی سازمان ملل متحد علیرغم هشدارها و اعلام خطرهای آنان، ادامه یافت و جنگ در هاله گرد و غبار ابرهای شیمیایی به اتمام رسید.

حملات شیمیایی تا قبل از عملیات خیبر

۱- حملات شیمیایی دی ۱۳۵۹ تا تیر ۱۳۶۲

جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با تجاوز عراق به ایران آغاز شد. از زمستان سال ۱۳۵۹ یعنی چند ماه پس از آغاز جنگ تحمیلی، عراق اولین بار از گلوله های شیمیایی استفاده کرد که اغلب از مواد اشک آور و تهوع زا و عصبی کننده، تشکیل یافته بود و البته موارد آن بسیار محدود بود و به نظر می رسید بیشتر جنبه آزمایشی داشته باشد. مجموع این موارد تا ابتدای مرداد ماه ۱۳۶۲ که شروع انجام چند عملیات بزرگ در غرب کشور بود، به ۲۵ مورد می رسید.

۲- حملات شیمیایی مرداد ۱۳۶۲ تا بهمن ۱۳۶۲

مجموعه حملات شیمیایی این دوره تقریباً ۲۵ مورد است که مهم ترین آنها را خواهیم گفت. در مرداد ماه ۱۳۶۲، هفت حمله شیمیایی مهم در مناطق عملیاتی شمال غرب

متنوعی از جمله تسلیحات شیمیایی استفاده نمودند. پس از گذشت حدود دو ماه و نیم، جنگ نیروها در زمین، هوا و دریا به اتمام رسید و با استحکام خطوط دفاعی ایران در منطقه کارخانه نمک، برای مدتی طولانی آرامش نسبی بر شبه جزیره فاو حاکم شد.

فاو منطقه‌ای نیمه باتلاقی و پر از گیاهان و نیزارهای بلند و نخلستان‌هایی به ویژه در حاشیه‌های مجاور آب قرار دارد. با توجه به محدود بودن منطقه و امکان پایداری بیشتر

عوامل شیمیایی، امکان حملات شدید شیمیایی بسیار بود. در روزهای اول عملیات، به دلیل بارندگی‌های شدید و بی وقفه و هوای ابری، پرواز هواپیماهای عراقی به ندرت صورت می گرفت، تا اینکه بالاخره حملات شیمیایی آغاز شد.

در عملیات فاو، در بهمن و اسفند ۱۳۶۴، نیروهای عراق از گاز عصبی سارین به شکل بی سابقه‌ای استفاده کردند و استفاده از این گاز تا خاتمه جنگ به عنوان یکی از موثرترین گازهای ناپایدار جنگی، موقعیت خود را حفظ نمود. در این مرحله از جنگ شیمیایی که با عملیات فاو همزمان بود، اگرچه گاز اعصاب بخصوص سارین به عنوان اصلی ترین سلاح شیمیایی محسوب می شد؛ حملات گاز خردل نیز به دفعات به وسیله هواپیما و توپخانه‌ها انجام گرفت.

حادثه سردشت

عراقی‌ها، مهمترین حملات شیمیایی به مناطق غیرنظامی پس از جنگ جهانی اول را در سال ۱۳۶۶ انجام دادند. حملات سنگین شیمیایی ارتش عراق هم در شهرهای ایران و هم در خاک عراق علیه اهداف غیرنظامی بارها صورت گرفت. در گذشته نیز مناطق مسکونی، هدف قرار می گرفتند ولی صدمات بسیار محدود بود. عراق در این



درمورد مکانیسم اثر و چگونگی برخورد با گاز خردل وجود داشت و به طور کلی سیستم مناسبی برای مقابله با این گونه حملات نبود اما به تدریج سیستم درمان مصدومین شیمیایی شکل گرفت.

حملات شیمیایی در عملیات بدر

اهمیت گازهای اعصاب که در عملیات بدر مورد استفاده وسیع قرار گرفت، در ایجاد آثار کشنده و سریع و نیز تأثیر قطعی درمان مناسب و سریع مصدومین مربوطه می باشد. در این مرحله از جنگ، نقش حیاتی سیستم درمانی مستقل مصدومین شیمیایی که در سال ۱۳۶۲ بسیار ساده و مختصر بود، تجربه شد و تا خاتمه جنگ یکی از وظایف مهم بهداری به شمار رفت. پس از شروع عملیات بدر، مقامات کشور ما به طور رسمی به سازمان ملل متحد هشدار دادند که عراق در تدارک تهاجم گسترده شیمیایی علیه ایران است.

حملات شیمیایی در عملیات فاو (والفجر ۸)

عملیات بزرگ فاو (والفجر ۸) در تاریخ ۶۴/۱۷/۲۰ رقم خورده است. پس از گذشت ۳ روز طاقت فرسا و استقرار نیروها در منطقه فاو، پاتک‌های سنگین عراق شروع شد و جنگ سختی در گرفت که طی آن عراقی‌ها از امکانات

همراه تیم نبود و لذا گزارش کامل تهیه نشد، بعلاوه هیأت اجازه بازدید از شهر حلبچه را نداشت.

حدود یک ماه بعد در گزارش منتشره از سوی آن هیأت ملاحظه شد که کاربرد گاز خردل به عنوان عامل اصلی مسمومیت معرفی و از عامل اعصاب به عنوان عامل فرعی نام برده شده است؛ در حالی که واقعیت این نبود و شواهد باقیمانده درمورد عامل اعصاب در زمان حضور تیم در ایران از بین رفته بود و تنها به دلیل تأثیر سریع و ناپایداری شدید آن، بسیار ناچیز و غیرقابل استفاده شده بود.

حملات عراق به مناطق فاو شلمچه مجنون

در تاریخ یکشنبه ۱۳۶۷/۱۲/۸، عراق حمله شیمیایی خود را به منطقه فاو در خطوط مقدم و مناطق پشتیبانی آن آغاز کرد. در این حمله، عراق از توپخانه گاز اعصاب استفاده نمود، البته مقدار کمی نیز سیانید به کار برد. در پنجشنبه ۱۳۶۷/۲/۱ عراق برخی روستاهای خوزستان در اطراف دارخوین و هویزه را مورد حمله با گاز اعصاب و

به نظر می رسد، با توجه به مسئولیت های مستقیم و غیرمستقیم حامیان بین المللی صدام در زمان جنگ علیه ایران، احقاق حقوق قربانیان این حملات با دشواری های زیادی همراه خواهد بود

سیانید قرار داد که عده ای شهید و مصدوم شدند. عراق همچنان به تهدیدهای خود درباره تهاجم شیمیایی به مناطق غیرنظامی و شهرهای بزرگ کشور، از جمله تهران ادامه داد. به دنبال تصرف فاو، عراق در تاریخ ۱۳۶۷/۳/۴ با حمله دیگری منطقه عملیاتی کربلای ۵ (شلمچه) و سپس جزایر مجنون را نیز به تصرف خود درآورد. طی این حمله، عراق از گلوله های توپ و بمب های حاوی گاز اعصاب نیز استفاده کرد.

کاربرد سلاح های شیمیایی علیه کردهای عراقی

علاوه بر کاربرد سلاح های شیمیایی علیه ایران، نیروهای تحت حاکمیت صدام، رئیس جمهور معدوم عراق، در

مرحله از جنگ شیمیایی، فشار را بر روی غیرنظامیان متمرکز کرد. چون اولاً می توانست مسئولین ایرانی را نگران ادامه مقاومت در برابر خواسته عراق سازد و از سوی دیگر، روحیه مردم را در شهرهای مختلف کشور که این بیماران را با بیماری های وحشتناک می دیدند، تضعیف نماید. ثانیاً با توجه به این نکته که غیرنظامیان در برابر حملات شیمیایی آسیب پذیری بیشتری دارند، با صرف هزینه بسیار ناچیز، یعنی انداختن تنها چند بمب شیمیایی، هزاران بیمار را راهی مراکز درمانی و نقاهتگاه های ایران در شهرهای مختلف می کرد و چون مصدومین شیمیایی (خصوصاً مصدومین عوامل تاول زا) باید مدت زمان زیادی بستری شوند لذا عملاً تعداد زیادی از تخت های فعال مراکز درمانی ایران اشغال می شد و این موضوع می توانست آثار دردناک روحی برای مردم و کادر پزشکی به دنبال داشته باشد و علاوه بر آن خدمات پشتیبانی درمانی برای نیروهای نظامی را مختل نماید.

عملیات والفجر ۱۰ حوادث مریوان و روستاهای اطراف

در اوایل فروردین ۱۳۶۷ نگرانی زیادی به دلیل احتمال حملات شیمیایی موشکی عراق به تهران و سایر شهرهای بزرگ وجود داشت. خبرگزاری عراق در ۶۷/۱۹ به نقل از مسئولین عراقی اعلام کرد که: «... عراق ممکن است به عنوان یک اقدام بازدارنده و کیفری، تعدادی از شهرهای بزرگ ایران را هدف حملات شیمیایی قرار دهد...». حتی در برخی از خبرها، فاجعه حمله شیمیایی عراق به حلبچه و نقاط کردنشین عراق را به ایران نسبت داده و اضافه نمودند که به تلافی حملات فوق (!) عراق به شهرهای پرجمعیت ایران حمله شیمیایی خواهد کرد.

علیرغم اصرار مسئولین جمهوری اسلامی ایران، سازمان ملل در اعزام تیم کارشناسی اهمال می کرد، تا اینکه سرانجام در ۱۳۶۷/۷/۸ هیأتی به تهران وارد شد. این تأخیر ۱۲ روزه باعث شد تا شواهد مستند مربوط به گاز اعصاب و سیانید هم از نظر مصدومین و شهدا و هم از نظر نمونه برداری (به علت ناپایداری عامل) قابل ارائه نباشند. ضعف دیگر کار هیأت این بود که تنها متخصص این گروه یک پزشک بود و کارشناس مواد شیمیایی و اسلحه شناس

است. در عین حال، می‌توان نتیجه گرفت که انفعال جامعه بین‌المللی نسبت به اقدامات مغایر با حقوق بین‌الملل موجب تجری بیشتر صدام شده و در نهایت او را به کاربرد سلاح‌های شیمیایی حتی علیه شهروندان خود رهنمون می‌کرد.^(۲۵)

یوست هیلترمن^(۲۶)، در بیان بخش عمده جنایت حلبچه و برای نشان دادن نقش دستگاه حکومتی صدام در این جنایت معتقد است که علی شیمیایی، پسر عمومی صدام که توسط وی به عنوان رئیس پلیس امنیتی عراق منصوب شده بود، به مدت دو سال در این پست مشغول فراهم کردن منویات صدام بود و وقت کافی برای سرکوب کردها در اختیار داشت. وی در مارس ۱۹۸۷ با ارسال پیامی به کردها اعلام کرد که دوران کردها دیگر به سر آمده است. به دنبال این هشدار، از اواخر سال مزبور وی با به عهده گرفتن رهبری عملیات انفال، با سلاح‌های خاص^{۲۷} این عنوان در دوره حکومت صدام به سلاح‌های شیمیایی اطلاق می‌شد- شورشیان کرد را سرکوب کرد. در واقع کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه کردهای عراقی یکی از مراحل هشت گانه عملیات سرکوب کردها بود که در نتیجه آن هزاران نفر در حلبچه کشته شدند و در موارد بعدی با ایجاد رعب و وحشت ناشی از کاربرد این سلاح‌ها، آن دسته از مردان، زنان و کودکان روستایی که از این حملات نجات پیدا کرده و پا به فرار می‌گذاشتند، به دست سربازان رژیم بعثی که از قبل در انتظار آنها بودند، اسیر و تحویل پلیس امنیتی عراق می‌شدند. گروه ویژه قتل عام این اسیران، کار را تمام می‌کردند و آن عده که جزء اعدامی‌ها نبودند، به مناطق دوردست تبعید می‌شدند. گفته می‌شود که بین هفتاد تا هشتاد هزار نفر از مردان کرد در طول این عملیات مفقود شدند و خبری از سرنوشت آنها به دست نیامده است.

شکی نیست که حکومت ریگان از تمام آنچه به سر کردها می‌آمد، مطلع بود. اسناد دولت آمریکا و مصاحبه برخی از مسئولین این کشور ادعای مزبور را تأیید می‌کند. می‌توان گفت که دلیل حمایت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی با دادن اسلحه و اطلاعات امنیتی و نظامی مربوط به جنگ- دولت آمریکا از صدام به دلیل ترس ایالات متحده آمریکا از نفوذ انقلاب اسلامی ایران

طول جنگ تحمیلی به کرات برای سرکوب کردهای معارض این کشور به قوه قهریه و از جمله سلاح‌هایی که سلاح خاص (شیمیایی) می‌نامیدند، متوسل شدند. باوجود این، بمباران شیمیایی حلبچه در اوج جنایات شیمیایی صدام قرار می‌گیرد. هرچند، بمباران حلبچه نمونه‌ای از خشونت‌بارترین جنایات صدام حسین به شمار می‌رود، موضوع بمباران شیمیایی حلبچه چندان مورد بحث و مذاقه علمی قرار نگرفته است. در زمینه دلایل عدم توجه به این موضوع به عوامل مختلفی، از جمله عدم اقتضای دامن زدن به این موضوع بر اساس سیاست ایالات متحده آمریکا، می‌توان اشاره کرد. به عبارت دیگر، تنها بعد از

حمله صدام به کویت، زمانی که سیاست‌های کشور کویت ایجاب کرد، مسئولیت ارتکاب این حملات از سوی صدام و نیروهای تحت رهبری او مورد تأیید قرار گرفت. البته صدام در دادگاه محاکمه وی پس از دست‌گیری‌اش به دست نیروهای آمریکایی، مسئولیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه

ایرانی‌ها را پذیرفته و از این عمل ددمنشانه خود به عنوان یک افتخار یاد کرد.

در حالی که پس از این موضع‌گیری صدام، قسمت اعظم معما حل شده به نظر می‌رسد، با توجه به مسئولیت‌های مستقیم و غیرمستقیم حامیان بین‌المللی صدام و از جمله ایالات متحده آمریکا در زمان جنگ عراق علیه ایران، راه زیادی برای احقاق حقوق قربانیان این حملات وجود خواهد داشت. البته، اذعان دولت آمریکا بر نقش صدام در بمباران شیمیایی حلبچه، به طور غیرمستقیم در زدودن اتهامات واهی علیه جمهوری اسلامی ایران از یک سو نشان دادن مسئولیت واقعی دولت وقت عراق و حامیان آن از سوی دیگر بسیار حائز اهمیت

کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه کردهای عراقی یکی از مراحل هشت گانه عملیات سرکوب کردها بود که در نتیجه آن هزاران نفر در حلبچه کشته شدند

محسوب می گردد چرا که ضمن ممنوعیت کامل چرخه حیاتی یک سری از سلاح های کشتار دسته جمعی، دارای مبانی محکم بازرسی و مقررات سخت نظارت بر پایبندی و حسن اجرا، ارائه اطلاعات، سازمان اجرا کننده شده است. در واقع، کنوانسیون شیمیایی، نخستین سند بین المللی خلع سلاحی است که هدف غایی آن از بین بردن یک طبقه کامل از سلاح های کشتار جمعی است.^(۷۷) اما نتیجه فوق، با تمام اهمیتی که دارد، تنها یک روی سکه را نشان می دهد. در این جنگ سکوت خارجی و انفعال جامعه بین المللی در مقابل کاربرد سلاح های شیمیایی توسط عراق، هموارکننده مسیر کاربرد فزاینده سلاح های شیمیایی توسط عراق علیه ایران و حتی شهروندان عراقی بود. به عبارت دیگر، کشورهای خارجی و به خصوص قدرت های خارجی و سازمان ملل با برخورد انفعالی خود صدام را در کاربرد سلاح شیمیایی جری تر ساختند. زیرا علیرغم اعزام چندین هیأت بازرسی سازمان ملل به ایران و تأییدیه گروه های حقیقت یاب در مورد کاربرد این سلاح ها، شورای امنیت نه تنها عراق را محکوم نکرد بلکه در عباراتی مبهم «از طرفین خواست تا از کاربرد سلاح های شیمیایی خودداری کنند». عباراتی که برای دو طرف تعهد یکسانی را مشخص می کرد، هر چند ایران نقشی در کاربرد سلاح های شیمیایی نداشت.

به هر حال، در اثر حملات شیمیایی عراق هزاران نظامی و غیرنظامی جان خود را از دست دادند و یا به دلیل مصدومیت های شیمیایی خود و خانواده شان با آثار و عوارض ناشی از این مصدومیت رنج می برند. اما از بعد امنیت منطقه ای و چشم انداز آتی آن، این انفعال جامعه بین المللی موجب شد تا میل به اشاعه سلاح های کشتار جمعی در سال های بعد در منطقه تقویت شود. زیرا وقتی کشورهای منطقه شاهد بودند که ایران در برابر حملات شیمیایی صدام بی دفاع مانده و مکانیسم های بین المللی هیچ کمک و حمایتی برای ایران ارائه ندادند، به صورت کاملاً طبیعی نتیجه گرفتند که مهمترین اصل تأمین امنیت ملی اصل خوداتکایی و بازدارندگی در برابر تهدیدات از طریق دستیابی به سلاح های کشتار جمعی است.^(۷۸)

در منطقه بود. بدیهی است که جنگ و کاربرد سلاح شیمیایی علیه ایران از دیدگاه صدام و آمریکا می توانست بازدارنده باشد. دستگاه اطلاعاتی آمریکا کاملاً نسبت به اقدامات صدام آگاه بود، با وجود این، برای ممانعت از توسل او به سلاح شیمیایی به هیچ اقدامی دست نزد. در واقع، در مقابل صدام، آمریکا نه تنها با یک ژست سیاسی کاربرد سلاح شیمیایی توسط او را محکوم نکرد، بلکه در سال ۱۹۸۴ با اعزام دونالد رامسفلد به عنوان فرستاده ویژه به عراق، خواهان تجدید روابط سیاسی با این کشور شد.

جمع بندی

شاید بتوان گفت تا دهه ۱۹۸۰ خلع سلاح و کنترل تسلیحات، موضوعات خاص دو بلوک شرق و غرب بوده و مجموعه جهان سوم به طور عمده نقش حاشیه ای در این فرایند داشتند. با تحولات عمده ای که در معادلات روابط بین الملل رخ داد، جهت گیری های خلع سلاح و کنترل تسلیحات نیز وارد عرصه دیگری شد و در واقع با فروکش کردن رقابت های سنتی شرق و غرب شکل دیگری از معماری روابط بین الملل مطرح شد که طی آن کنترل تسلیحات از جایگاه ویژه ای برخوردار گشت.

در طول دهه ۱۹۸۰، اقدام عراق در کاربرد سلاح شیمیایی علیه ایران و حتی شهروندان خود نیز عامل مهمی در اقناع جامعه بین المللی برای انعقاد یک معاهده بین المللی برای منع جامع سلاح های شیمیایی بود که در عین حال این معاهده نواقص مکانیسم های قبلی را نیز نداشته باشد. بر همین اساس بود که کنوانسیون سلاح های شیمیایی در سال ۱۹۹۳ با هدف جلوگیری از تولید، انباشت، استفاده و توسعه سلاح های شیمیایی و الزام به انهدام کلیه سلاح های شیمیایی منعقد شد. مفاد و مقررات این کنوانسیون به طور یکسان و غیر تبعیض آمیز برای تمام دول عضو الزام آور بوده و در صورت اثبات عدم پایبندی یک کشور عضو نسبت به تعهدات خود، سازمان منع سلاح های شیمیایی، سازمان بین المللی مجری کنوانسیون، می تواند مجازات های سختی را علیه کشور خاطی تعیین و اعمال نماید.

کنوانسیون منع سلاح های شیمیایی نسبت به دیگر معاهدات بین المللی کامل ترین و جامع ترین آنها

پادداشت‌ها

11. Goldblate. Jozef "Chemical Disarmament from the Bon on Use to a Ban of Possession, Background Paper Number 17, The Canadian Institute for International Peace and Security (Febj 1988) P.1.
12. Natalino Ronzitti; Workshop on CWC, A Breakthrough in Multilateral Disarmament, Hague Academy of International Lawj 1994.
۱۳. حسین، علایی، جنگ شیمیایی تهدید فزاینده، تهران: موسسه اطلاعات، ۱۳۶۷، ص ۱۲.
۱۴. حسین علایی و بابک خواجه کاوسی، پیشین، ص ۴۶.
15. Glodblate, Jozef. "The Problem of Chemical and Biological Warfare"; Sipri CBW Studies, Vol. IV, P.2
16. SIPRI CB Studiesj Vol. 1: p XII.
۱۷. حسین علایی و بابک خواجه کاوسی، پیشین، ص ۴۶.
۱۸. «از حشره کش تا بمب شیمیایی» آدینه، شماره ۲۲، ۱۳۶۷، ص ۱۳.
۱۹. حمیدبعیدی نژاد، سیستم‌های نظارت بر اجرای تعهدات در کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی، تهران: وزارت امور خارجه، بی‌تا، ص ۱۲.
۲۰. حسن مشهدی، «خلع سلاح و امنیت جهانی»، روزنامه اطلاعات، ۳۰ دی ماه ۱۳۷۰، ص ۱۲.
21. Kuntsewich and Narkimj Opjcitj p.31
22. SIPRI CB Studiesj Opjcitj p. XII
۲۳. رضانجفی، پیشین، ص ۱۳.
۲۴. سیدعباس فروتن، جنگ شیمیایی عراق و تجارب پزشکی آن، تهران: دانشگاه علوم پزشکی بقیه... (عج)، ۱۳۸۲.
25. Joost R Hiltermann. A Poisonous Affair: Americaj Iraqj and the Gassing of Halabja Cambridge University Pressj 2007j 346 pp.
۲۶. یوست هیلمترمن به عنوان مدیر بخش نظارت بر تسلیحات در سازمان دیده‌بان حقوق بشر، گزارش مفصلی از قتل عام کردهای حلبچه با گازهای شیمیایی برای این سازمان تهیه کرده بود. در سال ۲۰۰۷ نتیجه مطالعات خود در این زمینه را در قالب یک کتاب منتشر کرد. وی اکنون مدیر پروژه خاورمیانه در گروه مطالعاتی بحران‌های بین‌المللی است.
۲۷. برای اطلاع بیشتر از محتوا و وضعیت اجرای کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی ر. ک: www.opcw.org.
28. Just Hiltermaan; "Outsiders as Enablers" Chapter 6 in Lawrence G Potter and Gary Sickj Iran/Iraq and the Legacies of Warj (NY: Palgrave Macmillanj 2004).
۱. «تاریخ جنایت بار جنگ شیمیایی از آغاز تا حلبچه»، رسالت، ۶۷/۷۲۲، ص ۴.
۲. حسین علایی و بابک خواجه کاوسی، صنایع شیمیایی، تسلیحات و خلع سلاح شیمیایی، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱، ص ۴۴.
۳. حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه دکتر سیدعلی هنجنی، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ۱۳۶۹، ص ۱۳۲.
۴. رضا نجفی «عوامل موثر و دلایل تدوین کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی»، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران. ۱۳۷۵
5. A. Kuntsewich and Y.Nazardim "Ban All Chemical Weapons" International Peace and Disarmament, (Scientific Council on Peace and Disarmamentj Naula 1987, P.69.
۶. حسین علایی و بابک خواجه کاوسی، پیشین ص ۴۵ و ۴۴.
۷. همان، ص ۴۵
8. Roblinson. Aj Chemical and Biological Warfarej (Stevens and Sona Ltd. 1968) P.47.
9. "SIPRI Biological & Chemical Warfare Studies", Proceedings of SIPRI and Pugwash Conference, 1986, P. 106.
۱۰. در دومین کنفرانس لاهه در سال ۱۹۰۷ بود که تلاش‌های بین‌المللی خلع سلاح به اولین قرارداد بین‌المللی که از نظر حقوقی تعهدآور بود، نایل آمد. در این کنوانسیون، منع قبلی استفاده از سلاح‌های سمی در جنگ تأیید شد. در ماده ۲۳ بندهای (الف) و (ر) این کنوانسیون در مورد جنگ‌های زمینی تصریح شده که حق هر دو طرف متخاصم در به کارگیری وسایلی که به دشمن صدمه بزنند، نامحدود نیست و به کارگیری جنگ‌افزارها، پرتاب کننده‌ها یا مواد با هدف ایجاد آسیب غیرعقلایی به ویژه استفاده از سم یا جنگ‌افزارهای سمی ممنوع است. به هر حال کنوانسیون لاهه که محصول زمان خود بود، از هیچ مقرراتی برای اعمال بازرسی بر خوردار نبود و در آن از نحوه برخورد با موارد عدم رعایت مفاد کنوانسیون ذکری به میان نیامد. طبق ماده ۱۳ این کنوانسیون، در صورتی که طرف مقابل مقررات کنوانسیون را نقض کند، با توجه به اقتضای مورد، موظف به پرداخت غرامت است. با شروع جنگ جهانی اول کنوانسیون نتوانست از وقوع جنگ شیمیایی ممانعت به عمل آورد و هر دو گروه دول متحد و متفق از سلاح‌های شیمیایی استفاده کردند.

بخشی از حقیقت را بر ایمان بنمایاند. شاید که سند دیگری از فتنه جویی ها و جنگ طلبی های دولت هایی که در آن برهه تاریخی علیه ملت ایران شوریدند، باشد.

سوال های تحقیق

تحلیل و پژوهش بر روی اخبار مندرج در رسانه های جهان در رابطه با زمینه سازی های جنگ، با توجه به تعدد آن همانطور که در ادامه خواهد آمد بدون داشتن طرح نظری و سوالات اولیه، سرانجامی جز آشفتگی تحقیق نخواهد داشت. اگر چه مطالعه مذکور جنبه توصیفی و تحلیلی دارد و در حین مطالعه به کشف رابطه اخبار و دسته بندی های هدفمند خواهیم رسید اما طرح سوالات اولیه نیز ضروری است. هر چند سوالات کلی و توصیفی به نظر آیند اما سمت و سوی خوبی به محقق و خواننده این مقاله خواهد داد تا بدانیم به دنبال چه چیزی هستیم و چه اهدافی را دنبال می کنیم.

سوالات پژوهش

- چه منابع خبری اخبار مربوط به اختلافات میان ایران و عراق را منتشر کرده اند؟
- این منابع خبری، هر کدام به چه میزان به این اختلاف پرداخته اند؟
- چه رویکردهایی در اخبار مندرج در این منابع در رابطه با اختلافات ایران و عراق وجود دارد؟
- هر منبع چه رویکردهایی را در برهه های زمانی مختلف لحاظ کرده است؟
- هر رویکرد چه بحث هایی در رابطه با اختلافات ایران و عراق مطرح کرده است؟
- اوج طرح اختلافات دو کشور از جهت زمانی قابل تحلیل است؟

واحد تحلیل تحقیق

انتخاب واحد تحلیل مهمترین بخش در تحلیل محتواست که با توجه به اهداف و سوالات تحقیق از سوی محقق انتخاب می شود.
با توجه به سوالات تحقیق و محدوده انتخاب شده برای این تحقیق عناوین خبری جهت واحد تحلیل برگزیده شده اند.

آمریکا، انگلیس و شوروی و سایر کشورهای غربی اظهار نموده بود و البته آنها نیز که منافع خود را در ایران و منطقه به واسطه فروپاشی نظام شاهنشاهی از دست داده بودند در صدد گرفتن انتقام از این انقلاب برآمدند. درست از این زمان بود که مطبوعات جهان به انعکاس اخباری پرداختند که با تحلیل آنها می توانیم به طور علمی و عمیق از زمینه های شکل گیری این جنگ و بسترهای مهیا شده آن، آگاه شویم.

روش مورد استفاده در این مقاله جهت مطالعه اخبار مذکور، روش "تحلیل محتوا" است. که البته از زمره جالب ترین رویکردها در زمینه مطالعات اسنادی است.

طرح مسئله

امروز پس از گذشت ۳۰ سال از انقلاب و ۲۸ سال از جنگ، هنوز به گونه ای علمی وقایع این مهم مورد بررسی قرار نگرفته است. با توجه به ابعاد مختلف تاریخی، برخی اسناد مورد بی توجهی قرار گرفته اند و جهت مطالعه این برهه خاص از تاریخ ایران به درستی مورد بهره برداری قرار نگرفته اند. هر چند خوشبختانه این اطلاعات به صورت دسته بندی شده و قابل استناد در کتابخانه ها و مراکز اسنادی موجود است اما از جهت پژوهشی مورد بی مهری محققان و مراکز تحقیقی قرار گرفته اند.

بررسی این اطلاعات و اخبار از جهت تاریخی، اجتماعی و سیاسی قابل توجه است چرا که به دلیل مکتوب بودن و عینیتی که در این اخبار وجود دارد، منبع قابل اعتمادی جهت استناد هستند، تا بخشی از دوره تاریخی را (۱۳۵۷-۵۹) در رابطه با ایران و عراق مورد مطالعه قرار دهیم که به دلیل وجود برخی آشفتگی های اجتماعی و سیاسی حاکم بر کشور نادیده انگاشته شده اند.

این اخبار در واقع انعکاسی هستند از رگه های اختلاف و دشمنی ها که توسط کشورهای منطقه و در حوزه بین المللی مطرح شدند و پس از دو سال، جنگی را شکل دادند که ۸ سال به طول انجامید و عواقب مخرب اجتماعی و سیاسی آن تا سال ها بر چهره جامعه باقی ماند. اگر چه این تحقیق نیز مانند سایر تحقیقات انجام شده و مطالعات صورت گرفته نمی تواند چهره این جریان را به طور کامل و یک دست به نمایش بگذارد و لیکن می تواند

السیاسه - لس آنجلس تایمز - العمل - نییش - هرا لد
اگز و نینیر - یواس نیوز، داو و....

در یک جمع بندی کلی در هر یک از اخبار، مقوله های
زیر مورد مطالعه قرار خواهد گرفت؛
تعیین رویکرد عنوان خبر با زیر مقوله های؛

۱. بسترهای اجتماعی داخلی در ایران.

۲. بسترهای سیاسی داخلی در ایران.

۳. بسترهای اجتماعی داخلی در عراق.

۴. بسترهای سیاسی داخلی در عراق.

۵. بسترهای بین المللی جنگ ایران و عراق.

۶. بسترهای منطقه ای جنگ ایران و عراق.

۷. اطلاع رسانی جریان جنگ.

و تاریخ خبر اعم از ماه، سال، منبع خبر، زبان و نوع رویکرد.

جامعه آماری و نحوه نمونه گیری

تعیین جامعه آماری یکی از بحث های مهم در رویکرد
تحلیل محتوا است. در تحلیل محتوا عموماً به کل جامعه
آماري دسترسی وجود دارد و لیکن بالحاظ نمودن زمان و
هزینه ها عموماً از انواع نمونه گیری های معمول در تحلیل
محتوا استفاده می شود.

در این تحقیق به دلیل اهمیت دوره های زمانی و
نحوه انعکاس اخبار در دوره زمانی دو ساله که از بهمن ماه
۱۳۵۷ آغاز می شود و تا ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ ادامه می یابد،
و به دلیل امکان دسترسی به کلیه این اخبار که توسط
پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس جمع آوری شده
است، کلیه جامعه آماری (شامل عناوین خبری) بدون
لحاظ نمودن نمونه گیری مورد بررسی قرار خواهد گرفت.
تعداد جامعه آماری مورد مطالعه حدود ۲۳۰ الی ۲۴۰
عنوان خبری مندرج در ۳۰ منبع خبری می باشد.

یافته های تحقیق بر اساس اطلاعات بالا اعم از
مقوله ها، زیر مقوله ها و جامعه آماری، کدگذاری و داده ها
به صورت جداول از هم تمیز داده شد. یافته های تحقیق به
شرح زیر می باشد:

یافته های تحقیق

پس از مطالعه کلی عناوین محدود شده در تاریخ ۱۱ بهمن
ماه ۱۳۵۷ تا شهریور ماه ۱۳۵۹، اطلاعات استخراج شده با

عناوین خبری با توجه به اینکه به طور اجمالی رویکرد
و خلاصه ای از کل خبر است و جهت گیری های خبری را
برای محقق روشن می کند، راهنمای خوبی برای تحلیل
هستند و به عنوان واحد تحلیلی در این تحقیق در نظر گرفته
شده اند.

لازم به یادآوری است که؛ در جایی که عناوین خبر،
گنگ و یا نامفهوم بود جهت انجام مرحله کدگذاری به اصل
خبر رجوع شد و با توجه به متن خبر، عنوان خبر کدگذاری
شد.

مقوله ها و زیر مقوله های تحقیق

مقوله های اصلی مورد توجه در تحلیل اخبار، مقوله های
موضوعی، سبک مطلب و منبع می باشد. مقوله موضوعی
شامل زیر مقوله های گوناگونی چون؛ روابط خارجی
سیاسی، حکومت سیاسی و محلی، علوم پزشکی، امور
آموزشی، حوادث نظامی، دفاعی، جنگ و خشونت های
سیاسی و... می باشد. با توجه به موضوع مورد توجه در این
تحقیق، موضوع اخبار مطالعه شده تنها در حوزه مقوله
تهدیدها و اختلافات بین دو کشور ایران و عراق اعم از
نظامی، اجتماعی و سیاسی می گنجد و سایر موضوعات
مورد توجه نیست.

مقوله سبک مطلب نیز اصولاً با هفت زیر مقوله، خبر،
سرمقاله، گزارش، مصاحبه، نامه، پاسخ مسئولان و غیره در
نظر گرفته می شود.

با توجه به اینکه در منبع مورد مطالعه سبک مطلب قید
نشده است و تنها بر اساس حدس می توان اخبار را به زیر
مقوله ها تقسیم نمود، از این مقوله در تحلیل اخبار این
تحقیق استفاده نشده است. البته این موضوع آسیبی به کل
کار وارد نکرده چرا که بیشتر این مقوله جهت تحلیل
محتوای توصیفی، می تواند مورد توجه محقق باشد.

مقوله منبع در این رساله، بیش از ۳۱ منبع خبری است
که در زیر می آید:

الشرق الاوسط - نیویورک تایمز - واشنگتن پست -
کریستین مانیتور - تایمز - فاینشال تایمز - گاردین - دیلی
تلگراف - الاژمنه العربیه - النهار - السفير - اینترنشنال هرا لد
تریبون - اکونومیست - اف دی آر - وال استریت ژورنال -
نیوزویک - هورینگ استار - لویس ویک - آبرزور -

۱. پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، گروه مترجمان، تهران: انتشارات شکیب (۱۳۸۷).

جدول ۱) فراوانی اخبار در هر روزنامه در تاریخ ۵۷/۱۱ تا ۵۹/۷
(هر روزنامه چند خبر داشته است؟)

ردیف	منبع	فراوانی
۱	الشرق الاوسط	۴۶
۲	نیویورک تایمز	۳۴
۳	واشنگتن پست	۳۴
۴	کریستین ساینس مانیتور	۱۳
۵	تایمز	۱۳
۶	فاینشال تایمز	۱۲
۷	گاردین	۸
۸	دیلی تلگراف	۸
۹	الازمنه العربیه	۷
۱۰	التهار	۷
۱۱	السفیر	۶
۱۲	اینترنشنال هرالڈ تربیون	۶
۱۳	اکونومیست	۵
۱۴	اف دی آر	۴
۱۵	وال استریت ژورنال	۳
۱۶	نیوز ویک	۳
۱۷	هورینگ استار	۲
۱۸	اوئیس ویک	۲
۱۹	لیزینس لונک	۲
۲۰	آبزرور	۲
۲۱	السیاسه	۲
۲۲	لس آنجلس تایمز	۲
۲۳	العمل	۱
۲۴	نیش	۱
۲۵	هرالد اکزونینیر	۱
۲۶	یواس نیوز	۱
۲۷	داون	۱
۲۸	الانوار	۱
۲۹	ساندر تایمز	۱
۳۰	لیبرلگیوم	۱
۳۱	الانباء	۱

توجه به سوالات اولیه پژوهش، به شرح زیر می باشد:

- بررسی فراوانی اخبار در هر روزنامه در طول تاریخ ۵۷/۱۱ تا ۵۹/۶. (هر روزنامه چند خبر داشته است؟)

- بررسی فراوانی اخبار در روزنامه ها به تفکیک سال و ماه. (در هر روزنامه به تفکیک سال و ماه چند خبر درج شده است؟)

- بررسی رویکردهای مختلف در اخبار روزنامه ها در طول تاریخ ۵۷/۱۱ تا ۵۹/۶. (در اخبار چه رویکردهای خبری وجود دارد؟)

- بررسی اخبار مندرج در روزنامه های پر خبر. (در روزنامه های پر خبر، اخبار مندرج در این رابطه دارای ویژگی هایی است؟)

- بررسی فراوانی اخبار در هر روزنامه در طول تاریخ ۵۷/۱۱ تا ۵۹/۶. (هر روزنامه چند خبر داشته است؟)

همانطور که در جدول شماره ۱ آمده است؛ بیشترین فراوانی اخبار با ۴۶ خبر، متعلق به روزنامه الشرق الاوسط و پس از آن به ترتیب نیویورک تایمز، واشنگتن پست و کریستین مانیتور و تایمز (با فراوانی همسان) قرار دارد. این سه روزنامه با مجموع ۱۱۴ خبر از ۲۳۰ خبر، ۴۹ درصد از کل اخبار مربوط به زمینه های جنگ میان ایران و عراق را پوشش داده اند که قابل توجه می باشد.

پس از آن به ترتیب کریستین ساینس مانیتور، تایمز، فاینشال تایمز، گاردین و دیلی تلگراف، الازمنه العربیه و النهار با انتشار ۶۸ خبر، حدود ۲۴ درصد اخبار در طول این تاریخ را به خود اختصاص داده اند.

در مجموع ۱۰ منبع خبری با ۱۸۲ خبر، ۷۳ درصد اخبار مربوطه را منتشر کردند و ۲۱ (بیشتر) منبع دیگر با ۶۴ خبر، تنها ۲۷ درصد اخبار را پوشش داده اند.

از این ۱۰ منبع خبری ۳۰ درصد روزنامه های عربی زبان و ۷۰ درصد انگلیسی زبان بوده اند. که با انتشار ۵۹ خبر از ۱۱۴ خبر (در رابطه با روزنامه های پر خبر) حدود ۵۱/۷ درصد اخبار را به خود اختصاص داده اند.

در مجموع می توان ۱۰ منبع خبری ردیف های اول جدول را مهمترین منابع خبری در رابطه با انعکاس اخبار مربوط به زمینه های جنگ ایران و عراق ارزیابی کرد چرا که سایر منابع تنها اشاراتی به این موضوع داشته اند.

جدول ۲) بررسی فراوانی اخبار در روزنامه ها به تفکیک سال و ماه.

سال	ماه	فراوانی	جمع	درصد
۱۳۵۷	۱۱	۱	۲	۴۰
	۱۲	۱		
۱۳۵۸	۱	۲	۳۷	۱۵/۱۰
	۳	۱		
	۷	۱		
	۸	۳		
	۹	۶		
	۱۰	۳		
	۱۱	۸		
	۱۲	۱۳		
۱۳۵۹	۱	۵۵	۲۰۷	۸۴/۴۸
	۲	۱۰		
	۳	۲		
	۴	۸		
	۵	۵۳		
	۶	۷۹		
جمع		۲۴۶	۲۴۶	۱۰۰

بر اساس ۷ رویکرد کلی مورد بررسی و تحلیل قرار داد:

۱. عناوین خبری با تأکید بر بسترهای اجتماعی داخلی در ایران.
۲. عناوین خبری با تأکید بر بسترهای سیاسی داخلی در ایران.
۳. عناوین خبری با تأکید بر بسترهای اجتماعی داخلی در عراق.
۴. عناوین خبری با تأکید بر بسترهای سیاسی داخلی در عراق.
۵. عناوین خبری با تأکید بر بسترهای بین المللی جنگ ایران و عراق.
۶. عناوین خبری با تأکید بر بسترهای منطقه ای جنگ ایران و عراق.
۷. اخبار اطلاع رسانی جنگ بین دو طرفین.

- بررسی فراوانی اخبار در روزنامه ها به تفکیک سال و ماه. (در هر روزنامه به تفکیک سال و ماه چند خبر درج شده است؟)

همانطور که در جدول شماره ۲ مشاهده می شود، تادی ماه سال ۱۳۵۸ مجموعه اخبار منتشر شده در مطبوعات خارجی مورد مطالعه که در رابطه با زمینه های جنگ میان ایران و عراق خبر رسانی می کردند تنها تعداد معدودی بوده است. این اخبار با میانگین ۰/۶۶ خبر در ۹ ماه اول زمان مورد مطالعه، کمترین میزان انتشار خبر را در مقایسه با سایر ماه های مورد مطالعه دارد. ۶ خبر در کل ماه های مذکور منتشر شده است. اما از نیمه دوم سال ۵۸، تعداد انتشار خبر فزونی یافته و به ۳۰ خبر، در ۶ ماه دوم سال افزایش یافته است. میانگین اخبار در هر ماه ۵ می باشد که افزایش ۷/۵ برابری را در مقایسه با ۹ ماه اول نشان می دهد و اوج افزایش اخبار در اسفندماه این سال می باشد.

در سال ۵۹ که شش ماه اول آن مورد مطالعه است، ۲۰۷ خبر منتشر شده است اما پراکندگی اخبار در این زمان بیشتر متمرکز بر فروردین ماه با ۵۵ خبر و مردادماه و شهریور ماه هر کدام به ترتیب ۷۹ و ۵۳ خبر می باشد. البته فراوانی اخبار در دو ماه آخر (مرداد و شهریور) به دلیل مصادف شدن با آغاز جنگ چندان غیر قابل پیش بینی نیست. اما افزایش ۴/۲ درصدی اخبار در فاصله دو ماه اسفندماه و فروردین ماه ۵۹ بسیار جالب توجه است. همانطور که می بینیم اخبار منتشره در این باره در اسفندماه از ۱۳ عنوان خبر به ۵۵ عنوان خبر در فروردین ماه افزایش می یابد و ناگهان در فروردین ماه این آمار از ۵۵ خبر به ۱۰۰ خبر در اردیبهشت ماه و در خردادماه به ۲۰۰ خبر تنزل می یابد. در صورت صحت اولیه در نحوه جمع آوری اخبار، این تنزل قابل توجه و بررسی است که با رجوع به محتوای اخبار در این ماهها آن را می توان مورد تحلیل قرار داد.

- بررسی رویکردهای مختلف در اخبار روزنامه ها در طول تاریخ ۵۷/۱۱ تا ۵۹/۶. (در اخبار چه رویکردهای خبری وجود دارد؟)

پس از مطالعه کلیه عناوین خبری، جهت بررسی محتوایی عناوین خبری، رویکردهای اطلاع رسانی و محتوایی آنها مورد بررسی قرار گرفت.

اخبار درج شده در مطبوعات مورد مطالعه را می توان

جدول ۳) اخبار مربوط به بسترهای اجتماعی داخلی در ایران

ردیف	اخبار مربوط به بسترهای اجتماعی داخلی در ایران	تاریخ	منبع	زبان	رویکرد
۱	ممنوعیت ورود خودسرانه به داخل منازل و لغو اعمال سانسور توسط ایران	۲۷ ۱۲ ۵۷	هرالد اگزومینر	انگلیسی	۱
۲	وضعیت دشوار	۱۸ ۱۲ ۵۸	اکونومیست	انگلیسی	۱
۳	بحران مدارس کاتولیکی در ایران	۱۳ ۵ ۵۹	الشرق لاوسط	عربی	۱

مطالعه، ۲۰ خبر از ۲۴۷ خبر مطالعه مستقیماً به وضعیت سیاسی در ایران می پردازد که حدوداً ۸۱ درصد از کل اخبار را شامل می شود.

محتوای اخبار: این اخبار منعکس کننده سیاست های دولت در آن دوره زمانی می باشد. براساس یک جمع بندی کلی می توان گفت عناوین خبری با این رویکرد، معطوف به اختلافات سیاسی داخلی و متعاقب آن مشکلات کلان در سیاست های اقتصادی در ایران می باشد که به طور خاص می توان به اختلافات درون حاکمیتی انقلابیون از جمله مسئله قومیت ها و به طور ویژه کردها، مشکلات تجاری پیش آمده میان ایران و آمریکا بعد از انقلاب، بحث آشفته گی های داخلی ایران و برخلاف آن اتحاد بیشتر عراق خصوصاً در بعد منطقه ای، ضعف ارتش، بالا رفتن انتظارات مردم از حاکمیت در ایران و جدی شدن برخی از مشکلات اقتصادی به دلیل لغو برخی معامله های بین المللی و اختلاف بنی صدر با روحانیون اشاره نمود. از سویی دیگر مهمترین بحث در رابطه با زمینه های اختلاف که در این اخبار آمده است را می توان در اعلام علنی امام خمینی (ره) به دشمنی با عراق و درخواست ایشان از ارتش عراق برای شورش بر ضد دولت حاکم به روشنی دید.

از جهت تاریخ انتشار: نحوه پراکندگی تاریخی این اخبار نیز همانطور که در جدول مشاهده می شود، در سال ۵۸ دو خبر از ۳۷ خبر منتشر شده، معادل ۵/۴ درصد را شامل می شود. اما در سال ۱۳۵۹ از ۲۰۷ خبر منتشر شده تنها ۱۷ خبر معادل ۸/۲ درصد با این رویکرد مطرح شده است.

منابع منتشر کننده اخبار: بیشترین فراوانی در رابطه با انعکاس اخبار با این رویکرد مربوط به روزنامه الشرق الاوسط با ۵ خبر و اینترنشنال هرالد تریبون با ۴ خبر و به ترتیب واشنگتن پست با ۳ خبر و لس آنجلس تایمز و گاردین هر

بر این اساس عناوین خبری تحت عنوان نوع رویکرد در فرایند کد گذاری از یکدیگر متمایز و هر کدام در جدولی به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفت.

- بررسی اخبار مربوط به بسترهای اجتماعی داخلی در ایران

فراوانی و درصد وجود این نوع اخبار: بر اساس مطالعه انجام شده در رابطه با رویکردهای خبری در مطبوعات مورد مطالعه، تنها سه خبر از ۲۴۷ خبر مطالعه مستقیماً به وضعیت اجتماعی در ایران می پردازد که تنها ۷۲ درصد از کل اخبار را شامل می شود.

محتوای اخبار: این اخبار اصولاً منعکس کننده وضعیت جامعه ای با ویژگی های جامعه بعد از انقلاب است که دچار مسائل اجتماعی خاصی می شود. از جمله این ویژگی ها مسئله برخورد با ضد انقلاب ها، اعمال سانسور شدید در حوزه های مختلف و بحث وضعیت مذهب و دین در جامعه انقلابی است.

از جهت تاریخ انتشار: نحوه پراکندگی تاریخی این اخبار نیز همانطور که در جدول شماره ۳ مشاهده می شود با فاصله های زیاد اسفندماه ۵۷، اسفندماه ۵۸ و مرداد ماه ۵۹ می باشد.

منبع منتشر کننده اخبار: هرالد اگزومینر، اکونومیست و الشرق الاوسط می باشد. که به جزء روزنامه الشرق الاوسط، سایر روزنامه ها جزء روزنامه های اصلی پیگیر این دسته از اخبار نمی باشند.

- بررسی اخبار مربوط به بسترهای سیاسی داخلی در ایران

فراوانی و درصد وجود این نوع اخبار: بر اساس مطالعه انجام شده در رابطه با رویکردهای خبری در مطبوعات مورد

جدول ۴) اخبار مربوط به بسترهای سیاسی داخلی در ایران

ردیف	اخبار مربوط به بسترهای سیاسی داخلی در ایران	تاریخ	منبع	زبان	رویکرد
۱	تصمیم ایران برای آزادی زندانیان کرد	۵ ۱ ۵۸	لس آنجلس تایمز	انگلیسی	۲
۲	آمادگی ایران برای برگرداندن جنگنده های اف ۱۴ و تسهیلات نظامی به آمریکا	۹ ۱ ۵۸	لس آنجلس تایمز	انگلیسی	۲
۳	علیرغم آشفته گی ایران، عراق به سمت مدرنیزه شدن پیش می رود	۳ ۱۰ ۵۸	کریستین مانیتور	انگلیسی	۳
۴	حالت جنگ بین ایران و عراق؛ ایران دیپلمات های خود را از عراق فراخواند	۱۹ ۱ ۵۹	السفیر	عربی	۲
۵	آماده باش تهران در پی وسعت یافتن خصومت با عراق	۱۹ ۱ ۵۹	واشنگتن پست	انگلیسی	۲
۶	ایران: آماده باش ارتش، فراخواندن نمایندگان خود از عراق	۱۹ ۱ ۵۹	اینترنشنال تربیون	انگلیسی	۲
۷	درخواست آیت الله خمینی از عراقی ها برای شورش علیه دولت عراق	۲۰ ۱ ۵۹	دیلی تلگراف	انگلیسی	۲
۸	درخواست ایران برای سرنگونی رژیم عراق	۲۰ ۱ ۵۹	اینترنشنال تربیون	انگلیسی	۲
۹	درخواست آیت الله خمینی از ارتش عراق برای شورش برضد دولت	۲۰ ۱ ۵۹	گاردین	انگلیسی	۲
۱۰	عراق و ایران در حالت جنگی؛ آیت الله خمینی و تشویق عراقی ها برای کودتا	۲۰ ۱ ۵۹	واشنگتن پست	انگلیسی	۲
۱۱	هدف ایران: سقوط عراق	۲۱ ۱ ۵۹	اینترنشنال تربیون	انگلیسی	۲
۱۲	ضعف ارتش ایران و دست یافتن عراق به نقش کلیدی در منطقه	۲۲ ۱ ۵۹	واشنگتن پست	انگلیسی	۲
۱۳	تهدید بنی صدر به تهاجم علیه عراق	۲۳ ۱ ۵۹	گاردین	انگلیسی	۲
۱۴	آزاد سازی قریب الوقوع گروگان های آمریکایی	۱۴ ۵ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۲
۱۵	ایران اخبار مربوط به آموزش مخالفین نظامی این کشور در خاک کویت را بعید دانست	۱۴ ۵ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۲
۱۶	بنی صدر می گوید که ارتش ایران در حال حرکت به سمت عراق است	۲۶ ۵ ۵۹	داون	انگلیسی	۲
۱۷	دشواری های جدید اقتصاد ایران؛ افزایش دستمزد و کاهش تولید	۲۷ ۵ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۲
۱۸	استفاده ایران از موشک در جنگ ایران و عراق	۶ ۶ ۵۹	اینترنشنال تربیون	انگلیسی	۲
۱۹	دومین جلسه بنی صدر و رجایی	۱۳ ۶ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۲
۲۰	درگیری ها و سرنگونی هواپیمای عراق و ایران، تشدید درگیری بین بنی صدر و روحانیون	۱۹ ۶ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۲

جدول ۵) اخبار مربوط به بسترهای اجتماعی داخلی در عراق

ردیف	اخبار مربوط به بسترهای اجتماعی داخلی در عراق	تاریخ	منبع	زبان	رویکرد
۱	علیرغم آشفتگی ایران، عراق به سمت مدرنیته شدن پیش می رود	۳ ۱۰ ۵۸	کریستین مانیتور	انگلیسی	۳
۲	همه چیز در عراق آرام است	۲۹ ۱۲ ۵۸	کریستین مانیتور	انگلیسی	۳
۳	درگیری دانش آموزان عراقی و ایرانی در مراسم تشیع جنازه در بغداد	۱۷ ۱ ۵۹	نیویورک تایمز	انگلیسی	۳
۴	رد انتقال مرکزیت شیعه به قم از سوی علمای شیعه عراق	۱۷ ۵ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۳

شده در رابطه با رویکردهای خبری در مطبوعات مورد مطالعه، ۵۳ خبر از ۲۴۷ خبر مورد مطالعه مستقیماً به وضعیت سیاسی داخلی در عراق می پردازد که حدوداً ۲۷/۵ درصد از کل اخبار را شامل می شود.

محتوای اخبار: این اخبار منعکس کننده تمایلات و خواسته های سیاسی در دولت و حکومت عراق می باشد. از جمله محورهای مورد بحث در این رابطه که نقش کلیدی در این باره دارد بحث هایی چون دانش هسته ای در عراق، زندانی های عراقی در ایران، بازداشت معلمان در ایران، انتخابات در عراق و بحث دشمن ها، بازیابی گنجینه های عراق، اخراج سفیر ایران، اخراج مردم ایرانی از عراق، بحث تهدید مرزهای ایرانی، رهبری اعراب در منطقه، انفجارها، فسخ قرارداد ۱۹۷۵ با ایران و تسلط عراق بر شط العرب می باشد.

از جهت تاریخ انتشار: نحوه پراکندگی تاریخی این اخبار نیز همانطور که در جدول مشاهده می شود، در سال ۱۳۵۸ دو خبر معادل ۵/۴ درصد از اخبار همان سال و در سال ۵۹ نیز دو خبر معادل حدوداً ۱ درصد از اخبار همان سال می باشد.

منبع منتشر کننده اخبار: ۱۸ منبع خبری، عناوین خبری داشتند که به بسترهای سیاسی داخلی در عراق نظر داشته اند. از این میان نیویورک تایمز ۷ عنوان خبر و واشنگتن پست و الشرق الاوسط هر کدام با ۶ عنوان خبری، بیشترین اخبار را در رابطه با این رویکرد منتشر کرده اند. کریستین مانیتور، النهار، تایمز، گاردین، فاینشال تایمز و الازمنه العربی هر کدام با ۲ عنوان خبر و مورینگ استار، دلی تلگراف، السفير، الحوادث، الشعب، الاحراء و الانوار هر کدام یک عنوان خبری با این رویکرد داشته اند.

نکته قابل توجه در این بخش تعدد روزنامه های عربی

کدام با ۲ خبر و کریستین ساینس مانیتور، السفير، دلی تلگراف و داون هر کدام با ۱ خبر، منعکس کننده اخبار با این رویکرد می باشد.

بررسی اخبار مربوط به بسترهای اجتماعی داخلی در عراق

فراوانی و درصد وجود این نوع اخبار: بر اساس مطالعه انجام شده در رابطه با رویکردهای خبری در مطبوعات مورد مطالعه، چهار خبر از ۲۴۷ خبر مورد مطالعه مستقیماً به وضعیت اجتماعی داخلی در عراق می پردازد که تنها ۷/۶ درصد از کل اخبار را شامل می شود.

محتوای اخبار: این اخبار می خواهد منعکس کننده ویژگی های اجتماعی چون آرامش در عراق، جریان مدرنیاسیون در این جامعه و وضعیت اختلافات اجتماعی میان ایران و عراق است که باعث به هم ریختگی در جامعه عراق شده است و بحث مذهب و خصوصاً جدال در مرکزیت شیعه میان عراق و ایران می باشد.

از جهت تاریخ انتشار: نحوه پراکندگی تاریخی این اخبار نیز همانطور که در جدول مشاهده می شود، در سال ۱۳۵۸ دو خبر معادل ۵/۴ درصد از اخبار همان سال و در سال ۵۹ نیز دو خبر معادل حدوداً ۱ درصد از اخبار همان سال می باشد.

منبع منتشر کننده اخبار: کریستین مانیتور با دو خبر و نیویورک تایمز و الشرق الاوسط هر کدام با ۱ خبر، منعکس کننده اخبار با این رویکرد می باشد.

- بررسی اخبار مربوط به بسترهای سیاسی داخلی در عراق

فراوانی و درصد وجود این نوع اخبار: بر اساس مطالعه انجام

جدول ۶) اخبار مربوط به بسترهای سیاسی داخلی در عراق

ردیف	اخبار مربوط به بسترهای سیاسی داخلی در عراق	تاریخ	منبع	زبان	رویکرد
۱	تمهید نفتی عراق برای دستیابی به 'دانش' هسته ای	۱۲/۹/۵۸	بیزینس ویک	انگلیسی	۴
۲	درخواست عراق مبنی بر آزادی ۱۶ تن که توسط ایران دستگیر شده اند	۲۷/۹/۵۸	نیویورک تایمز	انگلیسی	۴
۳	عراق در حال آمادگی	۲۸/۹/۵۸	واشنگتن پست	انگلیسی	۴
۴	روابط عراق با ایران در پایین ترین حد، معلمان بازداشتی در کانون توجهات	۲۸/۹/۵۸	کریستین مانیتور	انگلیسی	۴
۵	مبارزه طلبی عراق	۱۹/۱۱/۵۸	نیویورک تایمز	انگلیسی	۴
۶	برنامه ریزی عراق برای انتخابات؛ دشمنان حق رای ندارند	۱۸/۱۱/۵۸	نیویورک تایمز	انگلیسی	۴
۷	عراق در تلاش برای بازیابی گنجینه های خود از خارج	۲۸/۱۱/۵۸	نیویورک تایمز	انگلیسی	۴
۸	بغداد: اعدام یک عراقی به دلیل تیراندازی در کربلا	۱۱/۱۲/۵۸	التهار	عربی	۴
۹	خواسته های عراق مبنی بر خروج سفیر ایران	۲۰/۱۲/۵۸	واشنگتن پست	انگلیسی	۴
۱۰	اخراج سفیر ایران از بغداد	۲۰/۱۲/۵۸	واشنگتن پست	انگلیسی	۴
۱۱	جراحات سطحی عضو کادر رهبری عراق در انفجار بمب	۱۳/۱/۵۹	نیویورک تایمز	انگلیسی	۴
۱۲	بغداد، تهران را به دست داشتن در حادثه دانشگاه مستنصریه متهم کرد	۱۴/۱/۵۹	التهار	عربی	۴
۱۳	اقدام تلافی جویانه عراق در اخراج یک ایرانی	۱۸/۱/۵۹	نیویورک تایمز	انگلیسی	۴
۱۴	اخراج هزاران ایرانی از عراق	۱۸/۱/۵۹	تایمز	انگلیسی	۴
۱۵	اخراج هفت هزار ایرانی، آماده باش نظامیان ایران و عراق	۱۹/۱/۵۹	وال استریت ژورنال	انگلیسی	۴
۱۶	هماهنگ نمودن حملات بعث علیه ایران	۱۹/۱/۵۹	گاردین	انگلیسی	۴
۱۷	نزدیک تر شدن عراق به جنگ	۱۹/۱/۵۹	گاردین	انگلیسی	۴
۱۸	تهدید عراق علیه مرزهای غربی ایران و گرفتاری جدید برای ایران	۱۹/۱/۵۹	کریستین مانیتور	انگلیسی	۴
۱۹	هشدار تعقیب شدید به عراقی ها	۲۳/۱/۵۹	فاینشال تایمز	انگلیسی	۴
۲۰	اخراج ۲۰۰۰۰ ایرانی در پی درگیری های مرزی ایران با عراق	۲۲/۱/۵۹	واشنگتن پست	انگلیسی	۴
۲۱	ظهور عراق در صحنه اوپک به عنوان یک قدرت میانه رو	۲۳/۱/۵۹	واشنگتن پست	انگلیسی	۴
۲۲	طرح های عراق برای تسخیر میدین نفتی ایران	۲۳/۱/۵۹	مورینگ استار	انگلیسی	۴
۲۳	اخطار حملات تعقیب شدید ایران به عراق	۲۳/۱/۵۹	دیلی تلگراف	انگلیسی	۴
۲۴	بهره گیری عراق از یک فرصت برای دستیابی به رهبری اعراب	۲۴/۱/۵۹	نیویورک تایمز	انگلیسی	۴
۲۵	نگرش عراق به نفت به عنوان یک سلاح جدید در درگیری علیه ایران	۲۶/۱/۵۹	وال استریت ژورنال	انگلیسی	۴
۲۶	تبعید تجار توسط حکام عراق با حيله و نیرنگ	۲۷/۱/۵۹	گاردین	انگلیسی	۴
۲۷	وقوع انفجار در مقابل وزارت تبلیغات عراق و بازداشت یک ایرانی	۲/۲/۵۹	السفیر	عربی	۴

ادامه جدول ۶) اخبار مربوط به بسترهای سیاسی داخلی در عراق

ردیف	اخبار مربوط به بسترهای سیاسی داخلی در عراق	تاریخ	منبع	زبان	رویکرد
۲۸	آغاز دیدار ملک حسین از عراق و ملاقات محرمانه با صدام حسین	۲۸ ۲ ۵۹	السفیر	عربی	۴
۲۹	گزارش عراق در مورد تحویل اسلحه به حزب الدعوه و تکذیب آن توسط جنبش امل	۲۸ ۲ ۵۹	النهار	عربی	۴
۳۰	سخنان وزیر امور خارجه عراق درباره ی رابطه ی عراق با ایران	۳۱ ۳ ۵۹	الحوادث	عربی	۴
۳۱	وزیر خارجه عراق در مصاحبه با الحوادث: نمی خواهیم ژاندارم منطقه باشیم و رابطه ما با ایران منوط به دو شرط است	۳۱ ۳ ۵۹	الحوادث	عربی	۴
۳۲	بغداد: اعضای حزب الدعوه در ایران و یک کشور عربی آموزش دیده اند	۶ ۴ ۵۹	الشعب	عربی	۴
۳۳	عراق برای تثبیت گام های خود به عنوان قدیمی ترین نیروی خلیج (فارس) مجدداً به ایران حمله می کند	۲۰ ۴ ۵۹	الاحرار	عربی	۴
۳۴	جنبش عراقی ها مبنی بر کودتای سال ۱۹۶۸ حزب بعث و تبریک به رئیس جمهور	۲۷ ۴ ۵۹	نیویورک تایمز	انگلیسی	۴
۳۵	پاسخ عراق به حملات تبلیغاتی در مورد برنامه هسته ای این کشور	۱۴ ۵ ۵۹	الشرق الوسط	عربی	۴
۳۶	گرامی باد انرژی هسته ای عراق	۱۵ ۵ ۵۹	الزمنه العربیه	عربی	۴
۳۷	سوخت اتمی برای عراق	۱۷ ۵ ۵۹	واشنگتن پست	انگلیسی	۴
۳۸	طرح ایجاد سه تونل زیر گذر در دجله	۲۷ ۵ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۴
۳۹	کشته شدن ۵۹ نفر (اکثر کودکان) در اثر وحشت در تئاتر	۲۵ ۵ ۵۹	واشنگتن پست	انگلیسی	۴
۴۰	اتهام یک مقام عراقی به کمونیست های این کشور در خیانت به مردم	۲۸ ۵ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۴
۴۱	سه شرط برای برقراری روابط با ایران	۲ ۶ ۵۹	النهار	عربی	۴
۴۲	هانی الحسن در بغداد	۲۳ ۶ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۴
۴۳	انفجار دو ایستگاه نفتی در شمال عراق	۲۶ ۶ ۵۹	الازمنه العربیه	عربی	۴
۴۴	عراق، پاره کردن قرارداد خود با ایران و به استقبال خطر ناآرامی رفتن	۲۷ ۶ ۵۹	کریستین مانیتور	انگلیسی	۴
۴۵	عراق، لغو پیمان مرزی با ایران	۲۷ ۶ ۵۹	واشنگتن پست	انگلیسی	۴
۴۶	عراق و محکوم کردن موافقت نامه ی مرزی سال ۱۹۷۵ با ایران	۲۷ ۶ ۵۹	نیویورک تایمز	انگلیسی	۴
۴۷	فسخ قرارداد با ایران به وسیله عراق	۲۷ ۶ ۵۹	فایننشال تایمز	انگلیسی	۴
۴۸	خطر جنگ ایران و عراق پس از فسخ موافقت نامه مرزی	۲۷ ۶ ۵۹	تایمز	انگلیسی	۴
۴۹	اعلام عراق مبنی بر تسلط کامل خود بر شط العرب	۲۸ ۶ ۵۹	الانوار	عربی	۴
۵۰	تحولات هشدار دهنده در جنگ ایران و عراق	۲۸ ۶ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۴
۵۱	وارد صحنه شدن آیت الله خمینی (ره) با وخامت جنگ	۲۸ ۶ ۵۹	تایمز	انگلیسی	۴
۵۲	اجرای مقررات جدید آبراه توسط عراق به دنبال تشدید اختلافات	۲۸ ۶ ۵۹	فایننشال تایمز	انگلیسی	۴
۵۳	نتایج انتخابات شورای قانون گذاری کردستان عراق	۳۱ ۶ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۴



اوئیس ویک و السیاسه هر کدام ۱ عنوان خبری با این رویکرد دارند.

- بررسی اخبار مربوط به بسترهای بین‌المللی جنگ ایران و عراق

فراوانی و درصد وجود این نوع اخبار: بر اساس مطالعه انجام شده در رابطه با رویکردهای خبری در مطبوعات مورد مطالعه، ۴۳ خبر از ۲۴۷ خبر مورد مطالعه به بسترهای بین‌المللی جنگ ایران و عراق می‌پردازد که حدوداً ۱۷/۵ درصد از کل اخبار را شامل می‌شود.

محتوای اخبار: این اخبار منعکس‌کننده بسترهای بین‌المللی است که در زمینه سازی آغاز جنگ سهم به سزایی داشته‌اند. از جمله محورهای خبری در این رابطه که نقش کلیدی ایفا می‌کند، بحث‌هایی است که به انزوای ایران در جامعه بین‌المللی به دلیل رویکردهای انقلابی اولیه و از سویی دیگر به گستردگی روابط خارجی عراق در منطقه و جامعه بین‌الملل می‌پردازد. از جمله محورهای خبری که در عناوین خبری مورد مطالعه را در نظر دارد، موارد زیر است: تمایل عراق به غرب، کمک عراق به آمریکا در خاورمیانه، ساخت بمب اتم در عراق و کمک‌های ایتالیا و فرانسه، حمایت مقامات آمریکایی از مخالفان دولت ایران، خریدهای نظامی عراق از جامعه بین‌الملل بالخصوص آمریکا، معامله‌های کلان عراق با غربی‌ها جهت خرید هواپیما، جت و موتور کشتی، ورود نیروهای واکنش سریع آمریکا به خلیج عمان، دیدارهای مختلف سیاسی از جمله دیدار عزت ابراهیم از ایتالیا و طارق عزیز از مصر.

از جهت تاریخ انتشار: نحوه پراکندگی تاریخی این اخبار نیز همانطور که در جدول شماره ۸ مشاهده می‌شود، در سال ۱۳۵۹ و در سه ماه آخر (تیر، مرداد و شهریور) متمرکز است و صد در صد این اخبار در سال ۵۹ متمرکز است.

منبع منتشرکننده اخبار: ۱۱ منبع خبری عناوین خبری در این رابطه مطرح کرده‌اند که از این میان الشرق الاوسط با ۱۱ عنوان خبری در راس قرار دارد و پس از آن واشنگتن پست با ۵ عنوان و نیویورک تایمز با ۴ عنوان در مرتبه بعدی قرار دارند. کریستین مانیتور، الازمنه العربی و تایمز هر کدام با ۲ عنوان خبری و الازمنه العربی، نیشن، السیاسه، اکونومیست و فاینشال تایمز هر کدام با ۱ خبر قرار دارند.

در انتشار این دسته از اخبار است که با ۱۷ عنوان خبری در ۸ منبع خبر، ۳۲٪ از کل عناوین خبر با این رویکرد را به خود اختصاص داده‌اند.

- بررسی اخبار مربوط به بسترهای منطقه‌ای جنگ ایران و عراق

فراوانی و درصد وجود این نوع اخبار: بر اساس مطالعه انجام شده در رابطه با رویکردهای خبری در مطبوعات مورد مطالعه، ۴۰ خبر از ۲۴۷ خبر مورد مطالعه به بسترهای منطقه‌ای جنگ ایران و عراق می‌پردازد که حدوداً ۱۶/۲ درصد از کل اخبار را شامل می‌شود.

محتوای اخبار: این اخبار منعکس‌کننده بسترهای منطقه است که در زمینه سازی آغاز جنگ سهم به سزایی داشته‌اند. از جمله محورهای خبری در این رابطه که نقش کلیدی ایفا می‌کند، بحث‌هایی است که پدیده قومیت‌ها خصوصاً قوم عرب را در منطقه بسیار پررنگ می‌کند. از جمله محورهای خبری که در عناوین خبری مورد مطالعه روشن است موارد زیر است:

درخواست مکتوب اعراب از حکومت ایران در رابطه با جزایر سه گانه، اتحاد رهبران اعراب در رابطه با بحث نفت و حرکت‌های ضد اسرائیلی و متعاقب آن بحث اتحاد بالقوه دنیای عرب در خاورمیانه، بحث حقوق ملت عربستان در رابطه با استان خوزستان، رابطه عراق و سعودی‌ها، حمایت ۸ کشور عرب از عراق و عربستان، تهدید اسرائیل در رابطه با دانش هسته‌ای در عراق، بغداد و کنترل بر شط العرب و بحث سربازان مصری در کنار عراقی‌ها در جنگ با ایران.

از جهت تاریخ انتشار: نحوه پراکندگی تاریخی این اخبار نیز همانطور که در جدول مشاهده می‌شود، در سال ۱۳۵۸ هفت خبر حدود ۱۹ درصد از اخبار همان سال و در سال ۵۹ نیز ۳۳ خبر معادل ۱۶ درصد از اخبار همان سال می‌باشد.

منبع منتشرکننده اخبار: ۱۴ منبع خبری عناوین خبری در این رابطه مطرح کرده‌اند که از این میان الشرق الاوسط با ۸ عنوان خبر و کریستین مانیتور با ۶ عنوان و واشنگتن پست با ۵ عنوان بالاترین میزان انعکاس اخبار در این زمینه را داشتند. پس از آنها نیویورک تایمز، فاینشال تایمز و اکونومیست هر کدام با ۳ عنوان خبری و الازمنه العربی و السفير با ۲ عنوان خبری، قرار دارند. بیزینس ویک، العمل،

جدول (۷) اخبار مربوط به بسترهای منطقه ای جنگ ایران و عراق

ردیف	اخبار مربوط به بسترهای منطقه ای جنگ ایران و عراق	تاریخ	منبع	زبان	رویکرد
۱	درخواست های مکتوب عرب ها و موضع حکومت ایران در قبال آن	۳۳ ۳ ۵۸	الازمنه العربیه	عربی	۶
۲	به کارگیری ثروت های نفتی برای "شدت بخشیدن" به تهاجم ضد اسرائیلی	۱۰ ۷ ۵۸	واشنگتن پست	انگلیسی	۶
۳	عراق و تشویق رهبران عرب در به کارگیری نفت به عنوان یک سلاح	۳۰ ۸ ۵۸	نیویورک تایمز	انگلیسی	۶
۴	ایران و عراق آماده رویارویی بر سر جزایر سه گانه ی خلیج (فارس)	۳۰ ۸ ۵۸	کریستین مانیتور	انگلیسی	۶
۵	به خطر افتادن ثبات خلیج (فارس) به دلیل چشم دوختن عراق به جزایر	۳۰ ۸ ۵۸	کریستین مانیتور	انگلیسی	۶
۶	اوج گیری عراق	۷ ۱۰ ۵۸	واشنگتن پست	انگلیسی	۶
۷	نتیجه ترس، یک اتحاد بالقوه در خاورمیانه	۲۷ ۱۲ ۵۸	بیزینس ویک	انگلیسی	۶
۸	حمله بغداد به سیاست ایران و مطالبه مجدد جزایر سه گانه	۵ ۱ ۵۹	العمل	عربی	۶
۹	تهدید عراق نسبت به جزایر استراتژیک	۲۰ ۱ ۵۹	فاینشال تایمز	انگلیسی	۶
۱۰	تهدید جنگی عراق در دشمنی با ایران بر سر جزایر	۲۰ ۱ ۵۹	تایمز	انگلیسی	۶
۱۱	تلاش عراق برای رسیدن به رهبری اعراب	۲۱ ۱ ۵۹	کریستین مانیتور	انگلیسی	۶
۱۲	حمایت کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس از عراق در درگیری ها	۲۱ ۱ ۵۹	فاینشال تایمز	انگلیسی	۶
۱۳	از دست رفتن دوستان عرب ایران و خشم همه این کشورها	۲۳ ۱ ۵۹	اکونومیست	انگلیسی	۶
۱۴	در پس درگیری های ایران و عراق: نبرد برای در دست داشتن کنترل خلیج	۲۶ ۱ ۵۹	کریستین مانیتور	انگلیسی	۶
۱۵	شهادت یکی دیگر از رهبران شیعه	۳۰ ۱ ۵۹	اکونومیست	انگلیسی	۶
۱۶	تنش های بین ایران و عراق احتمال یک تغییر قابل توجه در خاورمیانه	۱ ۲ ۵۹	اوییشن ویک	انگلیسی	۶
۱۷	عراق: به مطالبه جزایر اکتفا نمی کنیم، بلکه حقوق ملت عربستان (استان خوزستان) را نیز مطالبه می کنیم	۲ ۲ ۵۹	السفیر	عربی	۶
۱۸	پایان دیدار ملک حسین از عراق ملک حسین: با تمام قوا از صدام حسین حمایت می کنیم	۲۹ ۲ ۵۹	السفیر	عربی	۶
۱۹	عراق می تواند جای ایران را بگیرد؟	۴ ۵ ۵۹	اکونومیست	انگلیسی	۶
۲۰	کشته شدن فرستاده عراق و زخمی شدن دو تن دیگر در انفجار بحرین	۶ ۵ ۵۹	واشنگتن پست	انگلیسی	۶

ادامه جدول ۷) اخبار مربوط به بسترهای منطقه ای جنگ ایران و عراق

ردیف	اخبار مربوط به بسترهای منطقه ای جنگ ایران و عراق	تاریخ	منبع	زبان	رویکرد
۲۱	دیدار حاکم عراق با سعودی ها در چارچوب نزدیکی روابط	۱۵ ۵ ۵۹	واشنگتن پست	انگلیسی	۶
۲۲	انفجار آپارتمان دیپلماتیک عراقی در ابوظبی، هدف از انفجار، مشغول کردن عراق و ایران به یکدیگر	۱۵ ۵ ۵۹	واشنگتن پست	انگلیسی	۶
۲۳	پایان دیدار موفقیت آمیز و پر بار صدام حسین از عربستان	۱۶ ۵ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۶
۲۴	حمایت ۸ کشور عربی از تصمیمات عراق و عربستان	۱۷ ۵ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۶
۲۵	اسرائیل اشاره می کند که چنانچه عراق تحقیقات اتمی خود را دنبال کند دست به اقدام شدید خواهد زد	۲۷ ۵ ۵۹	نیوزویک	انگلیسی	۶
۲۶	عراق، با اشاره به مخفی گاه اسلحه، سفارت سوریه را می بندد و به نمایندگان این کشور دستور دارد که کشور را ترک کنند	۲۸ ۵ ۵۹	واشنگتن پست	انگلیسی	۶
۲۷	بحران شدید در روابط سوریه و عراق، بغداد: اخراج اعضای سفارت سوریه در عراق به اتهام نگهداری اسلحه و مواد منفجره	۲۸ ۵ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۶
۲۸	پاسخ ملایم سوریه نسبت به اتهامات عراق در مورد کشف مواد منفجره در سفارت آن کشور در بغداد	۲۹ ۵ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۶
۲۹	دولت امارات جزایر سه گانه را می خواهد	۳۱ ۵ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۶
۳۰	درخواست باز پس گیری جزایر سه گانه توسط امارات متحده عربی	۳۱ ۵ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۶
۳۱	وخیم تر شدن روابط سوریه عراق با اخراج دیپلماتیک ها، حضور کادار سوریه در تلویزیون	۲ ۶ ۵۹	نیویورک تایمز	انگلیسی	۶
۳۲	شدت گرفتن جنگ ایران و عراق، اعلام عراق مبنی ر آزاد سازی سرزمین اشغالی خود، عراق خواستار اصلاح توافقنامه شط العرب می شود	۲۱ ۶ ۵۹	مکالمه محرمانه	عربی	۶
۳۳	ورود یک مقام مسئول الجزایری به بغداد	۲۳ ۶ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۶
۳۴	از سرگیری میانجیگری عرفات میان ایران و عراق	۲۴ ۶ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۶
۳۵	حضور سربازان مصری در کنار نیروهای عراق در جنگ با ایران	۲۶ ۶ ۵۹	الازمنه العربیه	عربی	۶
۳۶	فسخ قرارداد مرزی ۱۹۷۵ الجزایر توسط عراق، توقف کمک ایران به کردها	۲۷ ۶ ۵۹	نیویورک تایمز	انگلیسی	۶
۳۷	قرارداد سال ۱۹۷۵ دلیل اختلاف ایران و عراق	۳۱ ۶ ۵۹	کریستین مانیتور	انگلیسی	۶
۳۸	درگیری رو به گسترش ایران عراق نفت را مورد تهدید قرار می دهد	۳۱ ۶ ۵۹	فایننشال تایمز	انگلیسی	۶
۳۹	نبرد ایران و عراق بر سر کنترل آبراه حیاتی نفت	۳۱ ۶ ۵۹	تایمز	انگلیسی	۶
۴۰	بغداد به جهان اعلام کرد: کنترل شط العرب را به دست گرفتیم	۳۱ ۶ ۵۹	السیاسه	انگلیسی	۶

جدول ۸) اخبار مربوط به بسترهای بین المللی جنگ ایران و عراق

ردیف	بررسی اخبار مربوط به بسترهای بین المللی جنگ ایران و عراق	تاریخ	منبع	زبان	رویکرد
۱	کناره گیری عراق از شوروی و تجدید پیوند با غرب	۱۴ ۱۱ ۵۷	واشنگتن پست	انگلیسی	۵
۲	هشدار بازرگانان عرب به آمریکا در مورد عواقب بلوکه کردن دارایی های نقدی و اقتصادی ایران	۶ ۹ ۵۸	الازمنه العربیه	عربی	۵
۳	هراس عراقی ها از دوستان روسی	۱۴ ۱۱ ۵۸	آبزرور	انگلیسی	۵
۴	کمک عراق به آمریکا در خاور میانه با یک طرح شگفت آور	۲۶ ۱۱ ۵۸	کریستین مانیتور	انگلیسی	۵
۵	استقبال لوموس از آزمایش عراق	۲۹ ۱۱ ۵۸	نیویورک تایمز	انگلیسی	۵
۶	نزدیک شدن عراق به غرب به دلیل تهاجم (شوروی) به افغانستان	۶ ۱۲ ۵۸	یواس نیوز	انگلیسی	۵
۷	تدارکات عراق با تجهیزات اتمی ایتالیا	۲۹ ۱۲ ۵۸	واشنگتن پست	انگلیسی	۵
۸	تکذیب دستیابی عراق به توانایی ساخت بمب (اتم) از سوی مقام های ایتالیایی	۲۹ ۱۲ ۵۸	نیویورک تایمز	انگلیسی	۵
۹	مشورت ایتالیا با آمریکا درباره فروش تجهیزات اتمی به عراق	۳۰ ۱۲ ۵۸	نیویورک تایمز	انگلیسی	۵
۱۰	به چالش کشیده شدن معامله هسته ای عراق	۳ ۱ ۵۹	نیویورک تایمز	انگلیسی	۵
۱۱	ایتالیایی ها در عراق برای مذاکرات اتمی	۱۱ ۱ ۵۹	نیویورک تایمز	انگلیسی	۵
۱۲	مقامات آمریکایی گویند که عراق، ایرانیان خواهان برکناری آیت الله خمینی را پناه می دهد	۲۱ ۱ ۵۹	نیویورک تایمز	انگلیسی	۵
۱۳	ملحق شدن احتمالی آمریکا به خصومت های ایران و عراق	۲۳ ۱ ۵۹	مورینگ استار	انگلیسی	۵
۱۴	برتری نظامی عراق در مواجهه با ایران	۲۴ ۱ ۵۹	نیویورک تایمز	انگلیسی	۵
۱۵	پیشنهاد ربودن (امام) خمینی از سوی یک سناتور آمریکایی	۲ ۲ ۵۹	السفیر	عربی	۵
۱۶	قدرت نمایی آمریکا در خلیج (فارس)، شکست عملیات طبس، در حال مشکل گروگان های آمریکایی در تهران ادامه دارد	۴ ۴ ۵۹	الازمنه العربی	عربی	۵
۱۷	ورق بازی با عراق	۲۸ ۴ ۵۹	نیشن	انگلیسی	۵
۱۸	خشم اسرائیل از ارسال اورانیوم به عراق توسط فرانسه	۲۹ ۴ ۵۹	واشنگتن پست	انگلیسی	۵
۱۹	افتتاح ارتباط هوایی پکن ... بغداد	۵ ۵ ۵۹	نیویورک تایمز	انگلیسی	۵
۲۰	اشاره فرانسه به روابط هسته ای با عراق	۸ ۵ ۵۹	واشنگتن پست	انگلیسی	۵
۲۱	نگرانی اسرائیل از روابط هسته ای فرانسه با عراق	۹ ۵ ۵۹	کریستین مانیتور	انگلیسی	۵
۲۲	تأیید آمریکا برای خرید چهار فروند فریگیت توسط عراق	۱۰ ۵ ۵۹	کریستین مانیتور	انگلیسی	۵
۲۳	آمریکا اجازه فروش ۸ موتور جنرال الکتریک برای کشتی های جنگی عراق را صادر خواهد کرد	۱۰ ۵ ۵۹	وال استریت ژورنال	انگلیسی	۵
۲۴	اخراج دو دیپلمات عراقی توسط اتریش پس از انفجار	۱۰ ۵ ۵۹	تایمز	انگلیسی	۵
۲۵	نقشه بمب گذاری در برلین غربی نقشه ماموران عراقی بود	۱۱ ۵ ۵۹	واشنگتن پست	انگلیسی	۵

ادامه جدول ۸) اخبار مربوط به بسترهای بین‌المللی جنگ ایران و عراق

ردیف	بررسی اخبار مربوط به بسترهای بین‌المللی جنگ ایران و عراق	تاریخ	منبع	زبان	رویکرد
۲۶	عدم توجه به اعتراضات در فروش موتور کشتی‌های جنگی به عراق	۱۱ ۵ ۵۹	واشنگتن پست	انگلیسی	۵
۲۷	شرکت بویینگ و فروش چهار فروند جت به عراق	۱۳ ۵ ۵۹	نیویورک تایمز	انگلیسی	۵
۲۸	یک جاسوس دو جانبه در ماجرای انفجار بمب در وین	۱۳ ۵ ۵۹	تایمز	انگلیسی	۵
۲۹	امکان فروش جت‌ها به عراق توسط آمریکا علیرغم مسئله تروریسم	۱۵ ۵ ۵۹	نیویورک تایمز	انگلیسی	۵
۳۰	بغداد در پی معامله ۲۰۰ میلیون دلاری خرید هواپیماهای ترابری	۱۵ ۵ ۵۹	واشنگتن پست	انگلیسی	۵
۳۱	حمله شدید عراق به آلمان غربی و انگلیس	۱۶ ۵ ۵۹	الشرق الوسط	عربی	۵
۳۲	بهبود روابط آمریکا و عراق	۱۷ ۵ ۵۹	الشرق الوسط	عربی	۵
۳۳	بهبود روابط آمریکا و عراق بررسی فروش هواپیماهای بویینگ از سوی آمریکا به عراق	۱۷ ۵ ۵۹	الشرق الوسط	عربی	۵
۳۴	تهدید ایران مبنی بر فراخوانی سفیر خود از شوروی در رابطه با مساله (تأمین تسلیحات عراق)	۱۸ ۵ ۵۹	واشنگتن پست	انگلیسی	۵
۳۵	هشدار نماینده ایران به مسکو درباره ارسال سلاح به عراق	۱۸ ۵ ۵۹	نیویورک تایمز	انگلیسی	۵
۳۶	برخورد شدید پلیس آمریکا با تظاهر کنندگان ایرانی	۱۸ ۵ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۵
۳۷	افزایش مخالفت با فروش هواپیماهای ترابری به عراق	۲۰ ۵ ۵۹	اوییشن ویک	انگلیسی	۵
۳۸	بمب عراقی	۲۰ ۵ ۵۹	تایم	انگلیسی	۵
۳۹	۴۵ میلیون دلار هزینه عملیات نظامی ناکام آمریکا علیه ایران	۲۶ ۵ ۵۹	السیاسه	عربی	۵
۴۰	طرح آمریکا در تهاجم به ایران	۲۷ ۵ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۵
۴۱	حمایت الجزایر از تصمیم عربستان و عراق، حمایت الجزایر از اجرای برنامه صلح آمیز هسته‌ای عراق	۲۸ ۵ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۵
۴۲	ورود نیروی واکنش سریع آمریکا به خلیج عمان	۳۰ ۵ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۵
۴۳	تأکید جدید واشنگتن در مورد انجام اقدام نظامی علیه ایران در صورت عدم آزادی قریب الوقوع گروگان‌ها	۳۰ ۵ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۵
۴۴	قرارداد ۹۶۰ میلیون دلاری عراق با شرکت‌های فرانسوی	۳۰ ۵ ۵۹	وال استریت	انگلیسی	۵
۴۵	آشفتگی دولت بن در رابطه با مسئله عراق، دستگیری عراقی‌ها پس از نزاع، اعتراض اتحادیه پلیس	۳۰ ۵ ۵۹	نیویورک تایمز	انگلیسی	۵
۴۶	ترور در لباس دیپلماتیک	۳۱ ۵ ۵۹	نیویورک	انگلیسی	۵
۴۷	موافقت عراق با ابتکار عمل جامعه اروپا در خصوص حل مساله خاورمیانه	۳۱ ۵ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۵
۴۸	صرف نظر آمریکا از فروش جت‌های مسافربری	۸ ۶ ۵۹	نیویورک تایمز	انگلیسی	۵
۴۹	ممانعت آمریکا از فروش جت‌های بویینگ به خطوط هوایی عراق	۸ ۶ ۵۹	واشنگتن پست	انگلیسی	۵
۵۰	گریز از تروریسم	۸ ۶ ۵۹	اکونومیست	انگلیسی	۵

ادامه جدول ۸) اخبار مربوط به بسترهای بین المللی جنگ ایران و عراق

ردیف	بررسی اخبار مربوط به بسترهای بین المللی جنگ ایران و عراق	تاریخ	منبع	زبان	رویکرد
۵۱	رد درخواست عراق در مورد خرید ۵ فروند هواپیمای بویینگ از سوی آمریکا	۱۰ ۶ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۵
۵۲	تأکید ایران، فرانسه و لوکزامبورگ به زنده بودن امام موسی صدر و تکذیب لیبی از حضور وی در یک اردوگاه صحرایی	۱۹ ۶ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۵
۵۳	اخراج یک دانشجوی دختر ایرانی	۲۱ ۶ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۵
۵۴	دیدار عزت ابراهیم از ایتالیا، ایتالیا حقوق مشروع فلسطین را برای عراق تأکید می کند	۲۳ ۶ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۵
۵۵	جواب کمیسیون خارجی مجلس به نامه آمریکا	۲۴ ۶ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۵
۵۶	روزنامه پراودا آمریکا را از حمله مجدد به ایران بر حذر داشت	۲۶ ۶ ۵۹	الازمنه العربیه	عربی	۵
۵۷	چگونگی تهدید درگیری ایران و عراق بر غرب	۲۸ ۶ ۵۹	فایننشال تایمز	انگلیسی	۵
۵۸	دیدار طارق عزیز از مسکو	۳۱ ۶ ۵۹	الشرق الاوسط	عربی	۵

- بررسی روزنامه های پر خبر در رابطه با انواع رویکردهای مورد مطالعه

با توجه به بررسی های انجام شده در رابطه با انواع رویکردهای خبری در چند روزنامه پر خبر که از جمله مهمترین آنها الشرق الاوسط، نیویورک تایمز، واشنگتن پست، کریستین ساینس و تایمز می باشد، اطلاعات زیر استخراج شده است^۱:

الشرق الاوسط: این روزنامه با داشتن ۳۹ عنوان خبری در مقایسه با سایر روزنامه ها در ردیف اول جدول از نظر تعداد خبر قرار دارد. اما نکته مهم در رابطه با اخبار این روزنامه این است که، فراوانی تعداد خبر و انتشار اخبار مربوطه از ماههای پایانی صورت گرفته است. به گونه ای که تنها در فاصله دو ماه مرداد و شهریور ۱۳۵۹، ۴۲ عنوان خبری در آن دیده می شود. در صورتی که ضعف در جمع آوری اخبار وجود نداشته باشد، با توجه به موقعیت روزنامه الشرق الاوسط که روزنامه ای عربی و متعلق به دولت عراق بوده است، این موضوع چندان دور از انتظار نیست. در واقع تمرکز فراوان اخبار در یک دوره زمانی دو ماهه، جریان درج اخبار را به مانور پیش از جنگ شبیه کرده است که با فرایند تبلیغاتی حکومت عراق نیز همخوانی دارد.

همانطور که در جدول شماره ۹ مشاهده می شود؛ بیشترین فراوانی خبر (۱۵ خبر)، مربوط به رویکرد بسترهای

بین المللی جنگ می شود. در این میان آمریکا، الجزایر، جامعه اروپا و ایتالیا به طور خاص از محورهای این دسته از اخبار می باشند که آمریکا با بیشترین فراوانی، محور خبری در این رویکرد می باشد. پس از آن اخبار بسترهای منطقه ای جنگ و اخبار جریان جنگ هر کدام با ۸ فراوانی قرار دارند، بعد آن به ترتیب رویکردهای خبری متمرکز بر بسترهای سیاسی داخلی دولت عراق (با ۵ فراوانی)، بسترهای سیاسی داخلی در ایران (با ۳ فراوانی) و بسترهای اجتماعی در ایران (با یک فراوانی) دیده می شود.

نیویورک تایمز: این روزنامه با داشتن ۳۴ عنوان خبری در مقایسه با سایر روزنامه ها در ردیف دوم جدول از بعد تعداد خبر قرار دارد. فراوانی تعداد خبر و پراکندگی اخبار درج شده در فاصله زمان مورد مطالعه از آذر ماه ۵۸ آغاز می شود و تا مهر ماه ۵۹ ادامه دارد. انتشار اخبار در فروردین ماه ۵۹ به اوج خود می رسد. در این ماه ۱۱ خبر از ۳۴ خبر کلی که در این روزنامه در رابطه با اخبار جنگ ایران و عراق درج شده است که حدود ۳۴ درصد کل اخبار در این دو سال در روزنامه نیویورک تایمز است که این اخبار متمرکز بر چند محور است؛ بحث توانایی های هسته ای عراق و معاملات هسته ای این کشور با سایر کشورها از جمله ایتالیا، انفجار در بغداد و درگیری دانش آموزان ایرانی و بغدادی، اخراج ایرانی ها از عراق، بحث رهبری عرب در منطقه و بررسی های نظامی و مقایسه توانایی های نظامی ایران و عراق از

* جداول مربوط به عناوین هر یک از روزنامه ها به دلیل حجم بالای جداول و کمبود جا در اینجا نیامده است.

جدول ۹) انواع رویکردهای خبری

ردیف	انواع رویکردهای خبری	الشرق الاوسط	نیویورک تایمز	واشنگتن پست	کریستین ساینس	تایمز
۱	بسترهای اجتماعی در ایران	۰	۰	۰	۰	۰
۲	بسترهای سیاسی در ایران	۳	۰	۴	۰	۰
۳	بسترهای اجتماعی در عراق	۱	۱	۰	۲	۰
۴	بسترهای سیاسی در عراق	۴	۸	۶	۳	۳
۵	بسترهای بین المللی جنگ	۱۵	۱۴	۸	۳	۱
۶	بسترهای منطقه ای جنگ	۸	۳	۶	۵	۲
۷	اخبار جنگ	۸	۸	۸	۰	۷
	جمع	۳۹	۳۴	۳۲	۱۳	۱۳

جمله محورهای بحث در این ماه بوده اند که مورد توجه نیویورک تایمز بوده است.

همانطور که در جدول مشاهده می شود؛ بیشترین فراوانی خبر مربوط به رویکرد بسترهای بین المللی در جنگ ایران و عراق با ۱۴ خبر می باشد. محورهای مورد توجه در این رویکرد متمرکز بر موارد زیر می باشد: رابطه عراق با ایتالیا، آمریکا، مسکو و پکن در رابطه با مباحثی چون معاملات هسته ای و دسترسی به تجهیزات هسته ای مربوطه، بررسی های نظامی و معاملات نظامی از جمله خریدهای نظامی دولت عراق از دوستان اروپایی، آمریکایی و آسیایی خود، از جمله خرید جت هایی از شرکت بوئینگ، خرید اسلحه از مسکو و ارتباط هوایی با پکن از طریق بغداد. پس از آن اخبار بسترهای سیاسی در عراق و اخبار جریان جنگ هر کدام با ۸ فراوانی وجود دارد که در جای خود قابل توجه اند. اگرچه اخبار مربوط به میزان پیشروی ها و مانورهای نظامی بیشتر جنبه اطلاع رسانی دارد اما نیویورک تایمز با انعکاس رویکردهای سیاسی داخلی در عراق، منعکس کننده اندیشه دولت عراق در حرکت های احتمالی آینده علیه ایران است. این در حالی است که الشرق الاوسط در این مرحله به رویکردهای منطقه ای، متمرکز شده است و تمایلات برون مرزی را در شکل گیری و آغاز جنگ احتمالی با ایران را به عنوان اهداف جنگ مطرح کرده است. بسترهای سیاسی داخلی جنگ در عراق با ۳ فراوانی و بسترهای اجتماعی در عراق با یک فراوانی در ردیف های پایانی جدول قرار دارد.

واشنگتن پست: این روزنامه با داشتن ۳۴ عنوان خبری در مقایسه با سایر روزنامه ها در ردیف سوم جدول از بعد تعداد خبر قرار دارد. اما نکته مهم در رابطه با اخبار این روزنامه، این است که، فراوانی تعداد خبر و انتشار اخبار مربوطه از مهرماه ۱۳۵۸ آغاز شده است و تا مهرماه ۱۳۵۹ ادامه یافته است. میزان پراکندگی اخبار در این ماهها متفاوت است. در اسفندماه ۵۸ تا پایان فرودین ماه ۵۹ میزان درج اخبار مربوطه به ۱۳ خبر می رسد که متمرکز به رویکردهای خبری از جمله سیاست های داخلی در ایران و عراق هر کدام با ۲ فراوانی، رویکرد بین المللی جنگ ایران و عراق با ۳ فراوانی و اخبار جنگ با بیشترین فراوانی (در این برهه از زمان) با ۵ خبر است. اخراج سفیر ایران و افزایش جنگ لفظی میان دو کشور، اخراج دو هزار ایرانی از عراق، ساخت بمب اتمی در عراق و معاملات اتمی با فرانسه و ایتالیا، انفجار بمب در بغداد و متهم نمودن ایران به دخالت در این بمب گذاری، آماده باش ایران و اعلام آیت الله خمینی به ارتش عراق برای کودتا علیه صدام از مهمترین محورهای خبری در این ماههای پر خبر در نشریه واشنگتن پست است.

همانطور که در جدول مشاهده می شود؛ بیشترین فراوانی خبر (۸ خبر)، مربوط به رویکردهای بسترهای بین المللی جنگ و اخبار جنگ می باشد. همانند اخبار درج شده در روزنامه نیویورک تایمز، محورهای خبری در این رویکرد متمرکز به رابطه معاملاتی عراق با کشورهای

و به ترتیب رویکرد خبری متمرکز بر بسترهای سیاسی داخلی دولت ایران با ۲ فراوانی، دیده می شود.

تایمز: این روزنامه با داشتن ۱۳ عنوان خبری در ردیف پنجم جدول از بعد تعداد خبر قرار دارد. پراکندگی اخبار در فاصله سال های مورد مطالعه از فروردین تا شهریور ماه سال ۱۳۵۹ است.

همانطور که در جدول مشاهده می شود؛ بیشترین فراوانی خبر (۷ خبر)، مربوط به رویکرد اخبار می باشد. پس از آن اخبار بسترهای سیاسی داخلی عراق با ۳ فراوانی و به ترتیب رویکرد خبری متمرکز بر بسترهای منطقه ای با ۲ خبر و بسترهای بین المللی با ۱ خبر قرار دارد.

بیشترین اخبار در فروردین ماه این سال با عناوین خبری چون اخراج هزاران ایرانی از عراق، تشدید اختلاف میان ایران و عراق، تهدید جنگی عراق در دشمنی با ایران بر سر جزایر، ایران: افزایش درگیری های مرزی با عراق با ورود تانک ها و آغاز آتش توپخانه ها می باشد.

جمع بندی

بررسی و تحلیل اطلاعات موجود براساس فنون نوین اطلاع رسانی، می تواند حقایق مهمی را از سطوح مختلف تبلیغاتی به دست دهد. در خصوص جنگ ایران و عراق، اطلاعاتی که در مطبوعات خارجی منتشر شده یکی از منابع مهم برای تحلیل این واقعه از منظر ناظران بیرونی است. بررسی و تحلیل این مطبوعات در دوره های مختلف براساس فن تحلیل محتوا، می تواند جریان های مختلف تبلیغاتی را در دوره های مختلف جنگ تحمیلی عیان سازد. در مقاله حاضر تلاش شد داده های خبری در دو سال ۵۹ - ۱۳۵۷ و در مقطع زمینه سازی، مورد تحلیل قرار گیرد. نتایج حاصله از این تحقیق می تواند محققین این حوزه مطالعاتی را در وقوف کامل بر جریانات تبلیغاتی در مورد جنگ عراق علیه ایران یاری دهد. بدیهی است انجام چنین تحقیقاتی در مقاطع دیگر جنگ، می تواند گام نوینی در عرصه تحقیقات دفاع مقدس باشد.

چون ایتالیا، فرانسه، آمریکا و شوروی است. از سویی دیگر واشنگتن تایمز به ارائه اخبار متعدد در رابطه با فرایند پیشروی ها و درگیری های مرزی دو طرف می پردازد.

پس از آن اخبار بسترهای سیاسی داخلی در عراق و بسترهای منطقه ای، هر کدام با ۶ فراوانی قرار دارد. از مهمترین محورهای خبری در رویکرد سیاست داخلی عراق، طرح بحث لغو یک طرفه قرارداد مرزی میان ایران و عراق است که از سوی دولت عراق مطرح شده است و جو ارتباطی میان ایران و عراق را به طور کامل تحت الشعاع خود قرار داده است. در رابطه با رویکرد بسترهای منطقه ای نیز این روزنامه محورهای زیر را مطرح می کند: اوج گیری عراق در منطقه (با توجه به متحدان منطقه ای و عرب خود) رابطه عراق و سعودی ها، اختلافات با دولت سوریه در رابطه با انفجار در ابوظبی.

رویکرد خبری متمرکز بر بسترهای سیاسی داخلی دولت ایران با ۴ فراوانی دیده می شود. محورهای مورد نظر روزنامه واشنگتن پست در این رابطه متمرکز بر موارد زیر است: آماده باش دولت ایران به ارتش، ضعف ارتش ایران در منطقه و قدرت یافتن عراق در منطقه، تشویق ارتش عراق به کودتا از سوی آیت الله خمینی، قتل مقام عراقی و وخیم شدن بیشتر رابطه ایران و عراق.

کریستین مانتور ساینس: این روزنامه با داشتن ۱۳ عنوان خبری در مقایسه با سایر روزنامه ها در ردیف چهارم جدول از بعد تعداد خبر قرار دارد. پراکندگی اخبار در فاصله سال های مورد مطالعه از مهرماه ۵۸ تا شهریور ماه ۵۹ است. تعداد اخبار در سال ۵۸، شش خبر و در سال ۵۹، هفت خبر می باشد.

همانطور که در جدول مشاهده می شود؛ بیشترین فراوانی خبر (۵ خبر)، مربوط به رویکرد بسترهای منطقه ای جنگ می باشد. محورهای مورد بحث در این رویکرد خبری عبارتند از: آمادگی برای رویارویی بر سر جزایر خلیج، به خطر افتادن ثبات خلیج به دلیل چشم دوختن عراق به جزایر سه گانه، نبرد برای کنترل بر خلیج فارس، تلاش عراق برای رسیدن به رهبری اعراب و قرارداد ۱۹۷۵ موضوع اختلاف میان اعراب و ایران.

پس از آن اخبار بسترهای سیاسی داخلی عراق و اخبار بسترهای بین المللی جنگ هر کدام با ۳ فراوانی قرار دارد.



پرسش این است که گویا شما زمانی که به فرماندهی سپاه منصوب شدید همراه با شهید صیاد شیرازی و شهید حسن باقری و تنی چند دیگر از فرماندهان وقت سپاه و ارتش، سلسله عملیات هایی را تحت عنوان "کربلا" طراحی کردید که این عملیات ها در واقع، ارکان اصلی استراتژی نظامی جدید جمهوری اسلامی ایران پس از عزل بنی صدر بود. آیا در قالب آن استراتژی، بحث عبور از مرز و تنبیه متجاوز هم مطرح بود یا در آن تنها

آزادسازی مناطق اشغالی دیده شده بود؟

● **دکتر رضایی:** سوال بسیار خوبی است. برخلاف تصور رایج، عبور از مرز نخستین بار در عملیات بیت المقدس مطرح شد. یک بخش از عملیات بیت المقدس، عبور از مرز و رفتن به کناره شط العرب بود، منتها وقتی ما به مرز رسیدیم متوجه شدیم اگر همه توانمان را هم بگذاریم به سختی می توانیم خرمشهر را آزاد کنیم و در این حال اگر از مرز عبور کنیم و به سمت بصره برویم و ساحل شرقی اروند رود را بگیریم و از طرفی وارد خرمشهر هم نشده باشیم امکان دارد هر ۲ را از دست بدهیم و سر جای خودمان برگردیم، لذا آن شبی که تصمیم گرفتیم با تمام قوا به سمت خرمشهر برویم شب ناامیدی ما برای ورود به خاک عراق در عملیات بیت المقدس بود. در جلساتی که با فرماندهان داشتیم می گفتیم که اگر ما موفق شویم در جریان عملیات بیت المقدس تکه ای از خاک عراق، مثلاً شلمچه را بگیریم و بعد از عملیات در خاک عراق باشیم و جنگ تمام شود، دیگر بحث ورود یا عدم ورود ما به خاک عراق موضوعیتی نخواهد داشت چون ما عملاً در خاک عراق هستیم. فرماندهان اعلام نمودند نیرو نداریم و لذا این امر امکان پذیر نشد. اما راجع به استراتژی نظامی، استراتژی نظامی ما بر آزادسازی سرزمین هایمان

استوار بود. البته این نافی موضع سیاسی ما در قبال صدام حسین نبود، اما این گونه فکر می کردیم که اولویت با آزادسازی مناطق اشغالی است و در روند اجرای عملیات های آزادی بخش، بعد از عملیات فتح المبین به این نتیجه رسیدیم که در عملیات بعدی که آزادی خرمشهر است ما حتماً باید پشت اروند برویم، تا چنانچه اگر قرار شد در آنجا آتش بسی در جنگ اعلام شود ما در جای محکمی ایستاده باشیم. از طرفی بعد از عملیات فتح المبین، اطلاعات ما راجع به صدام به مراتب بیشتر شده بود و می دانستیم اگر در عملیات بعدی خرمشهر را آزاد کنیم صدام بعد از تجدید قوا دوباره حمله می کند لذا بر این نظر بودیم که برای اطمینان باید ساحل شرقی اروند رود را بگیریم. بنابراین استراتژی ما اولاً آزادسازی مناطق اشغال شده توسط ارتش عراق بود که بعد از عملیات بیت المقدس این تبصره به آن اضافه شد که اگر بخواهیم بعد از آزادسازی خرمشهر از حمله مجدد ارتش عراق مصون باشیم باید برای دفاع از کشور در جای محکمی ایستاده باشیم.

● **دکتر درویشی:** البته ممکن است که سیاست های اعلامی و اعمالی یا طرحی که مدون بوده با طرحی که به مرحله اجرا رسیده متفاوت باشد اما من به خاطر ندارم که در طرح عملیات بیت المقدس، این نکته که برای



● **دکتر علایی:** آیا آن جلسات بنا به خواست حضرت امام (ره) تشکیل شد یا چون این موضوع به ابهام برخورد کرده بود، شورای عالی دفاع خدمت امام رفته بودند؟

● **دکتر رضایی:** ماجرا از این قرار بود که پس از عملیات آزادسازی خرمشهر، آقای هاشمی خدمت امام رفته و به ایشان گفته بودند که تا نیروهای مردمی در جبهه‌ها مستقر هستند ما می‌خواهیم عملیات را ادامه بدهیم که امام می‌پرسند: به چه دلیل؟ به دلیل ابهام حضرت امام، شورای عالی دفاع تصمیم گرفت جلسه‌ای را خدمت ایشان برای رفع این ابهامات تشکیل دهد. در آن جلسه امام سوال کرده بودند که

چرا می‌خواهید وارد خاک عراق شوید؟

● **دکتر علایی:** در واقع این جلسه دوم بود.

● **دکتر رضایی:** بله جلسه دوم بود.

● **دکتر درویشی:** به گمانم تاریخ آن جلسه، ششم خرداد ماه یعنی درست سه روز پس از آزادسازی خرمشهر بود.

● **دکتر رضایی:** بله، در

جلسه ابتدا آقای هاشمی صحبت کردند که اگر ما تکه‌ای از خاک عراق را نداشته باشیم نمی‌توانیم شرایط مان را به دشمن تحمیل کنیم. سپس آقای ظهیرنژاد از منظر نظامی اظهار داشتند: توقف مادر مرز، مانع از دفاع مادر برابر تجاوزات بعدی عراق است، لذا باید حمله کرده به آن سوی مرز برویم. من هم حرف آقای ظهیرنژاد را تکرار کردم که: بله نظر من هم همین است، اینجا به خاطر عدم وجود موانع طبیعی ما قادر به دفاع نیستیم و نمی‌توانیم نیرویی را بگذاریم و از حملات دشمن مصون باشیم. بحث که به اینجا رسید حضرت امام فرمودند: من فکر می‌کنم و نظرم را به شما اعلام می‌کنم. آن موقع ذهنیت امام این بود که اگر ما از

ضمانت و تثبیت پیروزی به دست آمده، باید وارد خاک عراق شد وجود داشته باشد. البته شاید این ذهنیت وجود داشته اما مکتوب نشده باشد.

● **دکتر رضایی:** نخیر این موضوع در طرح عملیات وجود داشت. احتمالاً باید این جمله ذکر شده باشد که پس از تأمین مرز، بنا به دستور آماده باشید تا به خاک عراق بروید. ما بحث‌های زیادی در قرارگاه داشتیم که پس از رسیدن به مرز باید چکار کنیم؟ پیشروی کنیم یا به سمت خرمشهر برگردیم؟ و قطعاً اگر نیرو داشتیم رفته بودیم. معمولاً در طرح عملیات، بنا به دستور را ذکر می‌کنند و در آن هدف بعدی را هم مشخص می‌کنند. باید توجه داشت که ما چند نوع عملیات داریم: یکی تک هماهنگ شده، یکی استفاده از موفقیت و دیگری هم تعاقب. و ما آن بنا به دستور را برای استفاده از موفقیت گذاشته بودیم که اگر موفق شدیم به سمت بصره پیش می‌رویم که متأسفانه این امر محقق نشد.

● **دکتر درویشی:** علت تأکید بر سوال این است که وقتی ما به عملیات‌های زنجیره‌ای ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم همه اینها از قبل تعریف شده بودند و فاصل زمانی بین اینها هر بار کاهش پیدا می‌کرد، اما بعد از عملیات بیت المقدس که با آزادسازی خرمشهر در سوم خرداد تمام شد تا عملیات رمضان که در ۲۱ تیرماه آغاز شد نزدیک به ۵۰.۴۰ روز فاصله بود. اگر استراتژی ما این بود که در صورت عدم تحقق اهداف مان در عملیات بیت المقدس یا در صورت تضمین نشدن حقوق مان، باید وارد خاک عراق شویم، این تأخیر و فاصل زمانی چگونه توجیه می‌شود؟

● **دکتر رضایی:** دلیل این تأخیر ۲ حادثه‌ای بود که اتفاق افتاد: یکی مباحثی که در رابطه با ادامه یا توقف عملیات، حال که به مرز رسیده‌ایم، مطرح شد. دوم حادث لبنان که باعث شد این دیدگاه مطرح شود که در قبال اشغال پایتخت یک کشور مسلمان نمی‌توان بی تفاوت بود. مورد اول که پس از فتح خرمشهر پیش آمد باعث شد وقت زیادی از ما گرفته شود به طوری که ۲ جلسه شورای عالی دفاع برای بحث در این باره در خدمت حضرت امام (ره) تشکیل شد.

دکتر رضایی:

برخلاف تصور رایج،

عبور از مرز نخستین بار

در عملیات بیت المقدس

مطرح شد

که عملیاتی را طراحی کنیم. ما کار خودمان را می کردیم.

● **دکتر علایی:** پس این سوال برای حضرت امام مطرح بود که چرا می خواهید از مرز عبور کنید؟

● **دکتر رضایی:** بله، ایشان نمی خواستند جنگ گسترده شود.

● **دکتر درویشی:** من خاطرم هست وقتی از جلسه با حضرت امام برگشتید در قرارگاه کربلا گفتید حرف امام این است که: اگر ما هم به خاک عراق حمله کنیم مردم دنیا و عراق و شیعیان آن کشور ما را متجاوز می خوانند.

● **دکتر رضایی:** بله همین طور است.

● **دکتر درویشی:** پس نتیجه می گیریم که تصور اولیه امام این بود که ما نمی بایست به هیچ وجه وارد خاک عراق شویم.

● **لطف الله زادگان:** نکته ای در همین رابطه است ما در زمان بنی صدر هم که عملیات توکل را داشتیم طبق همان "بنا به دستوری" که به آن اشاره کردید، در طرح عملیات آمده بود که از جعفر عبور کنیم و به سمت بصره برویم.

● **دکتر رضایی:** بله. یعنی پیشروی تا کنار شط العرب، همیشه برای تأمین منطقه، مطرح بود و کسی آن را مصداق ورود به خاک عراق به حساب نمی آورد و بیشتر یک بحث نظامی بود. این عبور نکردن از مرز با پایان جنگ در نگاه امام دو مقوله جداگانه بود.

● **لطف الله زادگان:** گویا شما متذکر شده بودید که با ایستادن بر روی مرز نمی توان کاری را انجام داد.

● **دکتر رضایی:** بله. بعد از سخنان آقای ظهیرنژاد من خدمت امام عرض کردم، اولاً فاصل دشمن با خرمشهر ۵۰۰ متر است ولی ما از مرز تا بصره بیش از ۲۰ کیلومتر فاصله داریم؛ ثانیاً توقف ما در مرز اجازه نمی دهد ما از کشور دفاع کنیم، چون که هیچ مانع طبیعی وجود ندارد در حالی که دشمن با قرار گرفتن در پشت اروندرود با نیروی کمی می تواند دفاع کند.

● **دکتر درویشی:** نکت سوم هم می توانست این باشد که نیروهای ما مردمی بودند و حالا که زمان پیروزی بود شوق داشتند و در صورت رجعت آنها شاید دیگر به

مرز عبور کنیم نمی شود جایی متوقف شد، لذا گفتند اگر از مرز عبور کنید باید رفت و یک نقطه مشخصی را گرفت و احمد آقانی همین گفته را از امام نقل کردند که باید نقطه ای را گرفت که نزدیک به آخر است، تلقی ای که می شود از نقطه آخر داشت این است که جایی را بگیرد که در جنگ و پایان آن تأثیرگذار باشد.

● **دکتر علایی:** آیا می توان این برداشت را از این حرف امام داشت که ایشان بر این تصور بودند که با رسیدن به مرز و آزادی خرمشهر، کار ما از نظر نظامی به پایان رسیده است؟ و به همین دلیل هم این سوال برای ایشان پیش می آید که چرا می خواهید از مرز خارج شوید؟

● **دکتر رضایی:** نه این

طور نبوده است. من عین جمله ای را که امام به کار برد، به خاطر دارم که ایشان فرمودند: چرا می خواهید بروید و داخل خاک عراق بجنجید؟ همین جا بایستید و بجنجید... و این ابهامی بود که برای ایشان پیش آمده بود که مابا بحث ها و استدلال هایی که در جلسه دوم شورای عالی

دفاع داشتیم قرار شد ایشان فکر کنند و نظرشان را بگویند

● **دکتر علایی:** یعنی تصور امام (ره) این بوده که حالا که ما به خرمشهر رسیده ایم عملیات دیگری در داخل خاک عراق نداشته باشیم؟

● **دکتر رضایی:** در اینجا ۲ بحث وجود دارد: یکی تمام شدن جنگ و دیگری عملیات نکردن. حرف امام این نبود که جنگ تمام بشود. ایشان می گفتند که جنگ در خاک خودمان با دفاع باشد.

● **دکتر علایی:** از طرفی امام از شما نخواستہ بود عملیات بعدی را طراحی کنید. درست است؟

● **دکتر رضایی:** امام (ره) هیچ وقت از ما نخواستہ بودند

دکتر رضایی:

بعد از عملیات فتح المبین به این نتیجه رسیدیم که در عملیات بعدی، ما حتماً باید پشت اروند برویم، تا چنانچه اگر قرار شد آتش بسی اعلام شود در جای محکمی ایستاده باشیم



هنگام نیاز باز نمی گشتند و این مباحث نیز مطرح شده است. نکته ای که اینجا پیش می آید این است که در مصاحبه ای که از شما در تیرماه ۱۳۶۱ می خواندم اظهار کرده بودید: این استدلال ها را برای امام آوردیم امام جواب دادند اگر این طور است تا جایی که بتوانید از خطرات احتمالی جلوگیری کنید و امنیت را تضمین کنید، بروید. ولی ما وقتی عملاً جلو رفتیم متوجه شدیم به اهداف اصلی مان که همان تنبیه

متجاوز و اعلام متجاوز بود نرسیده ایم، لذا باز هم مجبور شدیم پیش برویم.

● **دکتر رضایی:** ما وقتی جلو رفتیم و به اهدافمان نرسیدیم به صحبت حضرت امام معتقد شدیم که می فرمودند: اگر از مرز گذشتید باید تا نقطه ای معلوم و مستحکم بروید.

● **دکتر درویشی:** می شود این برداشت را داشت که این نقطه معلوم یعنی جایی که بشود با آن تکلیف جنگ را معلوم کرد.

● **دکتر رضایی:** ذهنیت حضرت امام این بود که تا جایی پیش برویم که تکلیف صدام معلوم شود. شاید این طور فکر می کردند که در آن مقطع جز با تعیین تکلیف صدام، تکلیف جنگ معلوم نخواهد شد. در مجموع، امام در اندیشه پایان جنگ نبود بلکه اجتناب اولیه ایشان از ورود به خاک عراق، برای متجاوز خوانده نشدن ما بود.

● **دکتر درویشی:** در همان مصاحبه گفته بودید که پس از اشغال بیروت و زمانی که صدام عقب نشینی کامل را اعلام کرد، امام (ره) فرموده بودند: حالا وقت خوبیست که تکلیف خودتان و دنیا را مشخص کنید.

● **دکتر رضایی:** با عقب نشینی صدام از شهرهایی چون قصر شیرین، امام احساس کردند توطئه ای در کار است، لذا فرمود: اینها حساسیت ما را بر روی مسئله

اسرائیل می دانند و با این کار می خواهند ما از جانب صدام روی برگردانیم و به لبنان برویم و در این حالت بعدها توسط صدام برای ما و منطقه مشکل درست کنند.

● **دکتر درویشی:** از زاویه ای دیگر هم می شود به این بحث پرداخت. آیا شما به عنوان یک کارشناس نظامی، بعد از عملیات بیت المقدس بر این باور بودید که ما باید عملیات ها را ادامه دهیم و به خاک عراق وارد شویم؟

● **دکتر رضایی:** بله ذهنیت من این بود که ما باید حداقل تا شرق اروندرود پیش برویم.

● **دکتر درویشی:** با این توضیحات این پرسش مطرح می شود که با وجود این ذهنیت، چرا وقتی حادثه لبنان اتفاق می افتد ذهن شما متوجه آن سمت می شود و امام (ره) است که می آید و تنبیه می کند که باید حواس ما به مسئل خودمان باشد؟

● **دکتر رضایی:** سه علت می توان برای این مسئله برشمرد: یکی این که همان طور که امام اشاره کرده بودند علاقه نیروهای انقلابی برای مبارزه با اسرائیل وصف ناپذیر بود. دوم اینکه اسرائیل تا پایتخت لبنان، به عنوان یک کشور مسلمان، پیش روی کرده بود و طبیعتاً ما نمی توانستیم بی تفاوت باشیم. دلیل سوم هم این بود که شورای عالی دفاع بدون حضور من، لزوم شتاب ایران برای کمک به لبنان را تصویب کرده بود.

می شدیم. در عملیات رمضان با توجه به این که بعد از عملیات بیت المقدس انجام شد آیا این روند طی شد یا ما بعد از آزادسازی خرمشهر شروع به شناسایی کردیم و وقتی وارد عملیات شدیم درواقع این شناخت کم به ما ضربه زد؟ از طرفی دشمن می دانست قرار است ما از کجا حمله کنیم و لذا بر روی زمین منطقه کار کرده بود و از نقطه نظر استحکامی زمین را برای ما سخت کرده بود و بهترین نیروهایش را هم در آنجا مستقر کرده بود، لذا وقتی که ما عملیات را شروع کردیم متوجه شدیم تصورات ما نسبت به زمین و تاکتیک عملیات با آنچه وجود داشت، متفاوت است. در مجموع، آرایش زمین به شکلی بود که نیروهای ما بعد از ورود به منطقه به نحوی کانالیزه می شدند که به نفع دشمن بود. با این توضیح این پرسش مطرح می شود که آیا آن روند طراحی عملیات در عملیات رمضان طی شد یا این مسئله با عجله صورت پذیرفت؟

● **لطف الله زادگان:** من این پرسش را به این صورت تکمیل می کنم که ما تا عملیات بیت المقدس، تصور این که ارتش عراق دست به مسلح کردن زمین بزند را نداشتیم، ولی بعد از عملیات رمضان بود که به چنین تجربه ای رسیدیم.

● **دکتر رضایی:** در عملیات های ما همیشه ۲ مسئله خیلی مهم بود: یکی آماده سازی و دیگری غافلگیری. آماده سازی؛ شامل شناسایی، فعالیت های مهندسی و آموزش ها و... بود. دیگری هم غافلگیری بود. در رابطه با عملیات رمضان، تا قبل از عملیات بیت المقدس ما دسترسی به معابر و صولای عملیات رمضان نداشتیم. چراکه سرزمین هایی که قبل از عملیات رمضان بود همگی جزو منطقه عملیات بیت المقدس محسوب می شد، لذا قبل از انجام عملیات بیت المقدس و متعاقب آن آزادسازی خرمشهر ما نمی توانستیم عملیات رمضان را آماده سازی کنیم. در حالی که پیش از انجام عملیات فتح المبین، چون منطقه عملیاتی بیت المقدس در جای دیگری بود ما هر دوی اینها را به صورت موازی آماده سازی می کردیم؛ اما به محض انجام عملیات بیت المقدس، برای ادامه کار ما بسیج گسترده نیرو را انجام دادیم، به رغم این که هنوز

● **لطف الله زادگان:** حضرت امام (ره) در جریان این تصمیم و مصوبه شورای عالی دفاع بودند؟

● **دکتر رضایی:** نه. بعد که ما به سوریه رفتیم و مذاکراتی در آنجا انجام شد، در همانجا به این نتیجه رسیدیم که چون ما باید به جنگ با عراق برویم امکان اینکه سرمایه گذاری فراوانی در لبنان بکنیم نیست لذا تنها یک تیپ از سپاه در لبنان استقرار یافت و بعد هم که دوستان ارتشی درخواست کردند از ارتش هم تیپی در آنجا مستقر شود که نیروهای ارتشی بلافاصله برگشتند. البته این رفت و آمد تا تأثیری در میزان توانایی ما نداشت و تأخیری در عملیات ایجاد نکرد. به محض برگشتن، من در جلسه شورای عالی دفاع گفتم:

من در اینجا باید یک عذرخواهی بکنم و آن این است که ما اگر می دانستیم امام رضایت نداشتند که ما به لبنان برویم، هرگز این کار را نمی کردیم. که این موضوع باعث دلخوری دوستان حاضر در آن جلسه شد. که بعد هم مرحوم احمد آقا به من گفتند: امام (ره) از این صحبت شما در جلسه

شورای عالی دفاع خیلی خوشحال شده بودند. ما هم به سرعت تیپ حضرت رسول را بازگردانیدیم و آنها به مرحله دوم و سوم عملیات رسیدند. پس نتیجه این که ۲ عامل در تأخیر عملیات موثر بود: اول مباحثی که راجع به ورود یا عدم ورود ما به خاک عراق مطرح شده بود و دوم هم حادثه لبنان بود. با این حال، ما فرماندهان را مأمور کرده بودیم این موضوع را بررسی کنند؛ اما بالاخره باعث تأخیر شد و اگر این تأخیر نبود، امکان موفقیت ما در عملیات افزایش پیدا می کرد.

● **دکتر علایی:** در تمامی عملیات ها، روال این بود که از مدت ها قبل شناسایی انجام می شد و برنامه ریزی می شد و بعد ما وارد طرح ریزی نهایی عملیات

دکتر رضایی:

ما می دانستیم اگر خرمشهر را آزاد کنیم صدام بعد از تجدید قوا دوباره حمله می کند؛ لذا برای اطمینان باید ساحل شرقی اروندرود را می گرفتیم

زیادی داشتند. البته یکی از دلایل آغاز جنگ هم از سوی عراق، نگرانی از بابت شیوع انقلاب اسلامی ایران به عراق بوده است و علت اصلی به شهادت رساندن شهید صدر قبل از جنگ نیز، همین واهمه بوده است. از این رو در نبرد جدید صدام با ایدئولوژی انقلابی استقرار یافته در ایران، بصره اهمیت فوق العاده ای پیدا کرده بود.

● **دکتر علایی:** در واقع تصور حضرت امام (ره) نیز همین بوده، چون بلافاصله بعد از شروع عملیات رمضان، امام به عشایر بصره پیام دادند و از آنها خواستند که تلاش کنند تا صدام و رژیم اش سرنگون شوند.

● **دکتر رضایی:** همین طور است. بعد از عملیات بیت المقدس،

هم چنان که ما آماده سازی منطقه برای انجام عملیات جدید را شروع کردیم، ارتش عراق نیز منطقه را برای پدافند آماده سازی می کرد و در اینجا رقابتی بین ما و عراق شکل گرفت که عراق توانست از ۲ عامل مهم استفاده کند و موفق هم بشود. یکی آب انداختن در جنوب منطقه عملیاتی

بود که باعث شد عملیات قرارگاه نصر به طور کل لغو شود. یعنی منطقه زید به پایین را با آب انداختن برای قرارگاه شهید باقری لغو کردند. در طرح عملیات قرار بود که قرارگاه نصر به نوک کانال ماهیگیری حمله کند و از آنجا به سمت بصره حرکت کند و پل های روی کانال ماهیگیری را ببندد که جناح قرارگاه فتح از سمت جنوب تأمین بشود. ابتدا شهید باقری زیر بار این آب انداختن زمین منطقه عملیاتی نمی رفت و گمان می کرد آب محدود و قابل کنترل باشد و این قابل پیش بینی بود که این آب تا روز عملیات امکان کار را بر روی زمین از ما می گیرد. تا سرانجام، خود شهید باقری ۲ روز مانده به عملیات وقتی رفت و زمین را دید پذیرفت که با این

تصمیم گیری نهایی در تهران صورت نگرفته بود و نکته مهم هم این است که در این زمان ارتش عراق با سرعت فوق العاده ای آغاز به سنگربندی و ایجاد مانع در روبروی بصره (منطقه عملیات رمضان) کرده بود.

● **دکتر علایی:** پس در آن مقطع، تصور عراق این بود که جنگ در سرزمین خودش ادامه خواهد یافت؟

● **دکتر رضایی:** بله به طور جدی در این اندیشه بودند که جنگ بعد از آزادی خرمشهر به سمت بصره گسترش خواهد یافت.

● **دکتر علایی:** یعنی عراق اقدامی را برای تقویت مواضع دفاعی خودش در مناطقی چون قصر شیرین و دیگر مناطقی که هنوز تحت اشغالش بود، انجام نداد و در حقیقت درست هم حدس زده بود.

● **دکتر رضایی:** بله. البته طبیعی هم بود و هر کس هم جای صدام بود همین کار را انجام می داد چرا که بصره مهمترین هدف بود. بصره یک شهر مهم بین المللی بود و کشورهای بزرگی مثل آلمان و فرانسه در پالایشگاه های این شهر سرمایه گذاری کرده بودند. حتی سرمایه گذاری آنها به جز بخش نفت، در حوزه هایی مثل کشاورزی نیز در شهر بصره انجام شده بود.

● **دکتر درویشی:** اما استراتژی ارتش شاه، براساس حمله به بغداد طرح ریزی شده بود؛ یعنی در هدف گذاری ای که کرده بودند بغداد را سهل الوصول تر و از نقطه نظر سیاسی دارای امتیاز بیشتری می دانستند.

● **دکتر رضایی:** بله همین طور بوده، اما بصره هم جای خیلی مهمی بود. چون عمده قوای ما در جنوب بود و به سراغ آن راهکار نرفته بودیم، لذا طبیعی بود که نگرانی عراق بیشتر از بغداد بابت بصره باشد. در هر حال این بار بر خلاف ارتش شاه، آنها با نیروی جدیدی طرف بودند و عمده نگرانی صدام نیز اتصال انقلاب ایران به بصره بود که مرکز تشیع عراق محسوب می شد. ترس او از این بود که چنانچه اگر انقلاب ایران از طریق جنگ به بصره می رسید احتمال داشت ایران بدون جنگ بغداد را ساقط کند. فاصله کم ما با بصره هم بر ترس او افزوده بود و عراقی ها از پیوند ما و اهل تشیع بصره هراس

دکتر رضایی:
دلایل تأخیر انجام عملیات:
یکی وجود اختلاف نظر بر سر
ادامه یا توقف عملیات بعد از
رسیدن به مرز بود؛ و دوم حادثه
لبنان و اشغال این کشور توسط
اسرائیل بود

این عملیات داشتیم؛ اما به دلیل نبود نیروی تأمین کننده در چپ و راست، لاجرم به محور نفوذ کننده دستور عقب نشینی دادیم، چراکه با وجود این که بچه ها تا ساعت ۲ و ۳ بعد از ظهر می جنگیدند و زیر پاتک هایی که از سمت شمال قرارگاه فتح به وسیله تیپ ۱۰ از رهی انجام می شد دوام می آوردند اما ما عملاً جناح را واگذار کرده بودیم و بچه های ما دیگر نیرویی نداشتند تا از سمت راست دفاع کنند، لذا وقتی که دشمن



از پشت سر خواست نیروی ما را احاطه کند، ناگزیر دستور عقب نشینی را صادر کردیم.

● **دکتر درویشی:** به نظر می رسد بچه هایی که شب اول برای عملیات می روند با دیدن مثلثی ها انگار که چیز جدیدی دیده اند؟

● **دکتر رضایی:** بله همین طور است تا به حال نیروهای ما چنین چیزی را ندیده بودند.

● **دکتر درویشی:** مگر منطقه شناسایی نشده بود یا در عکس ها این مثلثی ها نشان داده نشده بود؟

● **دکتر رضایی:** چرا شناسایی شده بود و بر روی این مسئله کار شده بود منتها اکثر کسانی که در یگان ها می جنگیدند طی سال های جنگ با چنین موانعی روبرو نشده بودند. هر چند اطلاعات لشکرها این موانع را می شناختند، اما نیروهای رزمنده ما این چنین موانعی را برای اولین بار می دیدند؛ لذا وقتی آن خاکریزهای عظیم ۵ متری را روبروی خودشان دیدند چون آشنا نبودند جا خورده بودند.

● **دکتر علایی:** یعنی وضع زمین را قبل از آغاز عملیات به شکلی که بعد از عملیات دیدید تصور نمی کردید؟

● **دکتر رضایی:** مواضع پدافندی که عمدتاً همان مثلثی ها بود را ما برای اولین بار بود که تجربه می کردیم.

حجم آب امکان اجرای عملیات در آن زمین مقدور نیست. عامل دوم که ارتش عراق برای آماده سازی پدافند تدارک دیده بود یک عملیات مهندسی فوق العاده بود که برای ما هم غیرمنتظره بود و سابقه نداشت هیچ گاه عراق طی یک زمان کوتاه، کار مهندسی به این ابعاد بزرگ را انجام دهد. همین عامل باعث شد قرارگاه فجر در آنجا زمین گیر شود. در حالی که محور عملیاتی قرارگاه قدس تا منتهی الیه کوشک باز شده بود، اما قرارگاه فجر که سمت راست قرارگاه فتح بود عملاً فلج شده بود. می توان گفت در آنجایی که ما با خود ارتش عراق طرف بودیم ۱۰۰ درصد موفق شدیم. تمام نیروهایی که در برابر ما تا هدف مان در نهر کتبیان قرار داشتند منهدم شدند و همان شب ما به نهر کتبیان رسیدیم و قرارگاه لشکر ۹ را گرفتیم. اما مشکل این بود که سمت چپ و راست این نیرویی که نفوذ کرده بود به دلایلی که گفته شد نیامده بودند و در اینجا فعالیت های آماده سازی عراق به کمکش آمد که یکی همان آب انداختن زمین و دیگری هم مثلثی هایی بود که ساخته بود. نیروی روبرویی را که ما منهدم کردیم سلاح و نفربر و حتی توپخانه هایشان، که مهمترین رکن شان بود، را گرفتیم. در حقیقت با حدود ۱۹ کیلومتر پیشروی، بیشترین عمق نفوذ را به خاک دشمن در طول جنگ در

استحکاماتی بود که درست شده بود. قبل از این، فقط در جنوب کرخه نور این استحکامات قوی وجود داشت که قرارگاه قدس در همان عملیات بیت المقدس نیز موفق نشد چون هم تک جبهه ای بود و هم این که همراه با استحکامات زیادی بود. لذا ما می دانستیم این عملیات بسیار دشوارتر از عملیات های فتح المبین و بیت المقدس خواهد بود.

● **دکتر درویشی:** شما که همیشه از تک جبهه ای پرهیز داشتید چرا در این عملیات اصرار داشتید که تک جبهه ای انجام بدهیم؟

● **دکتر رضایی:** اگر ما فقط ۲ هفته زودتر حمله کرده

بودیم این حمله تبدیل به یک تک جبهه ای نمی شد دلیلش نیز این بود که هنوز منطقه را آب نیانداخته بودند. نکته دوم این که در حقیقت در عملیات رمضان یا منطقه ای که در جنوب جعفر تا کوشک تا شلمچه هست یک زاویه قائمه ای وجود دارد که ما اگر می توانستیم در یکی از این جبهه ها قرار بگیریم می توانستیم از

آنجا هر ۲ جبهه را فرو بپاشیم و همه امید ما این بود که اگر اولین نیرو را از آنجا بتوانیم عبور بدهیم دیگر کل منطقه کوشک تا جعفر فرو خواهد ریخت.

● **دکتر درویشی:** در مجموع شما ضعف محاسباتی ما را در عملیات رمضان بیشتر موثر می دانید یا توانمندی و بازسازی ارتش عراق را، که طی این چند هفته اتفاق افتاد؟

● **دکتر رضایی:** به هر حال همه اینها موثر بود. ارتش عراق خیلی سریع پای کار آمد و تأخیر ما هم سرنوشت ساز شد. باید جوری برنامه ها را پیش می بردیم تا ۲ هفته زودتر عملیات می کردیم، یا به قول آقای دکتر علایی حال که این تأخیر اتفاق افتاد باید می رفتیم برای ۷، ۸ ماه

● **دکتر علایی:** آیا شما قبل از آغاز عملیات، مطمئن شده بودید که در مناطق قرارگاه نصر و فجر، عملیات انجام نمی شود؟

● **دکتر رضایی:** در منطقه نصر مطمئن شدیم که نمی شود کار کرد؛ لذا شب اول عملیات، قرارگاه نصر را حذف کردیم؛ اما محور قرارگاه فجر را چون نیروهایشان شناسایی کرده بودند گمان می کردیم اینها می توانند موفق شوند ولی بعد از مرحله اول عملیات بود که دریافتیم موانعی که ارتش عراق در آن منطقه درست کرده، بسیار مستحکم است.

● **دکتر علایی:** آیا قبل از عملیات، فرض امکان پذیر نبودن انجام عملیات که در مورد محور قرارگاه نصر به وجود آمده بود، که در واقع حاصل تغییر شرایط زمین با اقدامات مهندسی ارتش عراق بود، این تصور را ایجاد نکرد که ممکن است در محور قرارگاه های فتح و قدس نیز ما بتوانیم وارد عمل بشویم؟

● **دکتر رضایی:** ما پیش بینی می کردیم که قرارگاه های فتح و قدس با سختی هایی مواجه خواهند شد، چرا که از استحکامات ارتش عراق هم از طریق شناسایی و هم عکس هوایی اجمالاً شناخته پیدا کرده بودیم؛ اما چون برای اولین بار بود که این گونه استحکامات را تجربه می کردیم لذا ویژگی های آنها را به طور کامل نمی دانستیم.

● **دکتر علایی:** یعنی در واقع فکر می کردید آنها مانعی برای موفقیت عملیات نخواهند بود؟

● **دکتر رضایی:** بله، ما فکر می کردیم که نیروها می توانند از این استحکامات و موانع عبور کنند.

● **دکتر درویشی:** با همه این تفاسیل تصور شما قبل از شروع عملیات نسبت به دستیابی به اهداف چه بود؟ شما با آقای شهید صیاد که فرماندهی عملیات را به عهده داشتید گمان می کردید مثل عملیات بیت المقدس به اهداف تعیین شده دست خواهید یافت؟

● **دکتر رضایی:** نه من احساس می کردم این جنگ نسبت به عملیات بیت المقدس خیلی سخت تر است. چرا که در این عملیات، تک ما جبهه ای بود؛ در حالی که در عملیات بیت المقدس این طور نبود. مسئله دوم هم

دکتر رضایی:

حضرت امام می فرمودند:

اگر از مرز گذشتید باید تا

نقطه ای معلوم و مستحکم

بروید؛ در واقع ذهنیت ایشان

این بود که تا جایی پیش برویم

که تکلیف صدام معلوم شود

خواهیم گرفت. مثلاً ذهنیت ما این بود که پشت کانال ماهیگیری دفاع خواهیم کرد و از آن طرف هم راهی بود که به سمت نهر کتبیان می رفتند. فکر می کردم ما خواهیم رفت و ارتش عراق حداکثر در این طرف اروند رود، سرپل هایی را ایجاد می کند که از نزدیکی ما به اروند جلوگیری کند.

● **دکتر علایی:** آیا به ذهن شما خطور می کرد که ممکن است اصلاً موفق نشویم؟

● **دکتر رضایی:** نه اگر به ذهن مان می رسید حتماً عملیات را متوقف می کردیم.

لطف الله زادگان: البته افتادن روی دور پیروزی هم خیلی نقش داشت. چون خود شما و شهید کاظمی می گفتید که ما بعد از چند پیروزی به نوعی مغرور شده بودیم.

● **دکتر درویشی:** آیا می شود گفت که غرور ناشی از پیروزی در عملیات های بیت المقدس، فتح المبین و ... مانع از این شد که با جدیت طرح ریزی کنیم؟

● **دکتر رضایی:** غرور هم بی تأثیر نبوده است.

● **دکتر علایی:** شهید صیاد شیرازی در کتابی که تحت عنوان خاطرات ایشان چاپ شده، روی این مسئله خیلی تأکید می کند. از این رو این ابهام به وجود می آید که اگر ما تصورمان غرور ناشی از پیروزی های قبل بوده است پس شاید در این جا روی طرح ریزی عملیات به اندازه کافی مثل عملیات های سابق فکر نشده است، آیا این تحلیل درست است؟

● **دکتر رضایی:** نه. اینجا بحث خیلی ظریف و حساس می شود و نمی توان خیلی دقیق آن را مورد سنجش قرار داد. اما واقعیت این است که ما به همان اندازه ای که در عملیات بیت المقدس طرح ریزی کردیم در رمضان هم دقت و بررسی کرده بودیم، اما باید ما اینجا می پذیرفتیم که ممکن است شکست بخوریم. یعنی باید احتمال شکست را جدی تر در نظر می گرفتیم. که همین هم باعث می شد که طراحی های بیشتری انجام دهیم، اما نمی شود گفت که طرح ریزی کمتری نسبت به عملیات بیت المقدس انجام شده بود.

● **دکتر علایی:** ولی وضعیت دشمن نسبت به آن زمان تغییرات بیشتری کرده بود.

دیگر منطقه را آماده می کردیم. البته این به ذهن ما آمد که حالا برویم منطقه را جور دیگری آرایش کنیم اما مطمئن بودیم به خاطر نزدیکی زیاد به بصره، دشمن منطقه را به این سادگی رها نمی کند و منطقه را خیلی پیچیده تر از گذشته خواهد کرد. دلیل این صحبت هم این بود که نه فقط در آنجا، بلکه به محض پیروزی در عملیات فتح المبین نیز به فرماندهان گفتم اگر به سرعت سراغ عملیات بیت المقدس نرویم دیگر دست نیافتنی خواهد شد. در عملیات رمضان مشکل ما دقیقاً همین بود که هر چه می خواستیم تأخیر کنیم بدتر می شد و البته تجربه هم این را ثابت کرد. ما بعد از عملیات رمضان چندین

بار برای حمله به بصره اقدام کردیم که دیگر امکان پذیر نبود.

● **دکتر درویشی:** آیا می توان این گونه نتیجه گیری کرد که شما در عملیات بیت المقدس یک تصمیم نظامی گرفتید و به آسانی هم به آن جامه عمل پوشانیدید، اما در عملیات رمضان چون یک تصمیم سیاسی -

نظامی بود که باید بخش سیاسی کشور را هم با خودتان همراه می کردید، مقداری زمان گرفت؟

● **دکتر رضایی:** بله. البته حادثه لبنان هم که ما رفتیم، مقداری تأخیر به وجود آورد.

● **دکتر علایی:** قبل از انجام عملیات رمضان، تصور شما از میزان موفقیت عملیات تا چه حد بود؟

● **دکتر رضایی:** من فکر می کردم که ما تا نزدیک جزیره جنوبی خواهیم رفت.

● **دکتر علایی:** یعنی برای خود شما تردیدی ایجاد نشده بود که ممکن است به همه اهداف مان نرسیم؟

● **دکتر رضایی:** این تفکر ایجاد شده بود که حتی اگر همه اهداف را نگیریم، لااقل یک منطقه وسیعی را

دکتر رضایی:

امام (ره) در اندیشه

پایان جنگ نبود؛ بلکه

اجتناب اولیه ایشان از ورود

به خاک عراق، برای متجاوز

خوانده نشدن ما بود

بود. اما هر وقت ما نبرد در بصره را دشوار می دیدیم به سراغ اولویت های بعدی می رفتیم، اولویت بعدی سمت عماره و علی غریبی بود و اولویت سوم هم نبرد از شمال قصر شیرین بود که تا انتها ادامه پیدا می کرد. البته اولویت اصلی بغداد بود که چون همیشه دور از ذهن می دیدیم آن را خط می زدیم. لذا جنگ برای ما سه جبهه داشت: جبهه اول از چزابه تا راس البیشه بود، جبهه دوم تا پیرانشهر و مهران ادامه پیدا می کرد و جبهه سوم نیز از جوانرود شروع می شد.

● **دکتر علایی:** آیا در ادامه جنگ به این نتیجه رسیدید که حالا که نسبت به دشمن توان کمتری داریم و دشمن با عملیات مهندسی زمین را هم به کمک خودش گرفته

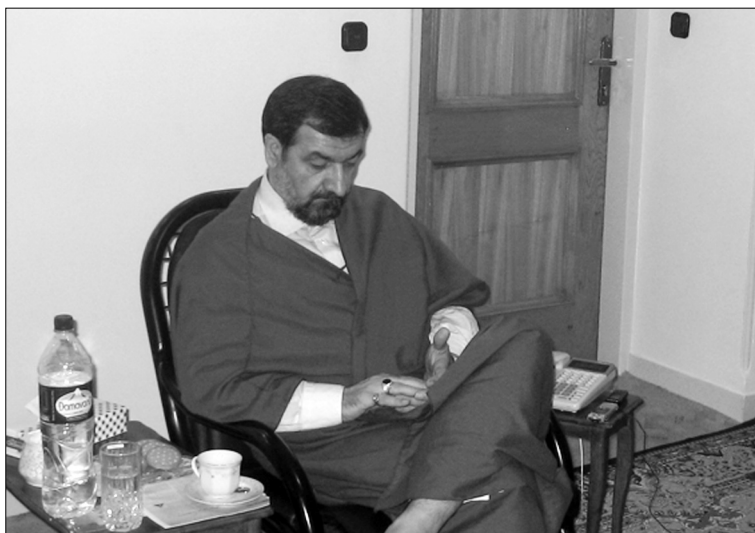
است و از طرفی عنصر غافلگیری، با توجه به کارهایی که روی زمین منطقه عملیات رمضان کرده بودند، از بین رفته بود. آیا در آن زمان می شد این گونه اندیشید که هر چند هدف مهم ما بصره است، ما این هدف را از جای دیگر و دورتری مثل منطقه عملیاتی ولفجر تأمین نکنیم؟ چرا که آنها هنوز فرصت نکرده بودند بر روی زمین آن منطقه کاری را انجام دهند و می شد ما برای بستن جاده بصره - عماره از آن طریق اقدام بکنیم.

● **دکتر رضایی:** نه ما فکر می کردیم باید در همان نزدیکی بصره، که نیروهای مان نیز در آنجا مستقر بودند، عمل بکنیم. اصلاً اصطلاحی بین ما درست شده بود که ۱ کیلومتر پیشروی به سمت بصره برابر با ۱۰، ۱۵ کیلومتر پیش روی به سمت عماره و جاهای دیگر است و چون ما از توان کمتری برخوردار بودیم لذا در ورودی مناطقی کار می کردیم که متناسب با توان مان، بیشترین اثر را بر روی دشمن بگذاریم. البته بعد هم که در عملیات رمضان ناکام ماندیم به سمت مناطقی رفتیم که شما به آنها اشاره کردید.

● **دکتر رضایی:** خیلی تغییرات بیشتری کرده بود؛ ضمن این که طبیعی هم بود بعد از یک سری پیروزی پی در پی، باید فکر شکست را هم می کردیم. که همان گونه که اشاره شد احتمالاً موفقیت هایی پی در پی ای که فرماندهان به دست آوردند می تواند در این غفلت، بسیار تأثیرگذار باشد.

● **دکتر درویشی:** البته این نکته را نیز باید در نظر بگیریم که به هر حال بر خلاف روند عملیات های گذشته، ما با یک جنگ جدیدی که همان جنگ در خاک دشمن است مواجه شده بودیم که مطمئناً اقتضائات دیگری دارد و دشمن هم جور دیگر خواهد جنگید.

● **دکتر رضایی:** بله باید ما این موضوع را در نظر



می گرفتیم که حال که ما می خواهیم در خاک عراق بجنگیم، آیا ممکن است با شرایط جدیدی مواجه شویم؟

● **دکتر علایی:** اگر عملیات رمضان را در این منطقه انجام نمی دادیم، فرض کنید در ادام عملیات فتح المبین در منطق فکه به طرف بالا عمل می کردیم، همان منطقه ای که بعداً سلسله عملیات والفجر انجام شد و در واقع، ادامه جنگ در آنجا پی گیری شد، چه اتفاقاتی ممکن بود بیفتد؟ آیا به این موضوع فکر شده بود؟

● **دکتر رضایی:** نه. اولویت ما در جنوب طبیعتاً بصره

● **دکتر درویشی:** به عنوان پرسش آخر، ما با مطالعه اسناد متوجه شدیم این عدم الفتح که بعد از ۴ پیروزی اتفاق افتاد، در ۳ گروه تأثیرات مهمی بر جای گذاشت و ظاهراً دغدغ اصلی شما بعد از عملیات رمضان، برطرف کردن این تأثیرات منفی در این ۳ گروه بوده است. اول رزمنده ها و نیروی مردمی، دوم فرماندهان لشکرها و یگان های سپاه و سوم هم تأثیر منفی ای که بر مسئولین سیاسی کشور بر جای گذاشته بود و به هر حال آنها یک توقعاتی داشتند که برآورده نشده بود. آن زمان مشکل اصلی را شما را چه می دانستید و وقت و سرمایه را برای توجیه کدام گروه به کار بردید؟

● **دکتر رضایی:** بله، خیلی کار برای ما سخت شد؛ حتی برای اولین بار با دوستان ارتشی در همین زمینه اختلافاتی پیدا کردیم. رزمندگان هم دچار آسیب جدی شده بودند و بحث های سیاسی هم شروع شده بود و سخت ترین دوران جنگ برای ما همین دوره بعد از عملیات رمضان بوده است، به خصوص که فرماندهان هم مشکل پیدا کرده بودند. لذا وقتی فکر کردیم باید عملیات بعدی را انجام دهیم و والفجر مقدماتی شکل گرفت، حدود ۶ ماه طول کشید؛ که در حقیقت این ابهام رزمندگان و فرماندهان بود که باعث شد این فاصل زمانی زیاد رخ بدهد.

● **دکتر علایی:** با توجه به برداشت ها و اطلاعات فعلی، آیا شما فکر می کنید انجام عملیات رمضان در آن زمان کار درستی بوده است یا خیر؟ یعنی اگر ما روی مرز می ماندیم یا روی منطقه دیگری کار می کردیم بهتر نبود؟

● **دکتر رضایی:** اگر با تحلیل فعلی نگاه کنیم، اگر عملیات را ۲ هفته زودتر انجام می دادیم مطمئناً موفق می شدیم، ولی اگر زمان به تاخیر می افتاد باید برای مدت طولانی تری تجدیدنظر می کردیم، که البته عراق هم منافذ و نقاط ضعفش را می پوشاند و در آن صورت ما باید بررسی های زیادی را انجام می دادیم که نبرد در خاک عراق باید چگونه باشد.

● **دکتر درویشی:** خیلی ممنون از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.



جرقه اولیه عملیات در هور؛

ماحصل توقف و بن بست در عملیات رمضان

هادی نخعی*

انجام دو عملیات در منطقه وسیع و ناشناخته هورالعظیم و هورالهویزه (خیبر در سال ۱۳۶۲ و بدر ۱۳۶۳) برای اولین بار، جرقه آن در اثنای عملیات رمضان در ذهن فرمانده کل سپاه زده شد. در حقیقت برای رهایی از بن بست ایجاد شده در عملیات رمضان، راه کارهای مختلفی در مباحث فیمابین فرمانده وقت سپاه (برادر محسن رضایی) و مشاوران ارشد وی (برادر رحیم صفوی و شهید حسن باقری و برادر غلامعلی رشید) مطرح شد. یکی از این راه کارها، امکان انجام عملیات در منطقه هور بود که از سوی فرمانده کل سپاه مطرح و با جدیت هر چه تمامتر توسط او پیگیری شد. گرچه طرح و تعقیب این ایده در همان اوان نتوانست گرهی از مشکلات فرو بسته نیروهای ایرانی باز کند اما سماجت همراه با پنهان کاری فرمانده کل سپاه در این باره سرانجام در زمستان سال ۱۳۶۲ نتیجه داد و رزمندگان اسلام موفق شدند طی عملیات خیبر ضمن خارج کردن شرایط جنگ از رکود، جزایر مجنون جنوبی و شمالی و بخشی از هور را تصرف کنند. آنچه در پی می آید گزارش لحظه به لحظه راوی قرارگاه مرکزی کربلا (برادر هادی نخعی) است که با دقت فراوان به ثبت و ضبط اولین مباحث مربوط به انجام عملیات در هور پرداخته است.	اشاره

و همچنین برای بار دوم جلسه شورای عالی دفاع در تهران به تعویق افتاد تا فرمانده سپاه بتواند به همراه یکی دو نفر از فرماندهان اصلی سپاه - که مشاوران اصلی وی هستند به هور بروند و با اوضاع آن منطقه آشنایی کلی پیدا کند تا شاید راهی باز شود. از این رو محسن رضایی در ادامه مذاکرات پراکنده، به وسیله حسن باقری با قرارگاه قدس - که منطقه هور و قسمت شمال منطقه

امروز (۱۳۶۱/۵/۱۱) در حاشیه روند تصمیم گیری برای چگونگی ادامه عملیات در شرق بصره و پس از گذشت ساعتی از شروع مباحث مربوطه، (حدود ۹ صبح) در قرارگاه کربلا طرح اولیه و کلی استفاده از هور برای رفع بن بست منطقه شرق بصره در ذهن فرماندهی کل سپاه پدید آمد و سپس تا جایی جدی شد که وی جلسه مشترک با صیاد در ساعت ۱۱ را به ساعت ۱۴ موکول کرد

*راوی قرارگاه کربلا



عملیاتی شرق بصره، منطقه حوزه مأموریت آن محسوب می شد - تماس گرفت و احمد غلامپور فرمانده قرارگاه قدس (سپاه) را جستجو کرد و به اجبار قرار ساعت ۱۱ با صیاد را به ساعت ۱۴ و قرار جلسه شورای عالی دفاع را به فردا موکول کرد^۱ و به اتفاق رحیم صفوی و غلامعلی رشید و حسن باقری راهی قرارگاه قدس شدند.

در قرارگاه قدس، نیروهای اطلاعاتی این قرارگاه توضیحاتی درباره

هور و افراد بومی که به عراق رفت و آمد دارند و راه های تردد نیروهای شناسایی و ویژگی های منطقه ارائه دادند؛ از جمله این که خط مرزی ایران و عراق از وسط هور می گذرد و در بعضی نقاط با بشکه هایی این خط مرزی مشخص گردیده است.

در گزارش ها همچنین مشخص بود که شط علی منطقه ای واقع در هور، حدود ۷ کیلومتری خط مرزی، مرکز عمده اعزام نیروهای شناسایی به هور و مقر بازگشت آنان است.

محسن رضایی گفت: «من شط علی رفته ام، جاده دارد بعضاً باید از توی آب عبور کرد اما به خاطر تردد زیاد زمین محکم شده و به راحتی قابل عبور است.» قرار شد محسن رضایی به شط علی برود و از آنجا به موازات خط مرز، به سمت جنوب و سه راهی کوشک (حدود ۴۰ کیلومتر مسافت در حاشیه دژ مرزی و خاکریزهای آن) منطقه را بازدید و بررسی کند. قرار شد از اطلاعات قرارگاه قدس یک راهنما هم به جمع همراهان محسن اضافه شود.

ابتدا قرار شد به دلیل دوری راه و کمبود فرصت، گروه با هلی کوپتر به شط علی برود اما وقتی رحیم صفوی با صیاد شیرازی تلفنی گفت و گو کرد تا زمان

جلسه مشترک را از ۲ بعدازظهر به ۹ شب تغییر دهد، صیاد توصیه کرد از هلی کوپتر استفاده نشود. وی توضیح داد که میگ های عراق در پروازند و احتمال خطر وجود دارد.

به این ترتیب و به ضرورت، منطقه مورد نظر به دو قسمت تقسیم شد و گروه نیز به دو دسته تقسیم شدند: محسن [رضایی] به اتفاق حسن باقری و مسئول اطلاعات عملیات قدس در یک خودرو راهی شط علی شدند تا از آنجا به سمت جنوب در نوار مرزی ادامه حرکت بدهند و رحیم و رشید نیز در گروه دیگر قرار گرفتند، تا به سمت منطقه کوشک تا طلایه بروند.

در بخشی از گزارش (صوتی) راوی قرارگاه کربلا (که هم زمان با وقایع روی نوار کاست ضبط شده) ادامه این سفر چنین آمده است:

محسن رضایی: «دوربین و نقشه را بدهید بیاورند، اسلحه هم بیاورید چون ممکن است شط ناپاک (آلوده) باشد. بعد هم، همه مان که توی این ماشین جا نمی گیریم، ماشین دیگری ندارید؟

راهنما: ماشین ها همه رفته اند، یک پاترول هست که پنجر است.

محسن: این ماشین بی سیم دار مال کیه؟

۱. این دومین باری بود که به دلیل عدم نتیجه قطعی و نهایی، حرکت برادران رضایی و صیادشیرازی برای شرکت در جلسه شورای عالی دفاع دچار تأخیر می شد و در نتیجه جلسه مزبور به تأخیر می افتاد.



نوشته اند: با نابودی رژیم بعث عراق، جنگ رسمی ما با اسرائیل شروع خواهد شد....

ساعت ۱۲:۱۴ دقیقه است و باز روی آن جاده آسفالت داریم می رویم و سمت چپ مان یک مقر، چند تا سنگر و یک قرارگاه بزرگ است و تعدادی خودرو و تانکر آب و اتاقک ها و سنگرهایی وجود دارد و در گرمای ظهر به ندرت افرادی دیده می شوند که در حال رفت و آمد هستند، بقیه در زیرزمین و در سنگرها هستند. اگر این یکی دو نفر هم نبودند، هیچ اثری از حیات مشاهده نمی شد. گرمای شدید و وضعیت خاص منطقه در روز، حالت خاصی به قرارگاه ها می دهد، یعنی علاوه بر ضرورت حفظ مسائل امنیتی که می روند توی سنگرها، برای فرار از گرمای سطح زمین نیز هر کسی سعی می کند که خودش را از گرمای سطح زمین دور بکند. این منطقه که دست عراق بوده قبلاً با عملیات بیت المقدس آزاد شده است و جاده هایی آسفالت و شوسه و جاده های تدارکاتی و نقل و انتقالات خوبی دارد که عراق احداث کرده است....

ساعت ۱۲:۲۰ دقیقه است، ما در جعفر هستیم، تعدادی ساختمان خراب و چند تا خودرو سوخته هست ...

... راه مان را به طرف کوشک از جعفر ادامه می دهیم. در ماشین، حسن باقری، راننده، دو محافظ، برادر محسن، مسئول اطلاعات عملیات قرارگاه قدس و خود محسن رضایی هستند....

ساعت ۱۲:۳۰ است. به یک پاسگاهی رسیدیم که ویران شده بود ولی جنب آن مجدداً اتاقک حلبی زده اند این جا پاسگاه مرزی شهابی است از پاسگاه شهابی روی جاده آسفالت عبور می کنیم....

این جا چند تپه بلند و دیده بانی ساخته اند که از آنجا تردد دشمن را می توانند ببینند. جاده ای که روی آن داریم می رویم با یک خاکریز مسدود شده است، خاکریزی که بر آن جاده عمود است و خاکریز بسیار بلندی است که در حقیقت دژ ماست....

پشت خاکریز در وسیله خودمان در حالی که خاکریز بین ما و دشمن فاصله هست، به طرف غرب می رویم.

راهنمای اعزامی: فکر کنم مال احمد غلامپور باشد، اما دوربین پایه اش بزرگ است که در عقب آن جا نمی گیرد.

محسن: خب پس برویم، تعدادمان همین ها هستند؟

راوی: حسن باقری همراه ما آمد و رشید و رحیم با هم رفتند محمدزاده از اطلاعات عملیات قرارگاه قدس هم به عنوان راهنما با ما آمده است دوربینی که صحبت آن بود، یک پایه زمخت و بی قواره دارد که خود بچه ها برای آن درست کرده اند از لوله های آهنی و پیچی های کج و کوله و کت کلفتی درست شده است که عقب ماشین را تنگ کرده، خود دوربین بسیار بزرگ و مجهز است و خیلی مدرن که با این سه پایه ای که بچه ها برای آن درست کردند، یک وصله ناجوری را نسبت به هم نشان می دهد.

بعد از بحث های ۲ و ۳ روزه مفصل و سرگیجه های مداومی که روی عملیات وجود داشت و ... و با گرهی که در منطقه به وجود آمد، لازم شد که ۲ بار پشت سر هم جلسه شورای عالی دفاع عقب بیفتد و برادر محسن در قرارگاه کربلا بماند برای بحث درباره این که چه بکنند و حالا هم کلاً به منطقه شمالی، شمال منطقه شرق بصره و شرق هورالعظیم کشیده شدیم. برادر محسن می خواهد برود آنجا کار کند و پرس و جو کند. منطقه ای که هیچ وقت صحبت از آن نبود و همیشه آن جا را به صورت بن بست مطرح می کردند. منطقه ای که قبلاً به عنوان قفل و بن بست مطرح می شد، الان می روند که از آن اطلاعات به دست بیاورند و ببینند که آیا گشایشی از این طرف حاصل می شود؟

ساعت ۱۲:۶ دقیقه است که ما از جاده اهواز در ۸۰ کیلومتری خرمشهر می پیچیم به طرف یک جاده فرعی آسفالت به طرف غرب جاده، یعنی وقتی به طرف اهواز می رفتیم پیچیدیم دست چپ توی یک جاده فرعی آسفالت که در ابتدای جاده تاسیسات نظامی زیادی که همان پادگان معروف حمید است به چشم می خورد که منفجر شده و منهدم شده و از بین رفته است و خط آهن منفجر شده ای که دوباره داشتند آن را بازسازی می کردند و در معبر جاده یک تابلویی بود که روی آن

راهنما: می رود تا پاسگاه کیان دشت اما کسی از این جا نمی رود، باید از یک جاده آسفالت برویم که روی نقشه هم مشخص نیست.

محسن: آقا، ما می خواهیم آب هور را ببینیم.
راهنما: بله اگر می خواهید آب را ببینید، پس جلوتر برویم.

محسن: از اینجا اگر برویم، چی می شود؟
راهنما: می رویم دیگر، می رویم برای آن پاسگاه شط علی، توی این ۸ کیلومتری که الان خالی هست، می رویم، نیرو هم نیست.

راوی: سنگرهایی که هر ۱۰۰ متر، ۵۰ متر وجود داشت و یکی دو سرباز داخل آن بود، الان تمام می شود و در حاشیه این سیل بند

جاهایی را به جای سنگر می بینیم که چال کرده اند اما هنوز سنگر آماده نشده است.

محسن: یعنی اینجا را مین گذاری کرده اند؟

راهنما: مین که احتمالش هست ولی ممکن است خاکریز را بریده باشند که یک دفعه برویم داخلش.

محسن: ما الان یک جاده می خواهیم که جلوتر برویم، ما باید جلوتر از این برویم، مسئله ما همین جاست.

حسن باقری: خب برویم،

اما حالا ما خودمان هم می توانیم جلو برویم (منظور انجام شناسایی بدون حضور محسن است).

راهنما: خب ما می رویم یک شناسایی می کنیم بعد که آماده شد، به شما می گوئیم.

باقری: [خطاب به فرد اطلاعاتی در مورد ضرورت سرعت کار] یعنی فردا صبح باید این قضیه انجام بشود.

به هر حال برادر محسن گفت پس بالای سیل بند برویم، یعنی بالای همان جاده بلندی که نقش خاکریز را

داشت و در واقع خط مقدم بود. گفت از روی آن برویم. حسن باقری به برادر محسن گفت که این کار درستی

... ساعت ۱۲:۴۰ دقیقه است، ما در جاده ای که ۵۰-۴۰ متر با خاکریز فاصله دارد و به موازات آن است، به سمت غرب به سوی دیواره شرقی هورالعظیم پیش می رویم....

ساعت ۱۰ دقیقه به یک است، اختلاف نظر پیش آمده که واقعاً ما داریم به طرف غرب می رویم، به خاطر این که خاکریز هی پیچ و تاب خورده بود و جاده به موازات آن هم تقریباً همین طور، جهت از دست مان در رفته بود. حسن باقری از ماشین پیاده شد و قطب نما را نگاه کرد، گفت: بله ... الان داریم به سیل بند دوم شرق هورالعظیم می رسیم.

محسن: بگوئید چند نفر از بچه های سپاه هستیم



می خواهیم برویم بالا شناسایی کنیم، مواظب باشید. لااقل خود بچه ها ما را نزنند، شما بپرید پایین به آنها بگوئید، فقط نگو کی هستند.

راوی: برادری که از اطلاعات قدس همراه ما آمده است، پیاده شد، چون که خطوط خیلی نزدیک است و برای این که یک وقت نیروهای خودی ما را اشتباهاً با گشتی های دشمن عوضی نگیرند و نزنند، برادر محسن به آن فرد اطلاعاتی گفت که برو بگو که ما داریم برای شناسایی می رویم.

... حسن باقری: این انتهایش به کجا می خورد؟

که سیل بند دوم است که در شرق هور می باشد، می گذریم و این جا از روی سیل بند که رد شدیم، متوجه شدیم که نظر برادر اطلاعاتی درست بوده و به فاصله هر ۱۰۰ متر سیل بند را در عرض بریده اند که روی سیل بند امکان رانندگی و عبور خودرو وجود نداشته باشد؛...

ساعت ۱۴ و ۱۴ دقیقه است بعد از مدتی که در بیابان بی آب و علف جلو رفتیم، برادر محسن گفت: کجا می رویم؟ شرقی - غربی یا شمال - جنوبی؟ کجای می رویم؟ برادر اطلاعات: بگذار قطب نما را ببینیم.

برادر محسن: قطب نما که فایده ندارد. برادر اطلاعاتی: حالا آن ماشین را فعلاً گم نکنیم. راوی: یک ماشینی که گرد و خاکش از دور پیداست روی جاده حرکت می کند. یکی از همراهان گفت: خب شاید آن ماشین دارد نزد عراقی ها می رود! به هر حال با تردید در صحت راه هم چنان به پیمودن راه ادامه می دهیم....

ساعت ۱۴ و ۴۵ دقیقه است، شط علی هستیم، چند نفر از بچه های عرب ایرانی اینجا هستند. یکی از بچه های اطلاعات قدس راجع به کارهایی که با همکاران عراقی اش انجام می دهد، با برادر محسن مشغول صحبت می شود و حالا در منطقه هورالعظیم هستیم.

راوی: [هنگام مراجعت گروه از شط علی] انتهای یک جاده خاکی، ساعت ۲ و نیم بعد از ظهر بود که به یک پاسگاه رسیدیم؛ یک بی سیم کوچک رویش بود و دست بچه های سپاه بود. یک باریکه ای از آب که قایق موتوری می توانست در آن حرکت بکند، از انشعابات هور، جلو آن وجود داشت که یک سایبان حصیری لب آن زده بودند. وقتی زیر آن سایبان و لب آب می نشستیم، گرمای هوا را کم تر احساس می کردیم. چند نفر عرب آنجا نشسته بودند؛ من پرسیدم اینها عراقی اند؟ گفتند نه، اینها ایرانی هستند. چند نفر از بچه های سپاه آنجا بودند. نماز خواندیم قبل از این که نهار بخوریم، ظاهراً نهار است که برای قرارگاه های سپاه می برند.

اینجا، از این نقطه اگر چند کیلومتر به طرف غرب حرکت بکنیم و بعد حدود ۲۰ کیلومتر به طرف جنوب حرکت کنیم، به خشکی هورالعظیم می رسیم....

نیست، باید قبلاً افراد دیگر بروند یک چیزی به دست بیاید بعداً اگر خواستید، شما بروید. برادر حسن گفت ما می رویم و بعداً شما بیایید. برادر اطلاعاتی: ما گروه های شناسایی می فرستیم و گزارش می دهیم، اگر خواستید شما بروید. در آخر برادر محسن قبول کرد که برگردد و ماشین دور زد و برگشت....

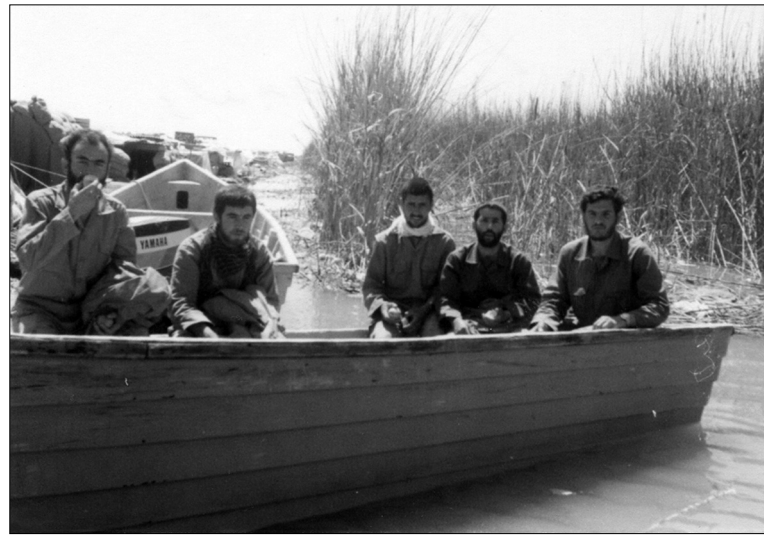
راوی: ساعت یک و نیم بعد از ظهر است. ما از سه راهی که دست راستش به جفیر می خورد، رد شدیم ولی طرف جفیر نپیچیدیم و به طرف مرز آمدیم که به پاسگاه کیان دشت برویم و از آنجا به پاسگاه شط علی برویم. جاده هم چنان آسفالت است، یعنی در وسط این بر و بیابان، عراق کیلومترها جاده آسفالت خیلی خوب زده....

ساعت ۲۰ دقیقه به ۱۴ است، چند دقیقه است که از پاسگاه ژاندارمری برزگر رد شدیم و به طرف پاسگاه کیان دشت می رویم و جاده هم چنان آسفالت و خوب است. سمت راست مان الان به یک جاده آسفالت رسیده که منشعب می شد و حسن باقری گفت این جاده به قرارگاه لشکر ۶ عراق می خورد... گفته بودند که چند کیلومتر بعد از این دست چپ یک جاده خاکی هست باید بپیچید که البته از آن رد شدیم، ولی بعداً متوجه شدیم که زیاد رفته ایم، دور زدیم و آمدیم و جاده خاکی را پیدا کردیم و تو جاده خاکی پیچیدیم. بیابان بی سر و تهی هست که این جاده خاکی فقط به خاطر اینکه تعدادی خودرو در آن رفت و آمد کرده، اسمش جاده شده است و گر نه عملیاتی بر روی آن انجام نشده، پر از دست انداز و پرپیچ و خم در دشت صافی است که تپه های خار در آن دیده می شود.

ساعت ۲ بعد از ظهر است، از جاده خاکی تا پاسگاه ژاندارمری جلو آمدیم؛ از آن جا پرسیدیم ما را راهنمایی کردند به یک جاده خاکی که خیلی خراب تر از جاده اول بود که در واقع بیابانی برهوت و یکدست است که در آن پیش می رویم....

به امتداد همان سیل بندی می رسیم که ساعتی قبل می خواستیم رویش بیاییم که بچه ها صلاح ندانستند. با مسافتی که جلو رفتیم و برگشتیم، حالا با گذشتن از جاده ها و پاسگاه هایی که گفتیم از روی همان سیل بند

خشکی هور فاصله دارد. ولی صحبت در مورد نقطه ای بود که از خشکی طرف ما تا خشکی وسط هور ۷ کیلومتر فاصله دارد و برادر محسن معتقد بود که آنجاها شناسایی بشود. که گفتند: تا سه چهار کیلومتری اش را می شود با قایق طی کرد، ولی سه چهار کیلومتر بعدیش را نمی شود و گل است. که برادر محسن گفت: شاید بشود چیزهایی روی زمین بچینیم که بشود از روی آنها عبور کرد و یا راه های دیگر. به هر حال قرار



شد که بررسی کنند. یک جوان سیاه چهره عرب آنجا بود که سلام و علیک کرد. یک نفر گفت که: او پسر همان سلمان است که روی مین رفت و شهید شد. موضوع این بود که سلمان یکی از عرب های منطقه بود وقتی که عراقی ها منطقه را در اشغال داشتند او جاده ها را مین گذاری می کرد که عراقی ها به راحتی نتوانند رفت و آمد کنند. در یکی از همین مین گذاری ها وقتی یک جایی گل بود، پای خودش روی مین رفت و شهید شد. حالا پسرش با سپاه همکاری می کند و همین الان جزء نفراتی بود که می رفتند ببینند سر آن چهار نفر چه بلایی آمده است.

نکته جالب دیگر این که حسن باقری پرسید: آیا از نظر مالی به اینها خوب می رسید یا نه؟ او گفت: نه اینها افتخاری کار می کنند.

در عمل، هرچند بررسی هور گرهی از عملیات رمضان باز نکرد اما این توجه و حرکت باعث شد تا در ادامه کار، طرح عملیات خیبر. که عمل ابتکاری استفاده از هور در عملیات همراه با پنهان کاری و رعایت حفاظت اطلاعات شدید، ویژگی اصلی آن بود. شکل بگیرد و جنبه اجرایی و عملی پیدا کند.

یکی از بچه های سپاه که آنجا با رابطین عراقی کار می کرد، با ۴ نفر که رفته بودند برای شناسایی منطقه، قرار ملاقات داشت. دیروز قرار بوده از آنجا به ایران برگردند. آتش سوزی عظیمی را عراق در نزارها راه انداخته و تمام منطقه را به آتش کشیده است. این بچه ها احتمال می دادند که آن ۴ نفر از برادرهای ما که با قایق از لایه لای نزارهای هور و جاهایی که تازانو توی گل فرو می رود که در آن جا قایق را باید به دوش بکشند، آن ۴ نفر در آتش سوخته باشند. آتش خیلی شدید و عظیم بوده و باد می آمد و الان دو قایق موتوری از داخل نزارهایی که آنجا بود، راه افتادند که به یک نقطه ای بروند که به آن چهار راه می گفتند: یک نقطه ای که یکی از کانال های هور به خطر مرزی ما می خورد که وسط هور است. همیشه وقتی رفت و آمد می کنند علامتی آن جا می گذارند. رفتند ببینند که آیا دیروز آنها مراجعت کرده اند و آیا موقع رفتن علامتی گذاشته اند که اگر این طور نباشد معلوم می شود یا در آتش سوخته اند و یا این که اصلاً مراجعت نکرده اند. به هر حال در این فکر بودند که ۴ نفر دیگر را پیدا کنند که بتوانند کارهای آنها را انجام بدهند.

... برادر محسن گفت که: این نقطه جای مناسبی برای کار کردن نیست، زیرا اینجا حدود ۲۴ کیلومتر تا



ت: یگان هایی که با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادغام گردیده اند، به صورت تیم ادغامی سپاه و ارتش سپاه نمایند.
ث: یگان ها، نتیجه عملیات تیم ها را ضمن ثبت در سوابق به رده های فرماندهی گزارش و قرارگاه های چهارگانه نتیجه عملکرد تیم های شکار تانک را روزانه به صورت یکجا در گزارش نوبه ای و یا به صورت گزارش مجزا به قرارگاه کربلا بفرستند.

۴) دستورات هم آهنگی:

الف: در تقدم یکم، پرسنل تیم های شکار تانک از بین داوطلبین انتخاب گردند.
ب: به منظور کاهش تلفات خودی، در مواقع اعزام تیم های هم آهنگی لازم بین یگان های مجاور توصیه می شود.
پ: از پرسنلی که عملیات چشمگیر انجام می دهند به نحو مقتضی تقدیر به عمل آید و در صورت نیاز به قرارگاه کربلا گزارش دهد تا این قبیل پرسنل به زیارت مرقد حضرت رضا علیه السلام اعزام گردند.
ت: این دستورالعمل تا رده گردان (داخل) در یک نسخه توزیع می گردد. /م

قرارگاه عملیاتی کربلا در جنوب
سرهنگ صیاد شیرازی برادر محسن رضائی

پ: به هم زدن سازمان یگان های دشمن با وارد کردن تلفات و ضایعات جبران ناپذیر به دشمن.
ت: مضطرب نگهداشتن پرسنل دشمن در تمام مدت شب و ایجاد خستگی جسمی و روحی در آنان در طول عملیات.
ث: از بین بردن ترس پرسنل خودی و آشنا شدن به منطقه عملیات آینده.

۳) اجراء:

فرماندهی عملیات کربلا در جنوب در نظر دارد با استفاده از پرسنل ایثارگر، ورزیده و جسور، تیم های شکار تانک را در هر دسته، گروهان و گردان تشکیل و با اجرای عملیات شکار تانک در طول شب نیروهای زرهی و یگان های خودروئی دشمن را فرسوده و مضمحل نموده و توانایی عملیات آینده این نوع یگان ها را خنثی و یا به حداقل برساند جهت تشکیل تیم های شکار تانک موارد زیرین مورد نظر می باشد:

الف: در هر دسته حداقل سه تیم شکار تانک تشکیل گردد.
ب: مشخصات پرسنل تیم های شکار تانک در سوابق یگان ثبت گردد.
پ: یگان ها، تیم های شکار تانک را در کلیه شب ها بجز شب هایی که عملیات به صورت گسترده در جریان است اعزام دارند.

به شکل مانعی بازدارنده در مقابل تعرض نیروهای خودی به سمت بصره، آماده ساخت. همچنین در قسمت جنوبی منطقه که مقابل شلمچه واقع است، آب را رها کرد تا مانع عبور رزمندگان جمهوری اسلامی ایران شود.

خط حد و محدوده منطقه عملیاتی رمضان از کوشک در شمال آغاز می شد و تا رودخانه اروند در جنوب امتداد داشت. در این محدوده، عملیات رمضان از چهار محور با چهار قرارگاه عملیاتی به منظور انهدام نیروهای سپاه سوم دشمن و تأمین خط اروند رود، طراحی شد.

یکی از مسائل مهم در مانور عملیات، ضرورت هماهنگی در پیشروی قرارگاه ها از محورهای مختلف و حفظ جناحین بود که اساساً تحقق آن با تلاش های مهندسی امکان پذیر بود.

از آن جا که در منطقه شرق اروند عقبه دشمن فقط متکی به چهار پل در «نشوه» و «تنومه» بود، پیش بینی می شد که در صورت سرعت عمل و رعایت غافل گیری توأم با پیشروی مناسب، نیروهای بسیاری از دشمن به اسارت درآیند و در عمل چیزی نظیر واقعه شکستن حصر آبادان (عملیات ثامن الائمه(ع)) تکرار شود. سازمان رزم عملیات را «۱۰ تیپ به اضافه» از سپاه و

منطقه عملیاتی رمضان، زمینی مثلث شکل به وسعت ۱۶۰۰ کیلومتر مربع است که از شمال به کوشک و طلائیه و حاشیه جنوبی هورالهویزه به طول ۵۰ کیلومتر و از غرب به رودخانه اروند به طول ۸۰ کیلومتر و در شرق به خط مرزی شمالی جنوبی از کوشک تا شلمچه به طول ۶۰ کیلومتر منتهی می شود. در این قسمت بر روی رودخانه اروند چهار پل (دو پل در منطقه نشوه و دو پل در منطقه تنومه) هست و در جنوب غربی این رودخانه شهر صنعتی و بندری بصره قرار دارد. دشمن تا قبل از فتح خرمشهر، از آنجا که این شهر را کلید بصره می دانست و از دست دادن این شهر را ناممکن می پنداشت، در شرق بصره مواضع مستحکمی نداشت؛ لیکن در فرصتی که از حضور فکری نیروهای ایرانی در لبنان و تأخیر در اجرای عملیات رمضان به دست آورد، تغییرات مهمی را در زمین منطقه ایجاد کرد که قسمت اعظم آن مبتنی بر تجارب او از عملیات های گذشته بود.

بدین ترتیب دشمن با احداث خاک ریزهای مثلثی، خطوط پدافندی مناسبی را ایجاد کرد. علاوه بر این، کانالی به طول ۳۰ کیلومتر و عرض یک کیلومتر را که مختص به پرورش ماهی بود، با پمپاژ آب در آن و احداث موانع و کمین و سنگرهای تیربار در حاشیه اش،



«۲ لشکر و یک تیپ به اضافه» از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی تشکیل می داد.

شرح عملیات رمضان

عملیات رمضان که در پنج مرحله اجرا شد، از تاریخ ۱۳۶۱/۴/۲۳ آغاز شد و تا تاریخ ۱۳۶۱/۵/۷ به طول انجامید.

مرحله اول

در این مرحله سه قرارگاه از سه محور با دشمن درگیر شدند و در جناح شمالی، دو تیپ به اضافه از سپاه و یک تیپ از ارتش مأموریت داشتند این جناح را تأمین کنند، لیکن به سبب وجود موانع و استحکامات مثلثی شکل و میدان های مین، نیروها نتوانستند با سرعت عمل به تمام اهداف مورد نظر دست یابند، لذا با نزدیک شدن روشنایی هوا، از ادامه پیشروی خودداری شد. در محور میانی (شمال پاسگاه زید)، سه تیپ به اضافه از سپاه و یک لشکر از نیروی زمینی ارتش شرکت داشتند، و هرچند که توانستند مقداری پیشروی کنند، لیکن به مثلثی های دشمن نرسیدند.

در محور جنوبی (جنوب پاسگاه زید)، چهار تیپ به اضافه از سپاه و دو تیپ از ارتش توانستند با سرعتی تحسین برانگیز همه مواضع نیروهای دشمن را درهم بکوبند و تا عمق ۳۰ کیلومتری مواضع آنها پیش روی کنند و خود را به نهر «کتیبان» در شرق اروند و کانال ماهیگیری برسانند. در این جا نیروهای خودی به قرارگاه فرماندهی لشکر ۹ زرهی دشمن یورش بردند و پس از انهدام قرارگاه، خودرو بنز فرمانده قرارگاه را به غنیمت گرفته و از آب کانال ماهیگیری و نهر کتیبان وضو ساختند.

در این محور نیروها به قدری به بصره نزدیک شده بودند که به راحتی چراغ های شهر را می دیدند. به رغم موفقیت به دست آمده در این محور، جناح راست نیروهای خودی خالی ماند و پاکسازی کامل نیروها و موانع دشمن صورت نگرفت، لذا با روشن شدن هوا دشمن با یک لشکر زرهی فشار اصلی را بر این بخش وارد آورد، در نتیجه از تأمین شدن منطقه ممانعت کرد. بدین ترتیب در مرحله اول عملیات، ۸۵ تانک و

نفرین و ۱۲ توپ دشمن منهدم گردید و ۷۱ تانک و نفرین به غنیمت گرفته شد. علاوه بر این ۲۷۰۰ تن از عناصر دشمن کشته یا زخمی شدند و ۸۵۰ تن نیز به اسارت درآمدند.

مرحله دوم

این مرحله از محور میانی (جنوب پاسگاه زید) با همان یگان های مرحله اول، به اضافه یک یگان قوی از سپاه با تقویت دو تیپ که تحت امر قرارگاه محور جنوبی بودند، در تاریخ ۱۳۶۱/۵/۲۵ آغاز شد. در این مرحله هدف عمده، استفاده از سربل به دست آمده (در داخل خاک عراق به وسعت ۶۰ کیلومتر مربع) در مرحله اول و گسترش و توسعه آن تا کانال ماهیگیری (جلو بصره) بود که در صورت دستیابی به آن فاصله رزمندگان تا بصره از ۲۰ کیلومتر به ۱۲ کیلومتر کاهش می یافت.

در این مرحله با توجه به این که دشمن در فاصله مرحله اول و دوم عملیات میدان های مین جدیدی در عمق ایجاد

کرده بود و نیز به سبب عدم پاکسازی کامل جناح ها و نیز عدم الحاق در آنها تلاش های نیروها به سرانجام مطلوبی نینجامید، اما در مجموع تلفات و خسارت های نسبتاً فراوانی به دشمن وارد آمد: ۱۶ تانک و نفرین و ۵۱ دستگاه خودرو منهدم گردید و ۱۵ تانک و نفرین به غنیمت گرفته شد، ۷۰۰ تن از نیروهای دشمن نیز کشته یا زخمی شدند.

مرحله سوم

با توجه به عکس های هوایی گرفته شده از منطقه عملیاتی و سایر شواهد و قرائن، احتمال پاتک دشمن وجود داشت، لذا مرحله سوم عملیات با هدف انهدام

سازمان رزم عملیات رمضان
را «۱۰ تیپ به اضافه» از سپاه
و «۲ لشکر و یک تیپ به
اضافه» از نیروی زمینی
ارتش جمهوری اسلامی
تشکیل می داد

آستانه تثبیت پیش رفته بود، با بررسی های انجام شده ادامه حضور نیروها را به مصلحت ندانستند. در مرحله پنجم، ۱۳۰ تانک و نفربر دشمن منهدم گردید و ۱۱ تانک نیز به غنیمت گرفته شد. همچنین ۸۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته یا زخمی شدند.

تجهیزات زرهی دشمن طراحی شد؛ بنابراین در این مرحله نیروهای زرهی خودی وارد عمل نشدند تا نیروهای پیاده و مجهز با هر زره پوشی که مواجه شدند، آن را منهدم کنند.

بدین ترتیب عملیات از محور میانی با همان نیروهای مرحله دوم که با سه تیپ دیگر تقویت شده بودند، آغاز گردید. قوای نظامی خودی در همان ساعات اولیه به صورتی چشمگیر خطوط نیروهای دشمن را در هم شکسته و با انهدام بخش عمده ای از تجهیزات آنها، در زمینی به وسعت ۱۸۰ کیلومتر مربع به پیشروی ادامه دادند. در این مرحله نزدیک به ۷۰۰ تانک و نفربر دشمن منهدم گردید، ۱۴ تانک و نفربر به غنیمت گرفته شد، ۲۱۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته یا زخمی شدند و ۲۵۹ تن نیز به اسارت درآمدند.

مرحله چهارم

در این مرحله در محور جنوبی عملیات (شلمچه) دو تیپ از سپاه و یگانی از ارتش به صورت ادغامی وارد عمل شدند، لیکن به سبب هوشیاری دشمن و نیز موانع و استحکامات متعددی که وجود داشت، عبور از خط اول دشمن ممکن نشد.

مرحله پنجم

تلاش اصلی در این مرحله معطوف به محور شمالی پاسگاه زید در حدفاصل دژ مرزی دشمن و خاکریزهای مثلی بود. در این مرحله، هفت تیپ از سپاه و دو تیپ از ارتش شرکت داشتند. در آغاز درگیری همه چیز طبق برنامه پیش می رفت، در نتیجه نیروهای خودی توانستند علاوه بر پاکسازی و الحاق، خاکریزهای مناسب و دو جداره در جناح شمالی احداث کنند، اما چون دقت کافی در احداث خاک ریز نشده بود، دشمن توانست پنج کیلومتر در آن رخنه کند. در این فاصله نیروها نزدیک به ۴۸ ساعت در مواضع به دست آمده مستقر شدند و عقبه امکانات پشتیبانی رزمی و خدماتی به جلو منتقل گردید. دشمن نیز که در مرحله گذشته ضرباتی سنگینی متحمل شده بود، در عمل تحرکی از خود نشان نداد، لیکن به دلایلی با آن که عملیات تا

دلایل ورود به خاک عراق؛

پس از آزادسازی خرمشهر

علیرضا لطف‌الله زادگان*



مقدمه

در آن مصاحبه فرمانده سپاه درباره سیاست نظامی ایران پس از عقب نشینی نیروهای عراقی از خاک ایران، گفت: «اصول کلی استراتژی نظامی ایران از ابتدای تجاوز عراق به ایران بر این اساس استوار بود که ما باید ابتدا نیروهای دشمن را منهدم نموده، تمام سرزمین‌های اشغالی را آزاد سازیم و پس از آن با تداوم عملیات‌های تهاجمی، با دست‌یابی به برتری نظامی، در موقعیت دفاعی قابل قبولی قرار بگیریم تا بتوانیم ضمن دفاع از سرزمین خود، با استفاده از برتری توان نظامی خود، رژیم متجاوز را تنبیه کنیم».

پرسش درباره عبور نیروهای ایران از مرز و ورود به خاک عراق در تابستان سال ۱۳۶۱، قبل از هر چیز به چگونگی نقش امام خمینی (ره) در این تصمیم‌گیری استراتژیک بر می‌گردد. هر چند منابع دست اول در این باره اندک است، ولی در اظهارات آقای محسن رضایی فرمانده کل وقت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که طی یک مصاحبه در بیست و یکم تیر ماه ۱۳۶۱ درباره دلایل تصمیم مسئولان کشور برای ورود به خاک عراق انجام شد، تا حدودی پاسخگوی این پرسش است.^(۱)

*نویسنده و محقق در حوزه مطالعات جنگ ایران و عراق

۱۳۶۱] هم زمان با طرح ریزی برای عملیات بیت المقدس، خدمت امام رسیدیم و گفتیم که به منظور تأمین کامل امنیت کشور و دفع متجاوز باید علاوه بر آزادسازی مناطق و شهرهای اشغالی، به خاک عراق نیز وارد شویم و دشمن را تحت فشار قرار دهیم. ولی امام فرمودند: «نه، چه لزومی دارد؟» ولی وقتی ما دلایل خود را به امام ارائه دادیم و گفتیم که اگر ما بخواهیم از کشور دفاع بکنیم باید در جایی پدافند و دفاع کنیم که نیروهای ما هر روز نگران و مضطرب از حمله دشمن نباشند، امام فرمودند که: «اگر مطلب این طوری هست، خوب، این یک حرف درستی است و ما برای دفاع باید تا آنجایی که اطمینان هست، پیش برویم و در این مسیر هم هر تعدادی بکشیم و هر تعدادی کشته شویم، هیچ مسئله ای نیست و این را خدا حکمش را داده و این مسئله ای نیست. اما نگرانی من برای این است که نکند شما در جایی بروید که به دفاع و پدافند ارتباطی نداشته باشد» - اما اخیراً با عقب نشینی عراق و توطئه جدید صدام، امام مصر شدند به این که قبل از این که امریکا و صدام دست و پای شان را جمع و جور کنند، شما باید حرف نهایی خودتان را در منطقه و دنیا بزنید.^۱

علاوه بر نکته فوق که به چگونگی فرآیند اتخاذ این تصمیم استراتژیک اشاره داشت، در توضیح دلایل و عوامل اتخاذ تصمیم سیاست تعقیب متجاوز، می توان به محورهای زیر اشاره کرد:

۱) بی اعتنایی به شرایط و حقوق جمهوری اسلامی

شناسایی و تنبیه متجاوز، پرداخت غرامت، عقب نشینی از مناطق اشغالی، از اصلی ترین شرایط اعلام شده ایران برای پایان دادن به جنگ بود. البته به رسمیت شناخته شدن حاکمیت ارضی در قلمرو جغرافیایی نیز اگر چه با این شرایط اعلام نشده بود، به یقین مورد نظر مسئولان جمهوری اسلامی بوده است.



وی سپس در تشریح حاکم بودن این استراتژی در عملیات های گذشته ایران، گفت: «براساس قسمت اول این استراتژی، ما با انجام عملیات های متعدد با سرعت و موفقیت به هدف اول خود یعنی آزادسازی سرزمین های اشغالی دست یافته ایم، ولی با توجه به این که هنوز قسمت هایی از خاک ایران در اشغال عراق بوده و شهرها و روستاهای مرزی ما زیر آتش توپخانه آنان قرار دارد، بنابراین، امنیت کشور ما به طور کامل تأمین نیست و عملاً جنگ ما تمام نشده و استراتژی نظامی ایران همچنان بر اساس همان استراتژی اولیه تداوم خواهد داشت.

حدود دو، سه ماه پیش [حدود اردیبهشت سال

۱. امام خمینی در سوم مرداد سال ۱۳۶۱ هم در سخنانی به سیاست تأمین امنیت برای صلح اشاره کرد: «دفاع یک امری است که هم شرعاً واجب است بر همه و هم عقلاً ما حال دفاعی داریم و امروز هم حال دفاعی داریم. بیست و چند ماه آن ارتش مزدور عراق در ایران بود و موارد حساس ایران را در دست داشت و آن همه جنایات کرد. که تاریخ اینها را باید ثبت کند. و از این کشورهای که می گویند ما طرفدار اسلام هستیم، و جمعیت های حقوق بشر و سازمان کذا، صحبتی نشد، گاهی اگر شد، ایران را محکوم می کردند! و امروز که ما باز برای دفاع از کشور خودمان و دفاع از ملت مظلوم خودمان وارد شدیم در عراق، برای این که نگذاریم هر روز آبادان، اهواز و آن جاها مورد حمله آن ها واقع بشوند، مورد توپ های دوربرد آنها و موشک های آنها باشد و می خواهیم اینها را به حدی برسانیم که نتوانند این کار را بکنند، این یک دفاعی است که ما می کنیم.^(۲)

آتش بس نامعلوم بود و بستگی داشت به عواملی از قبیل خواست میانجی گران، اوضاع بین المللی، اقدامات کشورهای حامی عراق در مجامع مختلف و ... بنابراین نقش ایران در احقاق حقوق خود به عنوان طرف مذاکره و کشور مورد تجاوز قرار گرفته، در هر گونه مذاکرات صلح به حداقل می رسید.

۲) عملکرد جانبدارانه شورای امنیت

شورای امنیت به موجب بند ۱ ماده ۲۴ منشور ملل متحد، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را برعهده دارد: «به منظور تأمین اقدام سریع و مؤثر از طرف ملل متحد،

اعضای آن مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را به شورای امنیت واگذار می کنند و موافقت می کنند که شورای امنیت در اجرای وظایفی که به موجب این مسئولیت برعهده دارد، از طرف آنها اقدام نماید.» در اجرای این مسئولیت، براساس ماده ۳۹ منشور «شورای امنیت وجود هرگونه

تهدید علیه صلح، نقض صلح و یا عمل تجاوز را احراز و توصیه هایی خواهد نمود و یا تصمیم خواهد گرفت ...» آيا شورای امنیت سازمان ملل به این وظایف خود در مورد جنگ ایران و عراق عمل کرده است؟

با این که تجاوز عراق به ایران کاملاً محرز بود اما شورای امنیت سازمان ملل در اولین واکنش خود در ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰ (۱ مهر ۱۳۵۹) یعنی یک روز پس از آغاز جنگ، در بیانیه ای رسمی (که از نظر حقوقی ارزش چندانی ندارد) از «احراز تجاوز» عراق به ایران خودداری کرد و از آن با عنوان «وضعیت» یاد کرد! شورا حتی «درگیری مسلحانه» در مرزهای دو کشور را در حد «نقض صلح» و «تهدید علیه صلح» هم ندانست تا با توجه

«شناسایی متجاوز» تا زمان شروع عملیات رمضان در سازمان های بین المللی از جمله شورای امنیت مورد توجه قرار نگرفته بود. هر چند رسانه های همگانی و برخی شخصیت های سیاسی از صدام به عنوان آغازگر جنگ و متجاوز به خاک جمهوری اسلامی ایران نام می بردند ولی هیچ یک از این نوشته ها و گفته ها، تضمین های لازم را برای تعیین و تنبیه متجاوز نداشت. وانگهی عراق همچنان بر حاکمیت خود بر بخشی از محدوده جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران پا می فشرد. صدام حسین که در آغاز تجاوز، قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را بی اعتبار دانسته و در برابر دوربین های تلویزیون آن را دریده بود، همچنان از پذیرش آن خودداری می کرد و بدیهی است که ترک مخاصمه در حالی که دشمن بر ادعاهای ارضی خود اصرار دارد، به معنی پذیرش این ادعاهاست و این با ظلم ستیزی و عزت مندی جمهوری اسلامی ایران منافات داشت، آن هم در هنگامی که مسیر پیروزمندانه ای را در میدان های نبرد می پیمود.

نکته بسیار مهم در طول جنگ ایران و عراق این است که مجامع رسمی بین المللی و منطقه ای و دیگران (نظیر اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی و ...) در پیشنهادهایی که برای صلح مطرح می کردند، نحوه آتش بس و حقوق دو طرف تعیین نمی شد، بلکه تأکید آنها تنها بر پذیرش آتش بس بود! برخی از این پیشنهادهای آتش بس در زمانی ارائه می شد که عراق قسمت های عمده ای از خاک ایران در جنوب (خرمشهر و ...) و جبهه میانی (قصر شیرین و ...) را در اشغال داشت و چنانچه ایران آتش بس را می پذیرفت، برتری های نظامی موجود به مثابه تضمین هایی بود برای عراق تا اراده سیاسی و سلطه جویانه خود را در خصوص ادعاهای ارضی بر ایران تحمیل کند که البته در آن زمان ایران پذیرش هر پیشنهادی را منوط به عقب نشینی کامل عراق کرده بود. پس از پیروزی ایران در عملیات بیت المقدس نیز هیچ گاه پیشنهاد صلحی که دارای شرایط و مراحل اجرایی و تضمین بین المللی باشد، ارائه نشد، بلکه توصیه هایی برای آتش بس بود که ایران نمی پذیرفت زیرا چشم انداز بعد از پذیرش

محسن رضایی:

چون قسمت هایی از خاک ایران در اشغال عراق بوده و امنیت کشور ما به طور کامل تأمین نیست [لذا] استراتژی نظامی ایران براساس استراتژی اولیه تداوم خواهد داشت

ارتش متجاوز عراق همچنان مناطق اشغالی را در اختیار داشته باشد و نیروهای ایران برای بازپس گیری سرزمین های اشغالی خود عملیاتی انجام ندهند! علاوه بر این، شورای امنیت در قطع نامه ۴۷۹ نیز همچون بیانیه ۲۳ سپتامبر، جنگ را با عنوان "وضعیت میان ایران و عراق" مورد بررسی قرار داد و با اطلاق "وضعیت" به جنگ ایران و عراق، آن را حالتی دانست که ممکن است به اصطکاک بین المللی و یا اختلاف منجر شود نه حالتی که در آن، اصطکاک بین المللی و یا اختلاف وجود دارد. بنابراین واقعیت های موجود را نادیده گرفته بود.^۱

پس از قطع نامه ۴۷۹، شورای امنیت در ۵ نوامبر ۱۹۸۰ بیانیه ای مبنی بر "اعزام نماینده دبیر کل به منطقه" انتشار داد. به دنبال آن، اولاف پالمه به عنوان فرستاده ویژه سازمان ملل به تهران و بغداد سفر کرد. وی در تهران با اعلام همان سیاست کلی شورای امنیت، گفت: «من مأموریت دارم که نظرات دو طرف را به هم نزدیک کرده و راه حلی برای صلح پیدا کنیم. این اصول عبارتند از اصل منع کاربرد زور برای تسلط بر سرزمین های دیگران، اصل عدم مداخله در امور داخلی دیگران و ...»^(۲) اما او نیز هیچ گاه راه حل عملی برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق که متضمن "عدالت" باشد، عرضه نکرد.

پس از آن، شورای امنیت تا ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲. یعنی به مدت ۲۲ ماه - سکوت اختیار کرد که دقیقاً همان ایامی را در بر می گرفت که نیروهای عراقی به پیشروی خود در خاک ایران ادامه می دادند و به تحکیم مواضع می پرداختند. در طول این مدت، جمهوری اسلامی نیز درگیر شدیدترین درگیری های سیاسی - نظامی داخلی بود و اعضای شورای امنیت احتمالاً در انتظار فائق آمدن گروه های ضد انقلاب بودند تا به این ترتیب در اوضاع جدید به اتخاذ موضع بپردازند. اما سرانجام به دنبال عملیات بیت المقدس و آزادسازی خرمشهر، شورای امنیت سازمان ملل سکوت بیست و دو ماهه خود را شکست و به درخواست اردن و حمایت امریکا تشکیل جلسه داد و قطعنامه ۵۱۴ را در مورخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲ (۲۱ تیر ماه ۱۳۶۱) به تصویب رسانید.

در مقدمه این قطعنامه از "طولانی شدن برخورد دو

به مواد ۴۱ و ۴۲ منشور در اقدامی که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین المللی ضروری است، مبادرت کند.» و با تشکیل نیروهای ملل متحد وضعیت گذشته را اعاده نماید. به این ترتیب شورای امنیت عملاً مواد فصل هفتم منشور یعنی اقدام در موارد تهدید علیه صلح، نقض صلح و اعمال تجاوز را نادیده گرفت. با این حال شورا نمی توانست از تصمیم گیری در مورد جنگ ایران و عراق طفره برود، لذا در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ (۶ مهر ۱۳۵۹) نخستین قطع نامه خود یعنی قطع نامه ۴۷۹ را صادر کرد. در این قطعنامه شورای امنیت از دو کشور درگیر خواست:

«۱- بلافاصله از توسل بیشتر به قوه قهریه بپرهیزند و اختلافات خود را مسالمت آمیز، و برطبق اصول عدالت و حقوق بین المللی حل نمایند. ۲- هرگونه پیشنهاد میانجی گری، سازش یا توسل به سازمان های منطقه ای را که می تواند اجرای تعهدات شان براساس منشور ملل متحد را تسهیل نماید، بپذیرند.»

در این قطعنامه همچنین از کلیه کشورهای عضو خواسته شده بود: «نهایت خویشتن داری را مراعات نمایند و از هر عملی که ممکن است منجر به تشدید برخورد شود، خودداری کنند»^(۳)

چنان که از مفاد قطعنامه برمی آید، اشاره ای به تجاوز عراق و یا نقض تمامیت ارضی ایران نشده، پیشنهاد آتش بس به صراحت مطرح نیست و از نیروهای متجاوز عراق خواسته نشده است که سرزمین های اشغالی را ترک کنند. در این قطع نامه تنها از ایران و عراق خواسته شد که از استفاده بیشتر از زور خودداری کنند که در واقع مفهوم آن چنین است که

"شناسایی متجاوز"
تا زمان شروع عملیات
رمضان، در سازمان های
بین المللی از جمله
شورای امنیت، مورد توجه
قرار نگرفته بود

۱. تنها پیشنهاد صلح با ویژگی های مذکور، قطع نامه ۵۹۸ بود که ایران برای پذیرش آن شرایطی را اعلام کرد، از جمله آن که اصرار داشت در اجرای قطع نامه، بند شناسایی متجاوز قبل از بند آتش بس قرار گیرد.

۵. از همه دولت های دیگر درخواست می کند از تمامی اقداماتی که می توانند به ادامه اختلاف کمک کنند، خودداری ورزند و اجرای قطعنامه حاضر را تسهیل نمایند.

۶. از دبیر کل درخواست می کند که ظرف سه ماه در مورد اجرای قطع نامه حاضر به شورا گزارش دهد.^(۵)

شورای امنیت اگر چه در قطعنامه ۵۱۴ برای اولین بار از برقراری آتش بس و عقب نشینی و استقرار نیروهای

حافظ صلح در مرز ایران و عراق سخن به میان آورد، اما این قطعنامه زمانی تصویب شد که برتری عراق در جبهه های جنگ از بین رفته بود و نیروهای ایران بخش عمده مناطق اشغالی از جمله خرمشهر را باز پس گرفته و در بسیاری نقاط به مرزهای بین المللی رسیده بودند. بنابراین هدف اصلی شورای امنیت از تصویب قطع نامه ۵۱۴، جلوگیری از ورود نیروهای ایران به خاک عراق تحت عنوان "به خطر افتادن صلح و امنیت بین المللی" بود. شورا با اشاره به ماده ۲۴ منشور در مورد مسئولیت اولیه خود در حفظ صلح و امنیت بین المللی نیز دقیقاً این هدف را دنبال می کرد که به جمهوری اسلامی ایران تفهیم کند اگر وارد خاک عراق شود، براساس فصل هفتم منشور مجازات هایی بر ضدش وضع خواهد کرد.^(۶)

آیا ایران می توانست با اعتماد به چنین عملکردی میدان نبرد را ترک کند و تصمیم گیری این گونه سازمان ها را درباره سرنوشت یک ملت ستم دیده بپذیرد؟

۳) عدم عقب نشینی کامل عراق و تاکتیکی بودن آن

هر چند که عراق ادعای کرد که از تمامی اراضی اشغال شده ایران عقب نشینی کرده است، ولی واقعیت چنین نبود. ارتش عراق در جبهه های جنوب تقریباً از تمام



کشور که منجر به خسارات سنگین انسانی و زیان مادی قابل ملاحظه شده و صلح و امنیت بین المللی را به خطر انداخته است "اظهار نگرانی عمیق گردید و" به موجب ماده ۲۴ منشور، مسئولیت اولیه شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین المللی "خاطر نشان شد. سپس در بندهای اجرایی این موارد را گنجانده اند:

۱. شورا خواستار آتش بس و خاتمه فوری همه عملیات نظامی می شود.

۲. خواستار عقب کشیدن نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی می شود.

۳. تصمیم می گیرد گروهی از ناظران ملل متحد را به منظور بررسی، تأیید و نظارت بر آتش بس و عقب کشیدن نیروها، اعزام کند و از دبیر کل درخواست می کند گزارشی در مورد ترتیبات لازم برای این منظور را به شورای امنیت تسلیم نماید.

۴. مصرانه می خواهد که کوشش های میانجی گرانه به نحوی هماهنگ از طریق دبیر کل جهت دست یابی به راه حلی جامع، عادلانه و شرافت مندانه که قابل قبول هر دو طرف باشد، در مورد همه مسائل مهم، براساس اصول منشور ملل متحد از جمله احترام به حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی دولت ها، ادامه یابد

صورت داده بود، لذا پیوستگی و الحاق میان بازوهای ارتش متجاوز در محورهای متعدد صورت نگرفته بود، در نتیجه در آرایش نیروهای عراق دو ضعف نمایان بود: الف) داشتن جناح و ب) در دسترس قرارگرفتن عقبه هایش.

از این رو تهاجم رزمندگان اسلام به دو جناح نیروهای دشمن و نیز دور زدن آنها و دست یافتن به عقبه های شان به فروپاشی و درهم ریختگی خطوط و عقبه های دشمن می انجامید و امکان هرگونه مقاومت و ادامه نبرد را از نیروهای او سلب می کرد. بنابراین، دشمن با عقب نشینی سراسری قصد داشت سه ضعف عمده خود را مرتفع کند:

۱. تشکیل خطوط پدافندی مناسب و متکی بر عوارض طبیعی و برطرف کردن عدم الحاق؛
۲. کاهش خطوط پدافندی؛ و
۳. صرفه جویی در قوا و در نتیجه تشکیل نیروی احتیاط متحرک برای سپاه ها.

صدام در جلسه ای با فرماندهان ارتش عراق دلایل عقب نشینی و ضرورت های ادامه جنگ را چنین برشمرد: «دلایلی که باعث بهبودی وضع ما پس از بازگشت به مرزهای بین المللی شد، عبارت است از: الف) طولانی بودن راه های مواصلاتی ما به جبهه در خاک ایران که این امر موجب مسائل زیر می شد: - مشکل مانور؛

- نیروهای خودی به مسائل دفاع در خاک ایران کم تر اهمیت می دادند؛

- راه های مواصلاتی تدارکاتی، طویل و در خاک دشمن (ایران) بود. از سوی دیگر، ارتباط مرکز فرماندهی با قرارگاه های میدان جنگ به علت طولانی بودن، مورد تهدید قرار می گرفت، در این حالت نیروهای جلو در معرض انزوا قرار می گیرند به خصوص وقتی دشمن به طور مستقیم وارد محل شود (دور می زند). دشمن روی این تاکتیک (جناح گرفتن و دورزدن) خیلی تکیه می کند.

ما (ارتش عراق) مجبور بودیم برای حفظ آن جاده (عقبه ها)، نیروهای پشتیبانی بیش تری گسیل داریم؛ این وضع برای مسدود کردن معابر نفوذی بسیار سخت و

مناطق اشغالی به مرزهای رسمی میان دو کشور عقب رانده شده بود ولی در سایر مناطق هر جا که وضعیت زمین برای نیروهایش مساعد بود، به تجاوز خود ادامه می داد. البته با نوعی فریب کاری مناطقی هم چون قصر شیرین، مهران، میمک و قسمت های هموار را رها کرده بود، اما در ارتفاعات مسلط آق داغ، قلاویزان، ارتفاعات میمک، حمرین و ... مستقر شده بود؛ یعنی از نظر نظامی مناطق تخلیه شده را همچنان در تسلط داشت و برای نیروهای خودی ممکن نبود که بدون تلفات در این مناطق مستقر شوند. علاوه بر این، منطقه نفت شهر نیز کلاً در اختیار نیروهای عراقی بود. سفیر عراق در پاکستان در سیزدهم تیر ماه ۱۳۶۱ آشکارا اعلام کرد که ارتش عراق از مناطقی خارج شده که بی ارزش بوده است: «ما از مناطقی عقب نشینی کرده ایم که ارزش از دست دادن نفرات را ندارد.» و عراق به خوبی می دانست که در اختیار داشتن این مناطق می تواند در مذاکرات احتمالی او را از امتیازات لازم

**هدف شورای امنیت
از تصویب قطع نامه ۵۱۴،
جلوگیری از ورود
نیروهای ایران به خاک
عراق، تحت عنوان
"به خطر افتادن صلح و
امنیت بین المللی" بود**

برخوردار سازد.

دو انگیزه و عامل برای عقب نشینی عراق می توان ذکر کرد: ناتوانی در حفظ برتری نظامی و تحمیل شرایط جدید سیاسی به ایران در توضیح عامل اول، موارد زیر قابل توجه است.

ناتوانی نظامی عراق در رویارویی با تهاجمات گسترده و محدود رزمندگان جمهوری اسلامی ایران در جبهه های جنگ، فرو رفتن در لاک دفاعی را به ارتش این کشور تحمیل کرد. عراق با این اقدام، در واقع به پوشاندن نقاط ضعف خود مبادرت ورزید.

ارتش عراق هنگام آغاز تجاوز خود به خاک جمهوری اسلامی ایران، از چند محور تهاجم خود را

خود بکند هم با نگاهی به چندماه آینده که قرار بود میزبانی کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد را عهده دار شود، شرایط دلخواه را به ایران تحمیل کند از طرف دیگر، چون ایران به عنوان یک عضو جدید و در عین حال مؤثر و انقلابی جنبش عدم تعهد به شمار می رفت، برای برگزاری کنفرانس غیر متعهد در بغداد دو راه فراروی جمهوری اسلامی قرار می داد: یا این که ایران در کنفرانس شرکت نمی کرد که ضررهای آن برای سیاست خارجی ایران جدی بود؛ یا اگر شرکت می کرد، با توجه به زمینه های مناسبی که در این کنفرانس وجود داشت بعید نبود که با اقدامات برخی کشورهای

منافذ به نوعی شرایط عراق بر ایران تحمیل شود. اما عراق نه تنها به این اهداف نرسید بلکه ایران با اتخاذ روشی مبنی بر تداوم نبرد تا تحقق شرایط خود، و درکنار آن، تلاش های مؤثر دیپلماتیک، عراق را از میزبانی هفتمین کنفرانس سران جنبش عدم تعهد محروم ساخت.

دو انگیزه و عامل برای

عقب نشینی ارتش عراق

می توان ذکر کرد:

الف) ناتوانی در حفظ برتری

نظامی؛ و

ب) تحمیل شرایط جدید

سیاسی به ایران

۴) محتمل بودن تهاجم مجدد عراق به خاک ایران

مطالعه وقایع داخلی عراق نشان می دهد که توسعه، بازسازی و تجهیز ارتش و ایجاد تغییرات ساختاری در حکومت این کشور از جمله اولویت هایی بود که زمام داران عراق پس از انقلاب اسلامی به سرعت به آن پرداختند و این امر پس از روی کار آمدن صدام حسین به جای حسن البکر در تیر ماه ۱۳۵۸ شتاب فزاینده ای یافت. در پی این اقدامات بود که ارتش عراق در شهریور ۱۳۵۹ به جمهوری اسلامی ایران حمله کرد و هر چند با عملیات های پی در پی ایران - از جمله فتح المبین و

غیرممکن است. نیروهای موظف به این امر چون اکثراً از نیروهای ذخیره هستند و آمادگی ندارند، قادر به مسدود کردن همه معابر نفوذی نیستند، ولیکن الان کلیه امکانات دفاعی برای حفظ خط مقدم فراهم شده و بخش های ذخیره تجربه کافی کسب کرده اند.

ب) احساس سربازان و ارتشیان ما (عراق) در هنگامی که از اراضی و حقوق خود دفاع می کنند با حالتی که در عمق مثلاً هشتاد کیلومتری سرزمین دشمن قرار دارند، متفاوت است.

ج) یکی از عوامل مهم دیگر این بود که دشمن (ایران) در سرزمین خود می جنگید و بالطبع آشنایی کامل با محیط داشت؛ مثلاً دشمن از رود کرخه و انشعابات آن و یا رود کارون استفاده می کرد و مسائل غیر مترقبه ای را برای مان ایجاد می کرد (اصل غافلگیری) و نیروهای خط مقدم را در احاطه داشت. [اسناد به دست آمده در عملیات والفجر مقدماتی]

براساس این سخنان، دشمن با عقب نشینی به مرزها در واقع به خطوط پدافندی خود عمق داد و آن را از آرایش و استحکامات مناسب دفاعی برخوردار ساخت. گذشته از این، عراق خود را آماده جنگ با تهاجم نیروهای پیاده ایران و مهار موج های تعرضی آن ها کرد. همچنین نیروهای اصلی و هجومی خود را که در خط پدافندی قرار داده بود، آزاد کرد و آنها را به عنوان نیروی احتیاط دور از خط مقدم مستقر کرد تا از آسیب دیدن در امان باشند. در نتیجه دشمن با این فرض که جنگ ادامه خواهد داشت و در این روند از تهاجمات پی در پی جمهوری اسلامی ایران در امان نخواهد بود، با عقب نشینی از برخی نقاط، به حفظ ماشین جنگی خود و کسب آمادگی لازم برای ادامه جنگ پرداخت.

درمورد عامل دوم، یعنی تحمیل شرایط جدید سیاسی به ایران یادآوری می شود که با وجود مشکلات نظامی که در حفظ متصرفات گریبان گیر عراق شده بود، حکومت این کشور در صدد بود تا با عقب نشینی از برخی اراضی ایران، نبرد از میدان های جنگ را به عرصه های سیاسی بکشاند و بدون آن که شرایط ایران برای صلح در نظر گرفته شود، با به دست آوردن وجهه صلح طلبی، هم ایران را وادار به پذیرفتن مانور جدید

بیت المقدس - خسارت های فراوانی بر ارتش عراق وارد آمد و بخش هایی از جنوب ایران آزاد شد، ولی با توجه به این که بخش عمده ای از قوای عراق آسیب اندکی دیده بود و اندیشه تجاوز نیز حاکمان این کشور را هنوز وسوسه می کرد، امکان بازسازی آن قسمت از ارتش عراق که دچار خسارت شده بود، کار چندان مشکلی نبود و پس از این بازسازی، تجاوز مجدد عراق به مناطق آزاد شده بسیار محتمل بود.

یادداشت ها

۱. سند شماره ۱۸۶۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: سخنان محسن رضایی در جمع فرماندهان یگان های مأمور در عملیات رمضان، ۱۳۶۷/۴/۲۱، صص ۱ تا ۱۱، راوی هادی نخعی.
۲. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای حضرت امام، جلد شانزدهم، تهران: انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بهمن ۱۳۶۱، صص ۲۳۳ تا ۲۳۵.
۳. محمد حسین جمشیدی و دیگران، سازمان های بین المللی و جنگ ایران و عراق، (تهران: دانشکده فرماندهی ستاد سپاه پاسداران. معاونت تحقیق و پژوهش، ۱۳۷۴)، صص ۸۸ و ۸۹، به نقل از:

U.N.S, year Book , 1980, p.3130 .

۴. همان، ص ۹۰.
۵. همان، ص ۹۱.
۶. همان صص ۹۱ و ۹۲.

دغدغه اساسی فرمانده سپاه پس از عملیات

هادی نخعی

[illegible]

در تاریخ ۶/۵/۱۰ جلسه بسیار مهمی در قرارگاه کربلا (مرکز فرماندهی و هدایت عملیات) تشکیل شد که به دلیل نوع مطالبی که قرار بود در آن مطرح شود، فقط فرماندهان سپاه^۱ در آن شرکت داشتند و حتی سرهنگ صیاد شیرازی که معمولاً و حتی هنگامی که هیچ یک از

فرماندهان ارتش حضور نداشتند در جمع سپاهیان حاضر می شد، در این جلسه حضور نداشت.

این جلسه از ساعت ۹ صبح تا ۳ بعد از ظهر طول کشید و تنها برای اقامه نماز ظهر و عصر دقایقی تعطیل شد که پس از آن بلافاصله ادامه یافت. نهار نیز بعد از ساعت ۳ بعد از ظهر و پس از ختم جلسه صرف شد.

جلسه از نظر مضمون، دو بخش کاملاً متفاوت

۱. حضار جلسه به گزارش‌های وقت مرکز در قرارگاه کربلا این افراد بودند: (اسامی ای که با علامت X همراه است، در مراحل بعدی جنگ توفیق شهادت یافته‌اند).



داشت: بخش اول را می توان یک کار توجیهی و نیز نوعی خاص اعمال مدیریت محسوب کرد که برای پایان دادن به برخی تردیدها و اشکالات مطروحه در اذهان کادرهای عملیاتی سپاه ضروری تشخیص داده شده بود. بخش دوم جلسه به بررسی های فنی و نظامی تداوم عملیات پرداخته شد.

در بخش اول جلسه، محسن رضایی فرمانده کل سپاه به جای افتادن در چرخه پاسخ گویی به ابهامات و

اشکالات، با طرح مسأله به نحوی خاص و جهت دادن به نوع مباحثات و تحلیل ها درباره عملیات گذشته، نبض جلسه را به دست گرفت تا نگذارد فشارهای روانی عقب نشینی پی در پی، مجموعه ای از فرماندهان لایق عملیاتی را که در چندین عملیات گذشته ساخته شده اند، از هم بپاشد. آن هم در حالی که هنوز سازمان سپاه، قادر به حفظ انسجام تشکیلاتی آنان نیست و اساساً همه چیز از جمله حضور در سلسله مراتب خاص عملیات و جنگ، متکی به عقیده و روحیه و نظر این فرماندهان است. بنابراین قاعدتاً این نگرانی بی موردی نیست که پیدایش سوالات بی پاسخ و بزرگ و بزرگ تر شدن آن، در ایجاد تهدیدی جدی برای حفظ کادرهای موجود و نهایتاً تهدید تداوم اراده جنگی در فرماندهی سپاه بتواند مؤثر باشد.

یکی از عوامل اصلی تصمیم گیری فرمانده سپاه برای مشکل خاص، گزارش رحیم صفوی به وی درباره گفته ها و برخوردهای برخی فرماندهان تیپ های مانوری و تهاجمی سپاه نظیر امام حسین (ع) و نجف اشرف بود. طبق این گزارش کوتاه: بعضی از این فرماندهان در برابر تصمیم فرماندهی قرارگاه کربلا مبنی بر لزوم تکرار و تداوم عملیات در منطقه عملیاتی رمضان، نوعی بی اعتنائی و بی اعتمادی نشان داده اند که این رفتار در صورت شدت یافتن، ممکن است خطر بروز نوعی عدم اطمینان و بی اعتمادی در برابر تصمیمات فرماندهی جنگ را در پی آورد.

در هر صورت بخش اول جلسه اختصاص داشت به سرزنش ها و گله ها و تهدیدات تلویحی و بسیار برادرانه فرماندهی سپاه و بازتاب آن در فرماندهان

محسن رضایی (فرمانده کل سپاه) و رحیم صفوی و غلامعلی رشید از قرارگاه کربلا؛ حسن باقری (فرمانده قرارگاه لشکر ادغامی نصر از سپاه)، عزیز جعفری (معاون باقری)، مصطفی ردانی پور (فرمانده قرارگاه لشکر ادغامی فتح از سپاه)، حسین خرازی (معاون ردانی پور)، مجید بقایی (فرمانده قرارگاه لشکر ادغامی فجر از سپاه)، مرتضی صفار (معاون بقایی)، احمد غلامپور (فرمانده قرارگاه لشکر ادغامی قدس از سپاه) و معاون وی؛ فتح الله جعفری (فرمانده لشکر ۳۰ زرهی سپاه)، ابراهیم همت (فرمانده تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص)؛ مرتضی قربانی (فرمانده تیپ ۲۵ کربلا)، احمد کاظمی (فرمانده تیپ ۸ نجف اشرف)، قاسم سلیمانی (فرمانده تیپ ۴۱ ثارالله (ع))، مهدی زین الدین (از معاونان لشکر نصر و فرمانده جدید تیپ ۱۷ قم، جدیداً موسوم به ۱۷ علی بن ابیطالب (ع))، نبی رودکی (فرمانده تیپ امام سجاد (ع))، عبدالمحمد رثوفی (فرمانده تیپ ۷ ولیعصر (عج))، رضا چراغچی (فرمانده تیپ ۲۱ امام رضا (ع))، حسن درویش (فرمانده سابق تیپ ۱۷ قم و فرمانده جدید تیپ بعثت)، علی زاهدی (فرمانده تیپ ۱۴ امام حسین (ع))، معاون تیپ ۳۳ المهدی (عج)، مهدی باقری (فرمانده تیپ ۳۱ عاشورا)، برخی دیگر از کادرهای قرارگاه کربلا و لشکرها و تیپ های سپاه نیز حضور داشتند از جمله بزرگ زاده (رئیس ستاد قرارگاه کربلا)، اصغر کاظمی (مسئول دفتر طرح و عملیات این قرارگاه) و مصطفی ربیعی.

ببرید و اگر بخواهد این خون شهدا اعتبارشان از بین برود، هیچ فایده‌ای برای ما ندارد. هر کسی می‌خواهد بماند و کار بکند، جبهه خودش را مشخص کند و هر کسی هم که می‌خواهد برود، همین الان برود، هیچ اشکالی ندارد. ما با ۳ نفر شروع می‌کنیم، می‌رویم خدمت امام می‌گوییم آقا ما وضع مان این طور هست، با این ۳ نفر شروع کردیم. اشکال ندارد ۱۰ ماه دیگر هم طول بکشد اما برویم جلو.

بیایید واقعاً برادرها خالصانه مطرح کنید هیچ مسأله‌ای هم نیست، خالصانه مشخص کنید. آن تعدادی از برادرها که می‌خواهند بمانند، بمانند، هر کسی هم که می‌خواهد برود، قدمش روی چشم، به همه برادرهایی که توی سپاه شهرستان تان هم هست ما نهایت سفارش را می‌کنیم. اما اگر می‌مانید، چند نفر بشوید با هم یک قسم قرآنی را بخوانیم و برویم جلو مگر چه خبرتان شده که یک مسئله‌ای پیش آمده این قدر زود از کوره دررفتید؟! خیلی چیز عجیبی اتفاق افتاده؟! خیلی مسئله‌ای شده که دارید این طور برخورد می‌کنید؟! خب اگر نسبت به علت تشکیل یک لشکری انتقاد دارید، خوب بیایید این انتقاد را مطرح کنید، بیایید صحبت بکنید، اما این بی‌اعتقادی تان به ایجاد لشکر باعث از هم پاشیدن کارها که نباید بشود.

حالا فردا که می‌رویم خدمت امام، خوب من خدمت امام چه بگویم؟ من چه بگویم؟ بگویم آقا، این مشکل عملیات فقط مشکل زمین بود و اینها بود و امام بگوید خوب حالا این که مسئله‌ای نیست مطمئن باشید و بروید جلو. خوب ما هم یک قول محکمی بدهیم و بیاییم دوباره ببینیم همین مسائل هست. فرماندهان تیپ‌های ما چرا به فرمانده گردان‌هایشان نمی‌رسند؟ چرا نمی‌رسند به افرادشان؟ و من خواهش می‌کنم برادرها این را مشخص کنند، این را مشخص بکنید تا ما به بحث مان ادامه بدهیم، یعنی من می‌بینم که فایده ندارد این طور کار کردن.

بعد از لحظاتی سکوت حضار با بغض و گریه همه‌همه کردند، قاسم سلیمانی چنین سخن گفت: «برادرانی که اینجا آمدند، اینها نیامدند که برگردند، حتی نیامدند که سالم برگردند بروند خانه‌هایشان و

عملیاتی. در بخش دوم جلسه که نوعی آرامش خیال و فضایی مناسب درباره مباحث عملیات پدید آمد، فرماندهان به بحث و بررسی چگونگی تداوم عملیات پرداختند.

نوع مباحث این جلسه، بیان‌کننده چگونگی تصمیم‌سازی در نهاد فرماندهی سپاه بود و مهم‌تر این که حساسیت‌ها و دغدغه‌های خاص عقیدتی، سیاسی و نظامی فرماندهان اصلی جنگ را در این مقطع زمانی، بازگو می‌کرده از این رو بخش‌هایی از مطالب مطرح شده در ۶ ساعت بحث و گفتگوی مستمر و فشرده در این جلسه، در این جا ذکر می‌گردد.

در آغاز جلسه، مصطفی ردانی پور آیاتی از ابتدای سوره محمد(ص) و ترجمه آن را قرائت کرد، سپس محسن رضایی به سخنرانی پرداخت که بر اثر آن، فضای بسیار سنگین عاطفی بر جلسه حاکم شد. وی گفت:

«دیشب شاید بشود گفت که یکی از شب‌های بسیار نگران‌کننده‌ای بود که شخص من توی عمرش طی کرد و وقتی که قصه غم‌انگیز اظهار عجز فرماندهان تیپ را به ما گزارش دادند، من احساس کردم که در برادرهای مایک مسائلی به وجود آمده که این مسائل را ما باید حل کنیم و مسائلی است که انسان را برای رفتن به این قدم‌های بلندتری که امام به ایشان یا انسان می‌گوید و ما را برای آن آماده کرده و مرتب دارد به مردم می‌گوید، یک مقدار حداقل با مشکلاتی مواجه می‌کند. من دیشب با خودم تصمیم گرفتم که امروز که توی این جلسه می‌آیم به برادرها عرض کنم که برادرهای عزیز، هر کسی نمی‌خواهد بماند خیلی خالصانه و صادقانه بگوید من حاضرم قسم به قرآن هم بخورم که به همه بچه‌ها می‌گوییم که هیچ صحبتی نکنند در مورد این رفتن شما؛ هر کسی کاری دارد، مسئله‌ای دارد مشکلی برایش هست و می‌بیند که نمی‌تواند، به هر حال برود و ما قول می‌دهیم، که توی سپاه حتماً بماند و از سپاه بیرون نرود یا یک کار دیگر توی شهرستان‌ها انجام بدهد و لااقل ما ۵ نفر با هم بمانیم که این ۵ نفر با هم یک قسمی را بخوریم و تا پای مرگمان برویم دنبال این قسم و کاری نکنید که این اعتبار خون شهدا را شما از بین

شاءالله. اما در مورد مسئله ای که عنوان شد در جلسه ای که دیروز بود مطلب این طور بود که یک گردان داشتیم هم محله های خود ما بودند به خود من گفتند: ما جدید آمدیم، ما آموزش ندیدیم، بگذارید ما حداقل دو الی سه روز برویم آموزش ببینیم، برویم تیراندازی بکنیم، برویم نارنجک بیندازیم، برویم آر.پی.جی. بزنیم، بعد ما هر کجا خواستید، می رویم همین الانش هم آماده هستیم. اگر تکلیف این باشد که ما آماده باشیم برای عملیات، همین الانش هم آماده هستیم. این صحبت بود نه این که برادرها از جنگ واهمه دارند! و برای همین به جنگ آمدند و برای شهادت آمدند و این مسئله این طور که بیان شده بعضی از برادران نمی خواهند بجنگند احیاناً خدای نکرده و می خواهند تنها بگذارند، این مسائل اصلاً نبوده و نیست و توی مخیله برادرها اصلاً همچنین مسئله ای هم نیست، اصلاً؛ فقط این مسئله بوده که گفتم برادرها باز هم توی ضمن صحبتی که می کردم این بوده که یک مقدار دقت عمل بیشتری باشد توی عملیات اگر وقت هست و زمان هست که هست ان شاءالله روی بچه ها بیشتر کار بشود. فرماندهان گردان و تیپ، ما قبلاً شناسایی که می کردیم، خود فرمانده تیپ می رفت حتی معبر مین را هم شناسایی می کرد، خودش می ایستاد بالای سر تخریب چی تا معبر مین را شناسایی کند؛ الان بفرومایید از برادرهای فرمانده تیپ پرسید که آیا این طور هست؟ آیا معابری که نیروهایشان شب می خواهند وارد بشوند خودشان می آیند بایستند بالای سر این معبر نیروهایشان وارد بشوند؟ این مسائل هست که ما گفتیم که یک مقدار بهش رسیدگی بشود و این طوری طرح شد که احیاناً برادرها نمی خواهند بیایند و یا احیاناً می خواهند سستی کنند، این طور نیست. گفته شد که نیرویی که به منطقه می آید کیفیت ندارد، می رود همین جور شهید و زخمی می دهد؛ نیرویی که پشت خاکریز می خواهد برود، کپ می کند یا دانه دانه راه می رود! ما چه انتظاری ازش داریم که برود با عراقی ها بجنگد. جلو تیربار عراقی ها بتواند مقاومت کند و یا بتواند از خودش مانور بدهد. خب این صحبت بوده، در هر صورت این که برادرها نمی خواهند بجنگند یا مثلاً

حتی این یک ننگ است برای ما که از اینجا، از توی این جنگ سالم برگردیم؛ همه آمده اند که جزء آن یاران ۷۲ تن حسین (ع) باشند. این افراد روزی که توی این جنگ آمدند قسم خوردند که از همه چیزشان بگذرند، از پدر، مادر، زن و بچه، همه اینها، دیگر برای خودشان، دنیا مطرح نمی شود. این مسئله فکر نمی کنم مطرح باشد که بخواهیم برویم. این واقعاً رنج آور و گریه آور است که از این برادران مسئول تیپ یا برادران دیگر مطرح باشد که برادری بخواهد برگردد، خب، این مسئله ننگ است برای مان. این سکوت برادرها فکر می کنم که سکوت رنج آوری است که غیر از این که گریه کنند چیزی ندارند این جا بگویند.

من استدعا می کنم که شما خدمتتان را ادامه بدهید؛ برای ادامه کار عملیات، برادران هیچ کدام مسئله ای ندارند اگر مسئله ای هم مطرح باشد به خاطر آن دلسوزی است که دارند به آن به اصطلاح چیزهایی که در درون خودشان است، نمی گذاریم که مطرح بشود و هیچ مسأله ای که خدای نکرده در ما به صورت تمرد باشد، بین ما مسأله باشد هیچ وجود ندارد. خودتان می دانید که بزرگ ترین اصل اسلام یعنی «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» است. ما اگر نتوانیم از خدا اطاعت کنیم یا مثلاً از فرماندهان اطاعت کنیم، مسلمان نیستیم ما این مسئله برایمان جا افتاده، این مسئله را قبول داریم و هیچ کدام از مسائلی که شما فرمودید و مطرح کردید، مطرح نیست. هیچ کدام از این برادرها ما مطمئن هستیم همه برادرها این را می دانند و حتی خودتان هم می دانید برگشتنی نیستند، مگر این که بیرون شان کنید و یا این که جنازه شان را بیرون ببریم، هیچ کدام از این مسائل مطرح نیست.»

سپس حسین خرازی با جسارت و صراحت خاص خویش با لحنی و به نحوی صحبت کرد که تا حدی فضای احساسی و عاطفی جلسه را به سمت طرح مباحث استدلالی کشاند:

«ما با برادرها آشنا هستیم و با آن ها رفت و آمد داریم، ان شاءالله بر این تعهد هستند و این تعهد را با خدا، با خدای حسین (ع) دارند که یا حسین، «انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم الی یوم القیامه» ان

صورتی که این جور نبود. ما پیشنهاد کردیم که برادرها برگردند یک خرده به خودشان فکر کنند و بروند برای نیروهای شان هم صحبت کنند، مسئولین، مسئول هر واحدشان مسئول موتوری شان و زرهی شان و ستادهای شان را جمع کنند، ایشان صحبت کنند و قسم شان بدهند و بگویند: «شما آیا با اولین روزهای عملیات آبادان همان جور هستید، با عملیات فتح المبین آن فکری که در قلب تان بوده همین جور هستید یا فرق کردید؟ کلاً ما در برخوردهایی که با بچه ها و با مسئولین مان کردیم دیدیم واقعاً همه برگشتند و آن توکل هایی که داشتند به خداوند و با توکل صدرصد پیش می رفتند، اتکای شان شده بود به اسلحه و مهمات و نمی دانم بیشتر ماشین داشته باشیم که گردان ها سر وقت برسند.

چیزی که ما دیدیم واقعاً توی این عملیات اخیر چه قدر واقعاً سرمایه گذاری شد، چه قدر همه تقلا کردند، ما پی بردیم به چه قدر باید ببینیم آخر جریان چیست؟ دلیل این چی شد؟ به خدا هیچ دلیلی نداشت به جز این که ما مسائل مان را حل نکردیم، و تا این مسائل مان را هم حل نکنیم، به پیروزی نمی رسیم، پیروزی هایی که ده هزار، دوازده هزار، بیست هزار اسیر از دشمن بگیریم. و اصلاً این طرح هایی که ما می ریختیم و عمل می کردیم طرح های مان یکیش با گفته های مان که در جلسات می گفتیم در عمل درست در نمی آمد، ولی عملیات پیروز می شد و کمترین شهید را می دادیم و کمترین زخمی، الان این همه می نشینیم بحث می کنیم، این قدر تلاش و نمی دانم مثل همه، این دلیلش چی چی بوده هیچ دلیلی نداشته به جز این که ما بایستی یک خرده به خودمان برگردیم، ما حرفمان این بوده است و هیچ حرف دیگری هم نداشتیم. ده تا عملیات دیگر هم انجام بشود و همین رقم بشود خدای نکرده، خواهیم ایستاد و تا روح هم توی بدن مان هست، در جنگیم و از جنگ هم هیچ وقت فرار نمی کنیم و فرار هم نخواهیم کرد و از آن لحظه هم خوف داریم که دستان را بگیرند و از جنگ بیرون مان کنند یا زنده باشیم و بعد از این جنگ سالم بمانیم! خدا و کیلی من گرفتاری خانوادگی داشتم و مجبور بودم بروم. خودم از خودم می گویم،

احیاناً می خواهند کارشکنی بکنند یا سستی بکنند، این صحبت اصلاً نبوده است، صحبت این بوده است که برادرها از لحاظ کیفیت رزمی انشاالله می روند بالا و عملیات یک حالت منسجم تر و بهتری به خودش بگیرد و برادرها بتوانند صابر باشند در عملیات، بتوانند یک خط پدافندی را بگیرند و تشکیل بدهند، بتوانیم توی بیابان سنگر بگیریم و از خطی که از این منطقه ای که رفتیم عملیات انجام دادیم و شهید دادیم، بتوانیم حفاظت بکنیم. توی همین خط های پدافندی است که ما اگر با توجه باشیم، می توانیم فرماندهان گردان، فرماندهان گروهان را آماده بکنیم. اگر در این خط ها ما نتوانیم آدم هایی که خودشان را نشان می دهند، بشناسیم، آنجا ندانیم که کی تیراندازی می کند، کی می تواند یک تانک را بزند، خب کی را می توانیم فرمانده گروهان بکنیم؟ تا کی می توانیم فرمانده گردان تهیه کنیم؟ این مسأله بوده که بی جهت به این جا کشیده شد که احیاناً برادرها نمی خواهند عملیات انجام بدهند یا نمی خواهند دیگر بمانند! نه این مسأله اصلاً طرحش نبود».

سپس احمد کاظمی، فرمانده تیپ نجف اشرف، شروع به صحبت کرد و ضمن ذکر مطالبی مفصل گفت:

«با انجام این عملیات اخیر که ما شاهد سرمایه گذاری های خیلی زیاد بودیم که واقعاً فرماندهان لشکر و مسئولین طرح و برنامه لشکر و همه آمدند و تلاش کردند و برای انجام این عملیات فعالیت کردند و سرمایه گذاری کردند، بعد که منجر به این مسأله و برگشتن به مواضع مان و صحبت هایی که شما بعد از برگشتن توی قرارگاه فتح کردید، یک خرده فکر کردیم و یک چیزهایی به نظرمان رسید که دیروز آمدیم توی جلسه مطرح کردیم، بعد برادر رحیم وقتی آمدند صحبت کردند چنین نتیجه گرفته بودند که ما خسته شدیم از جنگ و ما برای این که بتوانیم دوباره جنگ را به آن صورت اولیه پیش ببریم و بجنگیم، بایست برویم از جنگ بیرون و توی یک منطقه خارج از جنگ ساخته بشویم و بعد برگردیم باییم عملیات را شروع کنیم! در

به ایشان بگوئیم که مسئله این رقم نبوده است که ما بگوئیم جبهه را ترکش کنیم و برویم توبه کنیم استغفار کنیم؟! کجا بغض جبهه بود؟! ما هر چه داریم، از جبهه داریم؛ ما یک آدمی بوده ایم که چند سال درس خوانده بودیم و رعیت بودیم و کشاورز بودیم آمدیم اینجا که جنگ و چیز یاد گرفتیم، مسائل دنیا را سردر آوریم، مسائل انقلاب و کی بغض جبهه است؟! این یک حرفی است که بیشتر بایست رویش تأکید بشود و حتماً این مسئله نبوده است و نخواهد هم بود. والسلام»

بعد از سخنان برادر کاظمی، رحیم صفوی که از وی سخنانی نقل شده بود، توضیحاتی بدین شرح داد:

«آن صحبت هایی که دیروز در جلسه شد با حفظ امانت توسط برادرهای فرمانده لشکر و نواری که آنجا پر شده بود، خدمت برادر محسن داده شد و گفته شده، نه این که خدای نکرده ما آن حرف ها را بشنویم، یک جوری دیگری بیایم بگوئیم! آنچه که در آن جلسه گذشت، با حفظ امانت یعنی هر چی که در آن جلسه بود عین آن جمله ها، عین آن گفته ها و شخصی که گفته بود، آمد و یعنی ما موظف هستیم که خب نتیجه آن مطالبی که گفته شده بود با حفظ امانت که عینش گفته شد در جلسه ای که با برادر محسن بود گفته شد، نه این که خدای نکرده تغییری درش به وجود آمده باشد.»

صلوات حضار

مصطفی ردانی پور فرمانده قرارگاه (لشکر) فتح سپاه که روحانی اصفهانی جوان و ریزنقشی است - با سخنانی جلسه را به سمت فضایی احساسی، عاطفی و اخلاقی با تأکید بر توسل و توکل هدایت کرد. وی که با احساسات شدیدی صحبت می کرد، مباحث جلسه را چنین ادامه داد:

«در اینجا ان شاء الله مورد رضایت امام زمان علیه السلام فرمانده عزیزمان باشیم که ان شاء الله اگر لیاقت پیدا نکنیم که به شهادت برسیم این امید را داشته باشیم که حضرت ما را به سربازی قبول بکند، من فکر می کنم حالت جلسه خوب نباشد، لذا برادرها رو به قبله بنشینند تا تجدید عهدی با امام زمان مان بکنیم پس از تجدید عهد با امام زمان از برادرمان محسن رضایی که این را بدون اغراق و بدون غلو بگویم نور

بروم شهرمان با این شهدایی که داده بودیم، آن روز هم که می شد برویم مرخصی هیچ کار هم نداشتیم، تو شهرمان نتوانستیم بروم، حتی بروم توی خیابان های شهرمان؛ ما از توی محله مان که یک محله ای است تقریباً ۵۰۰ یا ۶۰۰ نفر جمعیت دارد، ۳۶ نفر شهید شده یعنی تمام بچه هایی که در حد ۲۳ سال بودند همه شان شهید شدند. ۱۹ نفر بودیم که باهاشان آمدیم جنگ ما یکی از شان ماندیم! چه وجدانی داریم، چه فکری داریم که یک وقت خدای نکرده بخواهیم بیاییم این مسئله را مطرح کنیم! و هیچ وقت برادر محسن، همچنین مسئله ای نبوده است و نخواهد هم بود و با ایمان کامل می توانم قسم بخورم که همچنین فکری نبوده خدا و کیلی، توی هیچ کس نبوده است.

این عملیات که ما رفتیم تا ته کانال، همان عملیاتی بود که آمدیم پایین؛ مرز دو طرف مان باز بود، آمدین پای جاده آسفالت اهواز خرمشهر در عملیات بیت المقدس و ۴۸ ساعت الحاق حاصل نشده بود و همین مسائل بود ولی آنجا صلاح نبود که این مسائل پیش بیاید؛ اینجا نیاز داشتیم و خودمان هم قبول می کنیم ولی گفتیم که بس مان است. جبران این مسائلی که برای مان پیش آمده با خون نخواهیم بدهیم یا کمتر شهید دادن و می شود این مسئله را حل کنیم؟ برگردیم به خودمان. خدا و کیلی ما دیشب بچه های مان را جمع کردیم همه شان را، گفتیم ۴۸ ساعت، قرار بوده است که دیشب عملیات بشود، یعنی بهشان گفتیم امشب قرار بود عملیات بشود ولی عقب افتاده، بروید هر چه توی ذهن تان است که این خوانده نمی شود و با حرکت های اسلام خوانده نمی شود بروید بیرون کنید تا فردا شب عملیات را انجام بدهیم، ببینیم نتیجه اش چی چی می شود. اگر با تمام این ضعف های مان که ۸۰٪ هم ضعف داشته باشیم تو عملیات، اگر پیروز نشدیم، اصلاً این مسائل همه اش دروغ است.

واقعاً آنچه غیرمنتظره بوده است برای مان، این صحبتی است که الان شما برادر محسن کردید. و من گمان نکنم هیچ کدام از این برادرها تحمل فهمیدن این مسئله را داشته باشند و همچنین مسئله ای نبوده است، تازه برادر رحیم هم که صحبت کردند می خواستیم بعد

مبادا ما از نوکری شما محروم بشویم. «اللهم اجعلنی من اعوانه وانصاره والذابین عنه و المسارعین الیه فی قضاء حوائجه و...»

ما تجدید عهد می کنیم با امام زمان مان، ما الان می گوئیم امام زمان، حجت ابن الحسن، ما از آن اولی که آمدیم جبهه ها، شعارمان این بود: یازیارت قبر حسین و تجدید عهد با حسین کنار ضریح مطهرش و یا ملاقات خود حسین که با کشته شدن ما با شهادت مان حاصل

بشود. امام زمان، اگر حرفی می زنیم، صحبتی می کنیم شما این صحبت ها را از ما نگیرید، ما توجه نداریم. خدایا، تو که می دانی ما در این بیابان ها به جایی دست رسی نداریم، ما مسائل اسلام را نمی دانیم، نمی فهمیم، وقت نکردیم بفهمیم، خدایا، خودت فرمودی: «الذین جاهدوا فینا لنهینهم سبیلنا». خدایا، ما مجاهد در راه تو نیستیم، اما دوست داریم باشیم خدا، خدایا، خودت راه را نشان مان بده، خودت هدایت مان کن خودت قلب های ما را نرم کن. این امتحان ها برای ما سخت است خدایا ما طاقت نداریم زیر بار این امتحانات برویم. خدایا، به محمد(ص) و آل محمد(ص) قسمت می دهیم، به تنهایی حجت ابن الحسن قسمت می دهیم، به اشکها چشم امام زمان قسمت می دهیم، خدایا ما را از در خانه ات رد نکن؛ (الهی آمین) خدایا، ما را از سربازان امام زمان قرار بده، (الهی آمین)؛ خدایا، در اثر عدم لیاقت و کفایت ما، نعمت و رحمت را از ما برمگیر؛ (الهی آمین) خدایا، ما را هدایت مان کن، «اللهم اهدنا من عندک» (الهی آمین)؛ «واقف علینا من فضلک» (الهی آمین)؛ خدایا ما را از طرف خودت هدایت کن، (الهی آمین)؛ خدایا ما را از طرف پیغمبرت، قرآنت هدایت بفرما و (الهی آمین). برادرها همین طور که نشسته اند به این دو تا حدیث کوچک از پیغمبر عنایت



شهید مصطفی ردانی پور، فرمانده قرارگاه لشکر ادغامی فتح از سپاه

چشم ما هستند و از دو جهت برای ما عزیزند: یکی از جهت این که منصوب امامند و دیگر از جهت این که خودمان در این یک سال برخورد کردیم و تا اندازه ای شناختیم از ایشان می خواهیم ادامه بدهند جلسه را. شب عاشورا که امام حسین(ع) - گریه شدید حضار- احساس تنهایی کردند و به اصحاب شان فرمودند شما می توانید از تاریکی شبانه استفاده کنید و من هم بیعتم را از شما برداشتم و حالا برادر محسن به ما این حرف ها را می زند؛ می ترسیم امام زمان هم چنین چیزی را به ما بگویند و خدای نکرده ما همه مان آمدیم و ننگ است برای ما زنده برگردیم و بزرگ ترین زیان و خسران است برای مان که از اینجا زنده برگردیم و خدای نکرده یک وقت ناآگاهانه مسائلی پیش بیاید که نتیجه اش این باشد. امام زمان، حجت ابن الحسن، ما که می دانیم لیاقت سربازی و نوکری شما را نداریم، اما اگر ما بدیم و لایق نیستیم، شما خوبی و خب لایق هستید بر ما فرماندهی کنید. السلام علیک یا بقیه الله حجت ابن الحسن، مهدی فاطمه شما که می دانید دل های ما پر از خون است دل هایمان گرفته، این قدر درد توی دل هایمان هست، کسی را نداریم برایش بگوئیم. آقا شمارا قسم تان می دهیم به جان مادر تان فاطمه دستی به سر و گوش ما بکشید، ما را از خواب غفلت بیدار کنید،

اصلاً نیست، هیچ دلیلی ندارد این طور باشد. برادر محسن این بچه ها ما همه مان آمده ایم اینجا اینهایی که شبانه روز این طرف و آن طرف می دوند، اینها هرگز ناپاکی و پلیدی درونی ندارند و نخواهند داشت، فقط چیزی که هست ما همان جمله ای که امام می فرمایند: وای به روزی که ما خودمان را نشناخته باشیم و اجتماع به ما روی بیاورد. آن وقت خراب می شویم....



ما مطیع هستیم، اگر کسی بحثی می کند، حرفی می زند، این نیست که بخواهد اعراض بکند از امر شما، که اعراض از امر شما اعراض از امر امام است و ما الان این را می گوئیم ما اگر که حرفی را زدیم و خدمت شما گفتیم، بعدش تصمیم گیرنده شما را می دانیم، هر تصمیمی شما بگیرید، ما طبق عقیده ای که به اسلام داریم و در برابر اسلام تسلیم هستیم، چون اعتماد داریم، اعتقاد داریم به شما، این تصمیم را اجرا می کنیم و ان شاء الله اگر مسئله ای هم پیش بیاید، آن را همان قرآن می فرماید: اگر مصیبتی به شما برسد، از نفس خودتان هست و اگر حسنه ای به شما وارد بشود، از طرف خداست. آن را از طرف خودمان می بینیم نه از طرف هیچ کس دیگر. و من یک خواهش از برادرها دارم ما که معتقد هستیم به یکدیگر ایمان داریم، همدیگر را می شناسیم، این وحدتی که امام امر می کنند و متأسفانه تمام دشمنان اسلام این را عمل کردند و می بینند نتیجه هایش را که چه مصیبت هایی برای ما ایجاد می کنند، یک مقداری به این وحدت توجه بکنیم. ما که مومن هستیم، این «واعتصموا بحبل الله» را توجه بکنید و من الان از طرف همه این برادرها خدمت شما عرض می کنم ان شاء الله با توجه بیش تر با تذکراتی که شما به ما می دهید، ان شاء الله ما مطیعیم، ما حرفی نداریم. ما

کنند، بعد ان شاء الله با یک کمی توجه به خدا از این حالت دریابیم، با توبه از گناهان مان ان شاء الله خودمان را تزکیه کنیم و آماده فرمانبرداری از امام زمان باشیم. من فکر می کنم همه این مسائل در دو چیز نهفته است که در این دو تا حدیث پیغمبر اکرم (ص) می فرماید: «جهل المرء بعیونه من اکبر الذنوبه، و جهل الانسان بالفضائل من اقیح الرذائل»، جهل انسان به عیب خودش، از بزرگ ترین گناهانش است و گناه، نعمت را از آدم می گیرد و جهل انسان به خوبی ها از بدترین زشتی ها است. ما دو تا عیب داریم: یکی این که جهل داریم به عیوب خودمان و به عیوب خودمان نگاه نمی کنیم و دیگری این که خوبی ها را نمی شناسیم، اما خدا نکند که یک وقت همدیگر را، این تیپ آن تیپ را، این لشکر، آن لشکر را محکوم بکند و مسائلی که هست به گردن یکدیگر بگذارند. ما اعتقاد داریم که همه مان برای خدا آمده ایم و به پاکی و صداقت یکدیگر مطمئن هستیم، این هیچ جای سخنی ندارد که ما بنشینیم همدیگر را محکوم بکنیم، یا اعتقاد به صداقت و پاکی خودمان نداریم. اگر می بینید در بین ما کسی هست که واقعاً نیامده برای خدا بجنگند و به پاکی صداقتش اعتقاد نداریم موظفیم و این خون شهدا این مسئولیت را به گردن ما می اندازد که به آن برادر بگویید که این طور

آن را به گردن کس دیگر می اندازیم؛ حالا قبلاً گردن خدا می انداختند، خداوند در آیات قرآن می گوید: چطوری وقتی که شما پیروز می شوید، می گوید هان ما پیروز شدیم، وقتی که شکست می خورید می گوید پیامبر این تقصیر تو و خدایت بود ما را شکست دادی. این عین آیات قرآن است، چرا این طور فکر می کنیم؟ این به این خاطر است که بشر فکر می کند آن جایی که پیروز می شود، خودش پیروز شد، آن وقت خداوند را فقط به عنوان یک کسی که فقط آن بالا نشسته و دارد نگاه می کند، این طور بهش برخورد می کند! این معلوم است که وقتی شکست بخورد، حاضر نیست که بپذیرد که ضعف از خودش بوده، دنبال این می گردد که یک توجیهی پیدا بکند و این طور هم نیست که ضعف نباشد، در همه جا به هر حال ضعف هست؛ شما در هر عملی که موفق نبودید، توی آن اجتماعات نگاه بکنید صدها نفر می توانند پیدا کنید که ضعف های آنها هم در عدم موفقیت موثر بوده اما من می خواهم به برادران عرض بکنم که برادرهای عزیز، من نمی گویم که شما گفتید که ما می خواهیم برویم خانه مان و برویم پیش زن و بچه هایمان من کی گفتم که شما این حرف را می زنید؟! من روحیه برخورد شما را نگاه می کنم....

برادرهای عزیز؟ من نحوه برخورد را می گویم، شما همین حرف تان را که آقا وقت می خواهیم. اولاً ما که نمی خواستیم یک عملیات جدید بکنیم می خواستیم این ۶۰ یا ۷۰ درصد زحمتی که کشیده شد، خاکریزی که زده شده، میدین مینی که برداشته شده، راهی را که رفته ایم، تا قبل از این که دشمن بیاید سنگر و موضع بگیرد، ما می خواستیم این ۶۰، ۷۰ درصد کار انجام شده را که ول کردیم این بار با یک قدرتی که نیروهای مان را در اختیار خودمان آوردیم و دشمن تلفاتی به آنها وارد نکرده همین نیروها را دوباره ببریم سرجایش بگذاریم، ما می خواستیم این کار را بکنیم عملیات جدید نمی خواستیم بکنیم و بعد آمدیم که از نیروهایی که عمل کردند، اصلاً استفاده نکردیم، گفتیم آقا هر اندازه از نیروهایتان که خسته نیستند و می توانند، ما آمار گرفتیم، ما کی گفتیم شما نیروهای جدید بیاورید؟! ما گفتیم آن برادرانی که آماده اند و

نمی خواهیم خدای نکرده وقفه ای در جنگ ایجاد بشود، خیانت به خون این همه شهید است. ما مثل یاران امام حسین ان شاء الله ایستاده ایم و هرگز جبهه را ترک نمی کنیم مگر این که لیاقت نداشته باشیم و بیرون مان بکنند و تا آن روزی که جنگ هست که معتقدیم تظاهر امام زمان جنگ است و وقتی حضرت هم ظهور می کنند، با جنگ ظهورشان توأم است ما ایستاده ایم و ان شاء الله مطیع خدا و امام زمان و آن کسانی که خدا و امام زمان بگویند از شان اطاعت کنید والسلام علیکم و رحمت الله.»

بعد از صلواتی که حضار ختم کردند، مجدداً محسن رضایی شروع به صحبت کرد:

«بعضی از وقت ها یک سری مسائلی هست که انسان علی رغم ساده بودن این مسائل، درک نمی کند و در خود ما مسلمین که آیات قرآن اعتقاد ماست و به آن اعتقاد داریم یک مسئله بسیار روشن و واضحی مطرح شده و آن هم این است که نصرت همیشه از طرف خداست و پیروزی همیشه از طرف خداست و ثمره هر کار خوبی از طرف خداست. اما این را تا حالا ما نفهمیدیم، یعنی چه. برادرها یک کمی روی این فکر کنیم.

من عجیب توی این سوره آل عمران که می خواندم توی ۷، ۸ تا از آیات توجه کردم دیدم که خداوند می گوید که ما وقتی که کفار را عذاب دادیم، اصلاً با آنها ملاقات هم نمی کنیم. بعد در این فکر فرو می رفتم که خداوند بنایی بر ملاقات با انسان ها دارد و وقتی بیشتر دقت کردم اصلاً قضیه خلقت همین است، خداوند ما را به سمت خودش می کشاند، ما را در این حوادث جولان می دهد، محیط های مختلف برای ما درست می کند، ما را آب دیده می کند، ما را بازسازی می کند و همه این مسائل را برای ما به وجود می آورد تا ما را خالص بکند و با همین فکر هم هست که ما می توانیم این طور برخورد بکنیم که هیچ حرکتی صورت نمی گیرد مگر به اذن خدا و متأسفانه ما به این موضوع توجه نداریم. بعضی از وقت ها فکر می کنم که در هر کاری که پیروز می شویم خودمان را عامل و باعث پیروزی می دانیم و هر جا که شکست بخوریم

نیروهای شان دست شان است و آماده بودند عاشورا و ۲۵ کربلا و حضرت رسول و ولی عصر و این نیروهایی که آماده بودند، ما کی گفتیم شما نیروی جدید بیاورید؟! حالا فرض هم بکنید که خیلی خوب حالا به این مطلب انتقاد دارید، من نحوه برخورد را می خواهم بحث می کنم، من می گویم برادرها، اگر می خواهیم به امید خدا با هم تعهد داشته باشیم و به خاطر این که در راه خدا شهید بشوید آمده اید، پنج نفر با هم تعهد بدهیم اما جلوی برویم، مسائل فرعی را اصل نکنیم. الان که خداوند می خواهد ما را آزمایش بکند، صبرمان را از دست ندهیم، شکر خدا را به ناشکری تبدیل نکنیم، بیاییم خدا را شکر بکنیم. بی سابقه است ما در یک عملیات تک جبهه ای کردیم و ۳۵ کیلومتر پیشرفت کردیم؛ ما در کدام عملیات های تک جبهه ای این قدر موفقیت داشتیم؟ این جای شکرش نیست که ما اینها را رها کنیم و به این بچسبیم که خب حالا تلفات دادیم، بچسبیم به این که خب چرا عقب آمدیم، بچسبیم به این که آقا حالا ... نیرویم جلو؟! من می گویم این بهانه ها، بهانه هایی است که شیطان در دهان ما می گذارد، اشکال ندارد این حرف، حرف شما منطقی است این که به نیروهای تان برسید که خود ما داریم صبح تا شب به شما رسیدگی می کنیم. برادرها، ما صبح تا شب به شما نمی گوئیم که به نیروهای تان برسید؟ ما کی به شما گفتیم نیروهای تازه را به منطقه ببرید که آشنا نباشند و آموزش ندیده باشند؟

ما که بچه نیستیم که شما وقتی می گوئید که ما نیروهای مان شناسایی می خواهند خوب ما این را می فهمیم، خود ما هم اصرار داریم که برای این که عملیات موفق باشد، شما حتماً باید شناسایی بکنید اما ما بحث مان این بود که آقا ما ۶۰٪ کار را انجام دادیم، خاکریزهای مان را زدیم، دشمن منهدم شده بیایم برویم این ۶۰٪ را بگیریم و این رخنه را در خودمان از بین ببریم و آن هم نه از نیروهای جدید از تیپ امام حسین و تیپ ۸ نجف که گفتیم: چند تا دارید؟ گفتند: یک گردان. گفتیم: خیلی خوب. هیچ هم بهشان فشار نیاوردیم، با این که می دانستیم نیروی جدید هم آمده توی لشکر اما گفتیم آقا نمی رسد، حتی یکی از برادرها

پیشنهاد کرد که اینها را بهشان بدهیم، گفتیم حالا اینها را بگذارند بعداً برای احتیاط، اگر لازم شد، روی شان کار می کنیم. ما اینها را می فهمیم من هم حرفم این نیست که برادرها حالا شما می خواهید بروید مثلاً پیش زن و بچه تان! من حرفم این است که اگر واقعاً ما می خواهیم دست توی دست هم بدهیم، ولو کم، بیاییم دست های مان را محکم در دست هم بدهیم و جلو برویم نکند خدای نکرده مشکلی پیش بیاید، مسئله ای پیش بیاید، اراده های مان ضعیف بشود، و یک مقدار نسبت به هم بدبین بشویم، یک مقداری نسبت به همدیگر حرف بزنیم یا این که نسبت به هم برویم بعضی از جاها انتقاد بکنیم، اینها را ما نباید بکنیم. خدا شاهد است این خصوصیات یک ارتش اسلام نیست، این خصوصیات یک فرد مسلمانی که آمده می خواهد در راه خدا شهید بشود، نیست. ببینید این اشکالات کجاست، رفع بکنید و امیدوارم که خداوند کمک بکند و ما را در این امر یاری کند. خدا شاهد است بارها هم خدمت امام این حرف را زدم، خودم را لایق این سپاه، لایق خون بچه هایی که شهید می شوند، نمی دانم. من خودم عرضه حتی رفتن توی خطش را هم ندارم که این قدر ما بچه خوب، پاک و معصوم مردم را یعنی اینهایی که به جبهه می آیند دیگر اینها نخبه های این مردمند، اینها می دانید کی هستند؟ اینها همین امیدهای آینده حضرت مهدی هستند؛ اینها را ما این طوری می آوریم در جبهه ها خدا شاهد است که من خودم را شایسته این کارها نمی دانم، اما من به خاطر خودم نیست که دارم به شما فشار می آورم، من به خاطر این تکلیف شرعی است.

روی این اساسنامه جدید در شورای نگهبان یک بحث عجیبی بود. روی این که سپاه شورایی باشد یا فرماندهی. در شورای نگهبان اکثر فقها گفتند که شورا بودن سپاه، مخالف صریح با احکام است و ضوابط شرعی در ولایت فقیه است و همه فقها هم این را گفتند. بعد کمیسیون دفاع مجلس یک مقدار چون فکر آینده را می کرد، ناراحت شده بود، رفتند خدمت امام که امام گفت: آقا سپاه شورایی نمی خواهد باشد، باید همان فرماندهی باشد. این مسئله فرماندهی بودن و این که من

کردند و فکر کنند که مشکلاتشان را می‌خواهند با یکی حل بکنند، نه این که فرمانده تیپ ما هم خودش هم بگوید که آره تو که این سوالاتی که داری هیچ، من خودم هم دو تا سؤال رویش دارم. خب برادرها، این طوری به این بچه‌ها ظلم نمی‌شود؟ واقعاً اگر بی‌اعتمادی دارید به بعضی از فرماندهان تان بگویید آقا، بگویید این فرمانده لشکر این فرمانده سپاه این را سفت بگویید. این یکی از مسائل اساسی اسلام

است، مسائل را در ابهام گذاشتن و ... از مسائل خطرناکی است که از صفات الهی نیست و من خواهم از برادرها این است که برادرها، شما نماینده ما پیش این بچه‌ها هستید، نماینده ما پیش این فرمانده گردان‌ها هستید، اگر یک وقت انتقادی دارند و اشکالی دارید، بیایید به ما بگویید، جوابش را بشنوید، ولی وقتی که رفتید، باید با تمام وجودتان دفاع کنید، باید با تمام قدرت دفاع کنید. درست است انسان آزاده است اما اگر تعهد داد، مسئول می‌شود، باید جواب گو باشد. الان اگر کسی تعهدی نداشت باشد، تعهدی ندهد، هیچ مسئله‌ای برایش نیست. اما اگر یک کسی تعهد داد، تمام است، دیگر تمام است؛ از نظر حکم خدایی این کس که تعهد داد این را حتی تا زندان و اعدام و اینها تا آنجا هم حکم شرعی و قضاوت می‌تواند رویش انجام بدهند، چرا؟ به خاطر این که اسلام مسئله را در پرده نگه نمی‌دارد می‌گوید آقا یا می‌آیی انجام می‌دهی یا نمی‌آیی انجام بدهی، اگر آمدی انجام دادی باید تا آخرش بمانی. این بین بودن، روشن کردن، صریح بودن، صراحت از مسائل اسلام است شما نماینده‌های ما هستید و باید با تمام قدرت سعی کنید که بچه‌های تان را حفظ کنید مسائل را به آنها منتقل کنید، هر مسئله‌ای هم که



متأسفانه مسئول این کار شدم هر چند که خودم را لایق این کار نمی‌بینم، من مجبورم به شما چیزی را که تشخیص می‌دهم بگویم، چیزی را صلاح می‌بینم، بگویم و از شما هم انتظار دارم که تبعیت کنید، نه از شخص من، من خودم را لایق این کار نمی‌دانم، اما حکم خدا این است که برادرها این کار اگر قرار باشد انجام بشود، باید انجام بشود.

همین الان، به هر حال یک عده از برادرهایی هستند مرتب دارند از بیرون و داخل و اینها همه فشاری می‌آورند که خب چی شد قضایا؟ چرا این طور شد؟ خب آن برادرها را ما شاید تا پایان عملیات هم نتوانیم اینها را توجیه کنیم که آقا قضایا چی است؟ اگر ما خودمان در داخل خودمان هم استحکام لازم را نداشته باشیم، نمی‌توانیم مسائل را پیش ببریم نمی‌توانیم قضایا را حل کنیم اگر قرار باشد که برادری به یک برداشتی می‌رسد آن را صاف برود و همه جا بگوید، خوب این هیچی از داخلش در نمی‌آید، اصلاً اعتبار خودمان را با دست خودمان از بین می‌بریم. ما اگر یک برداشتی هم یک وقت‌هایی داریم، یک مسئله‌ای هم داریم، این مسائل را ما باید حل کنیم و فرماندهان گردان‌های ما، فرماندهان گروهان‌های ما اینها وقتی به شما مراجعه بکنند فکر کنند که به نماینده امام مراجعه

برادر باکری از لحاظ خصوصیات اخلاقی یک فرد محبوب، با معنویت، با تقوا، خوش برخورد، بی پیرایه، کم حرف به نظر می آمد. نقش ایشان در تیپ به عنوان مسئول تیپ کاملاً آشکار بود و در نزد نیروها و نیز کادرها احترام خاصی داشت و در بین آنها فرد محبوبی به حساب می آمد. ایشان به عنوان مسئول تیپ و کسی که باید در کل امورات نظارت داشته باشد، بیشتر موارد به واحدهایی که در ارتباط با عملیات نقش دارند، توجه داشت و این امر می تواند ناشی از کمبود وقت و کار و فعالیت زیاد باشد. چرا که او اعتقاد زیادی به نیروهای پشتیبانی به ویژه امور تبلیغات و آموزش دارد و نقش آنها را بسیار موثر در تیپ و در عملیات و در ساختن نیروهای داند.

بیشتر متراکم بودند، تیپ عاشورا که از قدیمی ترین تیپ ها بود، تشکیل شد که عمده نیروی آن از منطقه پنج بود اما نیروی کادرش از سپاه سوسنگرد بود تا آنکه بعد از پایان عملیات بیت المقدس قرار شد که تیپ عاشورا را منطقه پنج تحویل بگیرد. در نتیجه، بعد از عملیات بیت المقدس رسماً این تیپ تحویل منطقه پنج گردید و این منطقه هم مامور شد که کلیه کادرها و نیروهای آن را تأمین کند. این دوره عملیات (رمضان) اولین تجربه این تیپ و اولین تجربه منطقه پنج است.

۲) فرماندهی

۱-۲) سابقه و عملکرد

فرمانده تیپ عاشورا برادر مهدی باکری است. ایشان مدتی شهردار ارومیه بود، بعد فرانده عملیات سپاه ارومیه شدند... در جریانات درگیری های آذربایجان غربی هم ایشان فعالیت هایی داشت و بر اثر مسائلی که اینجا جای بحث آن نیست نتوانست در آنجا بماند؛ لذا خود را به منطقه هشت منتقل کرد، در حالی که هنوز پرونده پرسنلی اش در منطقه پنج باقی مانده و انتقال پیدا نکرده بود. خانواده او نیز در اهواز سکنی گزیدند. گفته شده قبل از انقلاب ایشان مدتی در فلسطین بوده و با نیروهای فلسطینی تجربه نظامی



نسبت به تشکیلات هم به لحاظ دور بودن از ستاد و درگیری با مسائل عملیاتی و گرفتاری در این مسائل باعث شده که آن چنان که باید و شاید به تشکیلات و جابجایی آن در تیپ تا به حال بها ندهد هر چند که علاقه دارد جلسات تشکیل شود و مسائل مطرح بشود. عملکرد ایشان چه قبل از عملیات که مواجه با تغییر و تحولات و جابجایی خودش در تیپ بود و تغییر یک سری کادرها (کادرهای عملیاتی مثل فرمانده گردان)، شرکت در جلسات لشکر و توجیه به منطقه و نکاتی که باید تیپ عاشورا عمل می کرد همچون سعی و تلاش در

اندوخته بود... در منطقه جنوب هم ایشان سابقه عملیاتی داشت و در عملیات بیت المقدس، معاون تیپ نجف اشرف بود. مدتی هم مسئولیت طرح و برنامه عملیات آن تیپ را به عهده داشت که بعداً زخمی شده و به بیمارستان منتقل می گردد. بعد از اینکه تیپ عاشورا تحویل منطقه پنج شد، ابتدا قرار بود برادر مرتضی یاغچیان را به عنوان فرمانده تیپ معرفی کنند که به علت عدم تجربه کافی در این شرایط و اینکه ایشان در یک سال اخیر در منطقه نبودند برادر مهدی باکری فرمانده تیپ شد که بعد از بهبودی به منطقه آمد و مسئولیت فرماندهی تیپ را به عهده گرفت.

-ضعف افرادی که کشش بعضی از مسئولیت ها را نداشتند و با این حال با فرماندهی کار می کردند و ایشان نیز مقاومتی در مقابل انتخاب و یا عزل آنها نداشت.

-ضعف فرماندهی در مقابل اطلاعات - عملیات و ضعف در حل صحیح مسائل مربوط به اطلاعات عملیات که در قسمت شرح اطلاعات عملیات خواهد آمد.

قوت: - اتکای زیاد فرماندهی به نیروی غیب؛

- توجه به فرایض؛

- رعایت تقوا و پرهیز از طرح اختلافات از ترس اینکه در موضع غیبت بیفتند و عدم طرح مشکلات و اعتقاد به این مسئله که به رغم اینکه این مشکلات وجود دارد، با این حال کارها پیش می رود؛

- تلاش و پرکاری فرمانده؛

-خونسردی و کنترل روحیه در برخورد با مسائل؛

پیشنهاده: - به لحاظ اینکه موقعیت فرماندهی در حال حاضر جا افتاده لذا [این پیشنهادات مطرح می شود]؛

-حفظ فرماندهی تیپ برای آینده و عدم تغییر فرماندهی در وضعیت کنونی؛

-توجه بیشتر فرماندهی در ارتباط با تشکیلات و سعی زیاد در انتخاب کادرهای با تجربه و کارا و مومن و به دور بودن از مسائل ناسیونالیستی برای واحدهای تیپ به طوری که فرماندهی با فراغ بال از مسائل پشتیبانی و ستاد تیپ، به وظایف اصلی خود بپردازد؛

-ارتباط بیشتر منطقه با تیپ و در جریان قرار گرفتن منطقه از مشکلات تیپ و به نوبه خود ارتباط تیپ با منطقه؛

-تعیین و تثبیت قائم مقامی که فرماندهی بتواند در جمیع ابعاد فرماندهی به او اتکا کند.

۳) واحد طرح و برنامه

۳-۱) سابقه و عملکرد

برادر علی تجلانی مسئول این واحد و برادر ناصر امینی معاون واحد طرح و برنامه عملیات تیپ عاشورا هستند.

برادر تجلانی از بدو آمدن به سپاه، در آموزش سپاه تبریز بود و به مدت یک ماه مسئول عملیات سپاه بود. قبل از جنگ عراق علیه ایران به مدت شش ماه به افغانستان رفته بود و در اوائل شروع جنگ از آنجا که به جبهه آمد، مسئولیت نیروهای اعزامی تبریز را بر عهده داشت. سپس معاون

شناسایی آن منطقه و آماده کردن نیروها در کل خوب بود. در حین عملیات سرگرم کار عملیاتی و توجیه گردان ها و پیش رفتن آنها و کارهای دیگر در این رابطه بوده و چون دور و برش شلوغ بود، زیاد تسلط به اطرافش نداشت اما به امورات را رسیدگی می کرد.

ایشان قدرت آینده نگری نسبت به آینده و بهتر شدن تیپ داشت و در همین اواخر با اعضای شورای منطقه چندین جلسه داشته و نظریاتش را در آن جلسات ارائه داده است.

۲-۲) ضعف، قوت، پیشنهاد

ضعف ها: - حضور کم در میان نیروها به طوری که نیروها نسبت به فرمانده آشنا باشند و روحیه آنها تقویت بشود. هم اینکه ایشان با سخنرانی و توجیه نیروها آنها را بهتر برای عملیات آماده سازد و فرماندهی هم در میان نیروها جایفتند.

-ضعف در برخورد معتدل با نیروها: در دو سه مورد، ولو که خواسته این نیروها ناحق بود اما با برخورد صحیح و ارجاع آنها به واحد مربوطه می شد از برخوردهای ضعیف که در نیروها مؤثر است جلوگیری کرد (دو سه مورد مساله مرخصی و یا تسویه حساب بود که تا سطح فرماندهی پیش رفت).

-ضعف در رعایت تشکیلات و توجه نکردن واحدها به کارهای مربوط به خود، به طوری که هر کاری به مسئول و فرمانده تیپ ارجاع نشود که این امر توامان ضعف واحدهای مربوطه و ضعف نظارت فرماندهی را می رساند.

-در دو عملیاتی که تیپ عاشورا داشت دو بار فرماندهی با جیب به جلو می رود که بار دوم تیری به بالای سینه اش اصابت می کند و جراحت برمی دارد با آنکه در خط، مسئول خط با تجربه داشت در حالی که با حضور ایشان در خط هیچ تغییر خاصی اتفاق نیفتاد و نقشی در آنجا ایفا نشد. ضمن اینکه ارزش فرمانده تپیی همچون برادر باکری خیلی بالاتر از اینهاست و باید به حفظ خود بیشتر توجه داشته باشد.

-در حین عملیات دوم وقتی که جلو می رود و کارها از پیش نمی رود، خونسردی خود را از دست می دهد.

-ضعف معاونت ایشان، اگر ایشان غائب بودند معاون وی قدرت چندانی برای هدایت یک عملیات را نداشت و این موضوع را برادر باکری نیز اذعان داشته و می گفتند فعلاً ایشان می خواهند در کنار فرماندهی تجربه کسب کنند و از روز اول تاکنون رشد داشته است.

۳-۳) ارتباطات

این واحد در ارتباط داخلی اش با فرمانده تیپ رابطه داشت که مسئول این واحد از مشاوران فرمانده تیپ نیز محسوب می شد و رابطه اش صمیمانه بود و حتی گاهی کارهایی که ربطی به طرح و برنامه نداشت مثل کار پیک و دیگر امورات را هم برای رفع نیاز انجام می داد.

رابطه این واحد با اطلاعات عملیات کم و بیش برقرار بود. در اوایل که اطلاعات عملیات نسبتاً فعالیت داشت، رابطه خوب بود بعداً این واحد چندان کاری انجام نمی داد. اما واحدهای دیگر ستادی و عملیاتی (گردانها) ارتباط به صورت توجیه مسئول طرح و برنامه در جلسات بود. ارتباط بالشکر خوب بود و مسئول واحد در جلسات طرح و مانور لشکر شرکت داشت و از طرف مسئول طرح و برنامه لشکر هم بر روی ایشان حساب می شود. ارتباط واحد طرح و برنامه با منطقه کمتر بود و ارتباط چندانی پیش نمی آمد.

۳-۴) عملکرد واحد

در کل عملکرد واحد در روند شکل گیری تیپ و نیز کمک به تیپ برای عملیات خوب بود. تیپ از ابتدا طرح و برنامه قوی در مسائل نظامی و طرح های مانور، برای توجیه مانور و طرح آرایش گردان ها مبتنی بر استعداد و شناخت گردان داشت. این واحد از لحاظ تهیه و ابلاغ کالک های عملیاتی، توجیه مانور گردان ها و واحدها، کمک به فرماندهی در حین عملیات، مشورت با او در امورات مختلف تیپ، خوب و قوی بود و ناهماهنگی هم به چشم نمی خورد و این واحد در حد خودش از فعال ترین و بهترین واحدهای این تیپ بوده است که کمتر نقصی در آن دیده می شد که به دلیل حضور نیروی کیفی، کارا، مومن، معتقد و با خلوص در آن واحد بود.

این واحد در پیش بینی روند آینده تیپ موثر است و نظرات مفیدی در بهتر و فعال تر کردن تیپ دارد که عمده نظرات آن بر روی جذب نیرو و برخورد صحیح با آنها، کادر سازی مخصوصاً در رده فرمانده گردان برای تیپ و جا انداختن تشکیلات و ضابطه در تیپ دور می زند.

این واحد جدا از اتمام عملیات یک دوره کلاس برای فرمانده گردان ها گذاشت که به کلاس های دوره فرماندهی معروف است که مطالب آن کلاس به شرح زیر است:

عملیات سوسنگرد شد. وی در جریان محاصره سوسنگرد مسئول عملیات بود که زخمی شد، و در تهران مدتی در ستاد مرکزی با گردان های رزمی کار کرد (پادگان امام علی (ع) به مدت ۳ ماه بعد). پس از آن در آموزش سپاه تبریز مسئول بخش اعزام نیرو شد و قرار شده بود وی مسئول بخش نظامی آموزش منطقه ۵ شود که او را برای منطقه جنگی می خواهند که مسئولیت ۲ گردان را عهده دار می گردد و در عملیات فتح المبین مسئولیت ۳ گردان به او سپرده می شود. در عملیات فتح المبین و بیت المقدس به عنوان معاون تیپ عاشورا منصوب می شود... و بعد از تشکیل تیپ عاشورا به عنوان مسئول طرح و برنامه فعالیت می کند.

واحد طرح و برنامه جزء اولین واحدهایی بود که در این تیپ شکل گرفت و جای خودش را پیدا کرد که به علت تجربه زیاد مسئول واحد و توجیه بودن او به کارها و جذب نیروهای با کیفیت واحد بوده است. با توجه به اینکه این واحد در کل تیپ ها و لشکرها هنوز شکل خاص خود را پیدا نکرده با این حال طرح و برنامه، این تیپ در این مدت پرکار بوده است.

مسئول واحد کمک حال فرماندهی هم بود و در توجیه گردان ها و گروهان ها در واحدها نقش اول را داشت. کارایی او در سطح بالایی است و او خود را بیکار می بیند و انتظار دارد، بیش از اینها فعالیت بکند.

۳-۲) تشکیلات

تا قبل از ارائه و ابلاغ شرح وظایف، تقسیمات این واحد به این شکل بوده که یک مسئول و یک معاون داشت و ۳ نفر نیروی کیفی خوب هم در امورات واحدها، تهیه کالک، طرح آتش های پشتیبانی و دبیرخانه و بایگانی داخلی تیپ مشغول بودند. در حال حاضر به این تعداد ۲ نفر دیگر نیز اضافه شده است.

همان طور که اشاره شد این تشکیلات در سطح تیپ در مقایسه با سایر تیپ ها و حتی لشکرها، رشد این واحد را می رساند. قبل از اینکه تشکیلات به این شکل باشد دبیرخانه، توجیه مانور و شرکت در جلسات بر عهده مسئول واحد بود، در ضمن دبیرخانه طرح و مانور دیگران را نیروهای کمکی با مشورت مسئول واحد انجام می دادند.

اداره می کرد و بعد از آن برادر مرتضی یاغچیان (معاون تیپ) از طرف تیپ مامور شد که سرپرستی اطلاعات - عملیات را به عهده بگیرد و در آن مدتی که دو مسئول داشت بین برادر مرتضی و برادر حیدری (به عنوان معاونت) هماهنگی برقرار نبود تا آنکه برادر حیدری مجروح می شود و از موقع عملیات اول تیپ که در منطقه زید بود و اواخر عملیات، مسئولیت واحد بر عهده برادر مرتضی یاغچیان بود و بعد از عملیات برادر شجاعی فراز لشکر آمدند و در تیپ به عنوان مسئول حضور دارند. به لحاظ اینکه ایشان از ابتدا به لشکر رفته بود، لذا عملکرد او نیز قابل ارزیابی نیست و برادر یاغچیان در غیاب ایشان مسئول اطلاعات - عملیات بود که باز ایشان هم نتوانست از حل مسائل و مشکلات این امر برآید و با این واحد کاملاً هماهنگ باشد و یا آنها با ایشان هماهنگ شوند. برادر یاغچیان به شکل فرمان و دستور در اطلاعات - عملیات نقش داشت نه به صورت یک مسئول واحدی که با نیروها بجوشد و با آنها کار بکند و خودش از واحد کاملاً اطلاع داشته باشد و بعضاً از دستورات ایشان سرپیچی می شد و یا انتظارات ایشان برآورده نمی شد.

۲-۴) تشکیلات - تقسیمات

در ابتدا نیروهای این واحد ۲۲ نفر بودند که به دو دسته ۴ نفره تقسیم شده بود که هر دسته یک مسئول داشت، که در دو محور که راه کار این تیپ بوده است برای شناسایی انتخاب شدند که مسئول گروه شناسایی با برادر حیدری معاون واحد بود و اساس کار این واحد تنها شناسایی بود، تیم دیدبانی هم خط داشت و نیز پیک، بازجو و پست شنود در سطح تیپ نبود... تشکیلات این واحد هم دارای انسجام و نظم دقیق نبود....

۳-۴) استنباطات

رابطه این واحد با فرماندهی با توجه به اینکه معاون فرماندهی مسئول قبلی این واحد بود بنابر این ارتباط در حد اختیارات تام و دخالت در امور آن بود... ارتباط این واحد با طرح و برنامه عملیات به علت وضعیت خاص این واحد، ضعیف و ناهماهنگ بود. ارتباط این واحد با لشکر به صورت مامور بودن مسئول واحد (برادر شجاعی فر در لشکر) در لشکر و نیز با تشکیل جلسات و شرکت برادر مرتضی یاغچیان برقرار بود.

مباحثی درباره سازمان و وظایف فرماندهان، آرایشات مختلف رزمی، اصول تکنیکی تک، مسائل تاکتیکی اصولی که باید یک فرمانده بدانند، تحلیل و چگونگی تحلیل عملیات، و نیز برای معاونان گردان ها و فرمانده و معاونین گروه ها جداگانه کلاس گذاشته شد و برای فرمانده دسته ها نیز کلاس جداگانه دیگری گذاشته شد.

۵-۳) ضعف، قوت، پیشنهاد

ضعف: - در حال حاضر نکات ضعفی که قابل پیگیری و طرح آن باشد در این واحد مشهود نیست.

قوت: - ایمان و تقوای قوی مسئول واحد و اخلاص نیروهای این واحد؛

- کارایی نسبتاً خوب نیروهای این واحد؛

- توجه به بودن مسئول واحد و سایر نیروهای واحد به کارشان؛

- قدرت تفکر و استقلال فکری مسئول واحد در مورد عملیات و تحلیل عملیات ها.

پیشنهاد: - توجه بیشتری از طرف مسئولین تیپ و منطقه به نیروهای این واحد و نظرات آنها بشود.

- کارایی مسئول واحد طرح و برنامه تیپ بیش از این است و می تواند در سطح لشکر و یا بالاتر فعالیت بکند و نیز می تواند از عهده اداره یک تیپ به خوبی برآید.

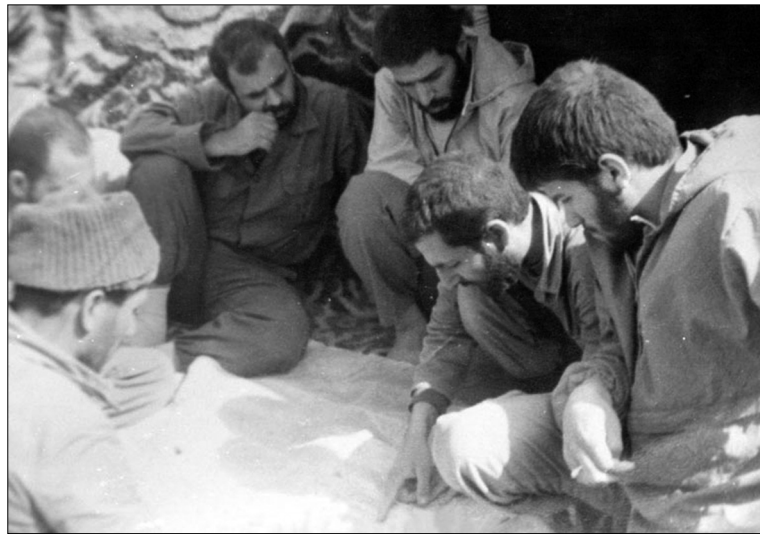
- استفاده تیپ و لشکر از نیروهای این واحد برای آموزش و توجه نیروها.

۴-۴) واحد اطلاعات - عملیات

۱-۴) سابقه و عملکرد

مسئول این واحد برادر مقصود شجاعی فر بودند قبل از این سمت، ایشان مسئول مخابرات مراغه بودند و برای اولین بار به جبهه آمده است که از طرف مسئولین تیپ و منطقه به این سمت انتخاب شده است. ایشان پس از اینکه به واحد آمدند، نتوانستند نقش مسئول واحد را ایفا کنند و برخوردهایی پیش آمد که علت آن عدم آشنایی وی به اطلاعات - عملیات بود و در عوض نیروهای موجود در این واحد قبلاً سابقه کاری داشتند. بعد از مدتی ایشان را به لشکر فرستادند تا در واحد اطلاعات - عملیات لشکر کسب تجربه کند و مدتی اطلاعات - عملیات، مسئول مستقیم نداشت و معاون اطلاعات - عملیات به نام برادر حیدری که طلبه بود، کارها را

دو شب مانده به عملیات از اطلاعات - عملیات خواسته شد که معبر را چک کنند که آنها نرفتند، علت آن نیز همان مساله قبول نداشتن مسئول واحد به دلیل ضعف هایی که برای او بر می شمردند بود که از کار اطلاعات - عملیات تجربه نداشت. لذا بین مسئول و افراد واحد فاصله افتاده و سوء تفاهمات بالا گرفت تا آن حد که حتی نیروها معتقد بودند که برادر شجاعی فرار برادر مرتضی که با هم دوست بودند از طریق رابطه آورده اند و آن را تبعیض می دانستند. در آن شب که برادر مرتضی به آنها گفت، گفتند



ما نمی رویم و عکس العمل نشان دادند و اظهار داشتند چرا به تذکرات ما ترتیب اثر ندادید. در آن شب از افراد اطلاعات - عملیات ۲ تن از آنها رفتند و بقیه ماندند و در مقابل برادر یاغچیان می گفتند: ما به اطلاعات - عملیات آشنا نیستیم، یک مسئول خوب می خواهیم که ما را راهنمایی کند.

بعد از عملیات آن تعداد نیرو را از تیپ اخراج کردند که البته در بین آنها یک نیرویی بود که از سپاه اخراج شده بود و باقی از سپاه تبریز و غیره بودند و در چند عملیات بودند و تجربه کاری داشتند و به نظر افراد مخلص می رسیدند اما با فرماندهی تیپ هماهنگ نبودند. برادر باکری معتقد بود که از اول آنها کیفیت خوبی نداشتند و ۲-۳ تای آنها اخراجی سپاه هستند و برای ما گردن کلفتی می کردند و باند بازی داشتند و کارشان را انجام نمی دادند و مسئولینی را که ما انتخاب کردیم، نمی خواستند.

بالاخره این نیروها از تیپ اخراج شدند و برادر باکری می گفت که: صلاح نیست اینها بمانند و با آنها نمی شود کار کرد. لذا گزارش اخراج آنها را به منطقه فرستادند و نیروها تهدید به دادستانی شدند و تعدادی از افرادی را که اخراج کردند، دلیل آوردند که از کار آمدی لازم برخوردار نیستند. بنابراین اطلاعات - عملیات بکلی تصفیه شد و به جای آنها از مراغه پاسدار آوردند که به این عده حدود ۲۰ نفر دیگر نیز

۴-۴) عملکرد واحد

[ابتدا قرار بود که این تیپ در محور شلمچه و پشت کانال بزرگ ماهی گیری و حدفاصل پادگان عمل بکند که در آنجا قرار بود ۳ راه کار، شناسایی بشود که به علت انداختن آب در محور بویان یک راه کار بسته شد و ۲ راه کار باقی ماند که در این معبر که برخی ۲۵ متر الی ۳۰ متر بود شناسایی شد و میداین مین آن تا فاصله نرسیده به خاکریز دشمن، خنثی شد و قرار بود که بعد طناب کشی بشود و بعد از شناسایی توسط دیدبانی مواظبت می شد که بعد تصمیم گرفته شد در خط رزمی پاسگاه زید عمل بکنند.]

در آن منطقه اطلاعات - عملیات نتوانست شناسایی درستی بکند و تیپ در ظرف ۲ روز به بالا انتقال پیدا کرد و با طرح مانور و اطلاعات لشکر، عملیات بالا انجام شد و اطلاعات - عملیات تیپ به علت همان جریانات و فقدان یک وحدت و انسجام در آن، بر روی شناسایی آنها هم حساب نشد و آنها هم شناسایی نکردند.

برای مرحله چهارم عملیات رمضان قرار شد مجدداً این تیپ به جای اول خود انتقال پیدا بکند... در محور پایین یک معبر دیگر در آب فرو رفت و یک معبر از معبرهای شناسایی شده قبلی مانده بود که آن معبر چک شد و قرار شد که تیپ عاشورا از همین معبر و معبر دیگری که تیپ امام رضا(ع) در سنگر بندی عریض باز می کند، عمل بکند. باز

-چند تن از نیروهای اطلاعات - عملیات در زید در عملیات شرکت کرده بود و آر.بی. جی به دست بودند.

- حل نشدن مسائل و اختلافات موجود در این واحد از طرف تیپ، منطقه و رده بالاتر.

قوت: - شجاعت افراد واحد اطلاعات - عملیات در مورد جمع آوری شهدا در روز روشن؛ عملکرد این واحد در عملیات زید به عنوان راهنما و کمک به عملیات.

- به رغم نوبت بودن تیپ با این حال اطلاعات - عملیات آن در حد تیپ توانست خوب کار کند بجز در منطقه زید که تا حدی اجتناب ناپذیر بود.

پیشنهاد: - هماهنگ شدن تیپ با نیروهای اطلاعات. عملیات در حالت کنونی که نیروها جدید هستند و طبعاً با هم ناهماهنگ هستند و بالا بردن سطح کیفی نیروها و آموزش آنها.

- در حل اختلافات این واحد راه صحیحی ارائه و اتخاذ نشد هر چند فرماندهی تیپ نباید تضعیف شود و نیروهایی که با فرماندهی هماهنگ نیستند ولو آنکه مخلص باشند اما اختلاف سیلقه و یا اختلاف نظر دارند باید بروند... اما نه به گونه ای که همه اخراج شوند و به منطقه گزارش داده شود و یک سری برخورد تند که خدای ناکرده هوای نفس هم دخالت بکنند. این عمل ضعیف به نظر می رسد.

- هیچ گاه صحیح نیست تمام نیروهای یک واحد که حاصل تجارب آن واحد است بروند و واحد دوباره از صفر شروع کند. نیروهای بی تجربه باید در کنار نیروهای باتجربه کسب تجربه کنند نه اینکه نیروهای بی تجربه با مسئول واحد کم تجربه اطلاعات عملیات تیپ که حساسیت آن بر کسی پوشیده نیست، ادامه و اداره کار اطلاعات عملیات را به عهده بگیرند.

پیشنهادهای و نظرات کلی بر سازمان رزمی

تیپ عاشورا با آنکه اسماً یک تیپ با سابقه در عملیات ها بود اما به شکل منطقه ای، برای اولین بار در عملیات رمضان تجربه می شود؛ لذا از جهاتی دارای نقاط قوت و ضعف بود، اما در کل تیپ موفقی بود و با کادرسازی و کار بیشتر می تواند بهتر از اینها درخشش داشته باشد. در زیر ضعف های کلی این تیپ که باید در روند پیشرفت تیپ مورد توجه قرار گیرد، ذکر می شود:

اضافه خواهد شد. این نیروها تجربه کار اطلاعات - عملیات را ندارند و تعدادی از آنها تا به حال به جبهه نیامده اند، بدین طریق کار اطلاعات عملیات قبلی که آن مشکلات را داشت مبدل به نیروهای تازه نفس و بی تجربه شد که بتواند در آینده واحد اطلاعات - عملیات با مسئولیت برادر شجاعی فر و نیروهای جدید با تیپ هماهنگ باشد.

در کل عملکرد این واحد با وجود داشتن این جریانات به این شکل بود که شناسایی در محدود عملیاتی تعیین شده قبلی انجام شد و دیدبانی هم در کارش موفق بود اما در منطقه بالا (زید) که تیپ برای مرحله دوم مامور شده بود اطلاعات - عملیات توفیق چندانی نداشت. لازم به توضیح است که بعد از عملیات مرحله چهارم (شلمچه) در روز بعد از آن اطلاعات عملیات در روز روشن توانستند تعدادی از اجساد شهدا (بیش از ۲۵ تن) را به پشت خط انتقال بدهند و این از جمله عملکرد مثبت و توأم با شجاعت آن نیروها بود. با وجود اختلاف بین نیروها و مسئول واحد که او را قبول نداشتند و تیپ هم نمی توانست با آن نیروها کار بکند، نهایت این شد که دفتر فعالیت اطلاعات عملیات تیپ با آن ترکیب بسته شود و نیروهای آن به منطقه بروند و تعدادی از آن نیروها می گفتند دوباره می آییم و به عنوان رزمنده ساده در عملیات شرکت می کنیم.

۵-۴) نقاط ضعف، قوت و پیشنهاد

ضعف: - ضعف مسئول واحد (برادر شجاعی فر) به علت اینکه یک نیروی مخبراتی بود و ضمناً برخورد صحیحی با نیروها نداشت و بیشتر از موضع بالا به شکل دستوری بود. - ضعف فرماندهی (معاون) در حل صحیح جریانات این واحد. - ضعف برخورد نیروها اطلاعات - عملیات با تیپ که یک حالت بدبینی بر آنها پیش آمده بود.

- ضعف در شکل گیری واحد، به علت اینکه فرد خاصی مسئولیت آن را به عهده نداشت و صرفاً به آن به عنوان اینکه این واحد باشد و کاری انجام دهد، نگاه می کردند و لذا برای آن تشکیلات دقیقی قائل نبودند.

- ضعف فعلی اطلاعات - عملیات به علت عدم تجربه نیروها در امر اطلاعات - عملیات.

- ضعف اطلاعات - عملیات در عدم شناسایی در محور زید به علت فرصت کم و وجود اختلاف در واحد.

۱-۵) عملکرد

تیپ نوپا بود و بهداری کارش را از صفر شروع کرد، چون وسایل و امکانات تیپ عاشورای سابق به طور کامل تحویل این تیپ نگردید. لذا بهداری تیپ فعالیت و کار را از ابتدا شروع کرد و در هنگام پدافندی اتاق بهداری در اهواز کار جزئی رزمندگان را رسیدگی می کرد یا نیروهایی که بیمار می شدند و به پزشکان بیرون مراجعه می کردند، برای مرخصی و یا استراحت نیرو بهداری آن را گواهی می کرد که توسط آن نیروها بتوانند از اعزام نیرو برگه مرخصی و یا استراحت و تسویه حساب بگیرند.

در حالت آفندی در هر دو مرحله عملیات، بهداری شرکت داشت. ابتدا که قرار بود در محور شلمچه عملیات شود بهداری مقرر خود را در نزدیکی خط ایجاد کرد و خود را آماده عملیات کرده بود که گفته شد بالا عمل کند. لذا بهداری وسایلش را بالا (زید) برد و چادری در آنجا زد که بعداً لشکر به بهداری تیپ عاشورا گفت برای عملیات بهداری، تیپ علی بن ابیطالب اقدام می کند و لازم نیست بهداری عاشورا لوازم و امکانات خود را بیاورد و تنها مسئول تدارکات و اعزام نیرو و مسئول اورژانس در بهداری علی بن ابیطالب مستقر باشد ولی در شب عملیات گفتند نیرو نیاز است چند تا از نیروها را اعزام کردند.

بعد از عملیات بالا، تیپ سریعاً به پایین (شلمچه) انتقال پیدا کرد، بهداری دوباره تمام وسایل و امکانات را به پایین منتقل کرد. برای عملیات پایین بهداری خوب کار کرد، طبق تشکیلات و تقسیماتی که در گزارش آمده لشکر نیز از لحاظ امکانات ماشین، راننده، پزشک یار و پزشک به تیپ کمک کرد و بهداری توانست تا ساعت ۱۰ صبح نسبتاً خوب فعالیت بکند و ساعت ۱۰ صبح بهداری از نیرو خالی شد و نیروها به خرمشهر یا اهواز منتقل شدند.... البته پزشکان و نیز اتوبوس هایی که برای حمل مجروحین، لشکر در اختیار تیپ گذاشته بود ۴۸ ساعته بود و ساعت ۱۰:۵۰ صبح، بهداری را ترک کردند.

۲-۵) ضعف، قوت و پیشنهاد

ضعف: - جابه جایی بهداری تیپ به بالا و پایین که طبعاً باعث ضعف تیپ می شود مثل سردرگمی و شدت گرفتن حجم کار.

۱- مسئله ریشه کن کردن احساسات ناسیونالیست منفی

و منطقه گرایی

به علت قوی بودن زمینه های ناسیونالیستی در منطقه آذربایجان از یک طرف و مقابله بعضی از شهرها و استان ها نسبت به هم همچون اردبیل نسبت به تبریز و ارومیه نسبت به تبریز و... این موضع گیری ها گاهی پیش آمده و می آید و باعث می شود که در قضاوت ها دچار اشتباه بشوند. فرماندهان منطقه و نیز تیپ آن منطقه باید دقیقاً این ریشه اختلافات فرهنگی را بشناسند و خود به مقابله با آن برخیزند و دسته بندی و جناح بندی نه در منطقه و نه در تیپ که مثلاً نیروها از یک شهر بخصوصی و یا از استان بخصوصی باشد که این ناخود آگاه تأثیر منفی بر روی نیروها دارد که به این مساله دقیقاً باید توجه شود.

۲- ضعف تشکیلات به طور عام در تیپ

این تیپ به علت نوپا بودن و اینکه اولین بار است که منطقه ۵ تیبی را تحویل می گیرد، ضعف تشکیلات در آن به چشم می خورد و عنصرهای ستادی تیپ از بابت تشکیلات ضعیف بودند و در توجیه نیروها هم اشکالاتی به چشم می خورد. مواردی که می توان به ضعف تشکیلاتی استناد کرد عبارتند از: الف. ضعف ستاد تیپ: در انسجام و هماهنگی واحد به طوری که فرماندهی اتکاء به ستاد نداشت و خود را مجبور می دید که در امور پیگیر باشد.

ب. جوان بودن ستاد: عنصرهای ستادی نوعاً جوان و بی تجربه بودند و افراد محکم و مقاومی انتخاب نشده بود در بین آنها ناهماهنگی به چشم می خورد مثلاً پرسنلی، معاون، اعزام نیرو، آموزش و اطلاعات - عملیات و....

ج. عدم توجیه تیپ و ستاد بخصوص در امور در توجیه نیروها: ستاد و واحدهای ستادی در این زمینه ضعیف عمل کردند و حتی در برخورد ها ضعیف بودند و برخوردها تند بود و از این لحاظ نیروها ناراحت بودند ضمن اینکه بعضی از برادران مسئول منطقه هم برخورد خوبی نداشتند.

۵) بهداری

بهداری با تیپ ۱ مشترک بود که قرار بود کلیه امکانات بهداری تیپ عاشورا را تدارکات ارتش تأمین کند که انجام شد و برای عملیات دو پزشک در اختیار تیپ گذاشته شد.

گردان‌ها

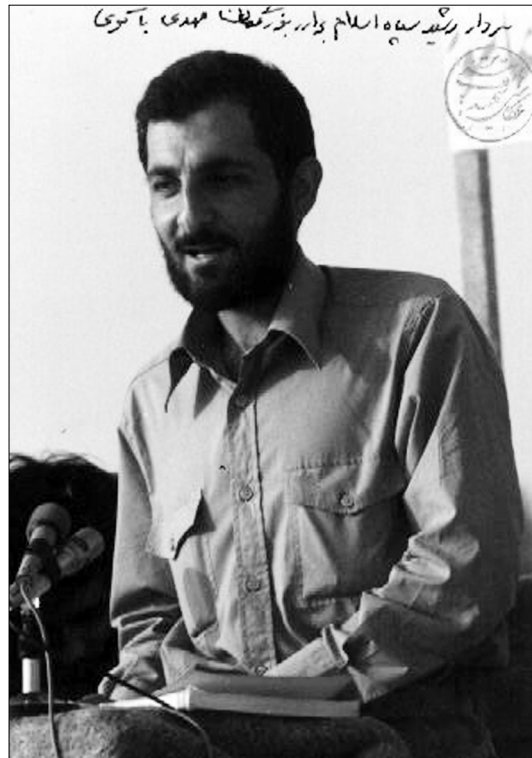
استعداد گردان‌های رزمی تیپ عاشورا ۶ گردان پیاده بود که یک گردان آن به نام گردان شهید مدنی به شکل پیاده مکانیزه پیش‌بینی شده بود. دو گردان مستقل به نام‌های امام صادق (ع) و المهدی (ع) و ۳ گردان ادغامی با تیپ لشکر ۲۱ حمزه به نام‌های مصطفی خمینی، امام حسین (ع) و بعثت، گردان‌های پیاده تیپ عاشورا را تشکیل می‌دادند.

۱) گردان شهید مدنی

فرمانده گردان شهید مدنی برادر رهبری بود. ایشان به مدت شش ماه تجربه عملیاتی در جبهه دارد. از قبل، فرمانده گروهان و گردان و معاون ایشان برادر سبزی هستند. سازماندهی تیپ طوری بود که در گردان‌ها تعدیل و تقسیم بر اساس کارایی و استعدادها بود، لذا کارایی گردان‌ها دارای مراتبی بود؛ مثلاً گردان شهید مدنی بهترین گردان از لحاظ کادر و کارایی بود. نیروهایش در سه مرحله عملیات بیت المقدس شرکت داشتند. در فتح المبین هم این گردان سابقه داشت و تا سطح دسته از اعضای سپاه بود. ضمناً این گردان رزمی هم بود که با پی‌ام پی و ۷ الی ۸ دستگاه تانک آماده مأموریت بود. این گردان از عملیات خرمشهر باقی مانده بود و نیروهایش مشکلات مرخصی و تسویه حساب داشتند. تیپ گفته بود نمی‌توانم به کسی مرخصی بدهم و یا تسویه حساب بشود، لذا نیروهای این گردان از این لحاظ خسته بودند. از لحاظ کارایی، نیروهای مجربی بودند و تیپ هم روی این گردان حساب می‌کرد. این گردان قرار بود با ارتش همکاری کند اما در عملیات زید، این گردان مدتی به شکل مستقل عمل کرد و خط شکن هم بود که ضربات و لطامات زیادی خورد. فرمانده گردان شهید، و معاون او نیز زخمی شد و گردان بعد از عملیات متلاشی شد و نیروهای باقی مانده جهت بازسازی به اهواز باز گردانده شدند. آمار تلفات گردان مدنی بعد از عملیات، به شرح زیر است (البته آمار دقیقی نیست): تعداد مجروحین: ۹۵ نفر، مفقودین: ۵۵ نفر، شهدا: ۱۲ نفر

۲) گردان بعثت

فرمانده گردان بعثت برادر کریم فتحی بود. ایشان در عملیات‌های قبل هم شرکت داشته و تجربه عملیاتی دارد. در این گردان یک چهارم گروهان افراد با تجربه و



- جان‌یفتادن کار تشکیلاتی در بهداری بدین صورت که مشخص نبود چند پزشک یار و امدادگر دارند.

- عدم همکاری فعال تیپ ۱ ارتش، به طوری که از مکان و امکانات بهداری تیپ عاشورا استفاده می‌کرد.

- در روز بعد از عملیات از ساعت ۱۰ صبح به بعد هلی کوپتر و اتوبوس‌ها بهداری را ترک کردند و از پزشکان نیز به جز یکی بقیه رفته بودند و اگر پاتکی انجام می‌شد چه کسی باید جوابگو می‌بود (به طوری که گفته شد مأموریت آنها ۴۸ ساعته بود).

- ضعف تبلیغات و نماز جماعت و غیره در مقر بهداری.

قوت: در جمع بندی عملکرد واحد بهداری تیپ می‌توان گفت فعالیت آن در حد انتظار بود.

پیشنهاد: - در مورد وضعیت بهداری ادغامی ارتش و سپاه باید تقسیم امکانات و فعالیت‌ها بشود نه اینکه یک نیرو از تمام امکانات تیپ دیگر استفاده کند.

- وضعیت امکاناتی که لشکر در اختیار تیپ می‌گذارد و وضعیت مانور کردن نیرو و امکانات دو تیپ طوری عمل شد که پیشگیری پاتک‌ها بشود.

مدنی، قرار بود که گردان امام حسین (ع) از سمت راست حرکت کند و به اهداف خود برسد که ضمن عملیات نتوانست به اهداف اصلی خود برسد و طبق آمار اولیه ۳ شهید، ۲۱ مفقود و ۵۹ زخمی داد و عملیات دوم احتیاط بود. فرمانده گردان در حال حاضر تسویه حساب کرده که علت آن مساله ای بود که بین او و برادر باکری بود. ظاهر آیشان در شب عملیات نیروها نبوده و در اطاق فرماندهی ارتش بود.

۵) گردان المهدی (ع)

فرمانده گردان المهدی برادر حسین خوئی است که نیروهای این گردان اغلب از نیروهای جدید هستند. برادر خوئی قبلاً فرمانده گروهان بود، این گردان یک گردان مستقل بود.

در عملیات زید قرار بود بعد از عبور گردان مصطفی خمینی و بعد از شکستن خط توسط گردان شهید مدنی، این گردان نیز عملیات را انجام دهد، که کلاً در آن عملیات نتوانست خوب وارد عمل شود که نیروها برگشتند و نیروهایش فوری پراکنده بود.

از عملیات شلمچه قرار بود این گردان بعد از شکستن خط توسط تیپ امام رضا (ع)، در سیل بند عرایض از خط عبور بکند و به سمت غرب در کنار نیروهای عاشورا در پشت کانال بزرگ آرایش بگیرد و آن منطقه را پاکسازی کند که چون تیپ امام رضا (ع) نتوانست خط را بشکند تا صبح در آن منطقه تجمع نیرو بود و با همکاری مسئول خط تیپ عاشورا و فرماندهان تیپ امام رضا (ع) بالاخره نیروها ماندند.

۶) گردان امام صادق (ع)

فرمانده گردان امام صادق (ع) برادر دولت آبادی بود. این گردان هم یک گردان جوانی بود و نیروهایش جدید بودند. اماموریت این گردان در عملیات شلمچه این بود که بعد از شکستن خط توسط گردان مصطفی خمینی، گردان امام صادق (ع) از خط عبور کند و به سمت شمال در امتداد کانال آب که از طرف کرد سواری به سمت کانال های ماهی گیری پدافند بکند که تجمع زیاد دشمن و آتش شدید او مانع پیشروی و عبور صحیح این گردان م شد. این گردان حدود ۹۱ نفر زخمی و ۶۳ نفر مفقود داشت.

عملیات دیده حضور داشتند. فرماندهان دسته هم از کسانی بودند که حداقل یک بار به جبهه آمده بودند. نیروهای این گردان تقریباً جدیدند. این گردان در عملیات شلمچه به عنوان احتیاط بوده و حدود ۲۱ شهید و ۴۲ زخمی دارد. فرمانده گردان هم زخمی شد و این گردان هم برای بازسازی به ستاد تیپ در اهواز رفت.

۳) گردان مصطفی خمینی

فرمانده گردان مصطفی خمینی برادر کامران ملک پور بود که عضو نیروی هوایی و به عنوان مامور، بسیج و سربازی به جبهه آمده بود. ایشان در عملیات فتح المبین مسئول دسته بود، در بیت المقدس فرمانده گروهان بود و قبلاً هم خمپاره انداز بود. معاون ایشان هم به مدت ۱۴ در جبهه بود اما به سبب مدیریت بهتر برادر ملک پور ایشان فرمانده گردان بودند (این گردان یک گردان ادغامی با ارتش بود و در دو عملیات زید و شلمچه شرکت داشت. در زید بعد از شکستن خط توسط گردان مدنی، این گردان باید از خط عبور می کرد که عملاً در آن عملیات موفقیت چندانی نداشت، در آن عملیات طبق آمار ناقص اعزام نیرو، این نیرو ۳ شهید، ۱۲ زخمی و ۴ مفقود داد.

در عملیات شلمچه این گردان خط شکن بود (با آنکه یک گردان ادغامی بود) خط را شکست ولی نتوانست چندان جلو برود و برادر ملک پور در پشت بیسیم با کشف می گوید: به ما خیانت شده و آنها نیامدند (نیروهای ادغامی ارتش) و می گوید تمام ما از بین رفتیم.... در این عملیات، فرمانده گردان بالاخره شهید می شود و طبق آمار اولیه ۱۰ شهید، ۱۰۷ زخمی و ۵۶ مفقود می دهد و این گردان هم تلاشی می شود.

۴) گردان امام حسین (ع)

فرمانده گردان امام حسین برادر داود نوشاد است که قبلاً فرمانده گردان شهید قاضی بود. معاون ایشان برادر لزومی بود و این گردان به نسبت کارایی گردان ها بعد از گردان شهید مدنی و مصطفی خمینی، در رده سوم قرار دارد. نیروهایش اکثراً از نیروهای جدید بودند این گردان یک گردان ادغامی بود و در دو عملیات شرکت داشت. در عملیات زید با شکستن خط توسط گردان شهید

تاکتیک دفاعی عراق در عملیات رمضان*

یکی از اقدامات اساسی ارتش عراق در حذف‌فصل عملیات بیت المقدس تا رمضان در شرق بصره، طراحی و ایجاد خطوط پدافندی مثلثی شکل بود. اتخاذ این تاکتیک دفاعی تا حدود نسبتاً زیادی در کندی و متوقف ساختن پیشروی رزمندگان اسلام مؤثر واقع شد. اگرچه واحدهای اطلاعاتی ایران قبل از آغاز عملیات رمضان از وجود چنین مانعی در برابر خود، آگاهی یافته و طی نامه‌ای اطلاعات به دست آمده از سوی عناصر شناسایی را به یگان‌های عمل کننده، اعلام نمودند اما ظاهر آن چنان که باید و شاید این مانع و چگونگی عبور از آن مورد توجه نیروهای یگان‌های عمل کننده واقع نشده و این مسأله در عمل مشکلاتی را برای رزمندگان اسلام به وجود آورد. سند ذیل اشاره به مشخصات و ویژگی‌های موانع پدافندی مثلثی شکل ارتش عراق دارد که از سوی معاونت اطلاعات عملیات قرارگاه نصر، حدود ۱۰ روز قبل از آغاز عملیات رمضان به یگان‌های تابعه خود ابلاغ شده است.

موضوع: نحوه پدافند دشمن طبقه بندی:
شماره سری: ۰۱۶۰۷۹ ارجحیت:
فرستنده: ق ل ۵ نصر. ط. ع شماره: ۱۵۱۰
گیرنده: گیرندگان تاریخ: ۶۷/۴/۱۲
پیوست: یک برگ

ضمن سلام و دعا؛ به پیوست یک برگ شکل پدافند مثلثی ارسال می گردد. لازم به ذکر است که در این نوع پدافند در هر مثلث یک گروهان تانک (۱۹ دستگاه) مستقر می شود که هر ۳ دستگاه تانک به نوبه خود در گوشه مثلث مستقر می شوند. خاصیت این نوع موضعگیری این است که از هر جهت به این نیروها حمله شود. ۶ تانک همزمان به روی او اجرای آتش

سال ششم □ شماره بیست و پنجم □ تابستان ۱۳۸۷

عملیات رمضان در آئینه آمار*



با سلام؛

پیرو تلفنگرام شماره ۷-۸۰-۱۳-۲-۶۱/۶ کالک پنج مرحله ای عملیات رمضان و یک برگ توضیحات لازم به پیوست ۲ برگ آمار تلفات و ضایعات نیروهای خودی و دشمن جهت بهره برداری ارسال می گردد و لازم به ذکر است که مطالب درخواستی در مورد سه عملیات فتح المبین، بیت المقدس و طریق القدس در واحد طرح و برنامه عملیات مرکز موجود می باشد که این مطلب طی تماس با برادر کنعانی اعلام گردیده است.
ف. قرارگاه مرکزی کربلا (سپاه)
برادر محسن رضایی؛ از طرف: رشید علی نور

موضوع: آمار شهدا و مجروحین

طبقه بندی: بکلی سری

شماره سری: ۰۱۶۵۴۶

ارجحیت: فوری

فرستنده: قرارگاه مرکزی کربلا (سپاه)

شماره: ۸۵۰۱۵۴۲

گیرنده: فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

تاریخ: ۶۱/۵/۱۰

پیوست: ۲ برگ؛ ۱ برگ توضیح و ۱ برگ کالک عملیات

* از اسناد آرشیو مرکز اسناد دفاع مقدس

جدول (۱) آمار شهدا و مجروحین، مفقودین و اسرای عملیات رمضان

مراحل عملیات	وضعیت	قرارگاه فتح	قرارگاه نصر	قرارگاه فجر	قرارگاه قدس	جمع
مرحله اول	شهید مجروح مفقود و اسیر	۳۵۰ ۲۵۴۲ ۵۵۰	- - -	۲۷۵ ۱۲۶۰ ۷	- - -	۶۲۵ ۳۸۰۲ ۵۵۷
مرحله دوم	شهید مجروح مفقود و اسیر	۱۴۸ ۹۳۶ -	۱۰۳ ۴۹۷ ۲۵۰	۴ ۴ -	- - -	۲۵۵ ۱۴۶۴ ۲۵۰
مرحله سوم	شهید مجروح مفقود و اسیر	۵۰ ۹۳۹ -	- - -	۵۵ ۲۲۰ ۲۰	- - -	۱۰۵ ۱۱۵۹ ۲۰
مرحله چهارم	شهید مجروح مفقود و اسیر	- - -	۴۷ ۶۶۷ ۳۹۷	- - -	- - -	۴۷ ۶۶۷ ۳۹۷
مرحله پنجم	شهید مجروح مفقود و اسیر	۲۹۶ ۲۱۴۱ ۵۰۰	- - -	۷۲ ۲۷۲ ۷۸۰	۱۸۰ ۷۰۰ ۳۰۰	۵۴۸ ۳۱۱۳ ۸۷۸

جمع کل آمار: شهدا، مجروحین، مفقودین و اسرای عملیات رمضان: شهید ۱۵۸۰؛ مجروح ۱۰۲۰۵؛ مفقود و اسیر ۲۱۰۳

جدول (۲) جدول انهدام دشمن در مراحل مختلف عملیات رمضان

مراحل عملیات	وضعیت	قرارگاه فتح	قرارگاه نصر	قرارگاه فجر	قرارگاه قدس	جمع
مرحله اول	کشته و زخمی تانک و نفربر اسیر	۱۳۰۰ ۷۰ ۷۵۰	عملیات نداشته است	۴۱۰ ۶۰ ۱۰۰	نامعلوم	۱۷۱۰ ۱۳۰ ۸۵۰
مرحله دوم	کشته و زخمی تانک و نفربر اسیر	۷۰۰ ۱۰۲ -	نامعلوم ۱۴ -	عملیات نداشته است	عملیات نداشته است	۷۰۰ ۱۱۶ -
مرحله سوم	کشته و زخمی تانک و نفربر اسیر	۲۱۰۰ ۱۴۲ و ۴۵۱ ۲۵۹	عملیات نداشته است	۴۵۰ ۹۰ ۱۹	عملیات نداشته است	۲۵۵۰ ۶۸۳ ۲۷۸
مرحله چهارم	کشته و زخمی تانک و نفربر اسیر	عملیات نداشته است	۵۰۰ ۲۰	عملیات نداشته است	عملیات نداشته است	۵۰۰ ۲۰ -
مرحله پنجم	کشته و زخمی تانک و نفربر اسیر	۷۰۰ ۲۵ ۱۸۰	عملیات نداشته است	۲۴۰ ۱۰۳ ۷	عملیات نداشته است	۹۴۰ ۱۲۸ ۱۸۷

جمع انهدامی عملیات رمضان: تانک و نفربر ۱۰۷۷ دستگاه؛ کشته و زخمی ۶۴۰۰ نفر؛ اسیر ۱۳۱۵ نفر

تحلیل نبردهای شرق بصره*

پس از تجاوز رژیم بعثی عراق به ایران، عملیات رمضان اولین عملیات رزمندگان اسلام در خاک عراق بود. به همین دلیل این عملیات و رخدادهای آن، درس ها و نکات آموزنده فراوانی برای ارتش عراق داشت. با توجه به روندی که در سری جدید انتشار فصلنامه نگین ایران شروع شده، در این شماره نیز دو سند از اسناد عراقی مرتبط با عملیات رمضان جهت اطلاع خوانندگان گرامی درج شده است. سندی که ترجمه آن تقدیم می شود، به طور دقیق چهار ماه پس از عملیات رمضان از سوی فرماندهان ارتش عراق به یگان های تابعه صادر و از آنها خواسته شده که افسران و پرسنل خود را نسبت به مفاد آن آگاه سازند.

*از اسناد آرشیو مرکز اسناد دفاع مقدس

۱۲۱



قسمتی از تحلیل نبردهای شرق بصره و درس های استنباط شده:

۱) نبردهای روز ۱۳۶۱/۴/۲۷

در ساعت ۵:۰۰ تیپ ۴ از نشوه
سوی منطقه پاسگاه وسطی
حرکت نمود.

۲) نبردهای روز ۱۳۶۱/۴/۲۸

الف) در ساعت ۴۵:۵۰ آتش
تهیه به منظور پشتیبانی از
عملیات تیپ ۴ جهت بازپس
گرفتن سیلبندهای مرزی بر
مواضع سابق گردان ۱ تیپ ۴۱۹
اجرا شد.

ب) در ساعت ۶:۳۰ گردان های تیپ به منظور
اجرای ماموریت شروع به پیشروی کردند.

ج) در ساعت ۸:۱۵ دشمن ایرانی بر اثر فشار تیپ ۴
شروع به عقب نشینی نمود. به طوری که ۱۲۰۰ - ۱۳۰۰
پاکسازی شد.

د) در ساعت ۸:۵۰ به تیپ ۱۶ زرهی و تیپ ۱۵ دستور
داده شد که با فشار آوردن به دشمن و افزایش حجم آتش
به تیپ ۴ کمک کنند.

ه) در ساعت ۹:۳۰ به علت مقاومت سرسختانه
دشمن و تمرکز آتش توپخانه وی بر تیپ ۴ این تیپ از
ادامه پاکسازی سیلند مرزی بازماند.

و) در ساعت ۱۳:۰۰ فرمانده تیپ ۴ خواستار به تأخیر
انداختن عملیات جهت اجرای طرح شبانه به منظور
عقب نشاندن دشمن شد و لشکر با توجه به خسارات زیاد
وارد به گردان های این تیپ موافقت خود را اعلام کرد.

ز) در ساعت ۲۱:۰۰ تیپ ۴ با استفاده از پشتیبانی
تیپ های دیگر شروع به اجرای طرح پاکسازی سیلند
نوار مرزی نمود.

۳) نبردهای روز ۱۳۶۱/۴/۲۹

الف) در ساعت ۲:۰۰ گارد ۲ تیپ ۴ به سیلند منقطع

رسیده و با مقاومت سرسختانه مواجه شد.

ب) در ساعت ۳:۰۰ آقای رئیس جمهور در تماس با
فرمانده لشکر، وضعیت تیپ ۴ را جویا شد که گزارش
داده شد وضعیت تیپ ۴ تا این لحظه خوب است ولی
همچنین از شهادت فرمانده تیپ ۱۵ اظهار تأسف کرد.

ج) در ساعت ۴:۴۵ گردان ۳ تیپ ۴ مبادرت به
تکمیل عملیات پاکسازی نمود که در ساعت ۵:۰۶ با
مقاومت سرسخت دشمن مواجه شد.

د) در ساعت ۶:۳۰ دشمن پاتک خود را بر گردان ۳
تیپ ۴ انجام داده که متعاقباً پشتیبانی هلیکوپتر و
جنگنده ها درخواست شد.

ه) در ساعت ۸:۱۵ یک گروهان از گردان ۵ تانک به
همراه یک گروهان کماندو از تیپ ۴ پ به منظور حفظ
سیلند عمودی شکل حرکت داده شد.

و) در ساعت ۱۴ عملیات پاکسازی توسط تیپ ۴ به
علت مقاومت سرسخت دشمن متوقف شد.

ز) در ساعت ۱۸:۳۵ دشمن پس از اجرای شدید آتش
تهیه، پاتکی علیه تیپ ۴ انجام داده و از آنجایی که تیپ
مزبور در اثر آتش تهیه، متحمل خسارات زیادی شده
بود قادر به حفظ و پاسداری از مواضع خود نگردید لذا
به آن دستور داده شد که به وسیله نیرویی به استعداد یک
گردان بر روی سیلند نوار مرزی جلوی پاسگاه وسطی

ن م دشمن را از خط دوم پدا فندی قرارگاه تیپ ۴ به بیرون برانند.

پنجم. در ساعت ۲:۳۰ مورخه ۵/۸ تیپ ۶۰۲ به ما اطلاع داد که نیروهای دشمن از قرارگاه تیپ ۴ به سمت جناح چپ آن تیپ که محل استقرار گردان ۲ تیپ ۶۰۳ می باشد، در حال نزدیک شدن است.

۶) درس های استنباط شده و آموزنده

الف: تأمین جناح ها

خطوط حد یکی از اهداف اصلی دشمن بوده و هست. وی سعی می کند با استفاده از ضعف هایی که ممکن است در این خطوط موجود باشد، به اهداف خود دست یابد و نیز مشاهده شده که دشمن به طور چشمگیری از برخی موفقیت ها به منظور پیشبرد آنها بهره برداری می نماید و این منجر به کشف جناح های تیپ های دیگر و در معرض تهدید قرار دادن آنها می گردد. این حالت در مورد لشکر ۹ زرهی اتفاق افتاد. به همین دلیل نیاز ضروری و مبرمی به فراهم آوردن یگان های بزرگتر از سازمان معمول جهت مقابله با وضعیت های فوق احساس می شود و اگر این عمل مقابله به صورت یک مأموریت اصلی به آنها واگذار نمی شود، باید در ردیف وظایف دارای حق تقدم قرار گیرد.

این امر مشروط بر تعیین خطوط سد در جناح ها است و ضمن علامتگذاری آن خطوط، تمریناتی بر اساس آنها انجام گیرد، ضمناً اگر تعدادی سنگر معمولی در جناح ها احداث شود خوب است زیرا در موقع اشغال آنها حفاظت کافی را تأمین خواهد کرد.

ب: مواضع عمق و خطوط سد

رخنه در موضع پدافندی از امور مسلمی است که در اغلب اوقات رخ می دهد و اگر با این رخنه در مراحل اولیه اش مقابله و کنترل نشود، چه بسا منجر به وضعیت های غیرعادی و خطرناکی گردد و عواقب نامطلوبی را به دنبال آورد که نمی توان به آسانی آنها را خنثی و معالجه کرد. بدین ترتیب مواضع عمقی دارای نقش اساسی در محدود ساختن رخنه و دادن فرصت بیشتر به یگان های احتیاط جهت رسیدن به اهداف خود

و یک گردان دیگر بر روی خاکریز جانبی پاسگاه وسطی موضع پدافندی اتخاذ نموده و یک گردان نیز به عنوان نیروی احتیاط بر روی سیلند منقطع پشت پاسگاه وسطی مستقر کند. از طرفی گردان های تیپ ۱۵ به مواضع قبلی خود در پشت خاکریز منقطع که تقریباً ۸۰۰ متر از سیلند نوار مرزی فاصله دارد و در عمق احداث شده بود، باز گشتند.

۴) نبردهای روز ۱۳۶۱/۴/۳۰

تیپ ۴ پس از استقرار در موضع پدافندی جدید خود و آرامش وضعیت مبادرت به بازسازی موضع و سازماندهی گردان های خود کرد، در حالی که آتش توپخانه میان دو طرف همچنان ادامه داشت.

۵) نبرد روز ۶ و ۷/۵ لغایت ۱۳۶۱/۱/۵/۹

وضعیت: الف) خودی

اول. موضع پدافندی لشکر به مناطق زیر تقسیم شد:
۱. منطقه تیپ ۴۶ از خط شمالی ۱۸ تا ۱۴ امتداد داشته و یک گردان از تیپ ۴ نیز زیر امر خود دارد.
۲. گردان ۲ و ۳ تیپ ۴ به اضافه قرارگاه تیپ در خط پدافندی دوم از خط شمالی ۱۷ تا خط شمالی ۱۲ مستقر می باشند.

ب) جریان نبرد

اول. در ساعت ۲۳:۵۰ به تیپ ۴ و فرمانده گردان شناسایی، دستور داده شد تا به منظور نگهداری مواضع خود در خط پدافندی هماهنگی لازم را به عمل آورند.
دوم. در ساعت ۱:۵۷ فرمانده لشکر از فرمانده تیپ ۱۰۱ خواست که یک نیروی سازمان یافته به منظور تقویت تیپ ۴، جمع آوری و به منطقه خط دوم آن تیپ اعزام نماید؛ زیرا دشمن توانسته در مواضع آن تیپ نفوذ کند.

سوم. در ساعت ۸:۴۰ دشمن قرارگاه تیپ ۴ و مواضع گردان ۲ آن تیپ را به تصرف خود درآورده و از سرنوشت فرمانده تیپ هیچ اطلاعی در دست نیست.
چهارم. در ساعت ۳:۱۵ به تیپ ۲۰ دستور داده شده که با هماهنگی تیپ ۱۰ زرهی گردان شناسایی و گردان ۹

ه: خاکریزها

مادامی که بر انبوه آتش به ویژه آتش های توپخانه در انهدام دشمن تکیه شود، لذا باید دشمن را از استفاده از هر پوشش قابل استفاده محروم کرده بدین معنی که عملیاتی که خاکریزها در آن به کار می روند و نیز محور خاکریزها از میدان نبرد امری ضروری و حائز اهمیت است.

و: مقابله با نفوذی ها

دشمن بر روش اعزام گروههای نسبتاً کوچک به عقبه مواضع خودی به منظور حمله به قرارگاه ها و مواضع عقبی و مناطق توپخانه تکیه نموده و هدف اصلی او دستپاچه ساختن نیروها می باشد؛ همانند آنچه که در نقاط آماد و پشتیبانی برخی از گردان های تیپ ۲۶ زرهی و تیپ ۲۰ اتفاق افتاد، مقاومت این نقاط آماد و پشتیبانی ضامن انهدام دشمن نفوذ کرده می باشد، علیرغم اینکه با مشکلات جهت یابی مواجه خواهیم شد و این امر عملاً اتفاق افتاد و اغلب افراد نفوذی کشته و دستگیر شدند و بخشی از آنها بر اثر تأمین امنیت محلی آگاهی و مقاومت روحی رزمندگان در مواضع مانده و گم شده بودند.

ز: کمبود یگان ها جهت نگهداری موضع پدافندی

لذا دانستیم که وسعت جبهه لشکر در حدود ۳۲ کیلومتر و یگان های تعیین شده جهت نگهداری آن تا قبل از ۱۳ ژانویه عبارت بوده از:

۱. تیپ ۴۱۶ به اضافه یک گردان و تیپ ۲۰ پیاده مکانیزه به اضافه دو گردان که این یگان ها برای مأموریت مناسب نمی باشند و تیپ ۱۵ منهای ۲ گردان و تیپ ۲۶ زرهی منهای یک گردان در احتیاط، برای تأمین درخواست های جبهه کافی نبودند. اما قبل از ۲۸ ژانویه از لحاظ تعداد، تیپ ها زیاد بودند ولیکن قدرت رزمی آنها در سطح پایین قرار داشت. چون متحمل خسارات زیادی شده بودند شرایط اجازه نداد که آنها را تجدید سازمان نمائیم و اگر بخواهیم نیاز واقعی خود را از لحاظ نیرو محاسبه کنیم، درمی یابیم که درست به دو برابر نیروی موجود نیاز داریم؛ زیرا اگر بدانیم جبهه موضع پدافندی توسط ۶ تیپ اشغال می باشد، بدین معنی که در

می باشند، علاوه بر آن قرارگاه های جلویی را قادر می سازند تا بر واحدهایی که در آنها رخنه واقع شده کنترل داشته و جناح های آنها و نیز مواضع عمق و همین طور ممکن است مواضع عمق یگان های جلویی را تقویت کنند.

ج: نقش توپخانه

چنانچه انبوه آتش توپخانه بر روی هدف معین متمرکز شود، دارای ویژگی خاصی است. همچنین مانور با آتش توپخانه از منطقه ای به منطقه دیگر امری ضروری جهت تأمین اصل انبوه اش می باشد، لذا نقش توپخانه در پشتیبانی یگان های خودی و تار و مار کردن بسیاری از امواج و مراکز تجمع دشمن از برجسته ترین درس هایی است که از نبردهای شرق بصره به دست آمده؛ به طوری که تمرکز انبوه ارتش، ضامن بازپس گیری هر موضع است. البته چنانچه بتوانیم آتش سنگین و انبوهی را در زمان کمی بر منطقه محدودی اجرا کنیم.

و این امر ما را در بیشتر اوقات از به کارگیری یگان های رزمی جهت بازپس گیری زمین بی نیاز کرده و یا کار آنان را بسیار آسان می نماید.

د: کنترل زمین ممنوعه

تأمین موضع پدافندی هدف هر پدافندکننده ای است و به این امنیت جز با کنترل زمین ممنوعه نمی توان دست یافت. مواضع مصنوعی هر چند دارای کیفیت بالایی باشند، نمی توانند نقش مورد نظر را ایفا کنند مگر اینکه خوب آماده شوند و غافلگیری را به طور نسبی تأمین نمایند، این امر فقط از طریق کنترل منطقه ممنوعه امکان پذیر است. بنابراین وجود نیروهای تأمین گشتی های فعال اگر به صورتی باشد که از سازمان معمولی تجاوز کند در جلوی مواضع پدافندی، جزئی اساسی در سازماندهی آرایش پدافندی به حساب می آید. علاوه بر آن، فعالیتهای عکس العملی مثبت و بسیار موثری در بالا بردن روحیه رزمندگان داشته و اعتماد به نفس و سلاح خود و همچنین آرامش روحی به آنها می بخشد.

فرماندهی گزارش نمایند.

ب) اقدامات سریعی در سازماندهی تیپ ۳۰ زرهی و تیپ ۱۰ زرهی اتخاذ گردید به طوریکه دو تیپ مذکور قبل از ورود به نبرد سازماندهی خود را تکمیل کردند.

ج) اقدامات سریعی در قرارگاه لشکر ۵ درباره بررسی و ارزیابی وضعیت و گرفتن تصمیمات لازم اتخاذ گردید و به سرعت مأموریت ها به تیپ ها محول شد و فرماندهان در جریان جزئیات زیر قرار گرفتند:

اول، محورهایی را باید به منظور رسیدن به مناطق خیز، مورد بهره برداری قرار دهند و سمت سیلند سوب به عنوان محور اصلی نقل و انتقال یگان ها تعیین شود.

هر ۵ کیلومتر ۱ تیپ و در عمق ۶ تیپ دیگر به عنوان احتیاط استقرار داشتند، درمی یابیم که اشغال و نگهداری آن جبهه از سوی همان تیپ ها کافی نبوده است.

۲. فرصت برای انجام هر عکس العملی کم بود، به نحوی که پس از اقدام هر فرمانده برای اجرای کار معینی، وضعیت دشمن به سرعت تغییر پیدا می کرد و فرمانده دوباره باید عکس العمل جدیدی را آغاز می کرد طوری که مستلزم تفکر سریع و پیش بینی برای مقابله با وضعیت های سخت در آینده باشد.

۳. مکانیسم نبرد با سرعت زیادی جریان داشت، فرماندهی این لشکر دستورالعملی صادر و مناطق

گسترش توپخانه را در نزدیکی منطقه کتیبان تعیین نمود و پیش از آنکه گردان ها از منطقه پدافندی شروع به حرکت به محل جدید نمایند، دستور دیگری صادر و محل گسترش توپخانه را نزدیک قرارگاه لشکر ۵ پیاده مکانیزه در نزدیکی سیلند سوب «۶۴۰۳» تعیین کرد. این امر نشان دهنده سرعت جریان مکانیسم نبرد در شب مورخه ۴/۲۲ و ۴/۲۳ می باشد، رمز پیروزی در نبرد ناگهانی اتفاقی مورخه ۶/۴/۲۳ و انهدام نیروهای دشمن در



دوم، سازمان رزمی به نحوی باشد که هر تیپ دارای ۲ گروه رزمی در خط جلو باشد تا ضربه برتر و قدرتمندی به یگان های دشمن وارد کنند.

سوم، اهداف تیپ ۳۰ زرهی و تیپ ۱۰ زرهی دارای اهداف روشنی (واضح و آشکاری) بودند و روش همکاری میان آنها به منظور انهدام دشمن توضیح داده شده بود.

چهارم، بر طرح مانور به سرکوبیدن (ضربه زدن) جناح ها و عقبه های دشمن که اساس پیروزی به شمار می رفت، تأکید کرد.

منطقه کتیبان و تعقیب آنان به سمت اولین خط پدافندی لشکر ۹ در روزهای ۲۳ و ۴/۲۴ بستگی به عوامل و اقدامات اتخاذ شده در آن موقع دارد، از جمله:

الف) اطلاعاتی که از مراجع بالا و یگان های جلویی لشکر ۹ زرهی و نیز جلوداران تیپ های زرهی به دست آمد، لبه های جلویی یگان های دشمن را به طور تقریبی در منطقه کتیبان تعیین و مشخص می نمود؛ ولی برای آشنایی به نیروی حقیقی دشمن کافی نبود لذا می بایست نیروهایی در خط مقدم جهت کسب اطلاعات از دشمن حضور و فعالیت داشته باشند و نتایج فعالیت خود را به

نبرد پدافندی

پدافند یک نوع از نبردهای جنگی است که یگان‌ها به منظور سدّ حمله برتر دشمن و وارد آوردن خسارات زیاد به وی و نیز حفظ مواضع پدافندی و به وجود آوردن وضعیت مناسب برای یگان‌ها جهت انجام حمله به کار می‌گیرند. لذا می‌بایست در موقع تصمیم به دفاع با نحوه به کارگیری یگان‌ها آگاه بوده به طوری که با بهره‌گیری آتش توپخانه، نیروی هوایی، آتش سلاح‌های خط مقدم و نیز موانع مستحکم و همکاری خوب با یگان‌های خط مقدم به نیروی مهاجم در جلوترین نقطه خسارات زیادی وارد نمود. پس از متوقف کردن او و همکاری با یگان‌هایی که در مواضع شان رخنه صورت نگرفته با انجام پاتک، دشمن را در عمق مواضع پدافندی منهدم کرد. البته انهدام دشمن با پاتک تیپ و لشکر، زمانی که نیروی وی زیاد باشد مشکل است و مقابله با رخنه و پس گرفتن مواضع، خارج از توانایی احتیاط‌های تیپ و لشکر بوده و دشمن با احتیاط‌ها با یگان‌های خط دوم برخورد کرده است. این موقع است که فرمانده عملیات پس از تعیین سمت و حساسیت حمله به وارد کردن احتیاط کل جهت انهدام دشمن که آخرین برگه می‌باشد، دست می‌زند. اما آنچه که در نبردهای شرق بصره به ویژه نبرد مورخه ۲۲ و ۱۳۶۷۴/۲۳ رخ داد، تدبیر نبرد پدافندی برای لشکری که در آن رخنه عمیق صورت گرفته بود، روشن نبود. به طوری که تدبیر نبرد به طور عملی صورت نگرفت و خلاصه، آنچه رخداد رخنه دشمن به مواضع جلو «یگان‌های خط اول» بود و عقب نشینی آن یگان‌ها به سمت تیپ‌های زرهی که در احتیاط بودند آنها خود نیز دچار فلج فکری و دستپاچگی شده بودند و لذا دستپاچگی همانا و از دست دادن فرصت طلایی برای انهدام دشمن در مقابل خط اول و دوم همان. بدین صورت مواضع مستحکمی برای دشمن بجا گذاشته شد البته آنچه می‌بایست قبل از نبرد به وجود می‌آمد، تهیه طرح نحوه انهدام دشمن بود که متضمن امور زیر باشد:

اول، تهیه طرح تدبیر نبرد پدافندی به طور روشن و واضح و تمرین یگان‌ها بر روی آن طرح که متضمن چگونگی انهدام دشمن در جلو و داخل موضع پدافندی

(د) فرماندهی لشکر اقدام مناسب دیگری به وسیله حرکت زودرس توپخانه لشکر به محل‌های جدید اتخاذ نمود؛ لذا طرح آتش پشتیبانی حمله تیپ ۳۰ زرهی و تیپ ۱۰ زرهی از لحاظ برنامه ریزی تکامل یافته بوده و به موقع اجرا شد و امتیاز مهمی به دست آوردیم که عبارت است از اینکه توپخانه ما در گشودن آتش و پشتیبانی تیپ‌های پاتک کننده از دشمن سبقت گرفت. (ه) مانور با تیپ ۱۰ زرهی و تیپ ۳۰ زرهی از جناح چپ و راست نقش مهمی در تحقق پیروزی در نبرد مورخه ۶۷۴/۲۳ داشت به طوری که یگان‌های دشمن میان چنگال‌های تیپ ۳۰ زرهی از سمت دریاچه پرورش ماهی و تیپ ۱۰ زرهی از جناح چپ قرار گرفتند. بدین جهت رهایی فرمانده ایرانی از این گرفتاری مشکل بوده مگر با مقاومت در محل خود که منجر به انهدام وی خواهد شد. یگان‌های خودی، تیپ ۳ و ۹۲ زرهی را که خط کتیبان اول را اشغال کرده بود، منهدم نمودند لذا باید بر مانور گسترده توسط یگان‌های زرهی به منظور کوبیدن جناح و عقبه‌های دشمن تکیه کرد و این امر باید در دانشگاه و دانشکده‌های ماتدریس شود. شایسته است طرح نبرد ناگهانی را به عنوان مرحله‌ای از مراحل نبرد دانست نه جزئی از مراحل حمله زیرا که اتفاق این امر ممکن است، در حال پدافند یا آفند انجام گیرد.

(و) فرماندهان، ابتکارات و اقدامات خوبی انجام داده که انهدام دشمن را تسریع بخشید، از جمله تمرکز آتش توپخانه بر محورهای اصلی حمله نیروهای خودی به ویژه تمرکز آتش بر راه تدارکاتی لشکر ۹ زرهی که دشمن نیز از آن به عنوان راه تدارکاتی استفاده نمود و پس از پایان نبرد خساراتی را که توپخانه خودی در این راه به دشمن وارد کرد، مشاهده نمودیم.

(ز) فرماندهی در این عملیات متصف به صلاحیت و اقتدار بود و نقش موثری بر رزمندگان و عزم آنها در پیروزی داشت و نیز همکاری خوب میان فرماندهی و یگان‌های اجرا کننده عملیات، یگان‌ها و هیات‌های ستادی لشکر نقش سریعی در به دست آوردن نبرد ناگهانی داشتند.

و تمرکز استحکامات و مواضع در منطقه پاسگاه زید می باشد.

دوم، نباید احتیاط های زرهی را شبانه به منظور انجام پاتک علیه یگان های دشمن که غالباً پیاده نظامی می باشند، وارد عمل کرد بلکه می بایست یگان های زرهی در موضع خود تا روشنایی اول به نبرد ادامه داده تا عملیات انهدام دشمن تسهیل گردیده و نیز در صورت نیاز پایگاه امنی را برای نیروی پاتک کننده جهت بازپس گرفتن مواضع پدافندی سقوط کرده، تأمین کند.

سوم، می باید مواضع توپخانه به گونه ای منظم شود تا بتوان به طور موثر از آن علیه یگان های زمینی به ویژه زرهی دشمن استفاده نمود و چنانچه محل خود را ترک و عقب نشینی کند، فرصت وارد آوردن خسارات فراوان به دشمن را از دست می دهد. لذا در موقع برنامه ریزی برای پدافند باید از شرکت کلیه سلاح ها در هر مرحله از مراحل تدبیر صرف نظر نکرد و نیز باید به موقع تمام تلاش توپخانه به سمت محور اصلی حمله دشمن به ویژه پاسگاه زید، منطقه ۹ زرهی و جناح راست منطقه لشکر ۵ پیاده مکانیزه متمرکز شود.

چهارم، طبیعت رزم در زمین های صحرایی باز به طور کلی با مناطق دیگر اختلاف دارد و مستلزم آموزش سطح بالا به ویژه حفظ سمت حرکت می باشد. یگان های لشکر ۹ زرهی می باید راهها را بهتر علامتگذاری کرده و حفاظت مناسب را در تقاطع های خود تأمین کنند.

پنجم، می باید حفظ و نگهداری شاهراه حیاتی کتیبان از سوی نیرویی صورت گیرد که قادر به جلوگیری از رسیدن و تصرف آن به وسیله دشمن باشد و پایگاه امنی برای یگان های پاتک کننده جهت رهایی و اجرای مرحله پاتک باشد.

غافلگیری

پاتک سریع یگان های خودی در روز مورخه ۴/۲۳ در منطقه کتیبان دارای غافلگیری قابل توجهی بود. به طوری که ابتکار عمل دشمن را که تا شب ۲۲ و ۴/۲۳ حفظ شده بود، سلب نمود. دشمن انتظار مانوری را که یگان های خودی شامل تیپ ۳۰ زرهی و تیپ ۱۰ زرهی

انجام دادند، نداشت بلکه با توجه به تجارب گذشته جنگ فکر می کرد که اقدام به تک (حمله) جبهه ای از سوی یگان های زرهی خواهیم کرد و سپس نزدیک خاکریزهای دشمن متوقف می شویم و او باید حمله خود را شب جهت انهدام بین یگان ها و وارد آوردن خسارات زیاد به آنها شروع کند. اما آنچه اتفاق افتاد برخلاف انتظار دشمن بود، یگان های زرهی جناح های باز و عقبه های دشمن را هدف قرار دادند و بدین وسیله انهدام کامل دشمن آسان شد. همچنین گسترش سریع توپخانه خودی و اجرای آتش از سوی ۶ و ۷ گردان توپخانه در جبهه محدودی باعث فلج فکری و تسهیل انهدام وی گردید.

چنانچه ضربه یگان های دشمن در مواضع ل ۹ زرهی از نقطه مستحکم مواضع تیپ ۲۶ زرهی و با استعداد دو تیپ زرهی و یک تیپ زرهی که از منطقه کتیبان حرکت می کرد، انجام می پذیرفت نتایج موثرتری به دست می آمد و یگان های دشمن که در منطقه لشکر ۹ زرهی پیشروی کرده بودند به کلی به اسارت ما درمی آمدند. اما در نبود تیپ ۱۶ زرهی که زیر امر لشکر ۵ پیاده مکانیزه فعالیت می کرد و عدم وضوح وضعیت لشکر ۵ پیاده در آن موقع و اطلاعات ضد و نقیض از دشمن در منطقه لشکر ۹ زرهی، عواملی موثر بودند که باعث شد فرمانده لشکر ۶ زرهی از انجام این عمل متهورانه موفقیت آمیز صرف نظر کرده و با وارد آوردن ضربه جناح و عقبه دشمن از سوی تیپ ۱۰ زرهی و همکاری تیپ ۳۰ زرهی به نبرد مورخه ۶، ۷، ۸ و ۱۳۶۱/۵/۹ بسنده نماید.

دشمن از اشتباه شب ۲۲ و ۶۱/۴/۲۳ که جناح راست خود را بدون تأمین رها کرده بود و به همین دلیل به او ضربه وارد آمد، استفاده کرده و در شب مورخه ۶ و ۱۳۶۱/۵/۷ در منطقه لشکر ۵ پ.م خاکریزی احداث کرد که با سیلبنده مرزی خاکریز صندوقی شکل تشکیل می داد. ضلع راست خاکریز از سیلبنده مرزی تا خط دوم سپاه و ضلع چپ آن از پاسگاه زید تا ۱ کیلومتری شرق خط دوم سپاه امتداد دارد و دو خاکریز به طور جبهه ای به هم متصل شدند، به طوری که فاصله آن تا خط دوم سپاه ۱ کیلومتر شد. بدین وسیله جناح و جبهه خود را



تأمین نمود که این عمل و ابتکار جدید برای یگان های خودی غافلگیرانه بود. اجرای ماموریت تک در روز ۴/۲۸ جهت کوبیدن جناح راست دشمن از سوی تیپ ۳۰ زرهی از منطقه استحقاظی تیپ ۴۱۹ به علت توقف تیپ در نزدیکی خاکریز و عدم توانایی اجرای تک به سبب وجود خاکریز و امور دیگر از جمله نامساعد بودن هوا به موفقیت نرسید.

نبردهای صحرا

طبیعت نبردهای شرق بصره،

نبردهای صحرائی بود. زمین این مناطق منبسط و خالی از عوارض طبیعی به جز خاکریزهای احداث شده به وسیله یگان های خودی و دشمن و دریاچه پرورش ماهی می باشد. منطقه دارای تپه های شنی روان بوده و به علت نزدیکی با خلیج عربی، هوای آن در تابستان گرم و مرطوب و بادهای شدید و همراه با گرد و خاک می وزد که احیاناً از سرعت ۱۰۰۰ تا ۱۶۰۰ در هوا منتشر می شود. چون شبهای بسیار تاریک است، دید محدودی دارد و به همین دلیل طبیعت صحرائی تأثیر بسیاری بر یگان های خودی و دشمن داشته و فرصتهای زیادی را جهت وارد کردن ضربه به دشمن از دست دادیم که می باید بعضی از این درس ها را به شرح زیر ذکر کنیم. اول، در روز ۴/۲۴ پیشروی یگان ها جهت تعقیب باقیمانده های دشمن به سمت سیلند مرزی به علت گرد و خاک و دید بد کند بود.

دوم، به علت وجود گرد و غبار تیپ های ۱۶، ۳۰ و ۱۰ زرهی جهت بازپس گرفتن مواضع لشکر ۵ پیاده مکانیزه دیر وارد عمل شدند؛ لذا فرصت انهدام نیروی دشمن از سوی یگان های خودی از بین رفت و آب و هوا تسهیلات لازم را برای دشمن فراهم کرد تا بدون آگاهی یگان های خودی به سمت سیلند مرزی عقب نشینی کند.

سوم، به علت بدی آب و هوا، رساندن کمک و تعویض و رفع کمبود، یگان های جلویی با مشکلات زیادی مواجه بود.

چهارم، تغییرات جوی زیاد به ویژه درجه حرارت بالا در شبانه روز تأثیرات حرارتی زیادی بر خدمه های تانک داشت. به طوری که بعضی اوقات حرارت در خارج از تانک ها و خودروها ۵۰ درجه و داخل آن به ۶۰ درجه می رسید که در این شرایط خدمه های تانک زیاد عرق کرده و عدم دسترسی به آب باعث خستگی پرسنل می شد و به طور شایسته پاسخگویی شان سریع نبود، وقت مناسب برای عملیات قبل از روشنایی اول و در حین ساعات شب بود. مناطق صحرائی که نبردهای شرق بصره در آن اتفاق افتاد، باز بوده لذا عملیات فریب و استتار، حفظ سمت حرکت و خط محور یگان های خودی به ویژه در روز ۶/۴/۲۳ با مشکلات مواجه شد. به همین دلیل همیشه نیاز به ادوات شناسایی و آموزش های درست این ادوات می باشد.

پنجم، عملیات شرق بصره به منظور تصرف خاکریزهای محل استقرار دشمن یا خاکریزهایی که یگان های خودی به دلیل اینکه اهداف مرئی، آشکار و جبهه گسترده بوده و رها شده بودند، انجام پذیرفت.

ششم، مانور نبردهای مورخه ۶/۴/۲۳ شرق بصره

زرهی همکاری لازم را در پشتیبانی یگان های پاتک کننده روز ۶۷/۴/۲۳ انجام داد. یگان های دیگر نیز نقش ارزنده و قابل ذکری داشتند. از جمله نمی توان نقش مهندسی صحرایی لشکر ۶ زرهی را در تأمین سریع پشتیبانی مهندسی به ویژه احداث میادین مین و موانع سیمی جلوی جبهه لشکر موقعی که لشکر در منطقه سابق لشکر ۹ زرهی به حالت پدافند درآمد را فراموش کرد. به طوریکه منطقه در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۵ با استحکامات مهندسی خوبی به ویژه میادین مین تحویل لشکر ۸ پیاده گردید. ارتباطات مناسب که به وسیله آن اطلاعات از یگان های بالا به پایین و بالعکس منتقل می شد، با کوشش و همت گردان مخابرات لشکر انجام پذیرفت. به گونه ای که دستگاهها و ارتباطات سیمی به طور خوب کار می کردند و در این رابطه حتی یک شکایت به جز کشف صحبت کردن در اثنای نبرد وجود نداشت که این امر طبیعی است. همکاری یگان های خودی با هوانیروز و نیروی هوایی به ویژه در روشن نمودن صحنه نبرد، خوب بود. به نحوی که فرصت هایی را که دشمن قصد حمله شبانه به یگان های زرهی به ویژه نبرد شب ۲۵ و ۶۷/۴/۲۶ را داشت، از دستش گرفتند.

اینجا باید اهمیت فعالیت مراکز اداری را در پشتیبانی فوری و شبانه روزی و مستمر تدارک نبرد از مورخه ۴/۲۲ تا ۶۷/۱۵/۹ ذکر کرد. البته برای مراکز اداری، گستردگی مراکز اداری لشکر مشکل است که تغییرات در سازماندهی را پیگیری و پشتیبانی اداری را تأمین نماید و می توان گفت مراکز اداری پا به پای فعالیت نیروهای رزمی در جلو انجام وظیفه می نمودند. ما هم طبیعت زمین های صحرایی و نیاز یگان های زرهی به تدارکات از قبیل مهمات، سوخت، غذا و آب را پیش بینی می کردیم.

بعضی از مشکلات که در رابطه با همکاری میان دسته ها در انجام وظیفه خود رخ داد، به شرح زیر است: اول، همکاری میان پیاده نظام و تانک ها دارای مشکلاتی بود و این مشکل در حین حمله به پاسگاه زید در تاریخ ۶۷/۴/۲۸ آشکار شد. به طوری که تیپ ۲۸ پ جهت شرکت در حمله و حرکت های پا به پای تیپ ۱۰ زرهی به علت اینکه زمین صحرایی باز و تأثیر آتش

خیره کننده بود و یگان ها در گسترده ترین جبهه ممکن گسترش یافتند لذا دور زدن و کوبیدن جناح دشمن از سوی تیپ ۱۰ زرهی و رخنه جبهه ای تیپ ۳۰ زرهی چشمگیر بود.

هفتم، نبردهای صحرایی در شرق بصره صحت کاربرد پیاده مکانیزه. سواره با همکاری تانک ها در حمله «تاخت» سریع و انهدام مواضع تعجیلی را به اثبات رساند. لذا حمله سواره گردان ۵ مکانیزه تیپ ۳۰ زرهی به تقاطع کتیبان تأثیر زیادی بر جریان نبرد مورخه ۶۷/۴/۲۳ داشت.

هشتم، عملکرد فرماندهی و کنترل در نبردهای صحرایی شرق بصره مشابه عملکردهای فرماندهی در شرایط دیگر و نیز مشابه طبیعت و شرایط حمله سریع به مواضع تعجیلی می باشد.

نهم، نیاز به علامتگذاری بر زمین، تأمین حفاظت تقاطع ها و گماشتن راهنما در راهها و مهمتر از آن نیاز به نقشه خوانی و کاربرد قطب نما در کلیه رده ها احساس گردید.

همکاری

یگان های لشکر ۶ زرهی در نبردهای شرق بصره همکاری خیلی خوبی داشتند. این همکاری میان تیپ ۱۰ زرهی و تیپ ۳۰ زرهی در به شکست کشاندن حمله دشمن روز ۶۷/۴/۲۳ و نیز در تقدیم (انجام) پشتیبانی آتش برای دو تیپ آتش و مانور از سوی توپخانه لشکر آشکار بود. چنانچه وضعیت یکی از تیپ ها بحرانی و نیاز به آتش پشتیبانی پیدا می کرد، سریعاً و با آتش سنگینی به آن پاسخ داده می شد. به ویژه روز ۶۷/۴/۲۳ موقعی که وضعیت گردان ۵ مکانیزه در منطقه کتیبان به علت حضور در سمت اصلی حمله تیپ ۳۰ زرهی در تنگنا قرار گرفت، توپخانه با تمام قدرت او را پشتیبانی نمود. در این عملیات میان یگان های لشکر ۹ زرهی و دیگر لشکرها همکاری وجود داشت و موقعی که لشکر ۵ مکانیزه در روز ۶۷/۴/۲۳ نیاز به یگان ها داشت، تیپ ۱۶ زرهی که به طور فعال در تجدید آرایش پدافندی تیپ ۴۱۹ پیاده به وضع سابق خود سهیم بود، وارد عمل گردید و پس از آن نیز لشکر به وسیله تیپ ۴۶ همچنین لشکر ۹

توپخانه دشمن بر یگان‌ها زیاد بود، با مشکلات بزرگی مواجه شد.

دوم، همکاری میان یگان‌های مامور به حفظ و نگهداری زمین و یگان‌های پاتک‌کننده به ویژه امور مربوط به راهنمایی، پشتیبانی و اطلاعات از یگان‌های مجاور و تسهیلات دیگر دارای ضعف بود.

انعطاف‌پذیری

نبردهای شرق بصره عامل انعطاف‌پذیری را در وضعیت‌های زیر عملی ساختند:

اول، شب ۲۲ و ۶۷۴/۲۳ موقعی که لشکر ۶ زرهی مأموریت انجام پاتک در منطقه لشکر ۹ زرهی را یافت، تصمیم انعطاف‌پذیر و به موقعی بود؛ زیرا که لشکر مسئولیت منطقه پدافندی خود در نشو به طول ۳۳ کیلومتر را داشت و علیرغم این مسئولیت، تعیین یک قرارگاه زرهی «فرمانده و هیأت ستادی» برای هدایت فرماندهی تیپ ۳۰ و تیپ ۱۰ زرهی در یک نبرد ناگهانی موفقیت‌آمیز، خود مقوله‌ای دیگر می‌باشد. به نحوی که توانایی قرارگاه‌ها را در فرماندهی یگان‌ها جهت مأموریت تعرضی در حال پدافند تقویت نمود و همه ما می‌دانیم احتیاط‌های کل به وظایف تعرضی در موضع پدافندی مامور می‌شوند اما تصمیم فرمانده لشکر در جانشین کردن رئیس ستاد لشکر به فرماندهی منطقه پدافندی و فراغت یافتن وی برای فرماندهی و هدایت پاتک حقاً تصمیمی به موقع و انعطاف‌پذیر بود.

دوم، توپخانه لشکر در حالی که به منظور پشتیبانی مستقیم یگان‌های نگهدارنده زمین «یگان‌های منطقه پدافندی» تعیین شده بود، انعطاف‌پذیری خود را به وسیله تعیین گردان‌های توپخانه به منظور پشتیبانی عملیات پاتک در جبهه دیگر نشان داد. انعطاف‌پذیری در موقع صدور دستور فرمانده لشکر به فرمانده توپخانه به منظور حرکت دادن توپخانه از منطقه لشکر «نشو» به منطقه جدید در کتیبان آشکار بود. همچنین اقدام فرمانده توپخانه لشکر جهت هدایت آتش گردان ۳۳ توپخانه متوسط به منطقه لشکر ۹ زرهی در «منطقه پاسگاه زید» در نهایت انعطاف‌پذیری بود، به نحوی که نشان‌دهنده نقش پشتیبانی توپخانه کل و دوربرد در جنگ می‌باشد.

سوم، تصمیم مورخه ۲۸ و ۶۷۴/۲۹ فرمانده لشکر جهت تجدید سازمان و آرایش منطقه پدافندی لشکر در منطقه کتیبان به موقع و خوب بود زیرا که تیپ‌های پیاده در خط اول استقرار داده شدند و به هر تیپ یک احتیاط زرهی مامور شد و تیپ‌های ۳۰ و ۱۰ زرهی به عنوان احتیاط کل نگهداری شدند و خلاصه گسترش یگان‌ها به شرح زیر است:

۱. گردان‌های پیاده و پیاده مکانیزه در خط اول تیپ‌ها (خط مقدم لشکر)؛

۲. گروه‌های رزمی پیاده و زرهی در خط دوم تیپ‌ها (خط مقدم لشکر)؛

۳. تیپ‌های ۳۰ و ۱۰ زرهی در احتیاط کل خط دوم لشکر. بدین وسیله عدم توانایی دشمن جهت انهدام یگان‌های زرهی در شب تأمین گردید.

و عمل (دشمن در تعرض شب ۳۰ و ۶۷۴/۲۱ با یگان‌های پیاده مکانیزه روبه‌رو شد که خسارت‌های زیادی به وی وارد کردند و نتوانست به هدف خود که رسیدن به تقاطع کتیبان در جبهه لشکر بود، برسد.

چهارم، لشکر در عملیات حمله به پاسگاه زید به دلیل عدم تجانس یگان‌ها به ویژه همکاری میان تیپ ۱۰ زرهی و تیپ ۲۸ پیاده نتوانست انعطاف‌پذیری را تأمین کند.

پنجم، رده‌های اداری و «گروهان‌های حمل و نقل» انعطاف‌پذیری چشمگیری را از لحاظ تعداد در تعویض لوازم و جبران کمبود تیپ‌های زیر امر این لشکر در شب ۳۰ و ۶۷۴/۳۱ از خود نشان دادند، به طوری که از حد معمول تجاوز می‌کرد. این رده‌ها همچنین سلاح‌ها و نیاز آنها به مهمات گوناگون را نیز تأمین نمودند.

ششم، لشکر ۶ زرهی دستوری مبنی بر حرکت تیپ ۵۶ زرهی که متشکل از قرارگاه تیپ ۵۶ زرهی و گردان‌های ۳۱ و ۳۲ تانک می‌باشد، صادر کرد و گردان ۳ تیپ نیز زیر امر او قرار گرفت. بدین وسیله استعداد یک تیپ زرهی تکمیل و در نبرد مورخه ۶۷۴/۲۶ و نیز نبرد پدافندی روز ۳۰ و ۶۷۴/۳۱ به کار گرفته شد. انعطاف‌پذیری موقعی بروز می‌کند که فرماندهی تیپ به وسیله فرمانده تیپ و هیأت ستاد کوچکی تأمین شود و همچنین فرماندهی منطقه پدافندی که به عهده تیپ بود، به وسیله ایجاد یک قرارگاه کوچکی که از سوی یک افسر ستاد از قرارگاه تیپ، فرماندهی و هدایت می‌شد، تأمین می‌گردید.

از عملیات رمضان و آینده جنگ*

[illegible]

خود را از ایران خارج کند. در این تاکتیک معمولاً با تحمل حداقل تلفات نیروهای اصلی از صحنه نبرد خارج می‌شوند تا در موقعیت مناسب تری برای حمله قرار بگیرند، به عنوان مثال عراقی‌ها در تخلیه خرمشهر با تسلیم شدن تعدادی از نیروهایشان و سرگرم کردن ایرانی‌ها توانستند بخش عمده و اصلی نیروها و ادوات خود را خارج کنند به طوری که در تصرف خرمشهر حتی یک توپ هم به جای نگذاشتند.

این عمل عراقی‌ها هرگز مورد قبول سران ارتجاعی رژیم نبوده است و آنها هر عقب‌روی را به حساب عقب‌نشینی

تیرباران شدند و حتی بین محسن رضایی و صیاد شیرازی درگیری لفظی پیش آمد، تضادها سرپوش گذاشته شد ولی این خود نقطه عطفی بود در رابطه بین سپاه و ارتش و بعد آن درگیری از این سطح فراتر رفت و به شورای عالی دفاع کشیده شد و ظهیر نژاد جهت آن به دیدار «ا» رفت ولی دیدار مصادف با پیروزی بود و «ا» او را تحویل نگرفت. شکست اخیر بار دیگر دست جناح لیبرال ارتش را بازتر خواهد کرد و امکان بیشتری پیدا خواهند نمود. اگر یکی دو شکست دیگر از این نوع داشته باشیم کار مطمئناً فراتر از آن خواهد رفت که تصور می شود. در همین حد تغییرات کابینه بی ربط با آن مسأله نمی باشد و من مطمئنم که در آینده تضادها آن چنان بالا خواهد گرفت که تغییر کلی در جامعه راه دیگری برای حل آن پیدا نخواهد شد.

س. آینده جنگ را چگونه ارزیابی می کنید؟

ج. آینده جنگ به آن بستگی دارد که رژیم از این شکست به چه نتیجه ای می رسد آیا راه صلح را برمیگزیند؟ به نظر من اینکار را نخواهد کرد و به احتمال ۹۰٪ اکنون حمله مجدد می باشد. گرچه من از طرح مشخصی اطلاع ندارم، اینها بجز راهی را که پیموده اند راه دیگری ندارند و تصور بازگشت، یعنی تلاش رژیم و از دست دادن تمام نیروهایی که تحت تأثیر جنگ گرد آورده اند. پس به ناچار حمله خواهند کرد یا شکست می خورند و یا پیروزی می شوند که در هر صورت چاره ای جز سقوط ندارند زیرا اکنون دیگر جنگ عامل وحدت نیست و من امیدوارم که پیروز شوند و یا حداقل به پیروزی هایی دست پیدا کنند که در این صورت سقوط خود را تسریع خواهند کرد. چرا که مطمئناً تصرف سرزمین عراق، کویت، عربستان و... رافعاً لانه تر از قبل وارد صحنه خواهند نمود و طبعاً مشکلات اقتصادی - اجتماعی فراوان تری از الان برای رژیم فراهم خواهد شد.

س. از نظر نظامی چگونه راه سقوط تسریع می شود؟

ج. اگر در این شرایط (ضعف ایران) عراق بر خطوط مواصلاتی و تدارکاتی حمله ببرد و آنها را از کار ببندازد و یا از مناطق غرب بدون هیچ مانعی جدی وارد خاک ما شده و تادز فول پیش آید، می تواند ضربات کمرشکنی بر رژیم وارد کند که تبعات اجتماعی - اقتصادی به دنبال خواهد داشت. و در کنار آن عملیات، سازمان ما و تبلیغات آن می تواند سرعت این سقوط را دوچندان کند. علاوه بر آنچه که گفتیم، اگر یکی دو حمله دیگر از این نوع انجام شود، کمر ارتش و سپاه شکسته و آنگاه شما در شهر هابه راحتی می توانید سیستم پلیسی رژیم را از کار ببندازید.

زیر فشار و ضربات رزمندگان اسلام تصور می کردند و بر این خیال مرتباً تهاجم می نمودند و برنامه تهاجم می ریختند، بر شیوه حزب الهی حمله تأکید می ورزیدند چرا که آن را عامل اصلی پیروزی های خود برمی شمردند. در جریان حمله اخیر، عراق از همین تاکتیک سود برد و توانست با عقب روی ابتدایی از جلو نیروهای ایرانی آنها را به داخل دشت صاف بصره بکشاند و از طرف دیگر نیروهای دیگرش از پشت، راه را بر ایرانی ها بستند و بدین ترتیب ضربه مهلکی بر آنها وارد آوردند. در مورد تأثیرات حمله بایستی بگویم که دو تأثیر عمده خواهد داشت: یکی، افت روحیه پرسنل ارتشی و دیگر، تشدید تضاد بین سپاه و ارتش می باشد. افت روحیه از الان خود را به خوبی نشان می دهد، در هیچ یک از

حملات گذشته این تعداد

کشته، زخمی و اسیر نشده بودند و اگر تلفات بالا بوده، پیروزی هایی نیز کسب شده بود. ولی اکنون شکست، وضع جبهه ها را تزلزل داده، فرار که در گذشته به صورت تک نمودی دیده می شد، اکنون به صورت جریانی تبدیل می شود. نمونه های فراوانی از فرار از اواسط راه اعزام به جبهه از شهرها و دهات



گزارش شده است تبلیغات وسیع رژیم جهت جذب نیرو به جبهه ها بیان کننده همین واقعیت است. البته هنوز زود است که بخواهیم شاهد درهم ریختن وضع جبهه ها از طریق فرار سربازها و بسیجی ها باشیم ولی دیر یا زود این اتفاق خواهد افتاد، مگر اینکه رژیم صلح را برگزیند که به نظر چنین نمی رسد. در مورد تضادها و کیفیت آن بایستی به سیر تحول آنها اشاره ای بکنیم تا متوجه شوید که این تضادها کم کم دارند، به مرحله کیفی خود نزدیک می شوند. وجود اختلاف بین سپاه و ارتش امر بدیهی است ولی زمانی که عراق در ایران بود، این تضادها هیچ گاه بدان صورت باز نشد که در دسر جدی فراهم کند. حتی در جریان حمله اول به خر مشهر زمانی که تعدادی از افسران بنابه حکم دادگاه صحرائی مبنی بر عدم رعایت دستور،

۱. ایران جهت حمله به عراق تمامی نیروهای خود را از غرب به جنوب آورده است، اکنون حفاظت آن منطقه در دست نیروهای ژاندارمری است.

چگونگی درک ارتش عراق از سپاه و بسیج

	به دلیل اختلافات دیرینه رژیم شاه و رژیم بعث که هر یک در دوران جنگ سرد به یکی از دو اردوگاه غرب و شرق تعلق داشتند، شناخت نیروی مسلح طرف مقابل و داشتن یک برآورد استراتژیک واقع بینانه از آن امری الزامی و در واقع از وظایف ذاتی ارتش هر دو کشور محسوب می شد. ارتش عراق اگر نسبت به ارتش ایران از چنین شناختی برخوردار بود، درباره نیروی مسلح تازه متولد شده پس از انقلاب اسلامی (سپاه پاسداران و بسیج) به شدت از ضعف اطلاعات رنج می برد. به شهادت بسیاری از اسرای ایرانی، یکی از سوالاتی که آنها ابتدا می پرسیدند، کم و کیف سازمان و توان رزمی و ترکیب و گسترش نیروهای سپاه پاسداران بود. سندی که در ادامه خواهد آمد، نشان دهنده میزان شناخت ارتش یعنی عراق پس از عملیات بیت المقدس و در آستانه عملیات رمضان از سپاه و بسیج می باشد. برخی از نکات مندرج در این سند که نیازی به توضیح آنها نیست، مؤید این نکته است که اطلاعات آنان از سپاه پاسداران تا چه اندازه با واقعیات موجود فاصله داشته است.	اشاره

شماره ۳۶۰۰ مورخه ۲۵ خرداد ۱۳۶۱ به این یگان ابلاغ شده به شرح زیر می باشد:

نیروهای غیر نظامی ایران به عنوان یک نیروی فعال و موثر در جریان جنگ بروز کرد و این امکان را به فرماندهی نظامی ایران داده تا به مراحل رشد و تکامل پیشرفته تری در جنگ برسد و بدین جهت ضروری یافتیم که شمارا در جریان اطلاعاتی که از این نیروها داریم، قرار دهیم.

(۱) سازماندهی: نیروهای غیر نظامی ایران به صورت های مختلف تشکیل شده و شامل:

موضوع: سند به دست آمده عراقی
طبقه بندی: شماره سری: ۱۱۳۰۰۲
ارجحیت: شماره: اس/۱۷۴۸/۴-۱۹۸۲/۶/۱۹
تاریخ: ۶۱۳/۲۹ پیوست:
فرستنده: قرارگاه تی ۴۲۳ پیاده (اطلاعات)
گیرنده: گروهان ۲ تیپ ۴۲۳
نامه فرماندهی سپاه چهارم سری به شماره ۲۸۲۹ مورخه ۱۳ خرداد ۱۳۶۱ عطف به نامه اداره دوم سری به شماره س ۱۳ ق ۴۸۲۵ که به وسیله نامه فرماندهی لشکر ۱۰ زرهی سری به

۴) **انگیزه و چگونگی داوطلب شدن:** الف) روش داوطلب شدن: در صورتی که به داوطلبین احتیاج پیدا شود، مراکز ثبت نام در شهرها و روستاها با وسایل گوناگون (مانند اعلامیه ها و بیانیه ها، بلندگوها، سخنرانیهای مذهبی، رادیو، تلویزیون، دیدار از مدارس) این خبر را اعلام می کنند و مراکز ثبت نام به شرح زیر می باشد:

اولاً، روابط عمومی پاسداران خمینی (سپاه پاسداران)؛ ثانیاً، واحد بسیج؛ ثالثاً، سازمان جهاد (جهاد سازندگی)؛ رابعاً، بنیاد شهید؛ خامساً، بنیاد امور مهاجرین جنگی و جنگ زدگان. ب) انگیزه ها: اولاً: مادی است، بعثت افزایش و گسترش بیکاری؛ ثانیاً: برای معاف شدن از خدمت سربازی است؛ رابعاً: با زور، مثلاً از بعضی کارگران در کارخانه ها خواسته می شود که داوطلب شوند و گرنه حقوق آنها قطع می شود.

۵) **آموزش و تجهیزات:** داوطلبین از مراکز ثبت نام به مراکز آموزش که در تمام شهرها وجود دارد (مراکز نظامی، مدارس، کارخانه ها، مساجد) برده می شوند و در آنجا به آنها لباس نظامی داده می شود و به گروههای کوچکی تقسیم می شوند و به مدت (۲ تا ۴) هفته آموزش سلاح سبک می بینند، برنامه تیراندازی آنان به شرح زیر می باشد:

اولاً، ۱۰ فشنگ برای تفنگداران؛ ثانیاً، ۵ فشنگ برای افراد حامل مسلسل؛ ثالثاً، یک گلوله موشک آر. پی. جی ۷ برای آرمیجی زنهار.

همچنین تعدادی از داوطلبین به چگونگی استفاده از خمپاره سبک و سنگین، دستگاه بی سیم (از نوع پی. آر. سی ۷۷)، موتور سواری و کمک های اولیه آموزش داده می شوند. ۶) **امور اداری:** الف) حقوق ماهیانه: اولاً داوطلبین شبه دائمی، حقوق ماهیانه شان (۳۰۰۰) تومان است و قیمت رسمی آن معادل ۱۵۰ دینار عراقی است. ثانیاً، داوطلبین موقتی، حقوقشان (۲۰۰۰) تومان و معادل ۱۰۰ دینار است.

ب) جیره غذایی: داوطلب ها به عنوان مهمان، بر یگان های نظامی که نزدیک آنها مستقر هستند، تقسیم می شوند و جیره غذایی خود را از آنها می گیرند و علاوه بر آن به وسیله اهالی و مردم کمک می شوند و اغلب این کمک ها کنسرو می باشد. مراتب جهت اطلاع

سرهنگ ستاد، خالد ابراهیم عباس

از طرف فرماندهی تیپ ۴۲۳ پداده

الف. پاسداران خمینی (سپاه پاسداران): این ارگان بعد از سرنگونی شاه تشکیل شد و قبل از جنگ تعداد آنها به ۴۰۰۰۰ مسلح می رسید ولی در زمان جنگ به ۱۵۰۰۰۰ نفر مسلح افزایش یافته است.

ب. بسیج: در میان اینها تعدادی زیادی از ملیت ها و طبقات مختلف وجود دارد که ابتدای صف را افراد بی سواد و سطح پایین جامعه تشکیل داده اند.

ج. نیروهای مردمی: این داوطلبین با انگیزه های گوناگونی به جنگ می آیند و اکثر آنها شهری بوده و ۴۸ تا ۷۲ ساعت قبل از شروع عملیات اصلی به منطقه آورده می شوند که پس از پایان دوباره آنها را باز می گردانند.

۲) **تشکیلات:** پاسداران خمینی و داوطلبان دارای تشکیلات ثابت و مشخصی در جنگ نیستند و ما حالت های زیاد و مختلفی از آنها مشاهده کردیم که خلاصه آن چنین است.

الف) تیپ به عنوان اساس اسکلت تشکیلاتی به حساب می آید. ب) هر تیپ از (۳ تا ۱۰) گردان تشکیل می شود.

ج) تعداد افراد گردان بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ نفر است.

اولاً، قرارگاه گردان؛ ثانیاً، ۳ گروهان که هر گروهان از ۳ دسته رزمی و یک دسته تشکیل می شود.

تمام فرماندهان در رده های مختلف از پاسداران خمینی می باشند.

۳) **ترکیب:** ترکیب نیروها چندین حالت دارد و قسمتی از آنها به صورت زیر است:

الف. ادغام یک گردان ارتش با یک تیپ از داوطلبین بدین ترتیب است که از افراد گردان ارتش بر گردان ها داوطلبین تقسیم می شوند. در این حالت فرماندهان از پاسداران خمینی می باشند و افسران گردان ارتش، معاونین آنها می شوند (فرمانده گردان ارتش، معاون فرمانده تیپ داوطلبین است. فرمانده گروهان ارتش، معاون فرمانده گردان داوطلبین است، فرمانده دسته ارتش معاون فرمانده گروهان داوطلبین است.) همچنین که در عملیات یورش به محرمه خر مشهر اتفاق افتاد.

ب. تقسیم داوطلبین و پاسداران بر گروهان های پیاده به تعداد (۶۰ تا ۸۰) نفر برای هر گروهان می باشد و این افراد تحت فرماندهی گروهان عمل می کنند. چنانچه در عملیات اصلی شوش اتفاق افتاد.

ج. این نیروها به عنوان یک تیپ مستقل تحت فرماندهی لشکرها وارد عمل می شوند و این حالت غالباً شامل تیپ های پاسداران خمینی می شود که اصرار دارند هویت خود را حفظ کنند.



گزارش عملکرد قرارگاه فجر در عملیات رمضان*

دست نوشته های

شهید محمد گرکانی*

گزارشی که در ادامه خواهد آمد، متن دستنویس شهید محمد گرکانی راوی قرارگاه فجر است که تحت عنوان «گزارش عملیات رمضان» به رشته تحریر درآمده و در اسناد اختصاصی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه موجود می باشد. بنا به سنت و رویه موجود، راویان اعزامی به یگان های عمل کننده، پس از پایان هر عملیات و در اولین فرصت اقدام به نگارش گزارش اولیه خود می کردند. علت اساسی چنین امری، بهره گیری از محفوظات و احتمال نداشتن فرصت کافی برای نوشتن گزارش مبتنی بر نوارهای ضبط شده و سایر اسناد و مدارک جمع آوری شده به دلیل شرکت در عملیات بود. گزارش حاضر نیز از این سنخ گزارش هاست و لهذا باید آن را یک گزارش اولیه و ناتمام قلمداد نمود.

اشاره

بعد از بحث هایی که در قرارگاه کربلا شد، مانور قرارگاه فجر بدین صورت اعلام گردید.

مانور تصویری قرارگاه فجر (مرحله اول):

استعداد: ۶ تیپ پیاده به همراه پشتیبانی توپخانه زرهی که ۳ تیپ از سپاه و ۳ تیپ از ارتش می باشند.

مانور: طبق نقشه و کالک مرحله اول عملیات رمضان (قرارگاه فجر) حدود ماموریتی به عرض ۱۰ کیلومتر به قرارگاه فجر داده شد که در این ۱۰ کیلومتر تک نموده خندق را بشکنند و نیروی دشمن را در مقابل خود

لشکر ۷ فجر سپاه از سه تیپ المهدی (عج)، امام سجاد (ع) و جواد الائمه (ع) تشکیل شده و متعلق به منطقه ۹ (فارس) است که در این میان تیپ المهدی (عج) و امام سجاد (ع) با یک سری تعویضات تحویل منطقه ۹ گردید و تیپ جواد الائمه (ع) که از منطقه ۴ می باشد به طور موقت تا تشکیل لشکر منطقه ۴ زیر امر قرارگاه فجر قرار گرفت. لشکر ۷ فجر به همراه لشکر ۷۷ خراسان از ارتش تشکیل دهنده قرارگاه فجر می باشند که ۷۷۵ با ۳ تیپ، ۱ تیپ و ۲ تیپ ۳ وارد عمل می شود.

* راوی قرارگاه فجر

این عرض فاصله بین خندق و مثلث را پاکسازی نماید و در عین حال جناح چپ قرارگاه را داشته باشد.

جناح راست قرارگاه فجر را قرارگاه قدس و جناح چپش را قرارگاه فتح، عمل می نمود که به طور کلی هر تپیی که در جناح راست یا چپ قرارگاهی قرار می گیرد، احتیاطی برای این قسمت از منطقه در نظر خواهد گرفت.

مرحله اول عملیات رمضان (لشکر فجر)

با انجام آخرین هماهنگی ها و چک کردن تپ ها از نظر کارهای انجام شده، مرحله اول عملیات رمضان در ۶۷/۴/۲۲ شروع شد. ساعت ۸:۳۰ شب بود که رزمندگان اسلام از مبدا خاکریز در ایران حرکت نمودند که قاعدتاً تا خاکریز در عراق می بایست از معابر عبور کرده و درگیری بانیری دشمن نداشته باشند، همچنین به هیچ صورت دیگری عملیات کشف نشود.

بر اساس قراری که با تپ ها گذاشته شده بود، ساعت ۹:۱۵ می بایست مسیر را طی کرده سر خاکریز هدف خود در عراق رسیده باشند.

ساعت ۹:۴۵ تپ جوادالائمه (ع) و المهدی (عج) از معبر خودشان که مدتی قبل در آن قسمت درگیر شده بودند، عبور نمودند. در عین حال یک معبر دیگر از تپ المهدی (عج) مانده که هنوز درگیر آن هستند.

ساعت ۱۰:۱۵ یک محور از تپ جوادالائمه (ع) درگیر شد که قاعدتاً می بایست تمام محورها پیش سر ساعت ۹:۵۰ درگیر شده باشند که پشت میدان مین گیر کرده بودند. این میدان مین می بایست قبل از عملیات پاک شده باشد که به علت ضعف اطلاعات عملیات تپ ها و کلاً سازمان اطلاعات عملیات، معابر به طور ناقص پاک و شناسایی شده بود.

ساعت ۱۰:۱۵ تعدادی از تانک های روبه روی تپ ۸ نجف به طرف قرارگاه فجر قرار می گیرند.

ساعت ۱۰:۱۵ محور تپ امام سجاد (ع) درگیر شده است. این درگیری می بایست سر ساعت ۹:۵۰ صورت می گرفت که مسائلی مشابه تپ جوادالائمه (ع) باعث این تأخیر گردید.

ساعت ۱۰:۵۰ یک محور تپ امام سجاد (ع) وارد شده است.

پاکسازی نموده پشت خط سرخ از مختصات (۷۵-۱۶) تا (۷۰-۶۵) را پدافند بنمایند.

بر اساس این طرح نیروی قرارگاه فجر به ۴ فجر تفسیم گردید:

فجر ۱: ادغامی از تپ ۱ لشکر ۷۷ + تپ المهدی (عج) از سپاه؛

فجر ۲: ادغامی ز تپ ۲ لشکر ۷۷ + تپ جوادالائمه (ع)؛

فجر ۳: مستقل تپ ۳ لشکر ۷۷؛

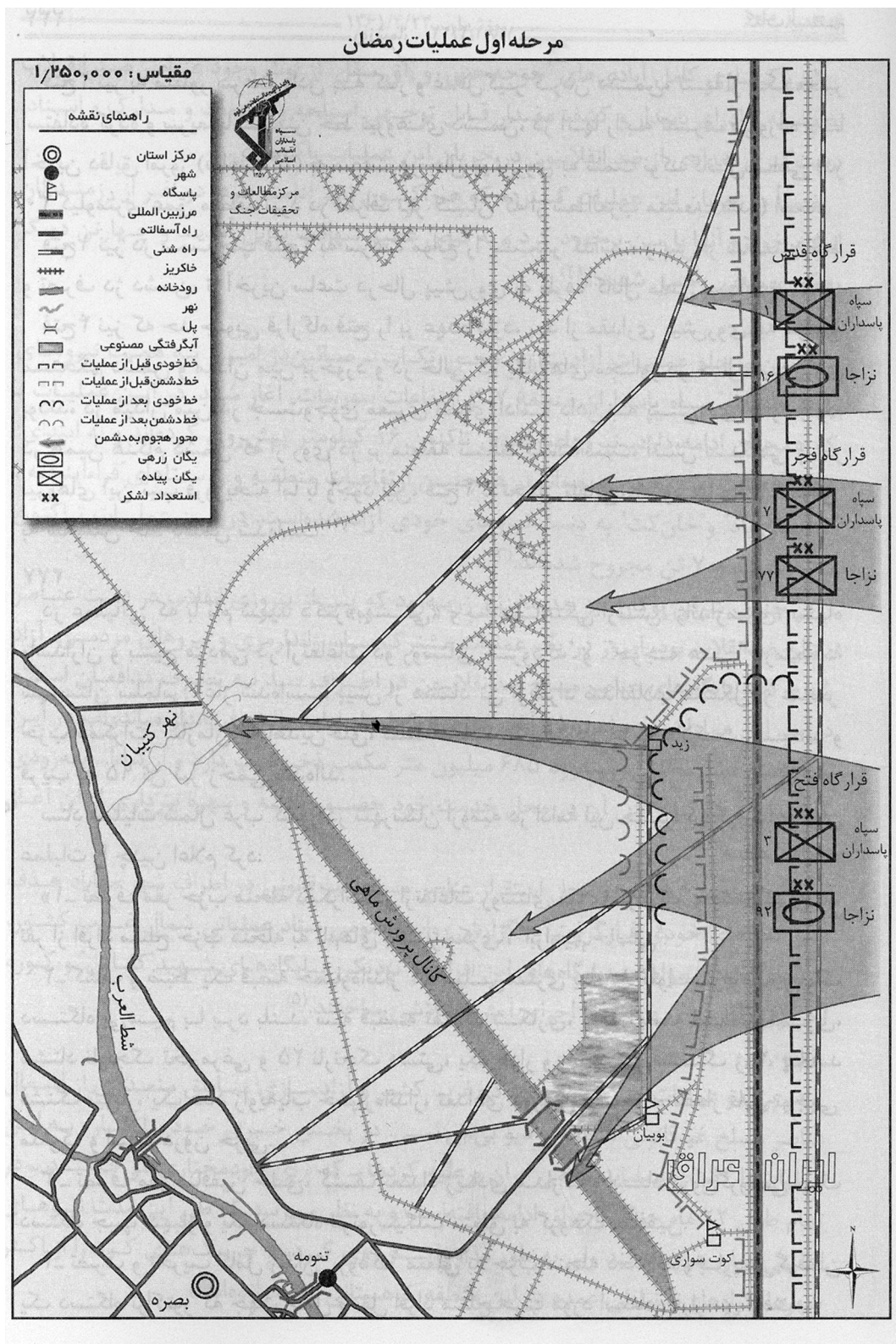
فجر ۴: تپ امام سجاد (ع).

باحث هایی که در سطح قرارگاه فجر صورت گرفت، قرار بر این شد که فجر ۱ و ۲ و ۴ در عملیات شرکت نمایند و فجر ۳ در احتیاط قرارگاه فجر باشد.

مانور لشکر بدین صورت شد که از بالای خط حد قرارگاه به ترتیب ۴ کیلومتر به فجر ۱ و ۲ کیلومتر به فجر ۴ کیلوتر به فجر ۲ و ۱ گذار شود. طبق نقشه مقرر شد فجر ۴ یعنی تپ امام سجاد (ع) در وسط قرارگاه فجر قرار داده شود چرا که گمان می رفت فجر ۱ و ۲ نتوانند با سرعت خوبی به خط سرخ بروند. از این جهت فاصله کمی به فجر ۴ داده شد (در حدود ۲ کیلومتر) تا درگیری زیادی بانیری دشمن نداشته باشد بلکه کار اصلی را بر نفوذ در خاک و رسیدن به خط پدافندی سرخ بگذارد.

فجر ۴ عمل اصلی قرارگاه فجر را انجام می داد و قرار شد که بعد از پاکسازی منطقه ای که مابین خط خندق و خط مثلث است، سوار بر خودرو شده به سمت خط سرخ حرکت کند. از طرفی در همین موقع فجر ۳ که تشکیل شده از تپ ۳ لشکر ۷۷، دنبال پشتیبان حرکت نماید تا در پدافند مقداری از خط سرخ به فجر ۴ کمک کند. فجر ۱ که از تپ ۱ لشکر ۷۷ به همراه تپ المهدی (عج) تشکیل شده، تفاهم خوبی در سطح فرماندهی داشتند ۴ کیلومتر بالای قرارگاه به عهده اش گذاشته شد که در منطقه خود تک نموده پشت خط سرخ در مختصات ۷۵-۱۶ تا ۷۲-۱۲ پدافند نماید که خط پدافندی فجر ۴ و فجر ۳ نیز از ۷۲-۱۲ الی ۷۰-۶۵ مقرر گردید.

فجر ۲ که ادغامی از تپ جوادالائمه (ع) و تپ ۲ لشکر ۷۷ بود، کار اصلی اش انهدام نیرو بود و خط حدی حدود ۴ کیلومتر پایینی قرارگاه فجر به عهده اش گذاشته شد که در



نیروی جوادالائمه(ع) با تهدید روبه رو می شود.
 ساعت ۱۲:۵۰ تیپ امام سجاده(ع) درخواست کرده که
 تیپ ۳ لشکر ۷۷ ارتش دارد ملحق می شود.
 ۱ بامداد تیپ المهدی(عج) از خاکریز اول عبور
 کرده اند مهندسی برای عبور معبر درست می کند تا عبور
 کند.
 ۱:۱۵ محور سمت چپ تیپ جوادالائمه(ع) وارد شده
 است.
 ساعت ۱:۲۰ بامداد از قرارگاه کربلا خبر رسید که
 پیشروی قرارگاه فتح به پیشروی قرارگاه فجر بستگی
 شدید پیدا کرده سعی شود تیپ جوادالائمه(ع) سریع تر به
 عمق برود.
 ساعت ۱:۱۵ به تیپ امام سجاده(ع) تأکید شد که فقط به
 عمق برود و از درگیری با پهلوی بپرهیزد (تا شاید نقص تیپ
 جوادالائمه(ع) را برای قرارگاه فتح پر کند).
 ساعت ۱:۵۵ تیپ المهدی(عج) خبر داد که در عمق به
 سیم خاردار رسیده اند و یک مانع شده است.
 ساعت ۲:۲۵ یک فرمانده گردان از تیپ المهدی(عج)
 شهید شد.
 ساعت ۲:۵۰ تیپ جوادالائمه(ع) گزارش داد که دست
 راست تیپ ۱۷ قم تعداد زیادی زخمی افتاده اند، بهتر است
 سریعتر به عقب تخلیه شوند.
 ساعت ۳ بامداد نیروی ویژه تیپ جوادالائمه(ع) با
 پشت دژ عراق مانده اند.
 ساعت ۳:۵۰ بامداد نیروهای تیپ المهدی(عج) به
 کانال معروف رسیده اند و برای مثلی ها در حال آرایش
 می باشند.
 ساعت ۴ بامداد مقداری از نیروهای تیپ المهدی(عج)
 برای گرفتن یک مثلث از کانال عبور کرده اند. (بعداً معلوم
 شد که این کانال یک کانال انحرافی بوده است).
 ساعت ۱۴:۱۵ تیپ جوادالائمه(ع) درخواست اتوبوس
 و مینی بوس برای حمل مجروح کرده است.
 ساعت ۴:۱۵ تیپ المهدی(عج) خبر داد که این کانال،
 کانال اصلی مورد نظر نیست بلکه کانال انحرافی قبل از
 کانال مورد نظر بوده است و بچه ها هنوز به مثلی ها
 نرسیده اند.
 ساعت ۴:۳۰ از قرارگاه کربلا دستور رسید که

ساعت ۱۱ تیپ جوادالائمه(ع) از محور بالا داخل شده
 و گفته شد به چپ برود تا محور پایینی اش هرچه زودتر
 داخل گردد.
 ساعت ۱۱ تیپ المهدی(عج) در معبر پایینی درگیر شده
 است.
 ساعت ۱۱:۱۵ قرارگاه کربلا خبر داد که تعدادی تانک از
 سمت فتح به طرف فجر حرکت کرده است.
 ساعت ۱۱:۱۵ قرارگاه فتح خبر داد که تیپ ۱۷ قم خوب
 عمل نکرده و فرماندهش به جلو رفته است. (لازم به ذکر
 است که تیپ ۱۷ قم از ق فتح مجاور تیپ جوادالائمه(ع)
 می باشد).
 ساعت ۱۱:۲۵ از محور بالای جوادالائمه(ع) احتیاط
 اول وارد می شود و دشمن در حال فرار است اما محور
 پایین هنوز درگیر نشده است.
 ساعت ۱۱:۳۰ قرارگاه فتح خبر داد که تماسش با تیپ
 ۱۷ قم قطع شده است.
 ساعت ۱۲ تیپ محمد(ص) بالای تیپ المهدی(عج)
 نزدیک است، عبور کند.
 ساعت ۱۲:۱۰ تیپ المهدی(عج) خبر داد که هوایمای
 دشمن در منطقه فیلر (منور به صورت دسته ای) زده است
 و به علت شرایطی که به وجود آورده بچه ها زمین گیر
 شده اند این روشنایی ۱۰ دقیقه طول می کشد.
 ساعت ۱۲:۱۰ تیپ امام سجاده(ع) خبر داد که محور
 چپ به خاکریز سوم دشمن رسیده است.
 ساعت ۱۲:۱۵ تیپ امام سجاده(ع) خبر داد که محور
 سمت راست نیز وارد شده است.
 ساعت ۱۲:۱۵ تیپ المهدی(عج) محور پایین هم وارد
 شده است.
 ساعت ۱۲:۳۵ قرارگاه کربلا اطلاع داد که تیپ امام
 حسین(ع) و ۸ نجف منتظر تیپ امام سجاده(ع) هستند. و اگر
 تیپ امام سجاده(ع) نیاید ما اطمینان از راست خود نداریم و
 باید به تیپ امام سجاده(ع) فشار بیاورید.
 ساعت ۱۲:۵۰ تیپ امام سجاده(ع) خبر داد که تعدادی
 نیرو از تیپ جوادالائمه(ع) در خاکریز جلوی تیپ امام
 سجاده(ع) مانده اند و جلو نمی روند و فرمانده ندارند که
 قرار شد یک فرمانده از تیپ جوادالائمه(ع) فرستاده شود.
 ساعت ۱۲ تیپ امام سجاده(ع) خبر داد که از طرف

تیپ ۱ لشکر ۷۷ در بین ۳ تیپ این لشکر بهترین تیپ است که از نظر کاربرد عملیاتی این ۲ عامل باعث شده بود که تیپ ۱ هماهنگی خوبی با بچه های تیپ المهدی (عج) داشته باشد (در مسائل ریز باید به گزارش عملیات تیپ ها مراجعه شود) مقدار پیشروی فجر ۱ تا کانالی انحرافی قبل از کانال مواضع مثلثی بوده است که در عکس هوایی مشخص می باشد.

تیپ امام سجاده (ع) فجر ۴: تیپ ۳ لشکر ۷۷ هیچ گونه هماهنگی با این تیپ نداشته است وظیفه تیپ ۳ کمک به تیپ امام سجاده (ع) و پدافند خط سرخ بوده است که جزئیات مآووقع در گزارش تیپ موجود می باشد، مقدار پیشروی هم تا حدود ۳ کیلومتر بعد از دژ عراق بوده است. فجر ۲: تیپ جواد الائمه (ع) تا ۲ کیلومتر بعد از خاکریز دژ عراق پیشروی داشته است.

(کلیه تیپ ها پشت خاکریز دژ عراق مستقر شدند و نیروهای پراکنده ای که جلو بودند نیز به عقب کشیده شدند. جناح راست قرارگاه ما تیپ المهدی (عج) بود که از طرف تیپ ثار... شدیداً تحت فشار گذاشته شد، چرا که دژ عراق در منطقه تیپ ثار... بر اثر فشار دشمن شکسته شده بود و کلیه نیروهای فجر از سمت راست تهدید می شدند. تیپ المهدی (عج) با یک تک مختصر، این منطقه را که به عهده تیپ ثار... از قرارگاه قدس گذشته شده بود، پس گرفت ولی تا مدتی این منطقه گاهی در دست ما و گاهی در دست عراق بود.)

مرحله دوم عملیات (قرارگاه فجر) تاریخ عملیات ۶۷/۴/۳۰

قبل از پرداختن به مرحله دوم لازم به تذکر است که در مرحله دوم، قرارگاه فجر و فتح یک عملیات داشتند که قرار بود قرارگاه ما در ادامه عملیات آنها طرح سابق خودش را با یک بازسازی انجام دهد که مرحله دوم به عقب نشینی منجر شد و نهایتاً مأموریت قرارگاه ما نیز شکل دیگری یافت.

در طرح جدید، چهار تیپ به قرارگاه ما داده شده بود: تیپ المهدی (عج)، تیپ امام سجاده (ع)، تیپ جواد الائمه (ع) و تیپ ۱۷ قم (علی بن ابیطالب (ع)).

نیروهای فجر پشت کانالی که آن طرفش مواضع مثلثی می باشد، پدافند نمایند.

(در حالی که هیچ کدام از نیروهای این قرارگاه به این کانال نرسیده اند و هوا روشن شده است.)

ساعت ۵:۳۰ بامداد نیروهای تیپ امام سجاده (ع) در محور پایین از سه قسمت تهدید می شود.

ساعت ۶ بامداد حدود ۶۰۰ نفر نیروی دشمن و تعدادی تانک به طرف تیپ امام سجاده (ع) در حرکت است و نیروها در فشار قرار گرفته اند.

ساعت ۶:۱۵ بامداد تیپ امام سجاده (ع) گفته است که ۶۰۰ نفر همه دست ها را بالا گرفته اند و به جلو می آیند و احتمالاً تله می باشد.

ساعت ۷:۳۵ بامداد ۶۷/۴/۲۳ در حدود ۵۰ تانک و نفربر به حالتی که می خواستند تسلیم شوند گویا بر روی تیپ المهدی (عج) آتش گشودند که بچه ها هم متقابلاً همین کار را نمودند.

ساعت ۷:۳۵ جلوترین نیروی تیپ جواد الائمه (ع) پشت خاکریز عراق است.

ساعت ۷:۳۵ // امام سجاده (ع) در ۳ کیلومتری کانال مثلثی هامی باشد.

ساعت ۷:۳۵ // تیپ المهدی (عج) نیز در همین حدود نیروهای امام سجاده (ع) قرار دارد.

ساعت ۸:۱۵ تیپ المهدی (عج) تانک هایی را که به سمت شان آمده بودند، دنبال کرده و ۲ دستگاه را هدف قرار داده است.

ساعت ۸:۳۵ در جناح راست تانک های ۲۷۲ دیده می شود که ما را تهدید می کند ما در قسمت خودمان ۴۰ اسیر گرفتیم و در حال پیشروی هستیم فقط این تانک ها ما را تهدید می کند.

ساعت ۱۱:۴۵ خلبان های هوانیروز زیر امر قرارگاه فجر به شکار تانک در قسمت چپ فجر و راست فجر ۴ رفتند ۳ کبری و ۱ هلی کوپتر دیگر.

جمع بندی بعد از عملیات

تیپ المهدی (عج) به همراه تیپ ۱ لشکر ۷۷: این تیپ در تلفیق بار ارتش روشی را اتخاذ نموده بود که با نیامدن ارتش حین عملیات، ضربه ای به عملیات وارد نشود. از طرفی

مرحله سوم عملیات (قرارگاه فجر) ۶۷/۴/۳۰

منطقه عملیات قرارگاه فجر از پاسگاه زید تا حد قبلی خودش تا قدس تعیین شد که ماموریت اصلی قرارگاه حرکت از سمت خاکریز تیپ ۱۷ قم و اشغال مثلثی اول از انتهای پایینی مواضع مثلثی بود تا جناح راست قرارگاه فتح پوشیده شود و دشمن از سمت بالا (شمال مواضع مثلثی و شرق آن) قدرت پاتک نداشته باشد. اولین تصمیمی که گرفته شد، به این شکل بود که تیپ امام سجاد (ع) به همراه تیپ ۱۷ قم که در مرحله اول عملیات به مثلثی اول رفته منطقه کنار خاکریز ۱۷ قم را عمل نمایند که با اکراه تیپ امام سجاد (ع) و اشتیاق تیپ المهدی (عج) این ماموریت به تیپ المهدی (عج) واگذار گشت.

تیپ ۱۷ قم که فرماندهش از نظر روحی دچار یأس شدیدی شده بود با تیپ المهدی (عج) ادغام شد، بدین صورت که هدایت اصلی عملیات به عهده تیپ ۱۷ قم باشد ولی در مسائل مشاوره کنند. تیپ ۱۷ قم همکاری انجام نداده و تنها یک روز به عملیات باقی مانده بود که با فشار زیاد لشکر و کار خود مجید بقایی، تیپ زورکی آماده عملیات شد.

تیپ جوادالائمه (ع) هم ادغامی با تیپ ۲ لشکر ۷۷ قرار بود که یک انهدام نیرو در منطقه قبلی خودش بکند تا دشمن قادر به پاتک روی خاکریز ۱۷ قم نباشد. تیپ امام سجاد (ع) هم مقداری باز شده خط حد تیپ المهدی (عج) را که برای عملیات مرحله سوم پایین کشیده شده بود را به عهده گرفت و فاصله ای حدود ۲ کیلومتر که خط حد قبلی تیپ امام سجاد (ع) بود، نیز از سوی تیپ ۳ لشکر ۷۷ پوشانده شود. تیپ امام سجاد (ع) باید از سمت خود همانند تیپ جوادالائمه (ع) یک برنامه انهدام نیرو داشته باشد تا نیروی مقابل خودش را از حرکت به سمت پایین باز دارد.

شرح مرحله سوم عملیات ۶۷/۴/۳۰

ساعت ۸:۱۵ بعد از ظهر از قرارگاه کربلا ابلاغ شد که شروع عملیات ساعت ۸:۳۰ است.

ساعت ۱۰:۴۰ تیپ علی بن ابیطالب (ع) (۱۷ قم) درگیر شده و حدوداً ۳ کیلومتر جلو رفته اند.

ساعت ۱۱:۱۰ هنوز تیپ امام سجاد (ع) و جوادالائمه درگیر نشده اند.

ساعت ۱۱:۱۵ قرارگاه فتح درخواست نمود که تیپ ۱۷ علی بن ابیطالب (ع) خود را سریع تر به جلو بکشد و با تیپ ۸ نجف الحاق حاصل کند.

ساعت ۱۱:۲۵ محور سمت چپ تیپ جوادالائمه (ع) درگیر شده است.

ساعت ۱۱:۳۰ درچه ای، معاون تیپ جوادالائمه، گفت: نیروهای ما هنوز درگیر نشده اند.

ساعت ۱۱:۴۵ تیپ امام سجاد (ع) گزارش داد که نزدیک نیروهای پیاده دشمن هستیم.

ساعت ۱۲ تیپ جوادالائمه (ع) اعلام کرد که در تمام طول خط درگیر شده است.

ساعت ۱۲:۰۵ امام سجاد (ع) نیز درگیر شده (نقطه درگیری همان معبری بود که جلوی قرارگاه عراقی ها واقع شده بود).

ساعت ۱۲:۱۵ تیپ ۱۷ ابیطالب (۱۷ قم) به مثلثی اول رسیدند (فقط یک گروهان) به این ترتیب که چند کیلومتر خاکریز مثلثی های عراق را تیپ ۱۷ قم پاک کرده و به صورت شمالی جنوبی مین گذاری نموده است (طبق نقشه) به همین جهت فقط یک گروهان از گردانی که به میدان مین رسیدند، آن را دور زده به مثلثی ها رسیدند.

ساعت ۱۲:۲۰ تیپ جوادالائمه (ع) خبر داد که در محور وسط مشغول جمع آوری میدان مین هستند و در محور سمت راست با تیپ امام سجاد (ع) دست داده اند، در ضمن از عملکرد برادران ارتش خیلی ناراحت بودند.

ساعت ۲ بامداد تیپ علی بن ابیطالب (ع) و ۸ نجف به هم دست نداده اند (به خاطر درگیری در مثلثی ها).

ساعت ۳ بامداد از قرارگاه کربلا ابلاغ شد، چون هنوز دستگاه های مهندسی به منطقه اصلی نرسیده و دو تیپ به هم الحاق نشده اند و تا یک ساعت دیگر هوا روشن می شود و فرصت برای زدن خاکریز کم است لذا بچه ها را برای عقب نشینی آماده کنید، در ضمن آمار انهدامی و ضایعات خود را تا ساعت ۶ ابلاغ نمایید.

ساعت ۳:۰۵ از تدارکات کربلا درخواست شد که کلیه کمپرسی های موجود در قرارگاه به انتهای جاده حسینی بروند تا سریعتر بتوانیم بچه ها را عقب بیاوریم (که متأسفانه دستگاه ها دیر فرستاده شد).

ساعت ۳:۳۰ به تیپ ها اعلام شد که با رعایت جوانب

تیپ	تلفات دشمن	تلفات خودی
جواد الائمه(ع)	۵۰ فجر کشته	۲۵۰ نفر مجروح و ۳۰ نفر شهید
امام سجاد(ع)	انهدام ۸۰ دستگاه تانک و نفربر	۱۶ نفر مجروح و ۶ نفر شهید
المهدی(عج) و علی بن ابیطالب(ع)	انهدام ۸۰ دستگاه تانک و نفربر	حدوداً مشخص نیست

جمع بندی عملیات

همان طور که گفته شد، تلاش اصلی قرارگاه به عهده تیپ ۱۷ قم و تیپ المهدی(عج) گذاشته شد که در رابطه با راه افتادن تیپ ۱۷ قم، برادر بقائی به این تیپ رفت. به این علت که تلاش اصلی قرارگاه به این تیپ واگذار شده بود، عملیات رانیز از همین محل هدایت می نمود.

نیرویی از تیپ المهدی(عج) و علی بن ابیطالب(ع) به دو طرف خاکریز ۱۷ قم حرکت کردند که نزدیکی مواضع مثلی مواجه با این مساله شدند که از طرف عراق یک تکه از خاکریز از مثلی نسبت به دژ عراق پاک شده و در سمت شرقی مثلی جنوبی تجمعی از نیروهای دشمن قرار داشت.

از طرفی وقتی از دژ عراق که به طرف مثلی ها برویم، ابتدای پاک شدگی را به صورت شمالی جنوبی و عمود بر خاکریز مین گذاری کرده بود که نیروهای جنوبی خاکریز ۱۷ قم پشت میدان مین متوقف شده تقاضای لودر و بولدزر برای زدن خاکریز پاک شده نمودند که سریعاً اقدام شد و دستگاههای مهندسی نیز پشت میدان مین متوقف شدند که عراق به خیال نقل و انتقالات زرهی با گلوله مستقیم منطقه را زیر آتش داشت.

از ابتدای توقف بچه ها، گروهی مشغول باز کردن معبر شدند که یک گروهان مهم برای دور زدن میدان مین حرکت کرد که به مثلی ها رسیده، در مثلی ها بود تا دستور عقب نشینی داده شد، جزئیات در مانور تیپ مشخص است. **تیپ جوادالائمه(ع):** از دو معبری که در نظر گرفته بود معبر سمت راست باز شده بود و پیشروی خوبی داشته است. معبر سمت چپ نسبت میدان مین و زیر آتش تیربار گیر کرد که تا آخر عملیات نیز متوقف ماند و بعد از انهدام نیرو، نیروهای این تیپ نیز طبق طرح عملیات به عقب باز گشتند. **تیپ امام سجاد(ع):** یک انهدام نیرو و انجام دادند و به عقب بازگشتند.

کم کم به عقب بیایند در ضمن سعی شود هیچ کس در منطقه باقی نماند و زخمی ها را همراه بیاورند (با خونسردی).

ساعت ۳:۴۵ تیپ علی بن ابیطالب(ع) خبر داد که یک گرو در مثلی ها باقی مانده اند و مابقی نیروها بر اثر مین گذاری نتوانستند به مثلی ها برسند.

ساعت ۳:۵۰ کلیه نیروهای تیپ امام سجاد(ع) به عقب آمدند. تیپ جوادالائمه(ع) اطلاع داد که نیروهای منطقه را گم کرده اند و نمی دانند به کدام سمت بروند و برای برگشتن راهنمایی می خواهند.

ساعت ۴:۳۰ تیپ جوادالائمه(ع) به وسیله کلت منور و توپ منور آتش به عقب هدایت شد.

ساعت ۵:۳۰ تیپ المهدی(عج) و علی بن ابیطالب(ع) (۱۷قم) تقریباً تمام نیروهایشان به عقب مراجعت کرده اند. ساعت ۵:۴۰ قرارگاه کربلا اطلاع داد که دو تیپ زرهی دشمن مابین فجر ۲ و ۱۷ قم نزدیک پاسگاه به منظور پاتک حرکت کرده اند.

ساعت ۵:۴۵ کلیه نیروهای تیپ المهدی(عج) به عقب آمده اند.

ساعت ۵:۵۰ تیپ علی بن ابیطالب(ع) درخواست مینی بوس جهت انتقال نیرو از پیچ شهدا در عقب کرد و گفت در این منطقه تجمع بیش از اندازه نیرو است.

ساعت ۶:۱۵ شنود (استراق سمع) اطلاع داد که دشمن آماده پاتک می باشد قرارگاه فتح درخواست کرد که تیپ المهدی(عج) بیشتر به طرف پاسگاه زید برود.

ساعت ۸ استراق سمع خبر داد که تیپ ۲۶ زرهی منتظر نیروی پیاده است تا پاتک نماید و از فرماندهی نیز گفته شده که فرستاده شد.

ساعت ۸:۰۵ برادر نبی رودکی از قرارگاه تیپ امام سجاد(ع) درخواست کرد که اگر کاری نیست به اهواز برگردد.



تابستان ۱۳۵۹؛

(مقطع زمینه سازی شروع جنگ)

نعمت الله سلیمانی خواه*

تاریخ جنگ ها به شیوه های گوناگونی نوشته می شود. روز شمار وقایع، یک از شیوه های رایج در نوشتن تاریخ جنگ هاست. در این شیوه تلاش می شود رویدادها به ترتیب تاریخی روزانه، هفتگی، دوره ای به همان صورتی که اتفاق افتاده اند به رشته تحریر در آمده و بازنمایی شوند تا نسل ها بعدی با توجه به ترتیب وقوع رویدادها به بازخوانی آنها بپردازند. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ از سال های پایانی جنگ تحمیلی پروژه ارزشمند تدوین روز شمار جنگ ایران و عراق را آغاز کرده است و تلاش دارد رویدادها و تحولات آن را از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار داده و به شکل کتاب های روز شمار به خوانندگان ارائه دهد که علاقمندان به جزئیات بیشتر رویدادها، می توانند به مجلدات منتشر شده مراجعه کنند. در این فصلنامه سعی می شود رویدادهای مهم جنگ در قالب یک فصل مورد بررسی قرار گرفته و به تصویر کشیده شود.	اشاره

مقدمه

۲۰ ماه از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جنگ بزرگی میان ایران و عراق با تهاجم سراسری و سهمگین ارتش عراق به خاک ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد و با در نظر گرفتن فاصله کوتاه زمانی میان این دو رویداد بسیار مهم (وقوع انقلاب و آغاز جنگ)؛ این پرسش اساسی را به وجود می آورد که: آیا میان انقلاب اسلامی و جنگ نسبتی وجود دارد؟ اگر پاسخ به این سؤال مثبت است، ساز و کارها و عوامل مؤثر در شکل گیری روند آغاز جنگ با تأثیر از انقلاب چیست؟

این دوره ۲۰ ماهه؛ یعنی زمان پیروزی انقلاب تا بروز جنگ، خود به سه دوره تقسیم می شود که مادر این

با وقوع انقلاب اسلامی ایران، یک اراده ملی و قدرتی نوین برای تاسیس بنیان های جدید بر مبنای تفکرات انقلابی و ناب اسلام و انقطاع از گذشته حاصل شد و همین امر آن را به رخدادی تاریخی و راهبردی تبدیل کرد که تمام مناسبات و رفتارها با تأثیر از آن دستخوش تغییر و تحول اساسی شدند. ادراک و کشف منطق وقوع جنگ می تواند ما را در پاسخ به چرایی و چگونگی وقوع جنگ تحمیلی یاری رسانند و در عین حال، منشأ پرسش های جدید باشد.

در حله نخست، این حقیقت که با گذشت کمتر از

* محقق و نویسنده در حوزه دفاع مقدس

شد. این حادثه بسیار تأثیرگذار در روند جریانات شتابنده انقلاب که از سوی امام خمینی، رهبر انقلاب، به انقلاب دوم نام گرفت، در سطح جهان نیز نگرشی تازه نسبت به ایران را رفته رفته پدید آورد و افکار جهان اسلام و کشورهای منطقه، به دلیل مبارزه ایران با آمریکا، به سود انقلاب اسلامی بسیج شد. سیاست آمریکا نیز از صبر و انتظار به تهدید و طراحی اقدامات سیاسی - امنیتی و مداخله نظامی علیه ایران تغییر کرد. عراقی ها نیز که در تجزیه خوزستان با ناکامی مواجه شدند، در اندیشه طراحی جنگ علیه ایران تمهیداتی را پیش بینی کردند که با تصرف سفارت آمریکا به تأخیر افتاد.

دوره سوم، تا شهریور ۱۳۵۹ آغاز تجاوز سراسری عراق به ایران را شامل می شود. ناامیدی آمریکا از آزادی گروگان ها، هم زمان با فرارسیدن زمان انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا، روند سیاست های خصومت آمیز آمریکا علیه ایران را تشدید کرد و اعلام قطع رابطه با ایران و تحریم اقتصادی این کشور، نقطه عطف جدیدی برای اعمال تهدیدات علیه ایران بود و عراق در میان کشورهای همسایه و هم سو با آمریکا، بهترین مهره ای بود که می توانست انقلاب اسلامی نوپای ایران را یا در نطفه خفه کند و یا حداقل آن را در همان مرزهای خود وادار به سکون نماید. به این ترتیب، روند جدیدی از فشارهای بین المللی، منطقه ای و داخلی علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز شد. در این دوره، نگرانی از اقدامات آمریکا و عراق و درگیری های خونین ضدانقلابیون در پوشش مطالبات قومی در مرزهای غربی کشور، به بسیج اجتماعی برای مقابله با این تهدیدات منجر شد؛ در عین حال، مناقشات سیاسی کشور، به ویژه در رأس بنیان های رسمی تازه تأسیس نظام، و نیز فتنه انگیزی های فرصت طلبانه و منافقانه گروهک های تازه از بند رسته و یا تازه سر از تخم برآورده در نقاط مختلف کشور، با ایجاد جبهه ای جدید در داخل برای مقابله با انقلاب تشدید شد. با این همه، هیچ یک از تمهیداتی که برای بازدارندگی صورت گرفت، نتیجه ای راهبردی در بر نداشت و سرانجام تجاوز سراسری عراق به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد.

فصل شمار در اواخر دوره سوم آن قرار داریم و به ناچار، برای درک بیشتر و بهتر این مقطع (تابستان ۱۳۵۹) دو دوره قبل را به اختصار مرور می کنیم. دوره اول به مدت ۱۰ ماه، فاصله زمانی پیروزی انقلاب تا تصرف سفارت آمریکا در آبان ۱۳۵۸ را شامل می شود. در این دوره، با پیروزی انقلاب و جابه جایی در ساختار قدرت در ایران، مهم ترین دغدغه مردم و رهبران انقلاب، استقرار نظام جدید و تثبیت آن با غلبه بر چالش ها و بحران های سیاسی - امنیتی پیش رو بود. در مقابل، رژیم عراق خود را برای اولین بار در برابر تهدید و فرصت های جدیدی می دید؛ بدین معنا که فروپاشی توازن قدرت در منطقه و تضعیف توان نظامی -

امنیتی ایران، فرصتی را برای عراقی ها پدید آورد که بر پایه آن، تلاش هایی را به منظور فشار به ایران و در اولین گام، رسیدن به آرزوی دیرینه خود یعنی تجزیه خوزستان طراحی و اجرا نمودند. آمریکایی ها نیز با در پیش گرفتن سیاست صبر و انتظار و تقویت جریان های میانه رو، برای بازگرداندن دوباره

قدرت خود در ایران و نیز برای مهار تأثیر و پیامدهای انقلاب اسلامی نوپا، ساختارهای جدیدی را در سطح منطقه طراحی کردند و در این ضمن به قدرت عراق و مهار آن و در عین حال بهره برداری از انگیزه و توان آن کشور برای مهار ایران توجه خاصی مبذول داشتند.

دوره دوم، از تصرف سفارت تا قطع رابطه آمریکا با ایران در فروردین سال ۱۳۵۹ است. تصور موجود از رخدادهای داخلی کشور و نقش آمریکا در سازماندهی و هدایت آنها، همراه با پذیرش شاه برای سفر به آمریکا، زمینه های افزایش نگرانی ایران از تکرار حادثه کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ را فراهم ساخت و همین امر به تصرف سفارت آمریکا در تاریخ ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸ منجر

**کودتای نوژه همدان
هم زمان با شدت یافتن
درگیری های مرزی عراق
در چهار روز پیش از آن،
در ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹
در نطفه خفه شد**

هم بازتاب وسیعی داشت.

انتخاب نخست وزیر نیز از جمله مسائلی بود که کشمکش نیروهای خط امام با لیبرال ها را تشدید کرد. این اختلافات که طبیعتاً دامنه آن به طور وسیعی به مطبوعات نیز کشیده می شد، باعث شد که امام خمینی بارها به طور پدرا نه و گاه نیز با عتاب به طرفین دعوا، آنان را به احتراز از اختلافات و اتحاد با یکدیگر در اوضاع پرتنش وقت کشور، دعوت کند. امام خمینی در ۱۳۵۹/۴/۱ خطاب به مسئولین فرمودند: « باید از اختلافاتی که اخیراً می بینید به جان هم افتاده اند و روزنامه ها چه می کنند، بری باشیم.» دو روز بعد (۱۳۵۹/۴/۳)، ملاقات

چهار ساعته مهمی میان رئیس جمهور و اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی در منزل دکتر با هنر صورت گرفت که در آن مذاکرات مهم و تعیین کننده ای در زمینه مسائل جاری انجام شد و تصمیماتی به منظور ابهام زدایی و ایجاد جو تفاهم اتخاذ گردید. این جلسه به میثاق وحدت

ملاقات محرمانه

صدام و برژینسکی در

مرز اردن به منزله

چراغ سبز آمریکا

به عراق برای آغاز

جنگ بود

شهرت یافت. در ۵۹/۴/۲۹ حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی با رای ۱۴۶ تن از نمایندگان مجلس به ریاست مجلس شورای اسلامی انتخاب شد. در همان روز، فرمان تاریخی امام خمینی برای تشکیل یک دولت مکتبی، قاطع و جوان صادر گردید که در آن چنین آمده است: « اگر دولت مثل سابق باشد، با آن دید و آن وضع، باید عزای انقلاب را بگیریم ... سفارتخانه ها حالا در هر جا که دست روی آن می گذارند، فاسد است، ... این مطلب را آقایان می خواهند با مغزهایی که در اروپا تربیت شده، درست بکنند، ما می خواهیم اسلام را اجرا بکنیم، ... ما چه قدر سیلی از این ملیت خوردیم! اینها بروند گم شوند اینها باید منحل باشند، ما از اینها ضربه

مقطع زمینه سازی شروع جنگ، در تابستان ۱۳۵۹ آخرین حلقه از رویدادهای شتابنده دوره سوم است. توصیف رویدادهای عمده این فصل در قالب چهار کانون بحران صورت گرفته است که با شروع تابستان ۱۳۵۹ بر وخامت آنها روز به روز افزوده می شود.

بحران در مناسبات عرصه سیاسی حکومت

پس از گذشت ۵ ماه از انتخاب اولین رئیس جمهور ایران، از آنجا که مجلس شورای اسلامی در تیرماه ۱۳۵۹ آغاز به کار کرد، زمینه برای تشکیل هیأت دولت فراهم گردید. مجلس اول، در تابستان ۱۳۵۹ با دو موضوع اساسی روبه رو بود که همین دو موضوع در کنار برخی مسائل و تنش های حاشیه ای، جریان مناسبات داخلی حکومت را با بحران فزاینده ای روبه رو ساخت. اولین موضوع چگونگی حل مسأله گروگان های آمریکایی و دیگری رای اعتماد به نخست وزیر و کابینه بود. در مورد گروگان ها، لیبرال ها مانند گذشته، آن را موجب خدشه دار شدن هویت انقلاب و کشور و مغایر با حقوق بین الملل می دانستند. در حالی که پیروان خط امام در این مورد مخالف هرگونه مذاکره ای بودند. این موضع گیری ها آغاز تحول در سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران بود، به طوری که برخی معتقدند یکی از علل اساسی و زمینه ساز اقدام آمریکا در تحمیل جنگ به ایران به شمار می رود.

در اواخر خرداد و اوایل تیرماه ۱۳۵۹، در جریان تصویب صلاحیت نمایندگان مجلس، درگیری دو جناح طرفداران خط امام در قالب حزب جمهوری اسلامی و نمایندگان طرفدار آن، که غالب اعضای مجلس را تشکیل می دادند، با طرفداران رئیس جمهور که اقلیت قابل توجهی را در مجلس شامل می شدند، بر سر تصویب صلاحیت دکتر حسن آیت، نماینده تهران و از اعضای کادر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، و نیز دکتر احمد سلامتیان، نماینده اصفهان و از طرفداران عمده رئیس جمهور، مناقشه سختی در مجلس در گرفت که به طرز پرتنشی به مطبوعات وابسته به دو جناح و نیز مطبوعات گروه های مختلف کشیده شد و در رسانه های ضدانقلاب و نیز کشورهای غربی و عراق

بحران در مناسبات عرصه سیاسی کشور

در این مورد به طور فهرست وار می توان به مواضع مؤثرترین گروهک ها اشاره کرد.

مواضع سازمان مجاهدین خلق (منافقین)

ادامه اعتراض و مظلوم نمایی در شهرهای مختلف در مورد حمله گروه ها به اماکن و دفاتر سازمان و نیز اعتراض به پاکسازی در ادارات. همچنین ادامه جوّ خشونت و چماق و «شهیدنمایی» و «مظلوم نمایی» به جای هرگونه پاسخ گویی در قبال مواضع انحرافی ایدئولوژیک و سیاسی. اجتماعی سازمان، تلاش در جهت تشدید و بزرگنمایی اختلافات دو جناح حکومتی، تشدید فعالیت هواداران سازمان در برهم زدن اجتماعات مذهبی و ایجاد درگیری و تشنج، به خصوص در ماه مبارک رمضان، از جمله برهم زدن سخنرانی جواد منصوری در شب احیای دانشگاه امام صادق (ع) در شب ۲۱ رمضان سال ۱۳۵۹، جمع آوری و اختفای سلاح و مهمات در شهرهای مختلف، از جمله کشف یک انبار بزرگ سلاح و مهمات از عزت الله کفایتی در شهرستان محلات (۵۹/۵/۱۷) و جنجال هواداران این سازمان در شهرهای مختلف برای آزادسازی وی. گشودن یک جبهه وسیع جنگ داخلی در ایران با بحران آفرینی و اعمال عملیات روانی و تلاش برای منحرف کردن اذهان مسئولان و امکانات جمهوری اسلامی و مشغول کردن بخشی از نیروها و امکانات کشور جهت پاسخگویی به این گونه بحران ها.

مواضع سازمان مجاهدین خلق (منافقین) از بدو انقلاب اسلامی و به ویژه در دوره سوم باعث شد تا امام خمینی به سختی به این گونه گروه ها حمله کند. حضرت امام در ۵۹/۴/۴ درباره توطئه گروه های خلقی علیه انقلاب فرمودند: «اینهایی که در کنار جمهوری اسلامی هستند و می خواهند به اسم جمهوری اسلامی، به اسم اسلام به اسم خلق به اسم ملت کار بکنند، اینها را ببینید چه می کنند. ممکن است من هی بگویم اسلام، هی بگویم فدایی اسلام و فدایی خلق و هی بگویم مجاهد اسلام و مجاهد خلق، این حرف ها را بزنم، لیکن وقتی که اعمال من را شما ملاحظه بکنید ببینید که از اول

دیدیم ... یک دولت متدین تمام، صددرصد اسلامی و قاطع، یک نفر وزیر اگر مثل بعضی از این وزرا که الان هستند، باشد اینها نپذیرند ... باید همین مجلس یک مجلسی باشد که با قاطعیت عمل کند و دولت اگر بخواهد یک قدم کنار بگذارد، با قاطعیت بخواهندش و ردش کنند».

با این حال، رئیس جمهور وقت، ابوالحسن بنی صدر و مجلس شورای اسلامی مدت ها برای انتخاب نخست وزیر اختلاف داشتند. مجلس به نخست وزیر پیشنهادی وی رأی اعتماد نمی داد چرا که او را فاقد کارآمدی و اوصاف مورد نظر برای اعمال خط امام می دانست. در نهایت، محمدعلی رجایی، فرد مورد حمایت حزب جمهوری اسلامی از طرف رئیس جمهور به مجلس معرفی شد. مجلس شورای اسلامی نیز در ۲۰ مرداد ۱۳۵۹ به آقای رجایی رأی اعتماد داد. اما کارشکنی رئیس جمهور در معرفی وزیران، به خصوص مخالفت با سه وزیر امور خارجه،

دفاع ملی و کشور، پیشرفت کار دولت را با وقفه و مشکل مواجه ساخت. این مشکلات علاوه بر دامن زدن به اختلافات داخلی، که اوج آن در سخنرانی بنی صدر در ۱۷ شهریور ۱۳۵۹ بود و در آن رئیس جمهور به شدت به حزب جمهوری اسلامی حمله کرد و آن را به کارشکنی و توطئه علیه رئیس جمهوری متهم ساخت، باعث تشدید اختلافات در لایه های بالایی حکومت و کندی کار دولت می شد که این مسأله نیز به عنوان یکی از عوامل اصلی تصور غلط صدام از اوضاع داخلی ایران و ترغیب وی به تسریع در شروع جنگ علیه ایران، قلمداد شده است.

سازمان مجاهدین خلق**پس از سخنرانی شدید****امام خمینی (ره) در ۵۹/۴/۸****و حمله به آنها، در یک****حرکت تاکتیکی، موقتاً کلیه****مراکز و دفاتر سازمانی****خود را تعطیل کرد**

- حمله به خط امام و متهم کردن این جریان به دادن فرصت بیشتر تبلیغاتی به لیبرال ها؛
- اتهام به رجایی در مورد طرفداری از سرمایه داری؛ و
- شرکت اقلیت در درگیری های کردستان در کنار حزب دمکرات و کومله، و گرامیداشت شهدای خود در این درگیری ها.

مواضع چریک های فدایی خلق (اکثریت)

- تلاش و تحلیل به منظور ایجاد شکاف بیشتر میان دو جناح رقیب در حکومت؛
- طرفداری مکرر از سازمان مجاهدین خلق (منافقین) به عنوان نیروهای انقلابی و مترقی؛

تشدید اختلافات در لایه های بالایی حکومت و کندی کار دولت، یکی از عوامل اصلی تصور غلطِ صدام از اوضاع داخلی ایران و ترغیب وی به تسریع در شروع جنگ علیه ایران، بوده است

- تشویق مسئولین و پیشنهاد ایجاد رابطه اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی برای برون رفت از بحران؛
- حمایت از شوروی و حمله به دخالت های آمریکا، پاکستان و قطب زاده نسبت به افغانستان (۵۹/۵/۲۹)؛
- پیشنهاد صلح عادلانه در کردستان؛

- بیانیه مشترک با حزب دمکرات کردستان و پیشنهاد صلح با نظام به منظور ایجاد فرصت برای ضدانقلاب برای تدارک حملات آتی؛ (۵۹/۵/۲۹)؛ و
- تحلیل ریشه های جنگ در کردستان و مقصر دانستن گروه های چپ تندرو و سران ارتش.

مواضع حزب توده

حزب توده با توجه به سوابق منفی و خائنانه ای که از دیرباز در اذهان عمومی ملت ایران از خود بر جای گذاشته بود، این بار با تجربه پذیری از گذشته، موضعی بسیار احتیاط آمیز اتخاذ کرده بود و با توجه به رابطه دوجانبه اطلاعاتی قوی که با اتحاد جماهیری شوروی

من مخالفت کردم، در هر جا تفنگ کشیدم و مخالفت کردم و هر جا بنا بود یک اصلاحی بشود، شما دیدید که من آمدم و مقابلش ایستادم و مشت را گره کردم و تفنگم را کشیدم... یک وقت می بینید که از همه اطراف این گروه هایی که این مفسده ها و این میکروب ها را درست می کنند جمع می شوند در کردستان و آن جا فساد می کنند».

سازمان مجاهدین خلق (منافقین) پس از سخنرانی شدید امام خمینی و حمله به آنها در یک حرکت تاکتیکی، موقتاً کلیه مراکز و دفاتر سازمانی خود را تعطیل اعلام کرد (۵۹/۴/۸). در حقیقت، کادر رهبری سازمان با توسل به مانور فوق، بدون اعلام مواضع رسمی در قبال موضع گیری امام، هدف های زیر را تعقیب می کرد:

- مظلوم نمایی، تبلیغ وجود فشار و خفقان و ایجاد زمینه برای اقدامات بعدی؛
- عقب نشینی تاکتیکی موقت به منظور کسب امتیاز از مقامات مسئول کشور؛ و
- سکوت موقت به منظور فروکش کردن بحران علیه سازمان.

مواضع چریک های فدایی خلق (اقلیت)

به دنبال انشعاب اکثریت در سازمان چریک های فدایی خلق در ۱۳۵۹/۳/۲۱، این دو گروه در تمام طول مدت تابستان ۵۹ درگیری های لفظی و رسانه ای داشتند و یکدیگر را به سازشکاری با لیبرالیسم و یا امپریالیسم ضدانقلاب متهم می ساختند. در این میان، مواضع اقلیت را می توان چنین خلاصه کرد:

- افشاگری مداوم درباره درگیری های کردستان، تحریک ارتشیان و ایجاد اختلاف میان ارتش و سپاه؛
- تحلیل از انشعاب در نیروهای مذهبی و گرایش سازمان مجاهدین خلق (منافقین) به سمت نیروهای چپ و مترقی (روزنامه کار؛ ۵۹/۶/۲۶)؛
- تحریک دانش آموزان با نزدیک شدن بازگشایی مدارس؛
- تحلیل در مورد انحراف حزب توده و اکثریت و سازشکاری با لیبرالیسم (۵۹/۶/۲۶)؛

کردستان و حمایت از جناح منشعب از قاسملو یعنی حزب دموکرات پیرو کنگره چهارم (۵۹/۵/۷)؛
- افشای توطئه تجمع ۲۰ هزار نفر ضدانقلاب مسلح در اطراف کرمانشاه و تمرکز دو لشکر عراقی به منظور پشتیبانی از توطئه گران (۵۹/۵/۷)؛ و
- تبرزنه شوروی از تسلیح ضدانقلاب در کردستان (۵۹/۶/۲۴).

بحران در مناسبات ایران و آمریکا

متعاقب شکست آمریکا در دو مقطع مداخلات و ارتباط با لیبیال ها و ناکامی در عملیات نظامی و حمله به طیس، برای آزادی گروگان ها، تشدید تنش میان آمریکا و ایران امری قطعی بود و بدین طریق شمارش معکوس برای شروع جنگ آغاز شد. اما آمریکا هنوز یک برگ برنده دیگر در آستین داشت که در صورت موفقیت در اجرای آن، نه تنها گروگان ها آزاد می شدند، بلکه امیدوار بود تا جمهوری اسلامی نوپای ایران برچیده شده و دولتی موافق میل او بر سر کار بیاید. هنوز بیش از دو ماه از حمله به طیس نگذشته بود که تلاقی سه کانون بحران؛ یعنی مثلث شوم آمریکا، عراق و ضدانقلاب داخلی دست به اقدامی سهمگین و مخاطره آمیز زد. کودتای نوژه همدان هم زمان با شدت یافتن درگیری های مرزی عراق در چهار روز پیش از آن، در ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹ در نطفه خفه شد. در ساعت ۲۳:۲۰ همان شب بنی صدر و فرمانده نیروی هوایی و فرمانده سپاه پاسداران در یک مصاحبه تلویزیونی شرکت کرده و توضیحاتی را پیرامون کودتا ابراز داشتند. رضایی، فرمانده سپاه، در این مورد چنین گفت: «کارتر و سازمان جاسوسی سی.آی.ای و صهیونیسم بین الملل بعد از شکست مفتضحانه در کویر طیس، بلافاصله در صدد ایجاد یک توطئه جدید برآمد که از داخل؛ ستون پنجم و مزدوران داخلی و از بیرون کشور عراق، حمله دوجانبه خواهند کرد و پایگاه های نیروی هوایی و محل های حساس کشور را تصرف کرده و بمباران کنند. اسرائیل که در این طرح به مقدار زیادی پول و مهمات مصرف کرده بود، نقش اساسی را بازی می کرد و صدام حسین و بختیار نقش های جانبی و فرعی را به عهده داشتند. قرار بود در

داشت، از این رابطه در موارد مختلف به سود خود و حامی اصلی اش بهره برداری می کرد. به طور کلی مواضع حزب توده را می توان در این مقطع چنین خلاصه کرد:

- طرفداری شدید از مواضع ضدامپریالیستی امام و انقلاب، بدون اشاره به اسلامی بودن نظام و انقلاب؛
- پیش بینی و افشگری در مورد توطئه های امپریالیزم آمریکا در هم سوئی با رژیم های ارتجاعی منطقه. از جمله در ۵۹/۴/۳۰ به نقل از روزنامه پراودا، ارگان رسمی خبرگزاری تاس، می نویسد: «کاخ سفید و پنتاگون، یک هفته پس از شکست دخالت نظامی آمریکا در تهران، برنامه ریزی برای یک یورش وحشیانه جدید را آغاز کرده است.» روزنامه پراودا در این مورد ضمن اشاره به یک واحد دیگر متشکل از ۱۸۰۰ تنگدار دریایی آمریکایی و چندین کشتی هلی کوپتربر گوادال کانال می نویسد: «این گروه به واحدهای نیروی دریایی آرمادا در منطقه خلیج فارس که به ناوهای هواپیمابر کانستیشن مجهز هستند، خواهند پیوست. این واحد به دو ناو هواپیمابر و ۲۵ کشتی جنگی دریایی که تنگداران دریایی، ۱۲۵ هواپیمای فانتوم، و ۱۰۰ تانک و هلی کوپترهایی را حمل می کند، مجهز است»؛
- هشدار و اطلاع رسانی درباره توطئه مشترک ضدانقلاب داخلی و عراق و امپریالیزم آمریکا برای ایجاد توطئه ای بزرگتر از کودتای نوژه (۵۹/۵/۴)؛
- طرفداری از رژیم کمونیستی افغانستان و حضور شوروی در آنجا؛
- پیشنهادهایی به دولت جدید برای حذف ارتش و سپردن همه امور نظامی به سپاه و کمیته ها، و با انحلال ارتش و بازسازی مجدد آن (۵۹/۵/۵)؛
- تشویق خط رابطه با شوروی و بلوک شرق برای رفع بحران اقتصادی و به دست آوردن حامیان قوی در مقابل امپریالیزم غرب، همراه با ذکر پیشرفت های اقتصادی شوروی و بلوک شرق؛
- حملات شدید و پی در پی به قطب زاده و افشای روابط پنهانی وی با غرب، از جمله افشای ملاقات قطب زاده و بختیار در سوئیس (۵۹/۵/۶)؛
- حمله شدید به عوامل ضدانقلاب و قاسملو در

مسئولین آمریکایی، بازتاب وسیعی در رسانه های داخلی و خارجی داشت.

در حالی که در داخل کشور هر روز بخش دیگری از توطئه کودتاگران افشا می شد و افراد مختلفی در این ارتباط دستگیر می شدند و در زمانی که محاکمه کودتاگران و تیرباران آنها آغاز شده بود، تظاهرات موافقان و مخالفان انقلاب اسلامی ایران در مقابل کاخ سفید جنجال و تنش دیگری در مناسبات ایران و آمریکا به وجود آورد؛ بالاخص این که رفتار خشونت بار پلیس آمریکا با دانشجویان ایرانی تظاهرکننده بازتاب بسیار تکان دهنده ای در ایران داشت، به طوری که علاوه بر عکس العمل نسبتاً شدید وزارت خارجه ایران و برخی مسئولین، اکثر نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواستار محاکمه فوری و علنی گروگان های آمریکایی شدند. امام خمینی نیز در دیدار با نماینده پاپ به شدت به آمریکا و رفتار پلیس فدرال حمله کرد. با این همه، وزیر امور خارجه آمریکا، ادموند ماسکی در پی نامه ۱۸۰ نفر از اعضای کنگره این کشور به رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، در مصاحبه خود در (۵۹/۵/۱۹) اظهار امیدواری کرد که با پایان یافتن ماه رمضان و انتخاب نخست وزیر و شکل گیری کامل مجلس، گروگان ها آزاد شوند. اما عدم انسجام کامل مسئولین نظام در موضع گیری درباره گروگان ها، کارشناسان و مسئولین آمریکایی را نیز سردرگم کرده بود. وزیر امور خارجه ایران، صادق قطب زاده در مصاحبه با خبرگزاری فرانسه اظهار داشت: «محاکمه گروگان ها به ضرر منافع ایران خواهد بود» و بنی صدر نیز در تاریخ ۵۹/۶/۸ در مصاحبه با تهران تایمز گفت: «پس از گروگان گیری آمریکایی ها در حقیقت ایران به گروگان آمریکا در آمد» از سوی دیگر، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در پاسخ به نامه اعضای کنگره آمریکا، نامه مفصلی صادر کردند که در آن، جنایات آمریکا در طول حکومت پهلوی و پس از انقلاب اسلامی در ایران به تفصیل بیان شده بود.

پس از انتخاب نخست وزیر ایران، ادموند ماسکی در نامه ای خطاب به رجایی خواستار آزادی گروگان ها شد. این در حالی بود که دکتر بهشتی در مصاحبه خود درباره گروگان ها اظهار داشت که: «هدف ما محاکمه

تهران بیت امام و در قم مدرسه فیضیه و محل ریاست جمهوری و محل های سپاه پاسداران؛ هم پادگان ولی عصر و هم ستاد مرکزی سپاه، انبارهای مهمات ارتش و چند جای دیگر بمباران شود. هم زمان با این بمباران، عراق هم از زمین و هم از هوا حمله می کرد و در غرب کشور مستقر می شدند و سرتاسر غرب را که بعد از چندین ماه فداکاری و شهادت های بسیار زیادی، برادران ارتشی و سپاه تصرف کرده بودند، دوباره پس بگیرند. بعد از این که پایگاه حر تصرف می شد اینها سوار فانتوم ها می شدند و کلیه پایگاه های دیگر را که اعلام پشتیبانی نمی کردند، آنها را بمباران می نمودند و در سطح وسیعی اطلاعیه پخش می شد و آقای بختیار وارد ایران می شد».

متهمین دستگیر شده اقرار نمودند که در این طرح، قبلاً با نیروی هوایی عراق تماس برقرار کرده بودند و طبق طرح، حمله جنگنده های عراقی با بمباران مزدوران داخلی هم زمان بود. بدین وسیله در ایران دو جبهه درگیری درست می کردند و نیروهای مومن به انقلاب را وادار می ساختند تا هم با عوامل خارجی یعنی نیروهای عراقی و هم با عوامل مزدور داخلی به درگیری کشانده شوند. در ارتباط با این توطئه که بخشی از فرماندهان و پرسنل لشکر ۹۲ زرهی خوزستان نیز در آن شرکت داشتند، تعداد زیادی از افراد این لشکر دستگیر و تعداد بسیاری نیز متواری شدند.

با نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا، تلاش آمریکا و کارتر برای یافتن راهی برای مهار انقلاب به همین جا ختم نمی شود. افزایش ناوگان دریایی و نیروهای واکنش سریع آمریکا و انگلیس در اقیانوس هند، دریای احمر و خلیج فارس و استفاده از پایگاه های نظامی کشورهای مصر، سومالی، کنیا و عمان و حتی ترکیه برای حمله احتمالی بعدی، آمریکا را هنوز مترصد حمله و اجرای توطئه براندازی تازه تری در ایران نشان می داد. این توطئه به طور اجمالی توسط آیت الله بهشتی در ۵۹/۴/۲۴ افشا گردید، همچنان که افشای این توطئه و تفصیل سناریوی آن به وسیله تحلیل گر و روزنامه نگار معروف آمریکایی، جک اندرسون، در همان زمان و نیز تکذیب آن از سوی

سیاست تجاوزکارانه آمریکاست».

در تیرماه ۱۳۵۹، برژینسکی، مغز متفکر و تصمیم گیرنده آمریکا برای مقابله با ایران، برنامه مذاکره محرمانه مقامات عالی رتبه آمریکا و عراق را طراحی کرد. به گزارش نشریه نیویورک تایمز هدف از این دیدار بحث و مذاکره درباره راه های هماهنگ کردن فعالیت های آمریکا و عراق در مخالفت با سیاست های ایران بود. برژینسکی صدام را «نیروی متعادل کننده» آیت الله خمینی تلقی می کرد. ملاقات محرمانه صدام و برژینسکی در مرز اردن به منزله چراغ سبز آمریکا به عراق برای آغاز جنگ بود و این تلقی را در صدام به وجود آورد که در

صورت حمله به ایران مورد حمایت آمریکا قرار خواهد گرفت. بدین ترتیب، آخرین برگ برنده آمریکا رو شد و نیروهای ارتش بعث که جنگ غیررسمی خود را از روزهای آغازین پیروزی انقلاب شروع کرده بودند، در آخرین روز گرم تابستان ۱۳۵۹ به طور رسمی و با امید به حمایت آمریکا و

متحدان غربی اش جنگ علیه ایران را آغاز کردند.

تداوم بحران در مناسبات ایران و عراق آخرین آماده سازی ها

با آغاز تابستان ۱۳۵۹، عراق با دقت مسائل داخلی ایران را زیر نظر گرفته و در توطئه کودتای نوژه نقش فعالی به عهده داشت، ولی نسبت به فصل گذشته کم تحرک تر می نمود، به این امید که آمریکا بتواند با کودتای نوژه دولت ایران را سرنگون کند. پس از ناکامی کودتای نوژه، عراق در حالی که از پشتیبانی آمریکا نیز بهره مند بود، بار دیگر بازیگر اصلی صحنه شد. این بار عراق اقدامات خود را علیه ایران، با انجام عملیات خرابکارانه

در داخل و نواحی مرزی ایران، به خصوص مناطق مرزی غرب کشور و با کمک اطلاعاتی و تسلیحاتی به گروه های معارض حزب دموکرات کردستان و کومله شدت بخشید. دولت عراق پس از انجام تبلیغات بین المللی و مانورهای دیپلماتیک مبنی بر عدم مشروعیت قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، به اقدامات عملی برای زیر پا گذاشتن این قرارداد دست زد. ماه های مرداد و شهریور ۱۳۵۹ را باید دوران آماده سازی نهایی عراق برای تجاوز به خاک ایران نام گذاشت. در این دو ماه، عراق با سرعتی باور نکردنی از هیچ اقدامی برای آماده ساختن ارتش و افکار عمومی مردم عراق و همچنین منطقه و جهان جهت حمله به ایران فروگذار نکرد.

ادامه حمایت از مخالفان ایران

دولت عراق با آگاهی از مقاصد آتی خود، به پشتیبانی همه جانبه و آشکار از گروه ها و شخصیت های مخالف انقلاب اسلامی پرداخت. برخلاف گذشته، این حمایت ها به صورت مخفی و یا مختص گروه و جریان خاصی نبود. صدام حسین در مصاحبه ای در مرداد ۱۳۵۹ در این باره گفت: «ما با رژیم ایران روابط بدی داریم و بنابراین انتظار نداشته باشید که اگر یکی از معارضین و یا مخالفین این رژیم اعلام کرد که در مخالفت با آن است به او جواب منفی بدهیم».

اقرار دستگیرشدگان درگیری های پیرانشهر به تماس با پالیزبان و صدام و قول مساعد صدام برای اعطای هرگونه کمک مادی و نظامی به توطئه گران (۵۹/۳/۳۰)؛ مین گذاری توسط ضدانقلاب و عوامل بعثی در جاده های مختلف مرزی از جمله برخورد یک تریلر ارتشی با مین در ۵۹/۴/۱ در مسیر راه سرپل ذهاب به گرده نوییشان؛ انفجار یک بمب قوی در خیابان امام خمینی اهواز توسط مزدوران طرفدار دولت عراق در ۵۹/۴/۳ و کشته و زخمی شدن بیش از ۳۶ نفر؛ ورود بختیار از طریق عراق به مناطق مرزی غرب کشور و سازماندهی دقیق و منظم گروه های مسلح به کمک سالار جاف و پالیزبان در هفته اول تیرماه ۱۳۵۹؛ دایر کردن ۲ ایستگاه رادیویی در عراق علیه انقلاب اسلامی ایران توسط سازمان سیا و تشکیل یک شورای برنامه ریزی جهت

عراق در ۲۶ شهریور ۱۳۵۹،
با ابلاغ یادداشت رسمی
به شماره ۵/۱۷/۱۴۰۲۴ و
به تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۵۹
به طور یک جانبه
موافقت نامه الجزایر را
لغو کرد

بالایی حکومت و نیز دامن زدن گروه‌های مختلف سیاسی و به اصطلاح خلقی، چنان فضای متشنجی را ایجاد کرده بود که هیچ یک از مسئولین سیاسی کشور این سخنان را جدی نگرفت و حتی با وجود افشاگری‌ها و هشدارهای برخی از احزاب چپ، سخنان صدام را گوشه‌ای از تبلیغات جاری عراق تلقی می‌کردند. اما تحولات بعدی، منظره جدیدی را از روابط دو کشور فرا روی ناظران سیاسی قرار داد. برخی از مهم‌ترین اقدامات عراق در این فصل به این شرح است:

- شناسایی دقیق نقاط مرزی و عمق خاک ایران با استفاده

از عوامل ایرانی و عراقی؛

- افزایش سنگرسازی و

ساختن استحکامات

مرزی؛

- نقل و انتقال گسترده

نیروها در تمام خطوط

مرزی؛

- مانور یگان‌های اصلی

عمل‌کننده در مناطق

مشابه.

تحرکات جدید

عراق از اول شهریورماه

به گونه‌ای متفاوت

نسبت به گذشته و با

برنامه ریزی منسجم و

همه جانبه دنبال شد و با بمباران گسترده شهر قصر شیرین در ۱۳ شهریور ادامه یافت. شهرهای سومار، مهران و خرمشهر نیز زیر آتش سلاح‌های سبک و سنگین عراق قرار گرفتند. از آغاز نیمه دوم شهریورماه، ارتش عراق تجاوزات نظامی محدود خود به عمق خاک ایران را آغاز کرد. بهانه چنین اقداماتی، آزادسازی سرزمین‌هایی از جمله ارتفاعات زین القوس و منطقه سیف سعد بود که دولت عراق به دروغ ادعا می‌کرد به موجب قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر باید طی مراحل به عراق واگذار می‌شد، ولی هنوز این کار صورت نگرفته است. به هر حال ذکر اخبار روزانه نیمه دوم شهریور ۵۹ خود گویای تجاوزات نظامی عراق به خاک ایران است:

عملیات تخریبی علیه انقلاب اسلامی در عراق در اوایل تیرماه ۵۹؛ ملاقات «ملا عبدالله»، نماینده قاسملو، در کرکوک با مقامات عراقی برای دریافت کمک‌های مادی و نظامی و نیز ملاقات «امیر غاخی»، نماینده دیگر قاسملو، در قلعه دره عراق با انصاری، وزیر اقتصاد شاه مخلوع، در مورد چگونگی آزاد کردن خلق کرد در اوایل تیرماه ۵۹؛ کشف مخفی گاه یک باند جاسوسی عراق در اهواز در ۵۹/۵/۸ و دهها مورد دیگر که تا پایان شهریورماه ادامه داشت، همه دلیل بر ادعاهای صدام در حمایت از گروه‌های معارض و ضدانقلاب می‌باشد.

گسترش تحرکات دیپلماتیک در منطقه برای

کسب حمایت

سران دولت بعث برای کسب پشتیبانی کشورهای منطقه و همچنین توجیه آنان نسبت به حرکات آتی عراق، رفت و آمدهای متعددی به این کشورها کردند. در این فصل، عراق تحرک دیپلماتیک بی‌سابقه‌ای را آغاز نمود؛ ارسال یادداشت‌ها و اعتراضیه‌های پی‌درپی به مجامع بین‌المللی نسبت به اشغال جزایر سه گانه به دست ایران، ادعای خدشه دار بودن مشروعیت قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و تجاوزات مرزی ایران به عراق از جمله این تحرکات بود. از همه جالب‌تر و تأمل‌برانگیزتر دیدار غیرمنتظره صدام حسین از عربستان سعودی و تحکیم روابط این دو کشور بعد از ۲۲ سال بود.

گسترش تحرکات و اقدامات نظامی

در ۵۹/۵/۳۱ صدام حسین صریحاً به حکومت جدید ایران حمله کرد و مواضع خصمانه عراق را چنین آشکار ساخت: «اکنون ما نیروی نظامی کافی برای باز پس گرفتن سه جزیره عربی اشغال شده توسط ایران را فراهم کرده ایم و برخلاف تصور عده‌ای، ما از هنگام اشغال این جزایر در ماه مارس ۱۹۷۵ (اسفند ۱۳۵۳) نه سکوت کرده ایم و نه دچار رخوت و سستی شده ایم، بلکه از آن زمان و پس از درگیری به جنگ فرسایشی با شاه، توان و قدرت نظامی و اقتصادی خود را در مدت هفت سال افزایش داده ایم».

اما در آن روزها درگیری‌های جناحی در لایه‌های

صدام حسین:
«ما با رژیم ایران روابط بدی
داریم، بنابراین انتظار
نداشته باشید که اگر یکی از
معارضین این رژیم اعلام کرد
که در مخالفت با آن است،
به او جواب منفی بدهیم»

هرچند دولت ایران این اقدام را هرگز نپذیرفت، اما دولت عراق برای تحقق خواسته های خود، دست به اقدامات بعدی زد؛ یک روز پس از لغو یک جانبه قرارداد الجزایر، سخنگوی وزارت امور خارجه این کشور اعلام کرد که از تمام کشتی ها و نفت کش هایی که قصد عبور از شط العرب را دارند، خواسته می شود تا پرچم عراق را بر عرشه خود نصب کنند و مالیات عبور را نیز که مبلغ آن در بغداد تعیین خواهد شد، بپردازند. در پی این تصمیم، نیروی دریایی عراق در ۱۳۵۹/۶/۲۹ سه فروند کشتی بازرگانی ایران را در دهانه فاو متوقف کرده و از آنها خواست تا پرچم عراق را بر روی عرشه خود بالا ببرند. با انجام چنین تمهیداتی، ارتش عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به طور رسمی و با چند لشکر پیاده و زرهی و از سه محور اصلی غرب، میانه و جنوب مرزهای دو کشور، وارد خاک ایران شد و هم زمان با این اقدام، هواپیماهای عراق به فرودگاه های شهرهای تهران، اهواز و تبریز حمله کردند.

شرح تهاجم سراسری عراق و اقدامات دو طرف درگیر و موضع گیری های کشورهای و سازمان های بین المللی نسبت به تهاجم عراق به ایران در فصل شمارهای بعدی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

- ۱۳۵۹/۶/۱۶، ارتش عراق به ارتفاعات زین القوس دست یافت.

- ۱۳۵۹/۶/۱۹، نیروهای عراق منطقه سیف سعد را تصرف کردند.

- ۱۳۵۹/۶/۲۰، صدام حسین در جلسه هیات دولت اعلام کرد که تصمیم به بازپس گیری سرزمین های غصب شده از سوی ایران را دارد.

- ۱۳۵۹/۶/۲۱، وزارت دفاع عراق اعلام کرد که نیروهای عراقی، سرزمین های عراقی را که به موجب قرارداد سال ۱۹۷۵ میلادی قرار بود ایران از آن عقب نشینی کند و این کار را نکرد، بازپس گرفته اند.

- ۱۳۵۹/۶/۲۳، روزنامه الثوره، ارگان حزب بعث عراق، نوشت: «در پی سه روز نبرد، نیروهای عراقی موفق شدند ۲۱۰ کیلومتر از مناطق واقع در مرز ایران و عراق را تصرف کنند».

- ۱۳۵۹/۶/۲۴، عزت ابراهیم الدوری، معاون ریاست شورای انقلاب، در نشست مطبوعاتی در رم اعلام کرد: «عملیات جنگی این کشور در مرزهای ایران برای بازپس گیری ۱۳۰۰ کیلومتر مربع خاک متعلق به عراق تا پایان هفته جاری خاتمه خواهد یافت». وی افزود: «عراق پس از انجام عملیات نظامی، طی یادداشتی، به ایران یک هفته مهلت داد تا سرزمین های این کشور را باز پس دهد».

لغو یک جانبه قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر

دولت عراق در ۲۶ شهریور ۱۳۵۹، کاردار سفارت جمهوری اسلامی در بغداد را به وزارت خارجه احضار کرد و با ابلاغ یادداشت رسمی به شماره ۵/۱۷/۱۴۰۲۴ و به تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ (۱۷ دسامبر ۱۹۸۰ میلادی) به طور یک جانبه موافقت نامه الجزایر را لغو کرد. در بخش پایانی این یادداشت رسمی چنین آمده است:

«دولت جمهوری عراق، دولت جمهوری اسلامی ایران را به پذیرش وضع جدید و اتخاذ روشی مبتنی بر عقل و منطق در قبال اعمال حاکمیت و حقوق مشروع مردم عراق در سراسر قلمرو خاکی و رودخانه ای خود در شط العرب، عیناً مانند وضعی که پیش از موافقت نامه الجزیره سابق الذکر وجود داشت، دعوت می نماید».



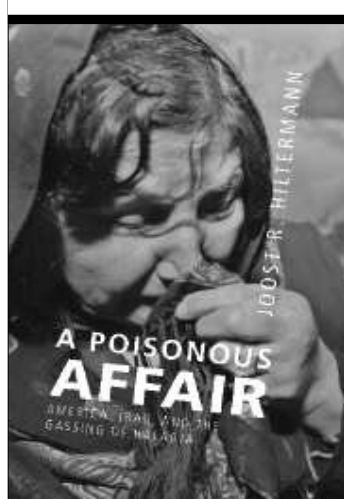
رابطه مسموم؛ روابط آمریکا - عراق

و

بمباران شیمیایی حلبچه

Joost R Hiltermann. A Poisonous Affair: America, Iraq, and the Gassing of Halabja, Cambridge University Press, 2007, pp.346 .

حیدرعلی بلوچی *



جنایت، مراجع قضایی متعددی در دنیا، از جمله دادگاه شهر لاهه از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ برای محاکمه فرانس فان آنرات، تاجر هلندی فروشنده عوامل شیمیایی به صدام، به این موضوع رسیدگی کرده و نامبرده را به ۱۷ سال زندان محکوم کرده است. این دادگاه پرونده

آنرات را صرفاً از جنبه کیفری بررسی و حکم خود را صادر کرده است و گشودن پرونده حقوقی جرم ارتكابی توسط آنرات موضوع دیگری است که امکان آن پس از بستن پرونده کیفری جاری امکانپذیر خواهد بود. در واقع، علی رغم این که سیستم های قضایی جهان به مرور زمان برای ختم پیگرد بعضی از جرائم به رسمیت شناخته اند، عمق جنایات ضد بشری صدام در رابطه با حملات شیمیایی علیه ایران و حتی اتباع خود باعث شده که دادستان دادگاه لاهه این امر را در رابطه با پرونده آنرات وارد نداند.

علاوه براین، پس از گذشت بیست سال از این جنایت، در کنار یادبودهای مستمر و مکرر قربانیان این

مقدمه

در حالی که بسیاری از شهرهای معروف دنیا شهرت و جذابیت بین المللی خود را مدیون جاذبه های توریستی از قبیل دیدنی های طبیعی و اماکن تاریخی هستند، شهرت جهانی حلبچه با یک تراژدی تمام عیار گره خورده است. در اثر این حمله حدود پنج هزار از شهروندان بی دفاع این شهر کشته شدند و بقیه از خانه و کاشانه خود فراری شدند. در واقع، تا قبل از مارس ۱۹۸۸ اسم حلبچه حتی برای مردم کشورهای همسایه نیز نامی نا آشنا به شمار می رفت. با وجود این، در این تاریخ با بمباران شیمیایی این شهر به دستور و توسط نیروهای تحت حاکمیت صدام، رئیس جمهور معدوم عراق، اخبار مربوط به قتل عام مردم این شهر با استفاده از عوامل اعصاب، به سرعت به صدر اخبار و تجزیه و تحلیل های جنگ عراق علیه ایران راه یافت.

با ارتكاب این جنایت علیه بشریت، که لکه ننگ دیگری در ادامه رفتار و اعمال غیر انسانی صدام در طول جنگ با ایران بود، جامعه بین المللی مجبور به عکس العمل شد و سازمان ملل طی قطعنامه شماره در تاریخ رای به محکومیت کاربرد سلاح های شیمیایی داد.

واکنش های جهانی در قبال این فاجعه ضد بشری منحصر به قطعنامه های سازمان های بین المللی نبود، بلکه با وجود گذشت نزدیک به بیست سال از این

*دکترای روابط بین الملل از دانشگاه تهران و کارشناس ارشد وزارت امور خارجه

بین‌المللی^۱ است و برای پوشش اخبار و تحولات منطقه در کشور اردن اقامت دارد، قبلاً، به عنوان مدیر بخش نظارت بر تسلیحات در سازمان دیده بان حقوق بشر، گزارش مفصلی از قتل عام کردهای حلبچه با استفاده از گازهای شیمیایی برای این سازمان تهیه کرده بود. وی در سال ۲۰۰۷ نتیجه مطالعات و یافته‌های خود در این زمینه را در قالب یک کتاب جدید منتشر کرده است. او برای تهیه این کتاب ضمن مسافرت به کشورهای مختلف منطقه و از جمله به ایران و عراق، جهت بازدید از مناطق شیمیایی شده و مصاحبه با قربانیان و شهود حملات شیمیایی عراق، دست به یک مطالعه میدانی زده است. نامبرده دارای آثار دیگری نیز در ارتباط با منطقه خاورمیانه است.^۲

ذیلاً ضمن نگاه اجمالی به محتوای این کتاب و ارزیابی آن، بازتاب انتشار آن را در بین محافل علمی و خبری مختلف مورد بررسی قرار می‌دهیم.

خلاصه محتوایی

هرچند، بمباران حلبچه جلوه‌ای از یکی از خشن‌ترین جنایات صدام حسین به شمار می‌رود، موضوع بمباران شیمیایی حلبچه چندان مورد بحث و مذاقه علمی قرار نگرفته است. در این زمینه، به خصوص، اذعان ضمنی دستگاه حکومتی صدام نسبت به حملات شیمیایی علیه نیروهای ایرانی و حتی اتباع کرد خود به دلایل مختلف، از جمله عدم اقتضای دامن زدن به این موضوع بر اساس سیاست ایالات متحده آمریکا، مورد توجه جدی قرار نگرفته بوده است. به عبارت دیگر، تنها زمانی که سیاست‌های کشور اخیر ایجاب کرد، مسئولیت ارتکاب این حملات از سوی صدام و نیروهای تحت رهبری او مورد تأیید قرار گرفت. البته صدام در دادگاه محاکمه وی پس از دستگیری او به دست نیروهای آمریکایی، مسئولیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه ایرانی‌ها را پذیرفته و از این عمل ددمنشانه خود به عنوان یک افتخار یاد کرد.

در حالی که پس از این موضع‌گیری صدام، بسیاری از معماها حل شده به نظر می‌رسد، هنوز

حمله در گوشه و کنار جهان، تجزیه و تحلیل آن از ابعاد مختلف سیاسی، حقوقی، نظامی و اجتماعی و نیز شفاف‌سازی کم و کیف حمله و از جمله طرف واقعی بمباران کننده، همچنان یکی از موضوعات مورد توجه حقوقدانان بین‌المللی و تحلیل‌گران جنگ است. در واقع، در زمان وقوع بمباران شیمیایی حلبچه، دولت بعثی عراق و حامیان بین‌المللی آن انگشت اتهام را به سوی جمهوری اسلامی ایران نشانه گرفتند، با وجود این، مدت‌ها پس از این حمله و زمانی که اشغال‌کویت به رویارویی عراق و آمریکا منتهی شد، سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، سیاه پرده از ارتکاب این جنایت شوم توسط

دولت وقت عراق برداشت. این موضوع توسط برخی کارشناسان بین‌المللی دیگر، از جمله شهادت ولتر بیک، بازرس تسلیحاتی سابق سازمان ملل و عضو سابق آنسکام، در جریسان محاکمه فائزات در دادگاه لاهه مورد تأیید قرار گرفته است.

یکی از آخرین

تحلیل‌های ارائه شده در این زمینه کتاب رابطه مسموم: روابط آمریکا - عراق و بمباران شیمیایی حلبچه نوشته آقای یوست هیلترمن، یک محقق هلندی است که او هم به دنبال تحقیقات چند ساله به استناد شهود عینی و یافته‌های خود ضمن این که جمهوری اسلامی ایران را از ایفای هرگونه نقشی در بمباران شیمیایی حلبچه مبرا می‌داند، نقش عراق را نیز در این فاجعه به طور برجسته نشان می‌دهد.

آقای یوست هیلترمن که در حال حاضر مدیر پروژه خاورمیانه در گروه مطالعاتی بحران‌های

هیلترمن با نشان دادن نحوه
دستیابی عراق به سلاح‌های
شیمیایی و استفاده از آنها علیه
ایران، اعدام سریع صدام را
مانعی برای افشای بسیاری از
حقایق درباره حلبچه می‌داند

1. The International Crisis Group

2. Behind the Intifada: Labor and Women's Movements in the Occupied Territories (1991)

آمریکا از صدام را به ترس ایالات متحده آمریکا از نفوذ انقلاب اسلامی ایران در منطقه می داند. بدیهی است که جنگ و کاربرد سلاح شیمیایی علیه ایران از دیدگاه صدام و آمریکا می توانست بازدارنده باشد.

در این کتاب هیلترمن با نشان دادن نحوه دستیابی عراق به سلاح های شیمیایی و استفاده از آنها علیه ایران، از اعدام سریع صدام و صدور حکم اعدام برای علی شیمیایی، که هر دو قبل از گشودن پرونده حلبچه رهسپار دیار عدم می شوند، اظهار تأسف می کند و این اعدام ها را مانعی برای افشای بسیاری از حقایق درباره حلبچه و از جمله سرپوش گذاشتن به نقش دولت ریگان در این عملیات می داند.

ترجمه و انتشار این کتاب به زبان فارسی گام موثری برای آگاه سازی افکار عمومی نسبت به عمق و ابعاد مختلف فاجعه حلبچه به عنوان یک مطالعه موردی خواهد بود

هیلترمن با انجام یک تحقیق میدانی، دلایل و ادعاهای خود را بر اسناد و مدارک بسیاری، اعم از اسنادی که بعد از جنگ اول عراق با آمریکا در جریان آزادسازی کویت در سال ۱۹۹۱ و یا در مصاحبه با بسیاری از نظامیان و مسئولین و حتی مردم عادی از میان کردها، عراقی ها، ایرانی ها، امریکایی ها و

دیگران بدست آمده، استوار کرده و در کتاب خود به انبوهی از اسناد و مدارک استناد نموده است.

بازتاب و ارزیابی

با وجود این که حدود بیست سال از بمباران شیمیایی حلبچه و پایان چنگ ایران و عراق می گذرد، انتشار کتاب هیلترمن، در بین محافل بین المللی بازتاب های چشمگیری داشته است. در واقع، انتشار این کتاب از سوی محافل مختلف هم مورد استقبال قرار گرفته است. به طوریکه نشریات بین المللی معتبری همچون مجله فارن افرز^۱، روزنامه واشنگتن پست^۲ و برخی از

مسئولیت های مستقیم و غیر مستقیم حامیان بین المللی صدام و از جمله ایالات متحده آمریکا در زمان جنگ عراق علیه ایران، راه زیادی برای احقاق حقوق قربانیان این حملات وجود خواهد داشت. اهمیت ادعای این کتاب و یافته های آن در وهله اول، زدودن اتهامات واهی علیه جمهوری اسلامی ایران از یک طرف و نشان دادن مسئولیت واقعی دولت وقت عراق و حامیان آن از سوی دیگر است. بدین منظور، نویسنده کتاب پس از یک مقدمه و بیان روند تدوین کتاب، بر خود عملیات بمباران حلبچه و اوضاع و احوال بین المللی آن دوران و به خصوص چشم پوشی دولت ریگان نسبت به حملات شیمیایی عراق علیه ایران تمرکز می نماید و نتیجه می گیرد که انفعال جامعه بین المللی نسبت به اقدامات مغایر با حقوق بین الملل موجب تجری بیشتر صدام شده و در نهایت او را به کاربرد سلاح های شیمیایی حتی علیه شهروندان خود رهنمون شد.

هیلترمن، در بیان بخش عمده جنایت حلبچه و برای نشان دادن نقش دستگاه حکومتی صدام در این جنایت می نویسد: علی شیمیایی، پسرعموی صدام که توسط وی به عنوان رئیس پلیس امنیتی عراق منصوب شده بود، به مدت دو سال در این پست مشغول فراهم کردن منویات صدام بود، وقت کافی برای سرکوب کردها در اختیار داشت. وی در مارس ۱۹۸۷ با ارسال پیامی به کردها اعلام کرد که دوران کردها دیگر به سر آمده است. به دنبال این هشدار، از اواخر سال مزبور وی با به عهده گرفتن رهبری عملیات انفال، با "سلاح های خاص" این عنوان در دوره حکومت صدام به سلاح های شیمیایی اطلاق می شد- شورشیان کرد را سرکوب کرد. گفته می شود که بین ۷۰ تا ۸۰ هشتاد هزار نفر از مردان کرد در طول این عملیات مفقود شدند و خبری از سرنوشت آنها به دست نیامده است. شکی نیست که حکومت ریگان از تمام آنچه به سر کردها می آمد، مطلع بود. هیلترمن دلیل حمایت های مختلف سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی با دادن اسلحه و اطلاعات امنیتی و نظامی مربوط به جنگ- دولت

1. Foreign Affairs - Book Review - A Poisonous Affair: America, Iraq, and the Gassing of Halabja - Joost R. Hiltermann.

2. Fawaz A. Gerges, The Washington Post - www.Barnes&Noble.com.

خبرنگاران^۱ به نقد و بررسی و معرفی کتاب مزبور پرداخته اند.

خود هیلترمن گفته است که این کتاب را تعمداً در خاک آمریکا چاپ و منتشر کرده است تا افکار عمومی این کشور را نسبت به عملکرد واقعی مسئولین وقت حاکم بر آن بیشتر آشنا سازد. با وجود این، بازتاب یافته های کتاب در منطقه خاورمیانه و به خصوص در عراق و نیز در بین جوامع کرد منطقه چشمگیر است. تقریباً، به فاصله اندکی از انتشار کتاب هیلترمن به زبان اصلی، این کتاب به زبان کردی نیز چاپ و منتشر شده است. با وجود این، بقایای طرفداران حزب بعث از انتشار کتاب ناخشنود شده و در اظهار نظرهای اینترنتی، زبان به تخطئه نویسنده گشوده اند.^۲

باتوجه به رویکرد بی طرفانه نویسنده در تجزیه و تحلیل مطالب کتاب و تلاش برای اثبات ادعاها براساس اسناد و مدارک متقن از یک طرف و تبریته ایران از اتهاماتی که آن موقع نسبت به دست داشتن در وقوع این فاجعه تکرار می شد، از سوی دیگر، اهمیت این کتاب را برای کشور ما نیز روشن می سازد. به خصوص طرح این ادعاها از سوی یک فرد بی طرف اثرگذاری بیشتر خواهد داشت. لذا ترجمه و انتشار این کتاب به زبان فارسی گام موثری برای آگاه سازی افکار عمومی نسبت به عمق و ابعاد مختلف فاجعه حلبچه به عنوان یک مطالعه موردی خواهد بود.

فهرست کتاب

- مقدمه
- مناقشه حلبچه
- عبور از آستانه حمله شیمیایی
- تنظیم روند جنگ
- وقفه در حملات شیمیایی
- جنگ کردستان
- حلبچه
- آثار عملیات حلبچه
- کاربرد سلاح شیمیایی توسط ایران!
- مسیر کویت
- نتیجه گیری

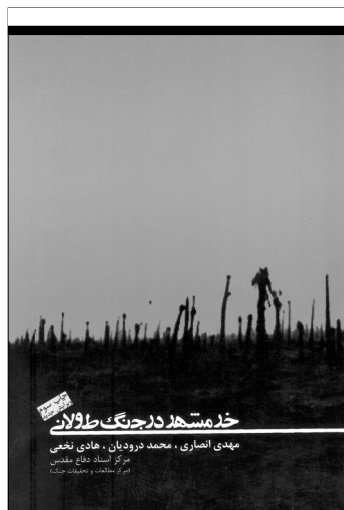
1. An Indispensable Book Scott Peterson's review of A Poisonous Affair America, Iraq, and the ___. www.Amazon.com, December 4, 2007.

2. Responses to "Hiltermann's "A Poisonous Affair"" Published by Arabist August 8th, 2007.



گزارش نشست نقد و بررسی کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی"

زهرابوعلی*



است. رئیس مرکز اسناد دفاع مقدس اظهار داشت: امروز و هنگامی که مهمترین حادثه تاریخ جنگ را پاس و بزرگ می داریم، به بررسی یکی از مهم ترین کتاب های مرکز به نام "خرمشهر در جنگ طولانی" که جزء بهترین آثار مرکز اسناد دفاع مقدس است، می پردازیم. وی افزود: من

در چند جلسه گذشته نقد و بررسی کتاب ها حضور داشته ام و از همه کتاب ها راضی ام. مدعوین مستحضرند و می دانند که راویان همراه فرماندهان و رزمندگان در صحنه های نبرد دویده و این آثار را جمع کرده اند. تفاوت کتاب های مرکز اسناد دفاع مقدس با دیگر مراکز در این است که ما خود همه اسناد را جمع آوری کرده ایم، همچنین در میان نبردهای هشت سال دفاع مقدس، عملیات بیت المقدس جایگاه ویژه ای دارد. کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" هم، کتاب ویژه ای است و این کتاب ارزشمند یکی از افتخارات مرکز اسناد دفاع مقدس محسوب می شود.

دکتر محمد رضا سنگری، پژوهشگر ادبیات دفاع

نشست نقد و بررسی کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" عصر پنجم خرداد امسال در پایگاه اطلاع رسانی جنگ مرکز اسناد دفاع مقدس برگزار شد. این نشست به جلسه بررسی تاریخ نگاری وقایع خرمشهر در جنگ و همچنین به زبان آوردن ناگفته ها یا کم گفته های مقاومت تاریخی این نقطه از ایران در برابر ارتش متجاوز صدام تبدیل شد.

دکتر حسین اردستانی، رئیس مرکز اسناد دفاع مقدس در ابتدای نشست نقد و بررسی کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" گفت: فتح خرمشهر یک حادثه، یک رویداد و یک عملیات موفق نظامی نیست؛ بلکه نقطه عطفی در هویت یابی تاریخ ملت ایران است. زیرا با فتح خرمشهر، پیروزی انقلاب اسلامی در جوامع بین المللی تثبیت شد. وی افزود: فتح خرمشهر علامت هشدار برای همسایگان و سایر کشورهای جهان بود که بفهمند وضعیت جدیدی در ایران اتفاق افتاده و از این پس باید با یک ملت و یک دولت جدید در ایران در تعامل باشند. ایشان، موفقیت کشور ایران را در طول هشت سال جنگ تحمیلی، در رهبری حضرت امام خمینی (ره) عنوان کرد و افزود: بینش عمیق و آینده نگری امام (ره)، استقامت و تحولی در صحنه های نبرد به وجود آورد که سرآمد و نقطه عطف تاریخی آن، آزادسازی خرمشهر بود. از طرف دیگر، رژیم بعثی عراق که با حمایت سیاسی، اقتصادی، تسلیحاتی و بین المللی آغاز گر جنگ بود، سقوط کرد و هیچ اثری از آن باقی نمانده

است. دکتر سنگری افزود: مقدمه کتاب فوق العاده زیبا و رسا نوشته شده و اگر در پایان کتاب به عنوان نتیجه آورده می شد، شاید بهتر بود. زیرا عصاره و خلاصه همه کتاب در آن ذکر شده است. این مقدمه نشان دهنده تکامل ذهنی، قلمی و نگاه نویسندگان و استادان عزیزی است که این کتاب را نوشته اند. وی به نقاط ضعف کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" هم اشاره کرد و گفت: در مطالعه قسمت هایی از کتاب دچار تعجب می شدم. زیرا احساس می شد که نویسندگان در یک نوع سرگردانی به سر می برند. اگر رویکرد تاریخی است، نویسندگان می توانستند در بیان حقایق سیر تاریخی دقیق تری پیدا کنند. رویکرد در نگارش تا حدی مبهم و گم است. یعنی مشخص نیست نویسندگان با کدام نگاه، رویکرد و رهیافت وارد قلمرو نگارش شده اند. به نظر می رسد گاه در نوعی سرگردانی به سر می برند. قلم سمت و سوی مشخص و روشنی ندارد. زمانی رویکرد تحلیل گرانه است. یعنی به سمتی می رود که حقایق و حوادث مستند را کنار هم قرار می دهد و سپس این ها را تحلیل می کند و از چینش یا چیدمان در کنار هم مثل قضیه منطقی، به نتیجه ای می رسد. اما ممکن است روش تحلیل گرانه ما اینگونه نباشد و چنان فضا و زمینه را بسازد که مخاطب به نتیجه گیری دیگری برسد. اگر فرض کنیم روشی که نویسندگان این کتاب انتخاب کرده اند، روش تحلیل گرانه یا رویکرد، رویکرد تاریخ نگارانه است، می توانست یک سیر تاریخی دقیق تری پیدا بکند. پژوهشگر ادبیات دفاع مقدس اظهار داشت: در بخش هایی از کتاب شتاب زدگی دیده می شود. حوادث روزهای اول تا ۱۰ مهر ماه ۱۳۵۹ را خیلی ریز و دقیق نوشته اند، اما از دهم به بعد تا بیست و یکم که اتفاقاً اوج گیری حوادث است و خیلی اتفاقات شگفت و شگرف را که در خرمشهر روی می دهد، با شتاب زدگی نوشته اند و از روز بیست و یکم به بعد سرعت و شتاب زدگی خیلی بیشتر می شود. نمی خواهم بگویم نویسندگان کتاب در ثبت این روزها بی حوصله شده اند و احیاناً به علت این که به انتهای کار رسیده اند، خواسته اند اندکی سریع تر کتاب را به فرجام و سرانجام برسانند، اما به نظر می رسد که اتفاقات و حوادث این روزها خیلی زیاد بوده، ولی در این کتاب به آنها توجهی نشده است. در خرمشهر، پا به پای حادثه ها بودم و حتی

مقدس در نشست نقد و بررسی کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" ضمن ارزشمند دانستن این کتاب گفت: ابتدا از این زاویه که آن روزها را درک کرده ام، می توانم وارد موضوع و نقد کتاب بشوم. زیرا از اول جنگ در خرمشهر و جزء ۶۴ نفر آخری بودم که از خرمشهر به سمت آبادان آمدیم. وی افزود: کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" کار بسیار ارزنده و زیبایی است. مرا به متن خاطراتم می برد. کتاب را چند بار خواندم و پای بسیاری از صفحات آن اشک ریختم. کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" مرا واداشت که حتی بعضی منابع و مأخذ دیگر را و حتی یادداشت های روزانه ای را که در مقاومت خرمشهر نوشته بودم، با دقت و نگاه دیگری مرور کنم و آن روزهای

سراسر حادثه را یک بار دیگر به یاد آورم. از ارزش های

کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" هر چه بگویم، کم گفته ایم. کاری بسیار لازم و بایسته و خلق شده در زمان خودش است که اگر نگارش این کتاب یکی دو سال تأخیر اتفاق می افتاد، جز اینکه بعضی حافظه ها را از دست می دادیم و برخی از

خاطره ها کم می شد و بعضی از خاطره سازان و خاطره آفرینان در دسترس نبودند، حاصلی در پی نداشت. فاصله زمانی نوشتن این کتاب با حادثه بسیار بسیار کم بود و همین مساله بر ارزش کار افزوده است. پژوهشگر ادبیات دفاع مقدس اظهار داشت: روش مندی در کار تدوین تا حد زیادی محسوس و ملموس است و معلوم می شود نویسندگان این کتاب هر یک با طرح ذهنی خودشان این کتاب را نوشته اند. جای سوال است که چگونه این چند نفر خودشان را با همدیگر هماهنگ کردند؟ وی با اشاره به چاپ های قبلی کتاب گفت: کتاب را با چاپ های قبلی تطبیق دادم. کاملاً احساس می شد که نگاه نویسندگان نسبت به چاپ های قبلی کتاب کامل تر و دقیق تر شده

دکتر اردستانی:

فتح خرمشهر یک حادثه،

یک رویداد و یک عملیات

موفق نظامی نیست؛

بلکه نقطه عطفی در

هویت یابی تاریخ ملت

ایران است

جنگ کوهستانی بود که یکی از این ارتفاع یکی از آن ارتفاع با هم بجنگند. خدایش رحمت کند شهید جهان آرا را. یک شب جمع شان کرد. به من گفت: «بند خداها را راضی کن برگردند.» شهید جهان آرا حق داشت، تعدادشان بسیار کم شده بود. گفتم: «خودت با آنها صحبت کن.» شهید جهان آرا صحبت کوتاهی کرد و از آنها خواست که به عقب برگردند. یکی از آنها از وسط جمع بلند شد و بالهجه شیرین بختیاری گفت: «آقا این جنگ، جنگ نامردیه، همش از آسمون آهن می باره». آها تا آخرین نفر شهید شدند و به عقب برنگشتند. گروه های مختلف مردمی و نظامی زیادی بودند که اتفاقاً پس از روز دهم وارد شهر شدند. مثل ۱۲۰ نفری که از ژاندارمری آمده بودند.

وقتی از آنها سؤال کردم که چه طور شد به خرمشهر آمدید؟ گفتند: اعلام کردند هر که واقعاً عاشق شهادت است، می تواند به جبهه برود. من یک لحظه گفتم: تمام خرمشهر از بهترین نیروهای مخلص پر شده، نیروهایی که ۲ و ۳ روز بعد شاید ۳۰ نفر از آنها را دیگر نمی توانستم، ببینم. پژوهشگر ادبیات دفاع مقدس اظهار داشت:

دکتر سنگری:
من خرمشهر را نماد
کل ایران می دانم،
زیرادر آن زمان
همه ایران در خرمشهر
می جنگیدند

حضور این گروه ها در کتاب «خرمشهر در جنگ طولانی» دیده نشده. اگر نگاه، نگاه تاریخ نگارانه است باید نوعی روز نگاری در اینجا دیده بشود که نمی بینیم و به هم ریختگی وقایع روزها و تاریخ ها دیده می شود. تفکیک و ترتیب روزها و رویدادها کمتر رعایت شده و رویکرد و روح عبرت گونگی نیز در این کتاب گم شده است. دکتر سنگری با طرح سوال «چه شد که چنین شد؟» گفت: قرار بود دشمن خرمشهر را در ۷ روز یا کمتر به تصرف در آورد. ولی اشغال با مقاومت ۳۴ روزه مردمی طول کشید. در این کتاب پاسخی به این سوال داده نمی شود. وی با مرور خاطرات خود از مقاومت مردم خرمشهر اظهار داشت: یادم است وقتی خرمشهر را ترک کردیم، تمام دیوار خانه ها سوراخ

نامه ای از دو شهید به نام حسین و خواهرش پروین حاجی شاه پیدا کردم، این نامه و چیزهای دیگری هم هست که من در اختیار دارم و اگر مرکز اسناد دفاع مقدس خواست به عنوان سند تقدیم می کنم. من آن روزها در خرمشهر و در بطن حوادث، شاهد حضور دسته دسته کسانی بودم که از گوشه و کنار کشور به خرمشهر می آمدند. وی افزود: در مقدمه کتاب اشاره شده که خرمشهر نماد «مقاومت» و «آزادی» است. اما من خرمشهر را نماد کل ایران عنوان می کنم. زیرا در آن زمان همه ایران در خرمشهر می جنگیدند و شما می توانستید همه را ببینید. عشایر بختیاری با لباس و برنو به جنگ آمده بودند. دیگر اقشار مردم از جمله بنده فرصت نکرده بودیم حتی لباس نظامی بپوشیم و بسیاری از نیروهای سپاه، لباس سپاه نشان نبود و خدا رحمتش کند؛ من با شهید دشتی و مهدی آلبوغبیش همراه بودم. در مقاومت خرمشهر خانه به خانه حرکت می کردیم. شاید قیاس درستی نباشد اما مشهور است در کربلا وقتی حضرت قاسم (ع) به میدان رفت، بند نعلین پای چپش گسسته بود. این وصفی است که حمید بن مسلم گزارشگر سپاه دشمن ذکر می کند. تحلیل خودم از این مساله این است که وقتی از پای راست شروع کرد، نگران این بود که مبادا کسی پیش از او به میدان برود. می خواست با شتاب خودش را به جبهه برساند. به همین دلیل مجال پیدا نمی کند بند نعلین پای چپ را ببندد. دکتر سنگری گفت: باور کنید در جبهه بعضی از رزمندگان دمپایی به پا داشتند و بعضی ابتدایی ترین وسایل نبرد را هم نداشتند، اصلاً تصویری از جنگ نداشتند. یادم است تعدادی از بختیاری ها با سلاح های لوله بلندی به میدان جنگ آمده بودند که برای هر گلوله باید لوله آن را تمیز و پر می کردند. آنها نمی دانستند چه خبر است و دشمن با چه امکاناتی به جنگ آمده، ما هم که تجربه جنگی نداشتیم. خدا می داند نیروهایی به صحنه آمده بودند که هیچ یک کار بلد نبودند. من تا حدودی کار با ژ ۳ و نارنجک را به آنها یاد دادم. بعضی از بچه ها در فاصله حدود ۲ روز به گونه های مختلف نبرد آشنا و به مسائل مختلف سلاح های جنگی مسلط شدند. این شتاب خیلی عجیب بود و در آنجا وجود داشت. یادم است بختیاری ها یکی یکی شهید می شدند. تا می آمدند یک گلنگدن بکشد ۱۰ تا گلوله در سینه آنها خالی می شد. تصورشان از جنگ،

در جنگ طولانی می توانست تک رسانه ای نباشد و همراه فیلم یا چند سی دی تجدید چاپ شود. امیدوارم مجموعه آن گفت و گوها و روایت مردمی که ضبط شده، موجود باشد و روزی ضمیمه کتاب شود. وی گفت: اگر روزی قرار بشود این کتاب را در سطح جهانی عرضه کنیم، حداقل باید تصویری از خرمشهر، مثلاً از نظرگاه جغرافیایی، فرهنگی و سابقه تاریخی در آن ذکر شود و در این کتاب به آن توجه نشده است. دکتر سنگری به ترکیب اجتماعی و جایگاه اقتصادی خرمشهر که مطمع نظر دشمن بود، اشاره کرد و گفت: این سوال پیش می آید که چرا دشمن این همه تأکید بر تصرف خرمشهر داشت؟ آیا صرفاً نزدیکی جغرافیایی یا مسائل و ارزش های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این شهر مطرح و مورد توجه دشمن بود؟ این نکات حساس در کتاب عنوان نشده اند و باید در تجدید چاپ مورد توجه قرار گیرند.

وی با اشاره به بعضی از تصاویر کتاب که اصلاً مربوط به حادثه مقاومت خرمشهر نیست، گفت: عکس صفحه ۱۷۹ که کودک زخمی را نشان می دهد، مربوط به حملات موشکی دزفول است. خودم این شخص را می شناسم و با او کاملاً آشنایی دارم. اتفاقاً اگر دیوار پشت تصویر کودک را ببینید، شعار تبلیغاتی و نام زرهانی روی دیوار نوشته شده است. آقای زرهانی در آن زمان نماینده شهر دزفول بود. غیر از این عکس، چندین تصویر دیگر در کتاب دیده می شوند که متعلق به این فضا نیستند. لازم بود در انتخاب عکس دقت بیشتری می شد. پژوهشگر ادبیات دفاع مقدس از دیگر نقاط ضعف این کتاب، به عنوان نکردن اسم عکاسان جنگی اشاره کرد که از عکس های آنها در این کتاب استفاده شده است. وی افزود: بالاخره این آثار متعلق به کسانی است که آثارشان در تاریخ می ماند. آنها کسانی اند که در آن موقعیت حضور داشته و این تصاویر را گرفته اند و کار حماسی انجام داده اند و باید به آنها توجه شود. دکتر سنگری گفت: اگر زاویه دید این کتاب روایی است، مقدار دخل و تصرف هایی هم که نویسندگان در این کتاب اعمال کرده اند، جمع بندی و در پانوش، آنها را ذکر کنید و لطفاً در متن و محتوای کتاب دخالت ندهید. پژوهشگر ادبیات دفاع مقدس افزود: خرمشهر با ۴۰۰۰ نفر (روز سقوط) تمام نشد. ما پس از آن تاریخ جنگ های ایذایی بسیاری داشتیم که هر

شده بود. ماشینی هم که چند زخمی در آن بود و می خواست از پل بگذرد، عراقی ها با آر.پی.جی آن را زدند. در آن اوضاع یک آدم ساده ای بود که نمی دانم چه جوری به جنگ آمده بود، وقتی از روی پل داشت می رفت برای عراقی ها شکلک در می آورد، عراقی ها هر کاری کردند که او را بزنند موفق نشدند. خیلی عجیب بود که او توانست از روی پل بگذرد. ما به سقف پل آویزان شده بودیم. فکر کنم ۵۰ دقیقه طول کشید تا ما به آن طرف پل رسیدیم. چند نفر هم مثل ما وقتی به آن طرف پل رسیدند، بیهوش شدند. وقتی آنجا چشمم را باز کردم، دیدم اسلحه ام نیست، در به در این طرف و آن طرف را گشتم. بالاخره آقای فروزنده را پیدا کردم، کسی که در مقاومت خرمشهر سهم زیادی داشت و بازوی شهید جهان آرا بود و متأسفانه در این کتاب به نقش او کم رنگ اشاره شده است. مرا پیش محمد جهان آرا برد و به من اسلحه داد. در آن فضا چشمم به یک زخمی افتاد که سرش را روی زانوی خانم امدادگری گذاشته بود و آن خانم برایش شعر می خواند. هرگز این صحنه را فراموش نمی کنم. دختر شعر می خواند و آن رزمنده گریه می کرد، تا اینکه بالاخره روی زانوی دختر به شهادت رسید. بعد متوجه شدم آنها خواهر و برادرند. آن خواهر بعد از شهادت برادرش خیلی راحت سر برادر را زمین گذاشت و بلند شد و مشغول مداوای دیگران شد. خیلی تعجب کردم، باور کردنی نبود، اما مقاومت و استواری این خواهرها ستودنی است. من شاهد جنگیدن دخترانی مثل شهید پروین حاجی شاه بودم که در جبهه می جنگیدند. دکتر سنگری با اشاره به مشخص نبودن رویکرد نگارش کتاب که آیا گزارشی، تلفیقی یا ترکیبی است و گم شدن بعضی از روایان در طول اثر، گفت: ۶ دسته راوی از جمله، اسرای عراقی، نیروهای اعزامی، نیروهای بومی خرمشهر، اسناد و مدارک نیروهای خودی و دشمن و وجود کمرنگ مولف در نگارش این کتاب سهیم بوده اند، اما نویسنده ذکر بعضی از روایان و مشاهدات آنها را فراموش کرده است. همچنین ذکر یک دسته از منابع و مأخذ در این کتاب کم است. زیرا کتاب در سال ۱۳۶۱ نوشته شده و در آن زمان آثار محیط جنگی موجود بوده و از آن جمله می توان به عکس ها و تصویرها اشاره کرد. به نظر می رسد یک تعداد دیگر از روایان حادثه، در این کتاب گم شده اند. دکتر سنگری تصریح کرد: کتاب "خرمشهر

که نام سه تن به عنوان مولف و نام ۶ تن به عنوان محقق در شناسنامه آمده بود. از این حیث این نکته را عرض می‌کنم که کارهای این چنینی نیاز به عقل جمعی و همت گروهی دارد که خیلی آن را نیمه‌وخته و تمرین نکرده ایم. شاید یکی از دلایلی که این کتاب را از نوعی دیگر کرده، همین نگاه‌های تقریباً گوناگون بوده است. علیرضا کمره‌ای گفت: کتاب در ۲ بخش و ۱۰ فصل و دو ضمیمه تنظیم شده است. من از فصل اول تا انتهای فصل ۵ را از نظر شیوه، شگرد و موضوع به عنوان بخش اول و از فصل ۶ به بعد را به عنوان بخش دوم کتاب می‌دانم. بخش‌های نخست کتاب بسیار خوب تألیف شده‌اند و مثل دانه‌های زنجیر حلقه در حلقه افتاده‌اند و بافت خیلی خوبی دارند. در هیچ قسمتی از بخش‌های نخست کتاب پرسش اضافه‌ای ندیدم. کتاب خیلی خوب و دقیق از نگاه تاریخی و پیشینه‌شناختی خرمشهر شروع می‌شود. من ۵ فصل نخست را مقدمه بخش دوم می‌دانم. گویی مقدمه‌های پیاپی را برای متن و بدنه اصلی کتاب که گزارش واقعیات است، بیان می‌کنند. وی یکی از بخش‌های بسیار مهم "خرمشهر در جنگ طولانی" را مقدمه این کتاب دانست و گفت: سه پیش‌گفتار و مقدمه برای کتاب نوشته شده که با دو پیش‌گفتار جدید کاری ندارم. اما در پیش‌گفتار چاپ اول نکات جالبی از نوع نگاه تحلیلی نظر مرا به خود جلب کرد. مقدمه مفصلی که در چاپ اول کتاب دیده می‌شود، یک نوع نگاه فرا واقعی به موضوع است و مقدمه به نوعی چکیده کتاب است. این بخش می‌تواند مستقل در آخر کتاب آورده شود. علیرضا کمره‌ای افزود: نکته قابل توجه در مقدمه این است که به مقاومت ۳۴ روزه اشاره می‌کند و این که این مقاومت می‌تواند مبنای کل جنگ ما و کل جنگ ما مبنای استقرار جمهوری اسلامی در وضعیت دفاعی باشد. مقدمه با این توصیف نشان می‌دهد که مقاومت ۳۴ روزه چه آثار و تبعاتی به دنبال داشته است. به نظر من بدون اضافه‌گویی و افزون‌گویی خیلی خوب مقاومت ۳۴ روزه را تحلیل کرده است. وی به منابع کتاب اشاره کرد و گفت: منابع کتاب عبارتند از گواهی یا اظهار شواهد شاهدان رخداد و کسانی که در آن حادثه حضور داشته‌اند و اسناد و گزارشات مکتوب از جمله اظهارات فرماندهان اسیر عراقی و دیگر یادداشت‌هایی که پراکنده از آنها یاد شده است. علیرضا

شب از آب می‌گذشتیم و دشمن را اذیت می‌کردیم و خواب راحت را از آنها گرفته بودیم. هنوز که هنوز است به یاد شب سقوط خرمشهر می‌افتم که ما این طرف آب بودیم و دشمن در شهر، خدای می‌داند دلمان نمی‌آمد یک گلوله از این طرف به سمت خرمشهر شلیک کنیم. از حماسه‌های رزمندگان در جنگ‌های ایزدایی اسمی برده نشده است. همچنین شبی که دشمن شهر را تصرف کرد؛ هنوز صدای کل زدن نیروهای دشمن را که در فرمانداری مستقر شده بودند در خاطر دارم. اما در این کتاب از فرمانداری که از نقطه‌های ثقل مبارزه بود، مثل مسجد جامع خرمشهر که هم خاستگاه انقلاب و هم پایگاه جنگ و در حقیقت مرکز روحیه‌دهی، آذوقه و سازمان دهی نیروها بود، متأسفانه خیلی گذرا و کم‌رنگ نام برده شده است. باید به فکر باز تولید این کتاب بود.

علیرضا کمره‌ای، پژوهشگر و کارشناس ادبیات و تاریخ دفاع مقدس در نشست نقد و بررسی کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" گفت: اگر دید دقیق و همه‌جانبه را معطوف به مساله خرمشهر بکنیم و همه تحقیقات انجام شده درباره خرمشهر را به عنوان زمینه و مقدمات اولیه برای مطالعات جدی قرار دهیم، می‌بینیم که ماجرای مقاومت خرمشهر یک مساله تمام شده نیست، بلکه موضوع مطالعه تازه آغاز شده است. وی افزود: در نقد و بررسی، فارغ از آن چیزی که در نگاه سیاسی، تقلیدی، ادبی و احساسی و گزاره‌های مربوط به کتاب مدنظر است، خرمشهر در نوشته‌ها، گفته‌ها و ساخته‌ها سنگینی می‌کند. این مساله‌ای است که باید به آن توجه کنیم، زیرا اگر شناخت درست تاریخی از این ماجرا پیدا نکنیم، مسائلی هم که مربوط به خرمشهر می‌شود، ممکن است زیاد دقیق و عمیق نباشند. بنابراین معرفت تاریخی خرمشهر را از جهات مختلف، پایه و مبنایی برای ورود به بحث‌های فراتاریخی مرکز تحقیقات و مطالعات جنگ سپاه - که امیدوارم این نامش بماند و بپاید - می‌دانم که مبنای نگرش و گرایش آن به مرور تجربه شده و به دست آمده است و در این مرکز تسامحاً از آن با عنوان مکتب تاریخ‌نگاری سپاه یاد می‌شود. پژوهشگر و کارشناس ادبیات و تاریخ دفاع مقدس اظهار داشت: وقتی کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" به دست من رسید، چیزی که در وهله اول برای خود من هم جالب بود، این بود

کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" است. کتاب باید به چراهایی که برای خواننده به وجود می‌آید پاسخ بدهد. پژوهشگر و کارشناس ادبیات و تاریخ دفاع مقدس ادامه داد: در بخش دوم به نامه سردار شمعخانی می‌رسیم که ظاهراً روز دوم آبان ماه ۱۳۵۹ خطاب به مسلمانان و مسوولان می‌نویسد که به داد ما برسید. این یک سوال مجهولی است که چه کسی یا چه کسانی به چه طریقی باید پاسخ می‌دادند؟ در اینجا ظاهراً صداها در خود منطقه می‌مانده! گویی در این کتاب ارتباطی بین حلقه‌های تصمیم‌گیری نیست. در حالی که بخش اول کتاب به مباحث تحلیلی سیاسی و نظامی می‌پردازد که همان شگرد غالب در مرکز اسناد دفاع مقدس است. بخش دوم کتاب یک گزارش نقلی یا واقعه‌نگاری است که حتی کمی به آرایه‌های ادبی نیز نزدیک می‌شود، یعنی جزءنگاری‌های گرم و لحظه‌ای و صحنه‌پردازی‌هایی همراه با دیالوگ. وی معتقد است: باید ساختار این کتاب با تفکیک روزها، محورها و حادثه‌ها نوشته می‌شد، در حالی که روزها در هم ادغام شده‌اند، مخصوصاً وقایعی که خیلی مشابه‌اند و خواننده با یک دقت نظر و تفکر، به حوادث روز پی می‌برد و باید در نظر گرفت که این کتاب تجارب سال ۱۳۶۱ است و ما از موضع فعلی کتاب را نقد می‌کنیم. در واقع باید ملاحظاتی را برای آن در نظر گرفت. به نظر می‌رسد اگر این کتاب با توجه به محور، موضوع و زمان تفکیک بشود، از نظر ساختار، شکل‌شکل‌تر و منسجم‌تر پی‌دا می‌کند. این پژوهشگر و کارشناس ادبیات و تاریخ دفاع مقدس نقاط قوت کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" را بیان واقعیت‌ها و از جمله فعالیت ستون پنجم، خوف اسارت نیروهای خودی و خوی دمنشانه دشمن ذکر کرد و گفت: از دیگر واقعیت‌ها در این کتاب اشاره به تعدادی تفنگ ۱۰۶ است که در انبار پادگان داخل گریس خوابیده، در حالی که رزمندگان دنبال سلاح می‌گردند. یا در صفحه ۲۱۳ فرار عده‌ای از رزمندگان و حتی تسلیم دشمن شدن بعضی از آنها و خوف از اسارت نیروهای خودی که به دوستانشان می‌گویند: "اگر ما افتادیم حتماً به ما تیر خلاص بزنید"، گزارش شده است. وی افزود: در واقع می‌شود گفت حوادث در کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" به تعبیر متعارف خیلی ماله کشی نشده و همین مساله موجب شده که سؤالات بی‌پاسخ کتاب زیاد باشد. کتاب با این وضع آدم

کمره‌ای با اشاره به فصل‌های کتاب، آنها را تشریح کرد و اظهار داشت: فصل نخست به اختلافات قومی و مذهبی و موقعیت روحانیت در قبل از انقلاب اشاره دارد. مسائلی که با عنوان عوارض زیرپوستی می‌شود از آنها یاد کرد. در فصل دوم گام‌های در جهت سیطره‌گرایی قومی بر خرمشهر و درگیری بدفرجام‌گرایی‌های قومی در خرمشهر بررسی می‌شود. در فصل سوم قدرت گرفتن صدام در عراق و حلقه‌هایی که در این میان شکل می‌گیرند، بررسی می‌شوند. یعنی از اختلافات قومی شروع می‌شود تا به درگیرهای داخلی می‌رسد. سپس مساله حمله امریکا به طیس و داستان کودتای نوژه که پرده‌های مختلف یک سناریو بودند، مطرح

می‌شوند که اگر هر یک به نتیجه می‌رسیدند، تصور می‌شود جنگ اتفاق نمی‌افتاد. اما دفاعیات و محاکمات کسانی که در کودتای نوژه دستگیر شدند نشان می‌دهند که این اتفاقات کاملاً با جریاناتی که در عراق اتفاق می‌افتادند، پیوند داشته و همراه بوده و شکست کودتا با شمارش معکوس آغاز جنگ همراه

بوده است. در فصل چهارم تقریباً به جنگ داخلی و انفجارات وارد می‌شویم و در فصل پنجم، درباره درگیری‌های مرزی و تشدید تحرکات ارتش عراق در شهریور ۱۳۵۹ می‌خوانیم. در حالی که هنوز به نقل از کتاب، جنگ برای مسوولان کشور جدی گرفته نشده بود. وی افزود: آن چیزی که تا فصل ۵ به ذهن مخاطب می‌رسد، این است که تعداد بسیار اندک یا معدودی به نظرشان رسیده که این درگیری مرزی منجر به جنگ می‌شود و بسیاری نسبت به این موضوع بی‌اطلاع‌اند. مساله‌ای که مهم است چرایی این موضوع است. کتاب در پاسخ به چرایی این مطلب غفلت کرده است. البته پاسخ این سوال‌ها را بزرگان جنگ در کتاب‌های دیگر داده‌اند، اما بحث ما نبود این چراها در

دکتر اردستانی:

تفاوت جلسات نقد کتاب
مرکز اسناد دفاع مقدس با
دیگر مراکز در این است که
ما خود همه اسناد را
جمع‌آوری کرده‌ایم

زیادی برای خرمشهر می شود انجام داد. زیرا خرمشهر یک پروژه ای نیست که ما آن را بخوانیم و کنار بگذاریم. خرمشهر پروژه ای است که به نظرم شروع شده و بایستی جایی مثل مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در سپاه و دیگر نهادهای مطالعاتی مربوط به جهاد سازندگی، ارتش و نهادهای دیگر به این موضوع اهتمام بورزند. خصوصاً اینکه آنچه در خرمشهر اتفاق افتاد مینا و پایه ای شد برای شکل گیری همه چیزها در جنگ، حتی ادبیات جنگ. دانشکده افسری ایران اسلامی در خرمشهر.

امیر سرتیپ سید علی اکبر موسوی قویدل در نشست نقد و بررسی کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" گفت: در

این کتاب اسمی از دانشکده نظامی برده نشده است. ما در طول تاریخ جنگ های جهانی، فقط شاهد دو مورد از حضور دانشکده نظامی در جنگ ها هستیم. یکی به زمان جمال عبدالناصر بر می گردد که در جنگ با اسرائیل، دانشکده افسری را تعطیل کرد و دانشجویان را به جبهه فرستاد. دومین مورد حضور دانشجویان

افسری در جبهه های نبرد در طول تاریخ جنگ های جهانی، در دانشکده افسری ایران اسلامی اتفاق می افتد. ۷۳۱ نفر دانشجوی دانشکده افسری با ۴۱ نفر افسر و ۲۴ نفر درجه دار، روز سوم مهر ماه ۱۳۵۹ با هواپیما در اهواز پیاده شدند و بلافاصله به آبادان و خرمشهر رفتند. آیا این رقم، قابل گفت و گو نیست؟ ما درگیر جنگ بودیم. صدها نفر سرباز و درجه دار و افسر و دانشجوی افسری در خرمشهر و آبادان با نیروهای رژیم بعث جنگیدند و شهید شدند. اما اسمی از این دلاورمردان در این کتاب آورده نشده است. خوشحالم که امیر حسینی سعدی به این نشست نیامدند، زیرا او فرمانده آن تیپ بود. اگر می آمد حتماً آورده و شاید هم بسیار ناراحت می شد. مطلب درباره این کتاب زیاد دارم.

را تشنه و وادار می کند که برای جنگی که در خرمشهر اتفاق افتاده، به یک مجموعه تاریخ شناختی جامع و روایت تاریخ شفاهی فکر کند. علیرضا کمره ای اظهار داشت: این کتاب با توجه به سال انتشار آن، دلالت تاریخی از جهت ذهنیت و شرح یک واقعه دارد. اما به جای باز چاپ باید به فکر باز تولید این کتاب بود، زیرا یک نگاه فرا وسیع در تجدید چاپ این کتاب لازم است. به دلیل این که این کتاب، یک کتاب مرجع هم هست، در تجدید چاپ باید به مواردی توجه کرد. از جمله بحث درباره دو قطبی شدن فرماندهی جنگ در اتاق جنگ که دائم به لحاظ فرماندهی دچار گرفتاری و اضطراب هاست و دیگری مقرر فرماندهی که در مسجد جامع خرمشهر شکل می گیرد. در کتاب آورده شده که محمد جهان آرا برای جمع آوری کمک و توضیح دادن وضعیت به اهواز می رود، منتهی تا سقوط شهر دیگر اثری از او در این کتاب نیست و مشخص نمی شود که کی و چرا برمی گردد؟ بسیاری از افراد اسم شان در این کتاب هست که ما نمی دانیم سرانجامشان چه می شود. خواننده می خواهد بفهمد که این مقام و شخصیت نظامی که در خرمشهر حضور داشته، به کجا رسیده؟ آیا شهید شده؟ می خواهم بگویم در آن طرح فراگیر تاریخ شفاهی می شود چنان دایره کار را وسیع گرفت که از یک کار پایه، به تعبیری تاریخ پایه ای درست شود و ارزش مرجع شناسی پیدا کند. حتی فرماندهان عراقی را که در جنگ خرمشهر حضور داشتند و در حال حاضر در بغداد سرگردان و بی کارند، پیدا کرد و از آنها پرسید که چه شد؟ و چه گذشت؟ این پژوهشگر و کارشناس ادبیات و تاریخ دفاع مقدس در پایان سخنان خود گفت: به هر حال کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" با توجه به زمان انتشارش کتاب بسیار بسیار قابل توجهی است. اما با عنایت به اینکه دامنه اطلاعات، توقع، دانسته ها، یافته ها، مخاطبان، اهداف و موضوعاتمان باید به سمت تکامل و ارتقاء پیش برود، نمی توانیم بر همین ساخت و اسلوب متمرکز بشویم. باید به فکر کار جامع باشیم. کار جامعی که مثلاً یک روایتش مربوط می شود به خانم سیده زهرا حسینی. او از کسانی است که در دفاع ۳۴ روزه خرمشهر پدر و برادرش شهید می شوند و نامی از آنها در این کتاب نیست. گفته ها و اظهارات او در یک کتاب حدوداً ۱۱۰۰ صفحه ای در دست چاپ است. کارهای مطالعاتی

دکتر سنگری:

فاصله زمانی نوشتن

این کتاب با حادثه

بسیار بسیار کم بود و

همین مساله بر ارزش کار

افزوده است

صلوات می فرستادیم.

مسائلی بود که باید در کتاب نوشته می شد تا آیندگان بدانند امیر سرتیپ نصرت الله معین وزیری در نشست نقد و بررسی کتاب "خرم شهر در جنگ طولانی" گفت: این کتاب در عین زیبایی و فصاحت ضعف هایی نیز دارد و یکی از نقاط ضعف آن کوچک نگری است. زیرا کتابی که نوشته می شود باید پیام بدهد و این پیام، هم شامل نوش و هم نیش و هم عبرت و هم آموخته باشد. وی افزود: یکی دیگر از ابعاد ضعف این کتاب این است که هر کس این کتاب را بخواند، فکر می کند در آینده اگر اتفاق مشابهی مثل حمله رژیم بعث به خرمشهر بیفتد، حوادث هم به همین صورت اتفاق خواهد افتاد. امیر سرتیپ نصرت الله معین وزیری اظهار داشت: مؤلفان این کتاب افراد برجسته و دانشمندی اند و آقای درودیان خود نظریه پرداز و صاحب نظریه است. اما انتظار می رفت در تألیف این کتاب نگاه حقیقت نگر و تحلیل رویکردها در کنارهم رعایت شوند. می دانید که اختلافات بین فرماندهان در شروع جنگ چه مشکلاتی برای ایران پیش آورد؟ ما سیستم فرماندهی در صحنه عملیات نداشتیم و هر کس به فکر خود بود. اینها مسائلی بودند که باید در کتاب نوشته می شد تا آیندگان بدانند و در اتفاقات آینده این گونه مسایل پیش نیاید. وی با گالایه از نویسندگان گفت: در کتاب آورده شده که فلان افسری که مسوول اتاق جنگ بوده وقتی خبر ناگواری را شنید، افتاد و بی هوش شد. ولله این چنین نبوده! این افسر زخمی شده بود. او افسر شجاع، وطن دوست و یار و یاور شهید صیاد شیرازی بود و هنوز هم هست. باور کنید در موقعیتی که همراه او به شناسایی می رفتیم و وقتی از بین ترکش های خمپاره عبور می کردیم، یک ذره خم به ابرویش نمی آورد. من خودم برای عیادت او به بیمارستان رفتم. وقتی هم حالش بهتر شد، به منطقه برگشت. امیر سرتیپ نصرت الله معین وزیری افزود: وقتی در رأس نیروهای مسلح ما اشتباه می شد، سرباز بدبخت چه گناهی کرده؟ آقای درودیان شما به قوانین سربازی آشنایی دارید. اگر آقای جهان آرا پرسنل را جمع می کرد و می گفت: هر کسی راضی است بماند و هر کسی راضی نیست برود، مگر فرماندهی گردانی که تمام پرسنلش در منطقه پخش است، می تواند این را به سربازانش بگوید. فرمانده گردانی که فرض کنید از گردان

ولی از آنجایی که گفتید: وقت محدود است، بعداً اگر خواستید آن نکات را به صورت مکتوب خدمتتان تقدیم می کنم. شاید روزی در آینده دور و نزدیک این کتاب ترجمه و در اختیار خارجی ها قرار بگیرد و در آن صورت ما باید به ناگفته ها خیلی بها بدهیم. وی افزود: بیشترین تأسفم از این است که چرا این کتاب که در سال ۱۳۶۱ نوشته شده و در سال ۱۳۸۷ به چاپ سوم رسیده، در تجدید چاپ بازنگری نشده است؟ چرا یک سری از واقعیت ها به دست فراموشی سپرده شده اند؟! حتماً تاریخ روزی قضاوت خواهد کرد.

نیروی هوایی ارتش یک ماه قبل از جنگ در دفاع از خرمشهر شرکت داشت امیر سرتیپ خلبان علیرضا نمکی در نشست نقد و بررسی کتاب "خرم شهر در جنگ طولانی" گفت: در زمان جنگ فرمانده گردان نیروی هوایی بودم. وقتی عراق به کشور حمله کرد، نیروی هوایی عراق پیش ساز نبرد بود. دلم می خواست این کتاب مقداری به ابعاد علمی و نظامی جنگ بیشتر توجه می کرد. یک ماه و ۲۰ روز قبل از جنگ خلبان حمید ذوالنعمتی و خلبان باستانی، در دفاع از خرمشهر شهید شدند و ۳ روز قبل از جنگ سرتیپ خلبان حسین لشکری در خرمشهر دستگیر و اسیر عراقی ها شد. وی افزود: دفاع از خرمشهر تنها به مقاومت مردمی که در آنجا بودند، محدود نمی شود. بنده چندین بار گمرگ خرمشهر را بمباران کردم تا کالاهای به دست عراقی ها نرسد و همکاران من پل تنومه را که لشکر سوم عراق می خواست از آن رد بشود، ده ها بار بمباران کردند. دیگر پل های سر راه نیروهای عراقی هم بارها بمباران شدند. خلبان نمکی با اشاره به سیستم فرماندهی نیروی هوایی اظهار داشت: فرمانده وقت نیروی هوایی یک غیرنظامی بود و اصلاً درکی از مسائل تاکتیکی و استراتژی نداشت و اجازه نمی داد نیروی هوایی بیشتر از یک گردان وارد میدان شود. با توجه به محدودیت وقت می خواهم این مطلب را متذکر شوم که نیروی هوایی ارتش یک ماه قبل از جنگ در دفاع از خرمشهر شرکت داشت، اما اسمی از آن در این کتاب نیامده است.

دکتر سنگری پس از صحبت های خلبان نمکی گفت: خیلی خوشحالم که شما را از نزدیک می بینم. ما هر بار پس از بمباران های شما الله اکبر می گفتیم و برای سلامتی شما

خرمشهر از ۲۰ شهریور و در اوج درگیری مرزی و مقاومت ۳۴ روزه اختصاص دارد. بنابراین شاکله مقاومت را روی نیروهای بومی گذاشتیم و در حواشی کتاب نقش نیروهای دیگر را هم ذکر کردیم. کتاب ضعف‌هایی دارد که به نظر من یکی از ضعف‌های کتاب همین بخش حواشی آن است. درودیان درباره اثرگذاری این کتاب بر خواننده گفت: وقتی این کتاب را می‌خوانم سوال‌های متفاوتی برای من پیش می‌آید که این کتاب چه چیزی در خواننده ایجاد می‌کند؟ آیا با مطالعه این کتاب یک ایمان و باور قوی در او به وجود می‌آید؟ یا یک اراده بزرگ در شخصیت و روحش شکل می‌گیرد؟ یا یک تفکر عمیق در او ایجاد می‌شود؟ با مطالعه این کتاب به دلایلی، هیچ یک از این موارد را به تمامیت در خود احساس نکردم. همیشه برایم سؤال بود که چرا چنین احساسی به من دست نمی‌دهد. لذا احساس کردم آن بخش نانوشته‌ای که عرض کردم، شاید در این احساس مؤثر بوده است. من زمانی این کار را شروع کردم که مقاومت خرمشهر تمام و شهر هم آزاد شده بود. ولی این روند بر زندگی بچه‌هایی که خرمشهری بودند هیچ اثری نگذاشته بود. یعنی هنوز همان دربه‌دری و گرفتاری‌ها را داشتند. آدم‌هایی بودند که دو شوک بزرگ بر آنها وارد شده بود. درست است که خود مقاومت اسطوره است. ولی آنها در مقاومت ۳۴ روزه شکست خورده بودند و هر روز از این طرف آب به آن طرف آب و به شهرشان نگاه و با خاطراتشان زندگی می‌کردند. نگاه آنها به این شکست با نگاه ما کاملاً متفاوت بود. اتفاق دیگر برای بچه‌های خرمشهر این بود که آنها را برای عملیات بیت المقدس جمع کردند و فرمانده آنها آقای عبدالله نورانی، از بچه‌های آتش‌نشانی بود و در مقاومت ۳۴ روزه فرمانده یک محور نبرد در شهر و بعد هم فرمانده تیپ ۲۲ شده بود. قرار بود که زیر نظر قرارگاه نصر و به فرماندهی شهید باقری از جنوب مواضع دشمن در شمال خرمشهر و تقریباً از کنار کارون دور بزنند و وارد شهر بشوند. خدا رحمت کند شهید گرکانی را که راوی ما در آنجا بود. این تیپ موفق نشد و خیلی از بچه‌های خوب خرمشهر شهید شدند. یعنی آنها فاتحان خرمشهر نبودند، در صورتی که ۲۰ ماه در انتظار بودند تا شهرشان توسط خودشان آزاد بشود. الان که من نگاه می‌کنم می‌بینم شاید علت مهم روح حاکم بر این کتاب.

۸۰۰ نفری اش ۶۰ نفر باقی مانده باشد، چه کاری می‌تواند انجام بدهد؟ وی معتقد است: باز هم یکسونگری شده، باز هم تعصب ارگانی در این کتاب تأثیر گذاشته است. زیرا برای سرباز می‌نویسند تسلیم شده یا فرار کرده! اما برای دیگران می‌نویسند عقب‌نشینی کرده! در صورتی که عقب‌نشینی و فرار دو مقوله متعارض اند. مهم‌ترین اشکال، جمع‌بندی احساسی از کتاب است

محمد درودیان، یکی از نویسندگان کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" در این نشست گفت: نگارش اولیه کتاب در فاصله سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳ به طول انجامید و با گذشت ربع قرن از نوشتن این کتاب، نگاه من بیشتر به دنبال موضع نقد این اثر است. وی درباره روند نگارش کتاب افزود: نوشتن کتاب دو مرحله کلی داشته که مرحله اول در واقع نگارش اولیه متن است. زمستان سال ۱۳۶۱ شروع کردم و در نیمه یا آخر سال ۱۳۶۳ کتاب را به اتمام رساندم. درودیان اظهار داشت: ساختارهای اولیه متعلق به آن زمان است و نقدی به آن موضوع دارم. وقتی نگاه می‌کنم، می‌بینم در بعضی مسائل هنوز ذهنیت من همان ذهنیت ۲۵ سال قبل است. یعنی در بعضی زمینه‌ها دچار تکرار شده‌ایم. بنابراین با این فاصله زمانی نقد کتاب تا حدودی دشوار است. وی گفت: احساس کردم که این کتاب یک خطوط نانوشته‌ای دارد که شاید نوشتن آن خطوط نانوشته امکان نداشته یا در توانمندی ما نبوده که آن‌ها را بیان کنیم. ولی آن خطوط نانوشته اثرش را روی کتاب گذاشته و قابل مشاهده هم هست. اگر ما این فرض را بپذیریم که هر کتابی قاعدتاً باید به یک سری مسائل پاسخ بدهد و اگر درباره این کتاب پرسش شود که فلسفه نوشتنش چه بوده است؟ و اگر بخواهیم پاسخ این سؤال را بدهیم، به نظرم باب نقد باز می‌شود و مشخص است که از چه منظری باید کتاب را نقد کنیم. نویسنده کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" افزود: موقعی که وارد خرمشهر شدم، اولین انگیزه‌ای که برای نوشتن کتاب پیدا کردم بحث مقاومت در خرمشهر بود. این کتاب بر اساس سه نظریه تنظیم شده، ولی مساله اصلی آن مقاومت خرمشهر است. نظریه اول بحث تاریخی خرمشهر و نظریه دوم که حداقل چند فصل کتاب حول این محور تنظیم شده، بحث نیروهای انقلاب و ضدانقلاب در خرمشهر است. نظریه سوم، به مقاومت مردم بومی

داریم. خود شهید جهان آرا ضبط را از راوی مامی گیرد و ۴۵ دقیقه مقاومت خرمشهر را توضیح می دهد. آن زمان نیروها در صحبت کردن اکراه داشتند. کل اسناد محاکمات و بازجویی عاملان کودتای نوژه را در دادسرای نظامی خواندم و از مستندات آن در کتاب استفاده کردم. نویسنده کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" در باره اهمیت ندادن به بخش فرهنگی خرمشهر در کتاب گفت: اسناد و عکس هایی را درباره چگونگی و ریشه و قدمت تاریخی خرمشهر، همراه مقدمه جمع آوری کردم. احتمالاً آقای هادی نخعی یکی از نویسندگان به ملاحظاتی آن را حذف کرده و این مقدمه را نوشته است. منتهی اشکالش این است که کتاب یا باید محورش خرمشهر از تاریخ تا انتها، یا مقاومت ۳۴ روزه باشد و بخش های زاید کنار برود و بر محور اصلی کتاب تمرکز شود. وی افزود: در خصوص مقاومت نظامی، ما جنگ را در خرمشهر به سه مقطع سازماندهی کردیم. اما آقای مهدی انصاری یکی دیگر از نویسندگان کتاب بعداً با منابعی که به دستش آمد، این منابع را به روز کرد. در صورتی که من معتقدم به روز کردن، درست نیست. چون جنگ یک برش هایی دارد. مثلاً ۱۰ و ۱۱ مهر ۱۳۵۹ فرازی در تاریخ جنگ این مملکت است و تحلیل نظامی ما از مقاومت مردم در مسجد جامع خرمشهر. که پایگاه سازماندهی مقاومت در خرمشهر. و همچنین پل خرمشهر. که کل خرمشهر را به عقبه و بیرون خرمشهر متصل می کرد. بود. اگر می خواستیم کتاب شامل تحلیل نظامی مبتنی بر مقاومت باشد، باید بر مدار این نقاط ثقل حرکت می کرد که حرکت نمی کند و مهم ترین اشکال این کتاب این است که صفحه ۴۶۸ یک جمع بندی احساسی از کتاب ارائه کرده است. در صورتی که باید جمع بندی تحلیلی تاریخی و نظامی می کرد. درودیان در پایان گفت: کتاب "خرمشهر در جنگ طولانی" قابلیت کار بر خرمشهر را نشان می دهد نه سقف کار بر خرمشهر را. ما دو کار می توانیم انجام دهیم. تمام منابع منحصر به فرد و اسناد را دوباره پیاده کنیم و یک بار دیگر بایک رویکرد مشخص. مثل مقاومت در خرمشهر. کتاب را بار دیگر بنویسیم یا دوستانی از بیرون بیایند و درباره دانشکده افسری ارتش و نیروهای مردمی بنویسند و همه اینها را نظم بدهیم و یک کار جدید بنویسم.

به رغم آن جذابیت خاصی که در روایت تاریخی از مقاومت در یک شهر دارد. بخش نانوشته خاطرات و گفته های این عزیزان است که جای آن در کتاب خالی است. درودیان منابع این کتاب را اسناد سپاه پاسداران، ارتش، شهربانی، فرمانداری، استانداری و روایت کسانی که در خرمشهر بوده اند، ذکر کرد و افزود: آقای محمد فروزنده مسوول اطلاعات سپاه خوزستان بود. خیلی حافظه قوی ای داشت. ظرف ۳ ساعت کل جریان مقاومت خرمشهر و آزادسازی آن را توضیح داد. شهید بهروز مرادی هم ما را به پلیس راه خرمشهر برد و از آنجا که عراقی ها وارد شهر شده بودند تا پایان مقاومت ۳۴ روزه را توضیح داد. ۵ ساعت از صحبت های او را ضبط کردم. آنقدر دقیق توضیح می داد که من همان موقع احساس می کردم یک فیلم نامه است و ما نوارش را داریم. بنابراین منابع دست اولی که ما استفاده کردیم، چه اسناد و چه گفت وگوها با افرادی است که آن زمان بودند و حضور ذهن داشتند. اسامی آنها در کتاب ذکر شده و کم نظیر است. آن زمان که کتاب را شروع کردیم هیچ جمع بندی در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ درباره استراتژی آمریکا در جنگ نشده بود. لذا ما احساس کردیم برای بررسی مقاومت در خرمشهر اطلاعات مقدماتی مورد نیاز است. بنابراین بخشی از آن ها به کتاب اضافه شد. خدا رحمت کند آقای دلشاد تهرانی را، مسوول اطلاعات ژاندارمری شده بود. ما یک آشنایی قدیم با او داشتیم. تمام اسناد ژاندارمری و گزارش های کم نظیری را که گردآوری کرده بود، در اختیار من قرار داد و از آنها در کتاب استفاده کردم. وی در ادامه گفت: در نقد کتاب گفتند که جهت گیری کتاب مشخص نیست، می توانم بگویم هر کسی این ظرفیت را دارد که از کتاب یک برداشت و یک انتظاراتی داشته باشد. محمد درودیان اظهار داشت: وقتی از خرداد سال ۱۳۶۰ تاریخ نگاری جنگ را در سپاه شروع کردیم، حوزه های مختلفی را برابر معابر ورودی ارتش عراق به کشور و نیرو برای ثبت و ضبط رویدادها گذاشتیم. شهید گرگانی و آقایان مستوفی و زمانزاده به خرمشهر رفتند. ما بسیاری از ذهنیت های این کتاب را در سال ۱۳۶۰ گرفتیم. مثلاً خواهان اصلاً مایل نبودند گفت وگو کنند. می گفتند در خانه ضبط می کنیم. از شهید جهان آرا یک نوار فیلم تلویزیونی که همیشه پخش می شود و یک نوار صوتی



عملیات رمضان (خط مقدم)



فعالیت نیروهای مهندسی (منطقه عملیاتی رمضان)



آتشبار توپخانه خودی (عملیات رمضان)



امداد رسانی به مجروح



امداد رسانی به مجروح



شلیک ۱۰۶ (عملیات رمضان)

Martyr Mohammad Garakani

X ■ X

X ■ X

X ■ X

X ■ X



Innovation and Inventiveness: Kheibar Bridge

We can find many cases of innovation in Iran-Iraq war. As we know, this year (1387) is named by Ayat- Allah Khamenei as the year of innovation and flourishing. So this quarterly has allocated a few pages to the topic of innovations in Iran-Iraq war. For example, it discusses the background, planning, manufacturing, and construction of Kheibar Bridge in Majnoon Island referring to its problems and limitations with responsible officials.



Documents and Reports

Mentioning the date of events according to the historical documents is one of the most reliable ways in history writing. Loves or hates, interests, values, and mental issues can have very little effect on historical documents. These documents are of great value in narrating historical realities since they are provided at the time of the event by the experts and are less affected by next events.

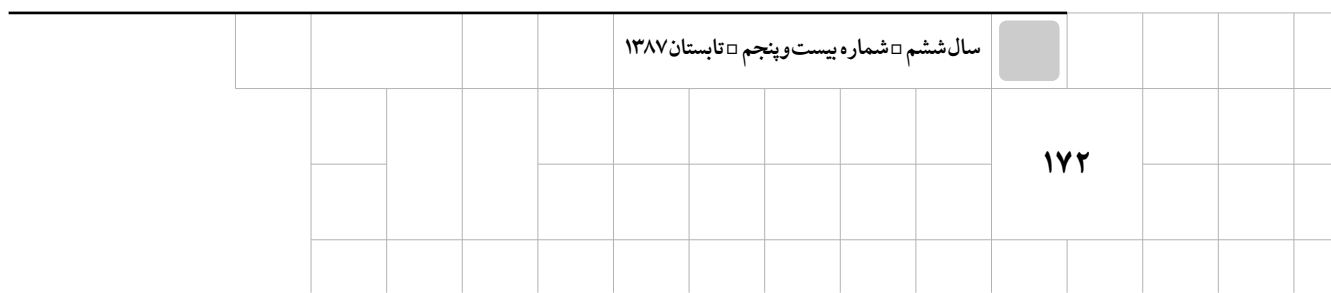
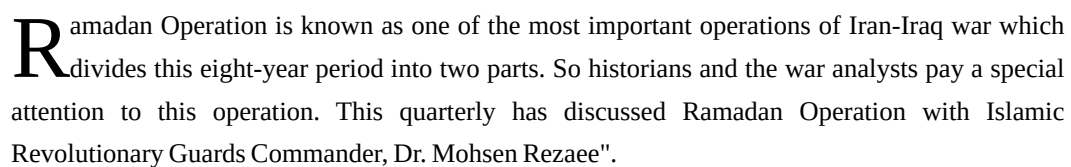
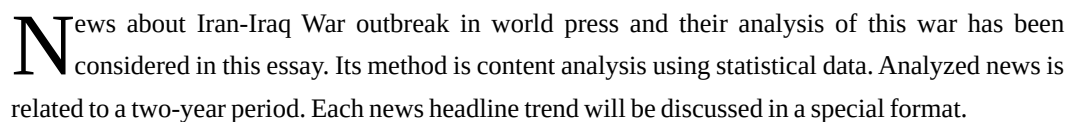
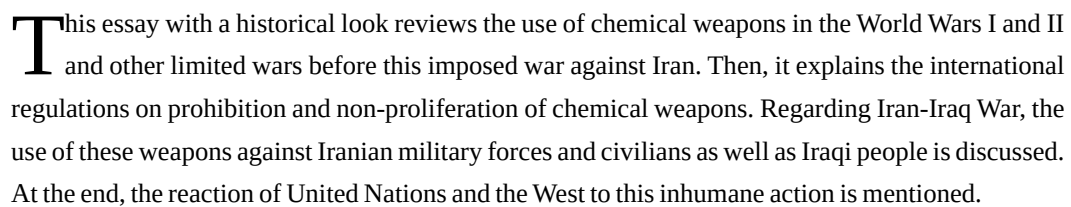
Historical documents are not of equal validity and researchers have to evaluate their reliability yet they are useful in historiography. Publishing these documents provides a suitable ground for history writing and grants a special validity to the history written. So, Negin Iran quarterly, like previous numbers, in this section wants to publish different historical documents about Iran, Iraq and other countries related to the imposed war.

Ramadan Operation can be considered as one of the main chapters of Iran-Iraq war (1359-1367). After Various Victories in Samen-ol-Aemmeh Operations (recapturing Abadan), Tarig-ol-Quds (recapturing Bostan), Fath-ol-Mobin (freeing the west Part of Dezful), and Beit-ol-Mogaddas (recapturing khorramshahr), Iranian forces had to halt (14-30 July 1982) in Ramadan Operation. It was the first unsuccessfulness after all those victories. This issue, despite its achievements (destroying a noticeable number of enemy soldiers and equipments, proving Iranians' determination to restore their rights, preventing from nonalignment conference in Baghdad ...), had caused some concerns and anxieties in Iran's camp. Ramadan Operation reminded us that the shift in fighting field and adopting an absolute defense strategy by the enemy caused us, unlike the past, to adopt new plans and provide new conditions, without which we wouldn't be able to reach the desired results.

For different reasons (that our soldier's unsuccessfulness was the most important of them), sufficient attention was not given to different aspects of Ramadan Operation. So, this quarterly tries to allocate a section to this operation and its related documents (some of which are available only in the archive of Holy Defense Documents Center) to have a new narration of this operation and its difficult conditions.



This essay is about the Iraqi nation involved in Iran-Iraq war and two Iraq-America wars. The writer of this paper has done a wide field research among Iraqi war prisoners in Iran and among Iraqi military refugees in other countries. He has used the statistical findings of this research to support his explanations. He has written about Iraqi people motivations to take part in these wars. Further, he examines pathology of Baath regime strategy in keeping different forces in scene and their position after the war.



Abstracts

Future Studies and Deterrence

Dr. Farhad Darvishi

Understanding future evolutions is a necessity for governance in this developing world. In military affairs, deterrence, elaborated in this part, is a way of countering probable future conflicts.



The Relation between Military Necessities and Humanitarian Principles in Armed Conflicts Law: Balance or Restriction

Dr. Saleh Rezaee

Preventing or minimizing life and property losses in different Wars is the main and the most important aim for armed conflicts law. This branch of law pays attention to achieving this aim through observing military necessities and humanitarian principles simultaneously. Military necessities explain the necessity of the war termination and humanitarian principles confine struggling and fighting ways for the two sides. Although rapid ending of wars is a main goal for armed conflicts law, it doesn't insist on their termination at any rate and through any possible way. According to this law, the two sides are not free limitlessly to refer to the military necessities as an excuse for violating the rules and regulations. They are allowed to continue the war only under some special conditions. Armed conflicts law reminds the importance of human rights in the wars. However, between humanitarian and military necessities, priority is given to the latter one. This essay tries to examine the meaning, conditions, and the extent of military necessities and their contradiction with humanitarian considerations in the light of armed conflicts law.





Contents

In Company with Holy Defense Document Center Reporter



A Report on Fajer Headquarter Function in Ramadan Operation

135

✍ Mohammad Garakani ^{Martyr}

Chronology of Iran-Iraq War



Iran-Iraq War Chronology: Summer 1980 (Setting Premises for War Outbreak)

143

✍ Sajjad Nakhaei

Book Review



A Poisonous Affair: America, Iraq, and the Gassing of Halabja

153

✍ Dr. Heidar Ali Balochi

Information



Book Review: 'Khoramshahr in a Long War

157

✍ Zahra Abou Ali

The War in Picture



167

Contents

Editorial Note

Future Studies and Deterrence

5

✍ Dr. Farhad Darvishi

Articles

The Relationship between Military Necessities and Humanitarian Principles in Armed Conflicts Law: Balance or Restriction

9

✍ Dr. Saleh Rezaee

The War Generation in Iraq: A Case of Failed Etatist Nationalism

15

✍ Faleh Jabar
(Askar Gahramanpoor)

Iraq's Use of Chemical Weapons Against Iran and Its Strategic Consequences: A Comparative Study

33

✍ Dr. Heidar Ali Balooji

Content Analysis of World Press Regarding Iran-Iraq War

45

✍ Rogayeh Mohammadi

Roundtable

The Unsaid Realities about Ramadan Operation: An Exclusive Interview with Dr. Mohsen Rezaee

63

Innovation and Inventiveness

Locked and Paused Ramadan Operation Worked as a Sparkle of A New Operation in Hour

75

Organizing Anti-Tank Teams and Hunting Iraqi Amour in the East Basreh

81

Iran-Iraq War Documents and Reports (Special Part on Ramadan Operation)

Ramadan Operation: Collapse of Conventional old Strategies and Beginning of new Innovative Approaches

83

Reasons for Iran's Crossing Iraq's Border after Recapturing Khoramshahr

87

✍ Ali Reza lotfollahzaadegan

Explaining Ramadan Operation to Its Operating Forces: the Main Concern for IIRG Commander after the Operation

95

✍ Hadi Nakhaei

An Abstract of a Report about Ashora Brigade in Ramadan Operation

107

Triangular Obstacles: Iraq's Defense Tactics in Ramadan Operation

117

Ramadan Operation: A Statistical Review

119

Ramadan Operation from Iraqi Point of View: East Basreh Combats Explanations (Ramadan Operation)

121

A Document from Monafegin: An Introduction to Ramadan Operation and the Future of the War

131

An Iraqi Document: Iraq's Understanding of Basij and IIRG

133

In The Name of God

The Quarterly on Holy Defence



**NEGIN
IRAN**



Vol.6 □ No.25 □ Summer 2008

Publisher IIRG's Holy Deffence Document Center

Editor in Chief Major General Mohammad Ali Jafari

Vice Editor - in - Chief Dr. Hussein Ardestani

Editor Dr. Farhad Darvishi

Editorial Committe Members Dr. Gholam Ali Rashid, Dr. Hussein Alaei, Dr. Hussein Ardestani, Dr. Farhad Darvishi, Hassan Rahimpoor Azghadi, Dr. Mahmood Yazdanfam

Internal Manager Seid Masood Mousavi

Edited by Farahnaz Naeimi

Page Setting & Cover Designer Seid Abbas Amjad Zanjani

Type Zahra Talei

Publishing Supervisor Mohammad Behrozi

Support Affairs Mohammad Shariati

Address 8/1 Boromand Alley, Martyre Varkesh St & South Mofatteh Ave, Tehran, Iran.

Email neginiran@gmail.com

Telefax +98 21 - 88307282

Price 12000 R